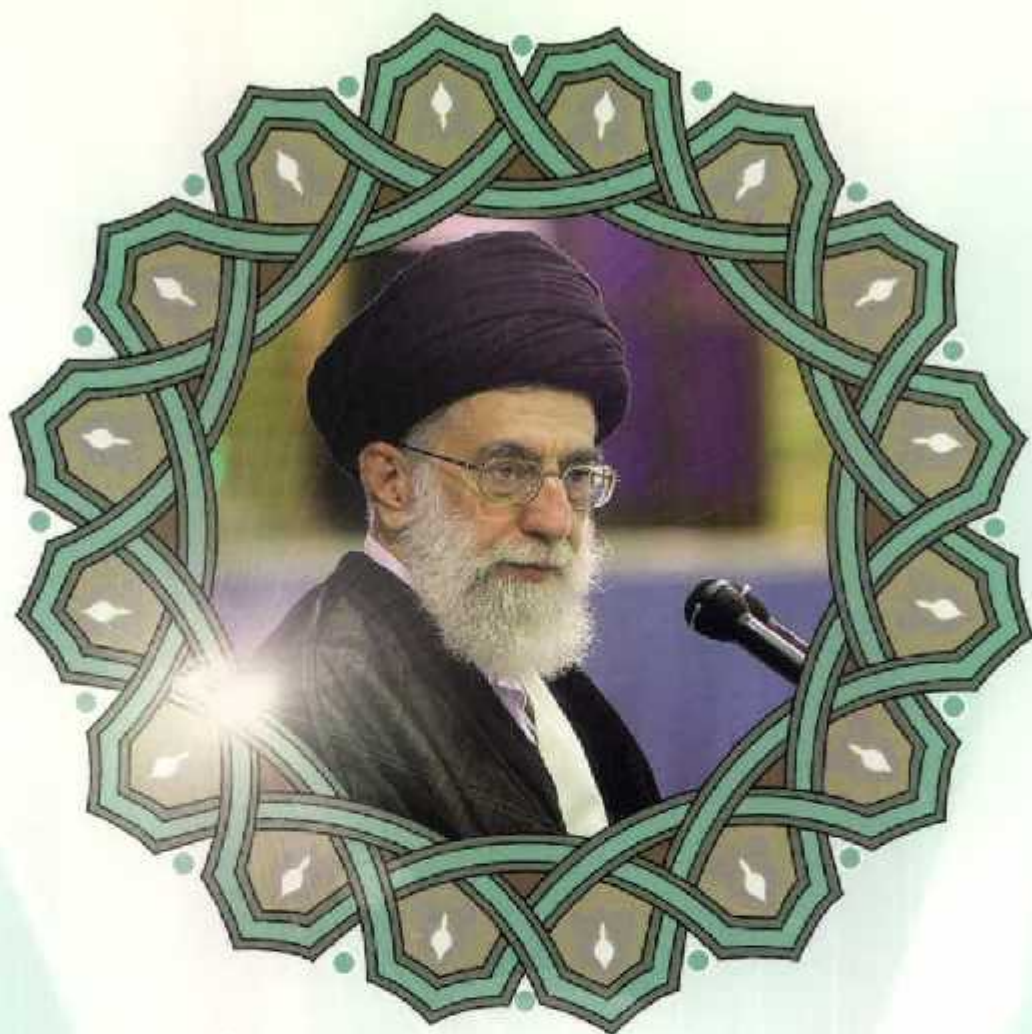


- دستاورد یکصد سال شهرداری؛ گامی به پیش
- بررسی اندیشه های جنبش سبز در رابطه با شهر
- کوششی یگانه در از میان برداشتن مشکلی دیرپا
- بندر عباس؛ شهر - بندری با چند رخساره
- سازمان شهرها و حکومت های محلی متحد
- نظام ارزیابی عملکرد شهرداری های جهان



امروز خدمت به ایران
و
خدمت به ملت ایران
عبارت است از
خدمت به اسلام

ما می توانیم

محور اصلی: سده شهرداری ها

طرح روی چند مربوط به محور اصلی
 عکس پشت جلد: ساختمان شهرداری ترکیه

- ۱- مطالب مندرج در ماهنامه لزوماً بیانگر دیدگاه های سازمان شهرداری ها و دهیاری ها نیست
- ۲- ماهنامه در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است.
- ۳- مطالب ارسال شده هیچ وجه بازگردانده نخواهند شد.
- ۴- استفاده از مطالب و طرح های ماهنامه تنها با ذکر مناسبت مجاز است.
- ۵- مقالات نباید با دیسکت یا لوح فشرده در محیط (فارسی Word XP) همراه باشد.

صاحب امتیاز: وزارت کشور- سازمان شهرداری ها و دهیاری ها

مدیر مسئول: سید مهدی هاشمی

نسر دبیر: عبدالعلی صاحب محمدی

زیر نظر: حسن لاسری پور

هیئمت تحریریه:

عباس جلالی، مصطفی رستمخانی، بهزاد تیمور پور،

مهدی قاضی فکور، فریاد نقره، محمد رضا جمشیدیل،

آرش، سراسی

طراحی و صفحه آرایی:

امیر شرف- آتلیه موسسه فرهنگی دنیای تعذیه و سلامت

ویواستار: فاطمه قزوهی

همکاران این شماره: امیر وثایی- نانا قدیمی

شمارگان: ۵۰۰۰

ناشر: انتشارات سازمان شهرداری ها و دهیاری ها

| | |
|-----|---|
| ۴ | یادداشت |
| ۵ | گزارش اصلی |
| ۱۴ | اندیشه و پژوهش |
| ۱۸ | گفت و گو |
| ۲۳ | سده شهرداری ها |
| ۲۴ | قانون شهر |
| ۳۱ | از نگاه شهردار |
| ۳۳ | شهرداران سال های دور |
| ۵۰ | طرح و شهر |
| ۵۷ | آموزش |
| ۶۲ | رهاورد سفر |
| ۶۴ | دیدگاه |
| ۶۹ | پژوهش سده |
| ۷۳ | گزارش سالانه دور |
| ۷۷ | استفاد از کوبه های شگنی با خیلان های استفاده محدودا کابی |
| ۸۱ | گنبد تلووس شهری با طراحی نوین: سفر گرا بلنه منطقه شهرداری مشهد: ارائه کنترل |
| ۸۴ | توسعه سازی شرکت های انرژی بلنه ی تپولن ا مریدیزلی |
| ۹۱ | تقاضای شهر |
| ۹۶ | تجزیهات جهانی |
| ۹۸ | شهرها و شهرداری های جهان |
| ۱۰۹ | الجار کوتاه |
| ۱۱۴ | گزارش خبری |
| ۱۱۰ | پنک شهر و یک نگاه |
| ۱۱۲ | آمار شهر |
| ۱۱۵ | واژگان شهری |
| ۱۱۲ | معرفی پایگاه شبکه |
| ۱۱۴ | تازه های نشر |
| ۱۱۶ | بخش انگلیسی |



جامعه تجربه نسبتاً طولانی مذکور فاقد خصلت تلوم و روند تکاملی بوده است. شهرداری‌ها به عنوان شاخص ترین سازمان محلی در طی سال‌های گذشته روند کنار گذاشتگی و اضمحلال شدیدی را به نفع نهادها و سازمان‌های دولتی تجربه کرده‌اند. در ایران بر خلاف روند رایج در جهان بیش از ۲۵ سال است که به طور مرتب از میزان اختیارات و حیطه عمل شهرداری‌ها کاسته شده و با ایجاد سازمان و نهاد جدید مستقل و منفک از شهرداری‌ها بخشی از وظایف به عهده این سازمان‌ها گذارده شده است و شهرداری‌های ایران در روند اضمحلال و کنار گذاشتن تدریجی خود همواره کوچکتر و ضعیفتر و در هدایت توسعه شهری کم تأثیرتر شده‌اند. در واقع امروز شهرداری‌های ما عمدتاً وظایفی را انجام می‌دهند که اصطلاحاً بر زمین مانده و دیگر سازمان‌ها حاضر به انجام آن‌ها نیستند ضمن آن که برخی وظایف هنوز به علت نبود امکانات و توانایی‌های لازم عملاً فراموش شده‌اند. تقلیسه قانون بلدییه پیش گفته و ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها (مصوب ۱۳۳۴) و محدودیت‌های اعمال شده در آن تنها بخشی از روند حاکم بر مدیریت شهری (مکتوب) است. نتیجه این روند تضعیف شدید توان عملکردی شهرداری‌ها به گونه‌ای است که امروزه در انجام کمترین وظایف خود دچار مشکل و برای تقبل وظایف ظاهراً جدید حتی خود آنها با تردیدهای جدی مواجه هستند؛ البته در سالهای اخیر اقدامات فردی برخی شهرداران و مستندات قانون ارائه شده فضای جدیدی را پیش روی مدیریت شهری گشوده است. نخستین قدم باور و اعتقاد به ضروری بودن شیوه‌های نوین مدیریت شهری است. متولیان امر می‌بایست به توانمندسازی شهرها و شهرداری‌ها و بلور مدیران شهری توجه کافی مبذول داشته، این امر را با جدیت پیگیری کنند آموزش در تمامی سطوحها رکن اساسی این مهم است. تجربه یکصدساله و حرکت آرام در این مسیر می‌بایستی محرک ما برای دستیابی سریعتر به اهداف پیش رو باشد. باری یکصد سال وجود شهرداری با رویکردی نوین به عنوان تاریخ مدیریت شهری بهترین تجربه برای بهره‌برداری است و غافل ماندن از آن خسارت‌هایی عمده در پی خواهد داشت.

شهر باید حافظ منافع و سامان خوشبختی ساکنان خود باشد. ارمان یاد شده در دنیای معاصر با اهداف نظری عمده‌ای همچون «دولت کارآمد»، «حاکمیت خوب شهری»، محلی‌گرایی و تجدید حمایت سازمان‌های محلی تلفیق و پیگیری شده است و به خوبی حیطه جامع و گسترده وظایف مدیریت شهری را تبیین کرده است. امروزه دغدغه مشترک شهرداران و مدیران شهری عدم تحقق مدیریت واحد شهری است. مشکلات فراوان شهری به ویژه شهرهای بزرگ در ظاهر با تاروی مدیریت واحد شهری درمان پذیر خواهد بود. تعدد پراکندگی مراکز تصمیم‌گیری عواقب خود را به شکل معضلات شهرنشینی در ایران نمودار ساخته است. تگاهی دوباره به یکی از معنود اسناد باقی مانده مکتوب در عرصه مدیریت شهری، کتابچه قانون بلدییه ۱۳۳۵ ه.ق، دورنمای وسیع پیش روی بلدییه (شهرداری) در یکصد سال قبل را مقابل دیدگان ما قرار می‌دهد. در بخشی از یک بند این سند تنها یکی از وظایف بلدییه آن چیزی است که به عنوان وظایف شهرداری می‌شناسیم...:

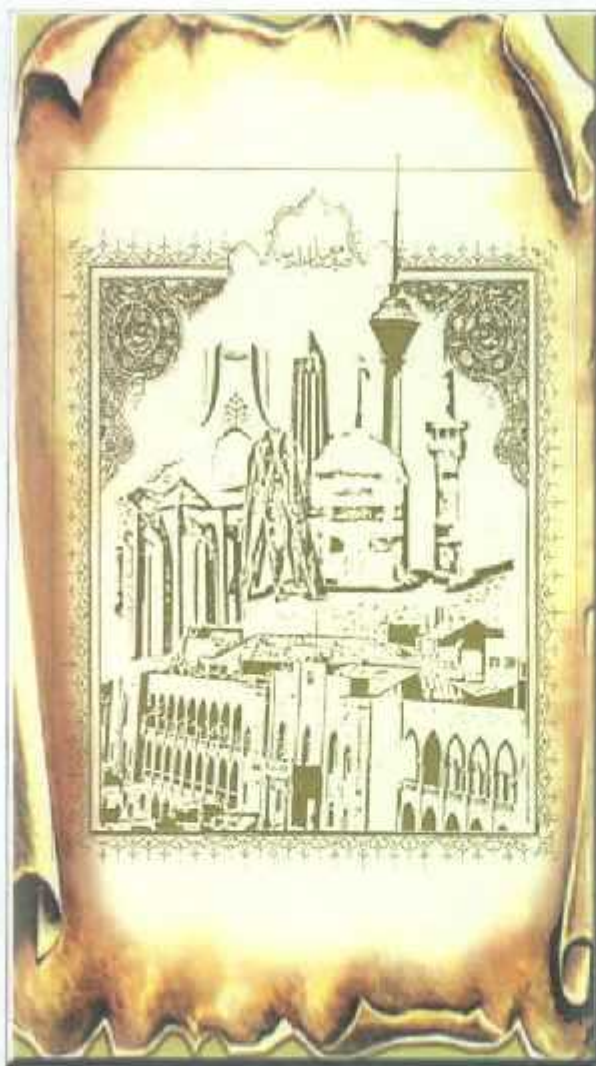
ولیعاً ساختن و پاک نگاه داشتن کوچه‌ها، خیابان‌ها، میدان‌ها، بازنگاری تاریخ یکصدساله و شهرداری‌ها محدودیت‌های بی شماری برای ایشان را متصور می‌سازد. پراکندگی، تشتت و نبود روابط میان سازمان لازم بین عناصر مختلف مدیریت شهری و نبود حداقل تفوق عملکردی شهرداری و شورای شهر بر امور شهری و نهادهای ذیربط را می‌توان جزء خصلت‌های اساسی مدیریت شهری در ایران دانست. خصلت‌هایی که ریشه در الگوی نظام اداری و قانون گزار کشور داشته و در نهایت حاصلی ندارد جز آنکه گفته شود اصولاً نظام اداری ایران فاقد رده مدیریت شهری (محلی) است؛ کما این که در حال حاضر ۲۵ نهاد رسمی در اداره امور شهرهای ایران دخالت دارند. با حداقل هماهنگی‌ها و روابط افقی لازم بین این نهادها، در این میان شهرداری فقط یکی از این ۲۵ نهاد است آن هم بدون کمترین اختیار لازم.

شهرداری‌های ایران با مفهوم و قرم نوین خود تجربه ای در حدود یک سده را پشت سر گذاشته‌اند و از این دیدگاه در میان جوامع در حال توسعه جزء شهرداری‌های پیشتاز به حساب می‌آید، اما به علل مختلف و مشخصات تمرکزگرایی حاکم بر کل

دستاوردهای یکصد سال شهرداری

گامی به پیش

● عباس جلالی
● دانیال جلالی



از دیدگاه تاریخ و با نگاهی بر گذشته، زحمتی را از نظر می‌گذرانیم که شهرداری‌ها پای به عرصه‌ی وجود نهادند، رشد کردند و ساختار کنونی را یافتند. در گفتگویی با استادان سعید نیا، کاظمیان و برک‌پور دستاوردهای یکصد سال شهرداری را به نظاره می‌نشینیم. در این گفتگو واژه‌ی شهرداری به صورت عام است و شامل همه‌ی شهرداری‌های ایران.

پس از اداری آحتسابیه و تنظیمیه در دوره‌ی ناصری و پس از آن، در گیرودار انقلاب مشروطه که انجمن‌های محله تشکیل شدند، توانستند جهشی چند ساله را در امور شهری پدید آورند. اگرچه قانون ۱۲۸۶ به اجرا در می‌آمد، اما با تعطیل شدن انجمن‌ها چهره بسته، قانون بلدییه و خود بلدییه به فراموشی سپرده شد تا کودتای ۱۲۹۹ سید ضیاء که با صدور فرمانی نمود و چندگانه‌اش جناب تازه‌ای به کالبد شهرداری‌ها یا بلدییه دمید، اما این کالبد، نه آن چیزی بود که در دوره انجمن‌ها بود. در این نشست با بازگشتی به سال ۱۲۹۹ خواهیم دید که در بازه‌ی زمانی یکصد ساله، چه دستاوردهایی از وجود شهرداری در ایران را می‌توان برشمرد. در این گزارش با دو نگاه به مقوله خواهیم نگریست: یکی این که ممکن است این دستاوردها کالبدی باشند؛ گرچه بسیاری می‌گویند این دستاوردها، کارهایی مانند آسفالت و یا لوله کشی آب بوده که اهمیت چندانی ندارند. از دید ما حتی اگر تنها دستاورد شهرداری‌ها، این‌ها باشد، باز هم دستاورد به شمار می‌آیند. دومین گروه از دستاوردهای شهرداری، دستاوردهای کارکردی برای شهر و شهروندان است که این مقوله را می‌توان در این دو بخش دسته بندی کرد. حال ببینیم کدام دستاوردها را در این دو بخش



می‌توان دسته‌بندی کرد:

حمله استاد سعیدی نیز از دید شما آیا نهاد شهرداری در ایران یک تقلید صرف تجربی است یا به وجود نهادهایی در گذشته‌ی فرهنگی ایران اعتقاد دارید؟

سعیدنیا: بلدیة شهرداری، قوانین مربوط به شهر و تاریخ عمومی ما و تحولاتی که اشاره کردید هیچ یک از هم جدا نیست. در ۱۲۸۶، یک‌سال بعد از امضای فرمان مشروطه در مجلس اول، این قانون تصویب می‌شود، اما این قانون همراه دیگر قوانینی که در این دوره تصویب شدند دچار آسیب‌هایی می‌شوند تا می‌رسد به زمان حاضر. در بیش‌تر زمینه‌های دیگر زندگی ما نیز همین پدیده رخ داده است به نظر می‌رسد بررسی صدسال تحول دوره‌ی دموکراتیزه شدن ایران از بررسی‌هایی است که باید انجام شود. بلدیة مجلس، حکومت مشروطه و نهادهای مردمی سازمان یافته و مدیریت سیاسی کاملاً مدرن هستند و سابقه قبلی هم نداشته است. چون در آن زمان اداری جامعه بیش‌تر به شیوه‌ی کدخدائی متشی بود و تنها قوانین شرعی و عرفی حاکم بود. قوه قضائیه و قوه مجریه را هم در اختیار نداشتیم. نخستین تحولات مدرنیته ما در زمان عباس میرزا بود، ولی تحقق این اهداف در زمان ناصرالدین شاه رخ داد. در فراموشی همین پادشاه بود که ادارهای به ریاست اعتمادالسلطنه بنا نهاده می‌شود. هدف این اداره تنها نظافت گذرگاه‌ها بود. پس از چندی شورای دولتی تشکیل می‌شود و کار شهرداری آغاز می‌شود. توسعه تهران در سال ۱۲۸۴ ق/ ۱۲۶۴ خ شروع می‌شود؛ خیابان و میدان‌های جدید هم در این دوره شکل می‌گیرد.

به هر حال ما تحت تأثیر تحولات جهانی، نه فقط غربی، متحول شدیم. بیشتر این تحولات هم آمریکایی بود که در درستی، قدرت و صداقت او هیچ تردیدی نیست. این تحول در انقلاب مشروطه تحقق پیدا کرد؛ یعنی تبدیل به نظام نهادینه شد. سازمان حکومتی تعریف پیدا کرد؛ بدین معنا که قوه مجریه، قوه قضائیه و قوه مقننه تشخیص یافتند. نهادهای جدید هم تعریف شده و قانونمند شدند؛ حتی قوانین عرفی و شرعی قبلی هم در چارچوب قانون مدنی تنظیم شد. در حقیقت سیستم نوین حکومت مشروطه در ایران، با تمام نهادهای مربوطه‌اش از جمله: انجمن شهر و بلدیة شکل گرفته. هنوز چندان از عمر این قوانین نگذشته بود که استبداد صغیر دگریار تمام نمایندگان را گرفت، به دار آویخت. انجمن ایالتی خودش را جانشین مجلس شورای ملی اعلام کرد و مبارزه دوباره در گرفت. این مبارزه‌ها دستخوش مسائل گوناگون شدند؛ جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) بزرگ‌ترین صدمه را به نهادهای تازه شکل گرفته، ایران زد؛ زیرا ایران مرکز درگیری‌های دشمنان و بیگانگان شد، اما با این‌که استبداد صغیر نهادهای ما را در هم شکسته، آزادی خواهان سیستم را برقرار کردند ولی با پادشاهی احمدشاه که چهارده پانزده سالگی پادشاه شد؛ بالاگرفتن جنگ و اشغال کشور بود و سرکشی عشایر و اجامر و تمام نهادهای به دست آمده روی به ویرانی نهاد؛ حتی دولت زیر سؤال رفت و

فحلی، گرسنگی و بیماری در کشور زیاده کشید تا سال ۱۹۱۴ که روسیه و انگلیس تصمیم گرفتند، ایران را بین دو کشور تقسیم کنند و همین کار به تمام ارگان‌های مشروطه صدمه زد. بلدیة هم در همین فاصله دچار مشکلات شد. در این فاصله حکومتی مردمی و ملی هم جای خودش را دوباره به آن اشراف مستبد نوره‌ی قاجاریه چون عینالدول‌های که مشروطه در زمان او علیه‌اش قد علم کرده بود، داد. پس جنگ اول جهانی، عوامل ضد مشروطه و آزادی زمینه‌های مادی لازم برای تشکیلات حکومت دموکراتیک در ایران را به شکل‌های مختلف ناپود و تضعیف کردند و شهرداری را نیز همین‌طور. تا این‌که کودتای ۱۲۹۹ خ صورت گرفت؛ این کودتا برای تحقق مشروطه شکل نگرفت؛ بلکه چون امنیت در کشور نبود نیروهای گوناگونی که در سراسر کشور مردم را غارت می‌کردند یا می‌کشند و شرایط بسیار ناامنی به وجود آورده بودند، این کودتا تنها راه‌حل به نظر می‌رسید. رضاخان سردار سیه‌امینت را به کشور برگرداند. در آن شرایط مهم‌ترین مسأله حکومت رضاخان ایجاد امنیت بود که در سال ۱۳۰۴ با خشونت خاصی خودش برقرار کرد.

در این شرایط با وجود ناامنی، زورگویی و حکومت نظامی که حاکم شده بود، باز هم نهادهای دموکراسی کار خودش را انجام داد. مجلس سوم و چهارم توانست تشکیل شود، ولی مقام در مجلس دعا بود و دولت آقای پیرنیا و مستوفی مدام در رفت و آمد و عزل و نصب بودند. به این ترتیب رضا خان شاه شد و یک‌باره نظم و دیسیپلین حسن را حاکم کرد. نمایندگان مجلس را هم خودش انتخاب نمود و قانون انجمن شهر را منحل کرد، ولی کوشید شهرداری‌ها را به عنوان یک ارگان وابسته به وزارت کشور تقویت کند. راه‌ها و بهداشت مسأله داشت. در نظمی که وی می‌خواست برقرار کند، شهرها جزو برنامه قرار گرفتند؛ در سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۲ تمام تلاش دولت رضائاتی متوجه سروسامان دادن فیزیکی به شهرها، ایجاد خیابان، مراکز دولتی، استانداری، فرمانداری، مدرسه و بیمارستان بود و عملاً مردم هیچ مشارکتی در اداره‌ی کشورشان نداشتند تا زمانی که دوران رضاشاه خانمه پیدا کرد.

اول جنگ بعد ناامنی و بعد دیکتاتوری حاصل از ناامنی و جنگ برای سروسامان دادن به امور، تمام نهادهای مردمی ما را ناتوان کرد. دولت؛ همین‌طور مجلس و قوه قضائیه را دست نشانده کرد و از جمله شهرداری که ماند برای مردم ضعیف و فقیری که در این شهرها و شهرستان‌ها کار می‌کردند و امکان ساختن یک راه یا خیابان را هم نداشتند. دولت کار را به دست گرفت و با گرفتن ۱۰ شاهی از عوارض بنادر و تخصیص دادن آن به شهرداری‌ها اندک مجالی پیش آمد که مثلاً خیابانی بی‌اسفالت بکشند. به این ترتیب تنها قانونی که می‌تواند بگوید که بلدیة در این دوره وجود داشته قانون ۱۳۱۲ تعویض تعمیر معابر است.

حمله با این‌که پاسخ کاملی به پرسش نخست داده شد، می‌خواهم دیدگاه آقای دکتر کاظمیان را هم درباره‌ی این پرسش بدانم.



کاظمیان: ما هر دو حالت را در شهرداری خودمان داریم؛ یعنی هم یک سابقه‌ی طولانی در زمینه‌ی شهرداری و شهرتیشینی و اداره‌ی شهرهایمان داریم که در مقاطعی این سابقه خیلی هم درخشان است؛ به لحاظ مدیریت شهری، ضوابط و مقررات اداره شهرها و ساخت و ساز شهرها سلسله‌ی صوفی نمونه‌ای باز است. این روند تاریخی در اداره شهرها تا انقلاب مشروطیت با افت و خیز ادامه دارد. به عنوان نمونه احتسابیه، در آن زمان توانش را به خوبی نشان می‌دهد. در سال ۱۲۸۶ گسستی اتفاق می‌افتد که آن فرایند و محتوایی که وجود دارد را تقریباً قطع نموده‌به جای آن قانون جدیدی تبعیت از فرهنگ غرب و قانونگذاری غربی و به ویژه قوانین بلژیک و فرانسه نوشته می‌شود. از این به بعد به نظر می‌آید تناقضی اتفاق می‌افتد. ما در آن زمان یک محتوای قدیمی داشتیم و یک فرم جدید. در طول صدسال گذشته و تاریخ شهرداری ما این کشمکش و جابه‌جایی است که بین این فرم و محتوا اتفاق می‌افتد؛ یعنی فرمی را ساختیم که برخاسته از شرایط تاریخ فرهنگی، اجتماعی و مدیریت شهری در ایران نیست؛ اما فرآیندهایی که در این فرم اتفاق می‌افتد به هر حال ادامه‌ی همان شرایط داخلی و بومی خودمان است. این فرم مدیریت شهری طبعاً در ارتباط با فرم‌های مدیریت‌های دیگر؛ از جمله: مدیریت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و سطح‌های مختلف مدیریت در مدیریت شهری منطقه‌ای یا استانی و ملی قرار می‌گیرد؛ به هر حال این جا به جایی‌ها، کشمکش‌ها و تناقض‌ها همیشه ادامه داشته؛ بنابراین در فرم تقلید انجام می‌گیرد و در قانون و شکل مدیریت شهری این تفاوت یا محتوای و گرایش‌های بومی وجود دارد.



احمد سعید نیا
شهر ساز برگزیده

در خواست‌های مشروطه‌خواهان در ۷ بند اعلام می‌شود، ولی یکی از مواردی که انتقال می‌شود، تعدد و تنوع وزرایی است که دولت می‌خواهد معرفی کند و یا افرادی مثل مسیو نوز بلژیکی است. فرستادگان دور هم می‌نشینند و مشیرالدوله از طرف دولت می‌گوید که دولت می‌خواهد هزار وزیر داشته باشد. شما با وزرایی که دولت به شما معرفی می‌کند، طرف هستید. شما چه کار

دارید که دولت فلان قدر وزیر دارد. سعدالدوله می‌گوید: در دولت مشروطه وزرا باید مسؤول باشند و غیر از وزرایی معین هیچ وزیری خواه افتخاری یا رسمی نباید باشد. خواست ما درست گردانیدن قانون است که کاستی‌ها آن برداشته شود. مشیرالدوله می‌گوید کسی‌های آن چیست؟ سعدالدوله می‌گوید: وزیران؛ به اندازه بودن شماره‌ی آنان و برداشته شدن فزونیات؛ یعنی مشروطه خواهان به این سطح از درک و شعور رسیده بودند که می‌گفتند: اگر کسی می‌خواهد اداره‌ی امور را به دست بگیرد باید ببینیم که چه کسی است و باید پاسخگویی کارهای خودش باشد؛ یعنی ارزش‌هایی که امروزه در اداره‌ی امور شهر و مملکت طرح می‌کنیم: پاسخگویی، مسؤولیت، روشن بودن می‌خواهیم بگوییم این‌ها در انقلاب مشروطه مطرح شده است. قبل از این که قانون بلدیه تصویب شود، در همین درخواست‌ها یکی درخواست تشکیل انجمن محلی در ایالت و ولایات است؛ یعنی مشروطه خواهان درخواست می‌کنند که این انجمن‌ها بیایند سر رشته امور را در دست بگیرند. گمان می‌کنم که این کار را در تبریز کرده بودند؛ یعنی انجمن‌های محلی شکل گرفته بودند. درست است که انجمن‌های محلی فعالیت و نقش اصلی که داشتند نقش سیاسی و انقلابی بود، اما در کنار آن خدمات اجتماعی و خدمات عمومی را نیز اراده می‌کردند و این زمین‌های بود که تحولی این چنینی در اداره‌ی شهر مطرح شود و شکل بگیرد. این مثل خودش را در قانون بلدیه نشان می‌دهد و دلیل ناکامی آن صرفاً بعضی از عوامل اجتماعی؛ مثل جمعیت شهرنشین ایران است. این جمعیت در آن زمان ۱۵ تا ۲۰ درصد بود؛ سطح سواد عمومی کم و تجربه‌ی عمومی ناچیز بود. این‌ها دلایل اصلی بود که باعث شده عمل اداره امور شهر براساس قانون بلدیه شکست

خورد. ما هر دو حالت را در شهرداری خودمان داریم؛ یعنی هم یک سابقه‌ی طولانی در زمینه‌ی شهرداری و شهرتیشینی و اداره‌ی شهرهایمان داریم که در مقاطعی این سابقه خیلی هم درخشان است؛ به لحاظ مدیریت شهری، ضوابط و مقررات اداره شهرها و ساخت و ساز شهرها سلسله‌ی صوفی نمونه‌ای باز است. این روند تاریخی در اداره شهرها تا انقلاب مشروطیت با افت و خیز ادامه دارد. به عنوان نمونه احتسابیه، در آن زمان توانش را به خوبی نشان می‌دهد. در سال ۱۲۸۶ گسستی اتفاق می‌افتد که آن فرایند و محتوایی که وجود دارد را تقریباً قطع نموده‌به جای آن قانون جدیدی تبعیت از فرهنگ غرب و قانونگذاری غربی و به ویژه قوانین بلژیک و فرانسه نوشته می‌شود. از این به بعد به نظر می‌آید تناقضی اتفاق می‌افتد. ما در آن زمان یک محتوای قدیمی داشتیم و یک فرم جدید. در طول صدسال گذشته و تاریخ شهرداری ما این کشمکش و جابه‌جایی است که بین این فرم و محتوا اتفاق می‌افتد؛ یعنی فرمی را ساختیم که برخاسته از شرایط تاریخ فرهنگی، اجتماعی و مدیریت شهری در ایران نیست؛ اما فرآیندهایی که در این فرم اتفاق می‌افتد به هر حال ادامه‌ی همان شرایط داخلی و بومی خودمان است. این فرم مدیریت شهری طبعاً در ارتباط با فرم‌های مدیریت‌های دیگر؛ از جمله: مدیریت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و سطح‌های مختلف مدیریت در مدیریت شهری منطقه‌ای یا استانی و ملی قرار می‌گیرد؛ به هر حال این جا به جایی‌ها، کشمکش‌ها و تناقض‌ها همیشه ادامه داشته؛ بنابراین در فرم تقلید انجام می‌گیرد و در قانون و شکل مدیریت شهری این تفاوت یا محتوای و گرایش‌های بومی وجود دارد.

سوال: قانون بلدیه اول (۱۲۸۶) که کاملاً برگرفته از قانون بلژیک و فرانسه بود، هیچ‌گاه اجرا نشد، به خاطر این که انجمن از بین رفت؛ این قانون فقط ثبت شد، اما فرض کنیم که اگر نهاد شهرداری ما با همان قانون پیش می‌رفت آیا مثل دیگر شهرداری‌های جهان حالا می‌توانستیم پایه‌ی حکومت‌های محلی را داشته باشیم یا نه؟

پرویز پور: آن ناامنی، هرج و مرج و چیزهایی که زمینه‌ی ظهور و استقبال از دیکتاتوری و استبداد را فراهم کرد، نکته‌ی بسیار مهمی است. شما در سؤال اول پرسیدید، آیا بلدیه نهادی غربی است؟

به نظر می‌رسد یکی از دلایل ناکامی بلدیه و عدم تحقق اهداف قانون بلدیه در ایران را غربی بودن آن دانسته‌اند. این نهاد برونزا و متناسب با شرایط سیاسی و اجتماعی ما نبوده و به همین دلیل شکست خورد. من تا حدی با این امر موافقم ولی اعتقاد دارم که دلایل مهمتری هم وجود داشته؛ به این دلیل که قانون بلدیه در واقع پاسخ به خواسته‌ی بود که در زمان مشروطه و تحولات جریان مشروطه ایجاد شد؛ یعنی قانون بلدیه درست است که مدلی را معرفی می‌کند که ملهم از بلژیک و فرانسه است، ولی این مدل می‌خواهد به آن خواسته‌ها پاسخ دهد، چون تجربه‌ی وجود نداشته خواه ناخواه باید از یک جایی گرفته می‌شد قبل از این که قانون بلدیه تصویب شود، در تبریز و رشت



ناصر برگ پور
عضو هیات علمی دانشگاه هنر

بخورد؛ چون متناسب با شرایط اجتماعی نبوده ولی من تصور می‌کنم، دوره‌ی بیست ساله قبل از پیروزی انقلاب مشروطه و بعد از روی کار آمدن رضاشاه ۱۲۸۰ تا ۱۳۰۰ به خوبی گویای نظریه‌ی استبداد و هرج و مرج و انحطاط است که جامعه‌ی ایرانی در دوران متمدن‌تری دچار آن بود. این امر باعث شده یک رشته تغییر و تحولاتی در جامعه در غالب انقلاب، شورش و هرج و مرج شکل بگیرد؛ یعنی در زمان مشروطه با وجود همه‌ی احوال و آرمان‌های والایی که مطرح شد، جامعه وضعیت نامنی پیدا کرده بود؛ انحطاط اجتماعی حاکم بر اواخر قاجار زمته‌ی آن هرج و مرج را فراهم کرد و آن آشفتگی باعث شد که رضاشاه به عنوان یک متجرب و مسلح اجتماعی ظهور کرده زمینه‌ی استقبال از او فراهم شود و قانون بلدییه و قانون‌های مثل

اتحادیه‌ی ایالتی و ولایتی در نطفه خفه گردد.

در نظریه‌ی دیگر در کنار عوامل اجتماعی، فراهم نبودن زمینه‌های اجتماعی، کمبود آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی و تجربه‌ی اندک نیز مطرح شده‌است. آن عوامل در کنار تحولات اساسی و ساختاری بود که باعث شد، هدف بلدییه تحقق پیدا نکند. از این لحاظ من اعتقاد دارم که مثل بلدییه غربی است ولی خواسته‌هایی که در این مدل مطرح می‌شود به شدت ریشه در واقعیت‌های اجتماعی تاریخی خودمان دارد.

سولیا دکتر کاظمیان نظر شما در اینباره چیست؟

کاظمیان: من فکر می‌کنم اگر قانون سال ۱۲۸۶ در ایران عملیاتی میشد باید تعجب می‌کردیم؛ چون این قانون به هیچ وجه زمینه‌ی اجرایی در ایران نداشت. این قانون برخاسته از نپادهایی بود و متجر به شکل سلطنتی در کشورمان می‌شد و ساختار حقوقی را برای ما ایجاد کرد که اصلاً چنین نپادهایی در کشور ما وجود نداشت؛ در اروپا این چنین بوده که شهرها دور از هم بود و ارتباطی با هم نداشتند و در واقع شهر وابسته به روستا و کشاورزهای فتودالیده بوده، اما در کشور ما همیشه شهرها یک شبکه شهری بودند که به خاطر آن ساختار و نقش اداری که بازی می‌کردند خیلی هم ارتباط خوبی با هم داشتند از سوی دیگر این شهرها با روستاها به شدت تعادل برقرار می‌کردند. یکی از خلاهایی که آن قانون داشته این بود که شهرها را به صورت یک جزیره تصور کرده که می‌تواند به صورت مستقل اداره شود؛ در صورتی که شهرهای ما هیچ وقت اینگونه نبودند.

پس از این بابت این قانون به هیچ وجه برای ما پیشرفته نبوده اما بحث این جاست که آیا این قانون برخاسته از آن نپادهای اجتماعی موجود در کشور ما بود یا خیر و ما آن را از جایی دیگر

آورده بودیم و به خاطر همین هم خیلی زود دولت توانست آن را کنار بگذارد و مقاومتی هم در این باره شکل نگرفت. چگونه ممکن است که در سال ۱۳۳۷ ما این همه وظایف نسبتاً کامل را برای شهرداری‌ها قایل می‌شویم و بعد مرتب این وظایف را یکی یکی از شهرداری‌ها می‌گیریم و به بخش دولتی واگذار می‌کنیم و شهرداری‌ها، مردم و انجمن شهر آن دوره مقاومتی نمی‌کنند؛ برای این که این برخاسته از آن نهادها نبوده و چیزی از بیرون بوده که دولت حق دارد آن را پس بگیرد و فرقی اینجاست که یک وقتی است که سیستم شورای شهرداری و مردم احساس می‌کنند که این وظیفه را اگر داشته باشند حقتشان است که شهرداری بتواند بر تمام شئون شهری دخالت داشته باشد. به عنوان شورای شهر اگر این انتظار را داشته باشد دیگر نمی‌شود به راحتی این وظیفه و اختیار را از او سلب کرد، اما اگر احساس این باشد که امتیازی بوده که دولت به این سیستم داده و هر وقت هم که لازم داشت می‌تواند از او پس بگیرد؛ آن وقت دخالت و مقاومت هم نخواهند کرد.

به نظر می‌آید در جامعه‌ی امروز اجتماعی نسبتاً بالا نسبت به ضرورت حکومت‌های محلی وجود دارد

من فکر می‌کنم که در بیشتر مواقع این گونه بوده که دولت این وظیفه را داده خودش هم پس گرفته است و مردم هم این احساس را نداشتند که آیا نمایندگان ما واقعاً بر همه‌ی شئون شهری نظارت می‌کنند؟ چون این بسیار مهم نبوده‌است.

بحث بعدی حکومت‌های محلی است؛ این نوع حکومت در هر کشوری و در هر جامعه‌ای شرایط خودش را پیدا می‌کند ولی یک نکته که به نظر می‌آید در جامعه‌ی امروز اجتماعی نسبتاً بالا نسبت به ضرورت حکومت‌های محلی وجود دارد و اگر اشتباهایی هست، به فرم، شکل و عدم انطباق این‌ها با هم دیگر یا با شرایط ماست. من فکر می‌کنم که کسی متکر ضرورت وجودی حکومت محلی نیست و ما باید ببینیم که حکومت محلی در کشور ما چه منشا و شکلی و در چه چارچوبی باید قرار بگیرد؟

سولیا اگر بخواهیم تا این جای گفتگو، جمع‌بندی به دست دهیم، این می‌تواند باشد که قانون بلدییه فرزندی بود که زود و هم در موقع نامناسب به دنیا آمد؛ از این نظر که هرج و مرج بود و دوره انحطاط و جاسه نیز آماده نبود. سعیدنیا: اجازه بدهید یک مختصر توضیح بدهیم به این جمع‌بندی برای همه‌ی انقلاب‌های دنیا هم می‌تواند صادق باشد؛ مثلاً شما انقلاب کبیر فرانسه را در نظر بگیرید یا تمام آن شعارها، نبودها و تمام آن اثرات که در اروپا و بعد در سراسر جهان گذاشته می‌بینید چه جنبایی بعد از انقلاب شد و چطور دیکتاتوری به وجود آمد و چندبار این انقلاب در سال ۱۸۱۳، ۱۸۲۸، ۱۸۷۰ تکرار شد تا زمینه تحقق دموکراسی در اروپا شکل گرفت. هیچ جا به سادگی و به راحتی دموکراسی متولد نشده در اروپا که زادگاهش بود، یک قرن طول کشید تازه این در جنگ جهانی اول دوباره سدمه خورد و در جنگ دوم جهانی چه طور هیتلر ظهور کرد؛ بنابراین آن فرایند دموکراتیزه شدن ایران یا جهان باید این مراحل را طی کند و موضوع به نظر من در تئوری

توسعه است و در تئوری بوم‌شناسی نیست. توسعه دارد، اتفاق می‌افتد. عوامل موافق و مخالف دارد و عناصر عقب مانده پیشرو دارد که در تضاد و تقابل همدیگر قرار می‌گیرند. شرایط عمومی هم گاهی دخالت دارد. در اروپا جزیره انگلیس در امان می‌ماند، ولی این نیست که دمکراسی در آستانه انقلاب گیر فرانسه بهترین بود. نخیر! زورگویی‌های نخست وزیر مشهور انگلیس خواندنی است. آن‌ها از فرانسه درس یاد گرفتند که چطور از دمکراسی استفاده کنند. فراموش نکنید دنیای جدید با قوانین خودش همه‌ی جهان را غروب شرق، شمال و جنوب را هماد خودش می‌برد؛ یعنی دورانی است به نام "دوران مدرنیته" تحت تأثیر انقلاب صنعتی رخ می‌دهد و اکتشافات مربوطه به سرمایه و نیروهای مشارکت، مردمی یکجا زودتر و یک جا دیرتر و جایی هم با هم دارند پیش می‌روند. اصلاً بوم‌شناسی یک جور انحراف است و ما را وادار می‌کند که معکوس فکر کنیم، جغرافیایی وجود ندارد همه‌ی ما داریم روش‌های جدید زندگی را با هم تجربه کنیم و هر کس که مثل استالین جلوش را بگیرد، خودش بدنام می‌شود. چرا برای این که این جریان ما جریان است بالنده، پیش‌رونده و همه‌ی دنیا با هم‌دیگر هستند. ما کشوری بودیم که اگر جنگ اول و دوم جهانی صدمه نمی‌زد می‌توانستیم دمکراسی داشته باشیم. نتیجه می‌گیریم که عصری به وجود آمده که یکی پیشرو و یکی پیرو است؛ یکی را کشتن کشتن می‌بریم مثل عرب‌ها و سیاه‌پوست‌ها ولی ما در این مدنیت شرکت کردیم؛ در این مدنیت سهم داریم؛ اقتباس نکردیم؛ بلکه احتیاج داشتیم و استفاده کردیم.

شولیا: آیا گزینش شهردار به دست شورای شهر، میتواند از دست‌آورد‌های یک‌صد ساله باشد، یا شما آن را مدنی رنگ باخته از محتمل‌ترین قدیم میدانید؟

پیرگ پور: قانون بلدیة در واقع یک مدل جدید را برای اداره‌ی امور شهر معرفی می‌کند و این مدل با تغییرات و فراز و نشیب‌هایش هم اکنون هم در ایران اجرا می‌شود؛ حالا در قانون بلدیة مدنی معرفی می‌شود که مشابه آن در بلژیک است؛ مدل رهبری جامعه که مردم انجمن را انتخاب می‌کنند؛ این انجمن هیأتی اجرایی را تعیین می‌کند؛ مثل "کلانتر، معاون". اینجا یک هیأت اجرایی می‌شوند و امور شهرداری را پیگیری می‌کنند.

در این جا دو عامل خیلی مهم است؛ یکی نحوه‌ی انتخاب شهردار است و دیگری نحوه‌ی انتخاب خود انجمن است؛ یعنی در قانون بلدیة و چند قانون بعد از این تا اواخر دهه‌ی بیست و اوایل دهه‌ی سی است که مردم و محله‌های مختلف شهری می‌آیند و اعضای انجمن شهر انتخاب می‌کنند؛ یعنی آن رابطه دمکراتیک بین انتخاب کنندگان و انتخاب شونده‌گان خیلی بیشتر برقرار است تا شیوه‌ای که به صورت یکجا مردم رأی بدهند تا دو یا سه دهه بعد مردم از محله‌ها می‌آمدند نمایندگانشان را انتخاب می‌کردند و آنجا انجمن شهر را تشکیل می‌دادند و بعد باز هم اواخر دهه بیست است که هیأت اجرایی انتخاب می‌کنند و در واقع در قانون نسبتاً جدید شهرداری "قانون تشکیل شهرداری‌ها و انجمن شهر و قصبات" است که این‌جا شهرداری جایگزین

بلدیة می‌شود و شهردار سمت رسمی پیدا می‌کند. در مدل‌های اداره‌ی شهری معمولاً شهردار آن کسی است که مردم به او رأی می‌دهند ولی در مدل‌های مدیریت شهری در ایران از آن قانون به بعد در واقع ما "مدیر شهر" داریم تا شهردار، ولی می‌شود گفت که این انتخاب شهردار یا رأی شورای شهر می‌تواند یکی از دستاوردهای انقلاب مشروطه باشد و ریشه در انجمن‌های محلی مشروطه‌خواهان دارد.

آن‌ها هستند که می‌خواهند خودشان سر رشته‌ی امور را به دست بگیرند و خیلی مشخص است. به نظر من رابطه‌ی روشنی بین هدف انقلاب مشروطه تنظیم دولت و مردم هست. مردم می‌خواهند فضای فعالیت خودشان را گسترش دهند و دولت، چه زمانی که هنوز مشروطه پیروز نشده و چه زمانی که رضاشاه می‌آید، مقاومت می‌کند؛ یعنی دولت میخواهد جلوی گسترش فضای فعالیت محلی و بومی را بگیرد. این مانع‌تراشی چه در قالب انجمن باشد و چه شهرداری فرقی نمی‌کند.

شولیا: آقای کاظمیان، منتظر شنیدن نظر شما هستیم **کاظمیان:** در واقع این که ما انتخاب مدیر شهر یا شهردار را به عهده شورا گذاشته‌ایم نسبت به زمانی که یک سازمان از دولت مرکزی وی را انتخاب یا منسوب کند، گامی به پیش است؛ چون مدیریت شهری در ذات خودش به این مفهوم است که انتخاب اعضای شورای شهر و انتخاب مدیران شهری از پایین به بالا اتفاق بیافتد؛ پس این تناقض است که بگوییم این همان "محتسب" است؛ چون محتسب از بالا منسوب می‌شود.

پس چنین انتخابی دست کم در فرم، یک گام به جلو است؛ اما این که آیا شهردار منتخب ارتباطش با دولت، شورای شهر و مردم چگونه تعریف می‌شود، جای بحث دارد که چگونه در این سه ضلع بیش‌تر به شورای شهر نزدیک باشد؛ چون به هر حال ما معتقدیم که شورای شهر و شهرداری سازمان‌های حکومتی هستند؛ بنابراین سازمان‌هایی نیستند که خارج از چهارچوب وظایف دولتی و حکومتی عمل کنند.

شولیا: آیا نهاد شهرداری در همه‌ی اشکال آن تا به حال، از همان سال ۱۲۹۹، به تعبیری که دولتی شده یا قبل آن، در زمینه‌ی ساخت و ساز چه دستاوردهای مشخص و ملموسی در شهرهای ایران داشته؛ با توجه به این که ما از سال ۱۳۰۸ نزدیک به هشتاد تا شهرداری داشتیم که با بودجه‌ی مشخص و معینی که ثبت هم شده است؟

سعید نیا: دنیایه صحبت دکتر می‌خواهم بگویم که انقلاب اسلامی پیامد انقلاب مشروطه است؛ یعنی حکومت پهلوی کار نوسازی فیزیکی شهر و مملکت را سامان داد؛ راه، ساختمان، بیمارستان، سد و مدرسه ساخت و سعی کرد با منابع درآمدی نفتی که دارد به این‌ها پاسخ بدهد؛ از جمله شهر ساخت و چندانی از شهرهای ما حاصل همین دوران هستند که از حالت سنتی و بافت‌های قدیمی بیرون می‌آیند و تبدیل می‌شوند به شهرهای مدرن؛ مثال می‌زنم مثل شهر مشهد و همدان که نخستین شهرهای هستند که حتی نقشه‌ی این شهرها را مهندسان آلمانی کشیدند؛ مثلاً شهر همدان را مهندسی کشید که رئیس



کارخانه چرمسازی بود و یا در شهر مشهد ضریبری در کنار شهر قدیم کشیدند که آن ضریبر، در چهار نقطه‌ی مهم شهر را به هم وصل می‌کند. بیصد هکتار زمین اطراف حرم حضرت رضا محله‌های قدیمی شهر یا محله‌های جدید شهر به دور این ضریبر توسعه پیدا می‌کند؛ همین‌طور در همدان، سمنان و دیگر شهرهای ما اینگونه بود که دو خیابان اساسی کشیده بشود و شهر در چهارچوب این دو یا چهار خیابان رشد کند در این دوره، میانه حکومت رضاشاه و اوایل دوره‌ی محمدرضا به بعد تا سال چهل الگوی سکونت و استقرار ساختمان‌ها در شهرسازی ما به کلی عوض شد. در آن روزهاست که خیابان حکم می‌کند؛ ساختمان‌ها در بر خیابان‌ها ساخته شود و پدنه، بالکن و پنجره داشته باشد و ورودی‌هایش تعریف شوند؛ بنابراین خیابان‌ها سیستم ساخت و ساز در شهر را تغییر می‌دهد. حتی قانون وضع می‌کنند؛ مثلاً قانونی در سال ۱۳۰۷ وضع می‌کند که باید جرز پدنه ی ساختمان‌ها آجر باشد. باید پانپاش سنگ باشد و حکم می‌کند بین جرزهای دیوار باید گچ بشود. این‌ها دستورهایی بود که شهرداری منام از سال ۱۳۰۷ که شروع کرد صادر می‌کرد؛ مثلاً بلدیہ رشت دستور داده بود که یک ساختمان بالکن نداشته باشد، ارتفاع دیوار بنا بیش از ۳ متر باشد. دیوار باید قاب آجری داشته باشد. در تهران گفته بودند که اگر می‌خواهید ساختمان بسازید باید بروید از مهندس بلدیہ اجازه بگیرید. منتها این‌ها مختصر بود و بقیه بافت شهر آزاد بود و مردم هم استقبال می‌کردند. باید تحقیق کرد که چگونه مردم از خانه‌های بسته‌ی خیلی محدود بیرون آمدند. گروهی از مردم محیط‌های آزاد را دوست داشتند پنجره‌هایی که دید داشته باشد این احساس اکنون در آحاد جامعه ما هست می‌خواهند در و پنجره بزرگ داشته باشند و ایوان این‌ها جزوی از روح جامعه‌ی ماست. شمالی‌ها و غرب ایران (زاگرس) این گونه بودند. الگوی سکونت در گیلان و مازندران یک الگوی باز است؛ یعنی ایوان دارد و ساختمان چهار طرفش باز است و آدم می‌تواند در آن حرکت کند. همه جا مثل بافت‌های اطراف کوبر نیست که بسته در سایه پنهان باشد که البته آن‌ها تأثیر و عوامل اقلیمی و قومی است؛ بنابراین گرایش به سمت خیابان و ساختمان در آن دوره تشویق می‌شود و مردم تیز دوست داشتند خانه‌هایشان کنار خیابان باشد؛ آن‌هایی هم که دوست نداشتند برایشان اجبار نبود.

برای استحکام ساختمان‌ها راهنمایی بود و آثار بافت قدیمی در شهرهایی مثل جلفای اصفهان، محله‌های قدیمی یزد و تبریز دیده می‌شود و هنوز در خیابان‌های قدیمی ساختمان‌های کهنه و فرسوده قرار گرفته است. منتها مهندسانی در اختیار داشتند که نکته‌های فنی را به کار می‌بردند؛ مثل این که دیوارها باید قاب آجری باشد و پایه از سنگ باشد. راهنمایی برای استحکام ساختمان بود. سربخیاها را قوس میدادند. این مفهوم جدید است که یک مثلث درست می‌کنند و آن را به عنوان پخی تلقی می‌کند. نمونه ساختمان‌های پایتتر از خیابان کارگر کنار میدان رازی باقی مانده که گردیشان معلوم است. در گوشه شمال و جنوب شرقی میدان فردوسی، میدان دربند و... از این دست‌اند.

بسازی از نکات را سعی کردند تغییر دهند. الگوی جدید سکونت بهبود پیدا می‌کند؛ همین‌طور روز به روز اصلاح می‌شود. دربارهی خیابان با دسترسی به بهداشت و با آفتاب و نور، مردم هم استقبال می‌کردند و کسانی هم که مایل نبودند معمولاً از امنیتی بودند که خانه‌های خیلی بزرگ و اعیانی داشتند و طبیعی بود که با این الگوی نمی‌خواند و با خیلی فقیر بودند که نمیتوانستند کنار خیابان زندگی کنند تا سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ که نقش آجرهای قرمز بهمنی در ساخت و ساز کاملاً مشهود است. این یک دهه یک تحول بزرگ در ساختمان سازی به وجود آورد برای این که تا قبل از آن آجرهای "گری" بود که خیلی گران تمام می‌شد و خیلی زحمت داشت حالا نتیجه گیری می‌کنم که در دورانی قرار گرفته ایم که حرکت می‌کند و ما خودمان را باید با آن هماهنگ کنیم؛ همان طوری که در شیوه‌های اداره‌ی شهر و مملکتباری این اتفاق افتاد تحولانی که در ساختمان سازی افتاد و بتن، آهن، شیشه و آجرکاری در تمام دنیا در همین دوران به کار گرفته شده مثلاً در انگلیس اوایل قرن بوده در ایران اواسط سده بوده در ابزارها، روش‌ها، وسایل ساختمان‌سازی، حمل و نقل و جاده‌سازی تغییر پیدا می‌کند. بلدیہ‌ی ما در حقیقت دارد زمینه‌های توسعه فیزیکی شهرهای ما را با مقرانش با دفترهای فنی یا مهندس‌های شهرسازی آن‌ها دارند به نیازهای جامعه جوابگویی می‌کنند و اگر صلاح بودند کارها خوب پیشرفته است و از یک زمانی این جوابگویی در مقابل هجوم سرمایه‌ی سنگینی بود که وارد کشور شد، حالا کاملاً پول نفت است یا هر چیز آمده تبدیل شده است به ساختمان‌های عظیم، اختیار از دست شهرداری خارج شده است؛ یعنی تا جایی که تعادل بین مسائل اجتماعی و اقتصادی و مدیریتی برقرار بود حمایت می‌کرد. حالا هم باید زحمات زیادی کشید، برای هدایت شهرها نه فقط برای تهران بلکه برای شهرهای دیگر که شهرداری‌هایشان با مسائل مختلف درگیر هستند؛ بنابراین نهاد شهرداری یک نهاد ضروری است که از نظر فیزیکی و فنی باید جوابگوی توسعه شود؛ این که چرا این نهادها که مربوط به خود مردم است و مسائل خود مردم را مطرح می‌کند جز این را به خود مردم تفویض نمی‌کند که خودشان انتخاب کنند؛ مشارکت کنند؛ خودشان با یکدیگر هم‌اندیشی و تعامل کنند و شهرستان را اداره کنند. چه لزومی به حضور دولت است؟ از مدت‌ها پیش این مسأله مطرح شده که چه ضرورتی است که دولت در اداره‌ی شهر مداخله کند، در جایی که شهرها خودشان می‌توانند خودشان را اداره کنند، جای سوال دارد.

حلیا: آیا بودن شورای کارآمد، برپالاش و آگاه این‌ها همگی صفت‌هایی است که ما می‌خواهیم برای شورا قابل شویم؟ (شهردار برگزیده‌ی چنین شورایی که همراه آن است میتواند گامی در راه استقلال بلدی و خودگردانی شهر باشد یا خیر؟) این موضوع در سال ۱۳۰۰ در مجله‌ی بلدیہ مطرح شده است. **برگ پور:** در حدس‌های پیش با توجه به مستندات قانونی و حقایق تاریخی ما کار را زود شروع کردیم. خوب شروع کردیم ولی در اداره‌ی امور محلی و اداره‌ی امور شهری در جا زدیم. آن



اهداف، آرمان‌ها و خواسته‌ها که بخشی از آن در این قوانین تبلور پیدا کرده، رشد و پیشرفت نگردد؛ باوجود این که در آن دوره خیلی پیشگام و مترقی بود. درست است که غربی بوده ولی این مدل ریشه در خواسته‌های عینی و اجتماعی ما داشت، ممکن است که این مدل دستکاری و اصلاح شده باشد، ولی آن توسعه‌ی فیزیکی درست است که به سرانجام رسیده اما توسعه‌ی اجتماعی و سیاسی عقب ماند و این باز می‌گردد به همان رابطه دولت و ملت که دولت نگه داشته و نخواست که این هم خصلت اساسی دولت حکومت در ایران بوده است، از ضرورت‌های دورانی بوده که این نهادها به وجود بیاید و در تمام زمینه‌ها رخ داده؛ مثل پیدایش شدن دانشگاه و سازمان یافتن ارتش یا هر چیز دیگر، این‌ها تقلید نیست؛ بلکه همسان شدن جهان است با هم‌دیگر، ولی چرا در ایران این اتفاق نیفتاده و چرا دولت مداخله کرد؟ مثلاً در مدل انگلیسی و فرانسوی این روش دیده می‌شود، به این تئوری انتشار می‌گویند اما در ایران که کشوری است که برای حفظ تمامیت خودش بایستی یک اعمال قدرت کند. این اعمال قدرت دولت به دلیل چندگانگی اقوام، به ویژه الگوی حکومت‌های محلی و عشایری بود؛ زیرا در تمام طول تاریخ ایران این‌ها ابواب جمع حکومت ایران بودند. از زمان خشایارشا گرفته که در لشکرکشی به یونان، عشایر و اقوام تحت اختیار دسته به دسته می‌رفتند و به عنوان نظامی به او می‌پیوستند و مثل داریوش که اقوام مختلف باید با هم وحدت می‌داشتند، مدت‌ها دولت پهلوی و قاجاری‌ها نمی‌توانست مدیریت کردن را بجا بیاورد و بگویند که این انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انجمن‌های شهر مثل سولیس شهر را اداره کند آنها باید حاکمیت خودشان را اعمال می‌کنند و این حاکمیت سبب می‌شد که حقوق مردم و قدرت این نهادها را کاهش دهد و این یک چالش بین مردم و دولت بوده و تلاطم پیدا کرد و حالا انقلاب جمهوری اسلامی به نظر من اوج این چالش‌ها شده است. آن چیزی را که شما برای آن شورا گفتید، متأسفانه باید بگویم این چنین نبوده، من تصور می‌کنم که این مستلزم تغییر و تحولات اساسی‌تر است؛ یعنی اگر یک عوامل ساختاری در نظر بگیریم من تصور می‌کنم که آن عوامل اجتماعی و سیاسی اول باید این اجازه را بدهند یعنی دولت و حکومت باید یک مقدار اعتماد کرده و تقسیم وظایف کند و فضای فعالیت نهادهای محلی و شوراهای را باز کند تا آنها بتوانند کار کنند و این باید خودش را در قوانین نشان بدهد، باید مشخص شود که شورا می‌خواهد مستند بر چه قانونی کار و تلاش کند، این‌ها عوامل ساختاری است و یک رشته موارد دیگر هم هست که با همین ساختارها در شرایط موجود چه چیزهایی می‌تواند کارآمدی این نهاد را افزایش دهد، یعنی اگر آن تحولات ریشه‌ای و اساسی را کنار بگذاریم، با اصلاحات و دستکاری‌ها می‌شود همین مدل را کارآمد کرد.



غلام رضا کاظمیان
عضو هیات علمی دانشگاه
علاقه طباطبایی

استقلال و خواسته‌های به نام استقلال محلی داشته‌اند یا نه؟ به دست‌کم در برخی از شهرها اقتضای از مردم این میل را داشته‌اند پس اگر این میل وجود داشته، وکیل نیز به دنبال این موضوع رفته و برایش تلاش کرده و سعی کند برای پاسخگویی به موکلش کارآمد باشد و به نتیجه برسد، اما سؤال این‌جاست که آیا می‌توان این مدل را در همه‌ی شهرهای ایران و برای همه‌ی مردم ایران پیاده کرد؟ این‌جاست که باید بحث کنیم که یکی از کارهایی که باید انجام دهیم این است که موکلان ما نیز باید آموزش داده شوند، توجیه شوند؛ در زمینه‌ی حقوق شهروندی ما خواسته‌های آن و ارتباطی که می‌توانند با حکومت محلی داشته باشند، منافعی که می‌تواند برای رسیدن به حقوقشان وجود داشته باشد، اگر در این زمینه کار کردیم آن موقع شوراهای شهر و به تبع آن شهردار منتخب شورای شهر می‌توانند مشخص باشند و به پشتیبانی آن موکل پیش بروند، اگر نتوانستیم رابطه قطع می‌شود، به هر حال شورای شهر بین دو قطب دولت و مردم قرار دارد و این که به کدام سو نزدیک می‌شود، بستگی به خواسته، انگیزه و قدرتش دارد. اگر شهرداری‌های ما به عنوان یک مشکل به دولت وصل و نزدیک می‌شوند، بخشی از آن به خاطر این است که مردم خیلی ارتباط مستمر پاسخ طلب به آن‌ها برقرار نمی‌کنند.

سوال: با مراجعه به قوانین سال ۱۳۸۶ و ۱۳۸۹ می‌توان مواردی را مشاهده کرد که حاکی از تولد یکسری برنامه‌ریزی و مدیریت شهری از نظر قانونی است. آیا این دو عنصر در عمل نیز در یک‌زمان متولد شده‌اند؟ در هر حال آثار جدا یا پیوسته این دو را در طول این یک‌دهه‌سال چگونه ارزیابی می‌کنید؟

سبحان: کلمه‌ی برنامه‌ریزی شهر را به این مفهوم تا سال ۱۳۵۰ و یا حتی ۱۳۴۶ نشان نمی‌دهد، نخستین طرحی که به وجود آمد هنوز به معنی واقعی صورت نمی‌گرفت بلکه نقشه‌ای بود که سامانه‌های مکانی کاربری زمین را می‌خواست تنظیم کند، ولی آینده‌نگری را بیشتر بر مبنای تأمین نیازهای جمعیتی داشت تا این که اگر الان برنامه‌ریزی را نگاه کنیم می‌بینیم چشم‌اندازی است برای ارتقاء کیفیت زندگی، بهبود شرایط محلی با بهبود فضا و تعریف‌های دیگر، اصلاً جمعیت مطرح نیست که بعدش به مدرسه و ... برسد، پس آن تعریف هم الان عوض شده است. از سال ۱۳۰۷ که دستور می‌دهند، ساختمان‌ها چه شکلی باشند، در حقیقت شکل گرفت به هیچ عنوان مفاهیم و برنامه‌ریزی و حتی شهرسازی فیزیکی در دیگر شهرهای ایران صادق نبود. در تهران به خاطر تهیه‌ی نقشه‌ی تهران در سال ۱۳۱۲ و قانون آن، این مسأله تحقق پیدا کرده، آنها هم به خاطر وجود مهندسان آلمانی در شهر تهران، مشهد و همدان بود. من در شهر دیگر، حتی در اصفهان، هم سراغ نزارم.

سوال: آقای دکتر کاظمیان نظر شما در این باره چیست؟
کاظمیان: شورای شهر وکیلان مردم هستند و وکیل کلش این است که از منافع موکلش دفاع کند. حال سؤال این است که آیا موکلان شورای شهرها و با انجمن‌های شهر ما میل به



برنامه‌ریزی شهری مفهومی قدانسته همان شهرسازی کارهای فیزیکی شهر با تولید نقشه‌های خیابان بخشی بوده حتی نقشه شهرسازی فقط تهران داشت و اسفهان و بندرلنگه داشتند.

انقلاب مشروطه یا خواسته‌های دموکراتیک خود تحت تأثیر عوامل آشوب و توطئه اشرار در دوره قاجاریه شکست خورد، ولی آن‌ها هم می‌خواستند خیابان و ساختمان داشته باشند، همین‌طور مدرسه و دانشگاه چرا که آن دستاوردهای فیزیکی و مادی غرب را بیش‌تر می‌پسندیدند نه دستاوردهای دموکراتی آن‌را و تا زمان حاضر این موضوع ادامه پیدا کرد؛ یعنی ما الان دغدغه‌ی دستاوردهای اتمی داریم و برای آن مبارزه می‌کنیم ولی مثلاً برای این‌که همه‌ی آحاد مردم رأی بدهند مشکل داریم.

شهباز: آقای دکتر کاظمیان و دکتر برک پور آیا در این باره نظری می‌دهید؟

کاظمیان: در حوزه‌ی مدیریت شهری ما باید سه مفهوم را از هم جدا کنیم: در بحث‌های سازمان‌های محلی و مدیر حکومت‌های محلی هم حتی این سه مفهوم از لحاظ دوره‌بندی زمانی و نظریه‌های علمی هم جدا هستند. یک مفهوم اداره‌ی شهر هست؛ مفهوم دوم مدیریت شهری است و مفهوم سوم حکمروایی شهری است.

من اعتقادم این است که در سال ۱۲۸۶ و ۱۳۰۹ تا سال‌های اخیر نه تنها در کشور ما که در خیلی از کشورها بیشتر اداره‌ی شهر و طرح بوده، بعداًست که مدیریت شهری مطرح می‌شود و وقتی مطرح می‌شود به هیچ وجه از برنامه‌ریزی شهری جدا نیست. در اداره‌ی شهر است که اداره شهر از برنامه‌ریزی جداست و تاریخ همین را نشان می‌دهد، در دنیا و مباحث علمی وقتی مدیریت شهری در دهه ۱۹۸۰ مطرح می‌شود دوره‌های است که اصولاً اعتقادی به درهم آمیختگی برنامه‌ریزی شهری و مدیریت شهری وجود دارد که یکی از زمینه‌های پیدایش مفاهیم و رشته‌های به نام مدیریت شهری همین است که برنامه‌ریزی شهری جدا و اداره‌ی شهر جدا نمی‌شود. این‌ها باید با هم آمیخته بشوند تا بتوانند کار کنند و مرحله‌ی سوم حکمروایی شهری است که می‌گوید مردم و بخش خصوصی هم می‌توانند وارد این فرایند بشوند؛ پس بیش‌تر ما در حوزه‌ی اداره‌ی شهرها قرار داریم، اداره‌ی شهرهایی که در آن نیز پذیرفته می‌شود که نظام برنامه‌ریزی شهری جدا باشد، نظام اداره جدا باشد؛ چون یکی محوری برنامه‌هاست و هنوز داریم حرکت می‌کنیم به سمت مدیریت شهری، ولی با سرعت پایین و مشکلات بسیارپس جدایی در این دو وجود دارد و ریشه‌ی خیلی از مشکلات ما است.

نزدیک شدن این دو هم با مسائلی مواجه است، اگر این نزدیک شدن با برنامه و دقت‌نظرهای لازم انجام نشود، ممکن است خسارتهای و مشکلاتی را به وجود بیاورد که اصل موضوع ادغام برنامه‌ریزی شهری و مدیریت شهری در ایران به شدت با شک و تردید مواجه کند.

شهرداری‌ها: سال آغاز کار شوراهای ۱۳۷۸ بوده، آیا این سال را می‌توان بازگشت مفاهیم آن‌چه که در نخستین قانون بلدیه آمده؛ یعنی فصل دوم راجع تشکیل بلدیه و فصل سوم این قانون در وظایف آن بلدیه دانست و بعد از یک انقطاع یا این‌که حرکتی رو به جلو و تکاملی بومی بلدیم؟

برک پور: من تصور می‌کنم در واقع ادامه آن موضوع است؛ یعنی از همان بلدیه به این طرف شهرها پوست انداختند و تحول پیدا کردند. فعالیت‌های جدید کالبد جدید طبیعتاً برای اداره‌ی این‌ها یک سازمان و نهاد امروزی هم می‌خواست منتها در قانون بلدیه بعضی‌ها می‌گویند متناسب با شرایط نبوده و جامعه آمادگی آن را نداشته که آن مدل در سال ۱۳۰۹ یک مقدار تغییر پیدا کرد. منتها در این سال دولت گفت من شهردار را خودم انتخاب می‌کنم در قانون بعدی انجمن را مردم انتخاب می‌کردند قبل از مصدق. اواخر دهه ۲۰ بود که انجمن پیشنهادی می‌دهد در سه مورد: یکی را وزارت کشور انتخاب می‌کند بعد مصدق می‌آید و یک مقدار تعدیل می‌شوند و از سال ۱۳۰۴ همان مدل می‌ماند. بعد از انقلاب هم تا سال ۱۳۷۸ اولاً دولت تمام زمام امور را به دست گرفت که در واقع همان مدل شوراهای مدیر شهر است. منتها این مدل مشکلات فراوانی را داراست.

در کشورهای دیگر که در سازمان اداره‌ی شهرشان فکر می‌کنند و تحولات لازم را متناسب با شرایط دارند اجرا می‌کنند، آمدند و روی نقش شهردار خیلی کار کردند حتی شهردار را به عنوان رهبر سیاسی شهر مطرح می‌کنند و وظیفه‌ی اجرایی را از وظیفه سیاسی جدا می‌سازد که باید برای هر دو در جای خودشان کار کرد، منتها مدلی که الان ما داریم این است: شهرداری که انتخاب می‌شود، نه نفوذ سیاسی آن شهردار قوی را دارد نه تخصص آن مدیر شهری را یعنی آن شهردار قوی برای این‌که نفوذ سیاسی داشته باشد متکی است به آرام مردم، تا آن‌ها او را انتخاب کنند، این‌جا مردم مستقیم او شهردار انتخاب نمی‌کنند، پس آن نفوذ سیاسی را ندارد از طرفی آن مدیر شهری که آن‌ها انتخاب می‌کنند، مدیر شهر دقیقاً آدم متخصص و آشنا به امور شهری است. این‌جا باز مدیر شهر ضرورتاً آدم متخصصی نیست، ممکن است چهره‌ی سیاسی باشد این یکی از مشکلات اساسی است.

شهباز: آقای دکتر کاظمیان بفرمایید:

کاظمیان: قطعاً من اعتقاد دارم که بازگشت نیست؛ به هر حال ما در چندین دوره‌ی قانونگذاری چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب در مورد شوراهای و شهرداری‌ها تجارب بسیاری را به دست آورده‌ایم. تجارب که بیش‌تر در محدودیت‌های حاکم بر شوراهای و شهرداری‌ها اتکا دارد تا پتانسیل‌های آن؛ بنابراین همان قانون تشکیل شوراهای اسلامی را بعد از انقلاب هم که مرور کنید از سال ۵۸ تا سال ۷۸ که در واقع تثبیت می‌شود نشان دهنده این است که تلاش برای تطبیق در داخل آن وجود دارد، اما در عین حال هم نمی‌شود گفت که ما به یک مدل بومی رسیده‌ایم. اعتقاد من این است که ما هنوز مدل بومی مدیریت شهری در ایران را طراحی نکرده‌ایم؛ برای این‌که ما به این مورد

برسیم باید بگوییم که شهر ایرانی چه ویژگی‌هایی دارد که آن را متفاوت می‌کند از شهرهای دیگر همین‌طور شهروند ایرانی، بخشی خصوصی و فعالان آن در شهرهای ایران و مدیریت شهری در ایران و وقتی ما به این ویژگی‌ها رسیدیم بعد از آن به یک مدل بومی می‌رسیم، مدل بومی که جایگاه هر کدام از این چهار عنصر به درستی در آن تعریف شده باشد و به این ترتیب به نظر من این تجربه‌ای که داشتیم می‌تواند یک منبعی غنی برای طراحی مدل بومی مدیریت شهری در ایران باشد.

سیدلیا: آقای دکتر کاظمیان آیا برای این مدل تلاش شده است و یا در حال شکل‌گیری است؟

کاظمیان: من اعتقاد دارم که اگر بگوییم در این زمینه تلاش نشده است، گزاف گفته‌ام چون به هر حال در این کشور خیلی‌ها در طول سال‌های گذشته تلاش کرده‌اند، به‌ویژه در زمینه مدیریت شهری تلاش بسیاری انجام شده است، بنابراین بی‌انصافی است که بگوییم تلاشی انجام نشده است، شاید بتوان گفت که این تلاش کافی نبوده و به نتیجه نرسیده است، حالا این نتیجه می‌تواند علمی و پژوهشی یا نتیجه سیاست‌گذاری یا نتیجه اجرای باشد.

به نظر می‌آید ما در زمینه نتیجه‌گیری اجرایی، ضعف زیادی داشته باشیم، چون به هر حال ما در زمینه علمی و پژوهشی و در زمینه سیاست‌گذاری تجارب مختلفی داریم. از برنامه‌های پنج ساله دوم توسعه بعد از انقلاب تا امروز همیشه در برنامه‌های توسعه مبحث مدیریت شهری، بحث شهرداری‌ها و مبحث شوراهای مطرح بوده است؛ حتی در ماده ۱۳۶ و ۱۳۷ به جزئیات موضوع پرداخته که وظایف واگذار شود حتی در واقع نحوه انتقال بودجه هم قید شده است که انتقال بودجه از بخش‌های دولتی اتفاق نیفتاده است.

سیدلیا: آقای دکتر کاظمیان استاد سعیدلیا فرمودند که به چیزی به نام بوم خیلی اعتقاد ندارند و معتقدند که آن یک جریان فراگیر جهانی است که هم باید به سمت شهرداری‌هایی که به نوعی می‌شود به آن حکومت‌های محلی اطلاق کرد، پیش برود و هیچ توفقی هم برای این موضوع متصور نیستند شما نظرتان در این باره چیست؟

کاظمیان: در واقع ما یک فرایندی داریم به نام فرایند جهانی شدن و در کنار آن یک فرایندی داریم به نام فرایند محلی شدن؛ این دو مورد الزاماً نمی‌کنند هم‌دیگر نیستند برای این که اگر شکل دیگری بخواهیم به آن نگاه کنیم در یک راستا هم می‌توانند قدم بگذارند و قرار بگیرند.

درست است که فرایند جهانی شدن، فرایند دهکده‌ی جهانی و همه‌ی مفاهیمی که گفته می‌شود، واقعیت است و اتفاق می‌افتد ولی بحث این است که هر کشوری، هر منطقه‌ای و شهری در این بازار چه متاعی برای ارائه در بازار جهانی دارد. این فرایند (متاع) و آن چیزی که محلی شده در واقع توجیه می‌کند، تقویت می‌کند و تأثیر آن بر ویژگی‌های محلی خودمان و هویت‌های آن می‌توانیم در فرایند جهانی شدن نقش فعال و مؤثری را بازی کنیم و جایگاه ویژه‌ای برای

خودمان تعریف کرده باشیم.

شهرداری‌ها؛ با در نظر گرفتن مطالبی که مطرح کردیم، در این بازه زمانی ما به کدام سو حرکت می‌کنیم؛ یعنی به سوی شهرهایی که برنامه‌های خود ریخته دارند؛ یعنی این که در شهر برنامه‌های شهر را طرح می‌کند به یاری نهادهای دانشگاهی و پژوهشی در گستره‌ی جغرافیایی ویژه شهر یا به سوی همساز سازی همه‌ی شهرها برای اجرای سدرصد برنامه و فرمان‌های مرکز؟

سعیدلیا: شبکی نیست که شرایط حکم می‌کند که خود دولت کم‌کم وظایف خودش را کاهش دهد؛ مثال: در طی این بیست و سی سال دیدیم که دولت به صرافت افتاد که کارخانه‌ها، زمین‌ها، صنایع و نهادها حال دولت است و میراث دولت و ولی کم‌کم معلوم شد باید همه‌ی این‌ها را واگذار کرد و باید این همه فشار را از روی دوش خودش بردارد؛ بنابراین ضرورت زمان، ضرورت مدیریت و توسعه صورت می‌گیرد و خود دولت کم‌کم این‌ها را تفویض می‌کند؛ پس انتظاری که برای آینده می‌کشیم انتقال قدرت مدیریت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی به نهادهای مردمی است. منتها دولت‌های جهان می‌کوشند تا این زایش آسان رخ دهد که در بسیاری جاها رخ داده است. من فکر می‌کنم این روندی است که باید رخ دهد، هیچ جای نگرانی نیست، تجارب دیگران هم این را نشان می‌دهد، خود و منطق هم حکم می‌کند، عنته‌ی هر چه مقاومت کنیم این توسعه‌ی شهری عقبتر خواهد افتاد.

کاظمیان: جهت‌گیری ما به سوی برنامه‌های خود ریخته است. در دو دهه‌ی پیش به هیچ وجه طرح موضوعی به نام تهیه طرح‌های توسعه‌ی شهری به وسیله‌ی خود شهرداری‌ها طرف‌داران زیادی در سازمان‌های دولتی نداشت؛ یعنی کاملاً پذیرفته شده بود که مثلاً در وزارت مسکن و شهرسازی باید برنامه‌ریزی شود و در شوراهای عالی شهرسازی تصویب شود و ابلاغ شود به شهرداری‌ها برای اجرا ولی الان به جایی رسیده‌ایم که پذیرفته شده که شهرداری‌ها در تهیه طرح‌های تفصیلی نقش جدی‌تری را باید بازی کنند و اصلاً جزو وظایف آن‌ها شده است، پس بنابراین ما داریم به این سمت حرکت می‌کنیم.

بحث دیگر این است که در دو دهه‌ی اخیر اصولاً شهرها، دخالتی در تهیه طرح‌های توسعه شهری از جمله طرح‌های جامع و تفصیلی نداشتند و اکنون به هر حال بخشی قانونی و بخشی عرفی و به لحاظ پذیرش و لزوم این قضیه از طرف عناصر مختلف شورای شهر نقش بازی می‌کند این حرکت باید با دقت فراوان انجام شود که واقعاً شهر شوند. بخش دولتی و بخش خصوصی متوازن نقش را اجرا کنند. به هر حال نتیجه نهایی طرح باید حفظ منافع عمومی شهروندان و شهر باشد نه شورای شهر و نه شهرداری، نه بخش خصوصی و نه سازمان‌های دولتی. همه باید به این موضوع برسند. اگر هدف‌گیری شده، نتیجه مثبت خواهد بود.

جزایر حرارتی شهری: شهرهای گرم تر!

● سیلانه محمود هاشمی

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی محیط‌زیست دانشگاه تهران

● سعید زنگنه

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران

انواع جزیره حرارتی شهری

سه نوع جزیره حرارتی در شهر وجود دارد:

- جزیره حرارتی لایه چتری (Canopy Layer Heat Island)

- جزیره حرارتی لایه مرزی (Boundary Layer Heat Island)

- جزیره حرارتی سطحی (Surface Heat Island)

جزیره حرارتی لایه چتری (CLHI) و جزیره حرارتی لایه مرزی

(BLHI) گرمتر شدن اتمسفر شهر و جزیره حرارتی سطحی (SHI)

سطحها گرم تر شهرها را توصیف می‌کنند لایه چتری شهر (Canopy

Layer) نزدیکترین لایه هوا به سطح شهر است که به

علیل می‌تواند ارتفاع ساختمانها به سمت بالا کشیده شده است (شکل

۷). لایه‌ای که روی لایه چتری شهر واقع شده است لایه مرزی شهر

(Urban Boundary Layer) است که ضخامت آن در روز ممکن

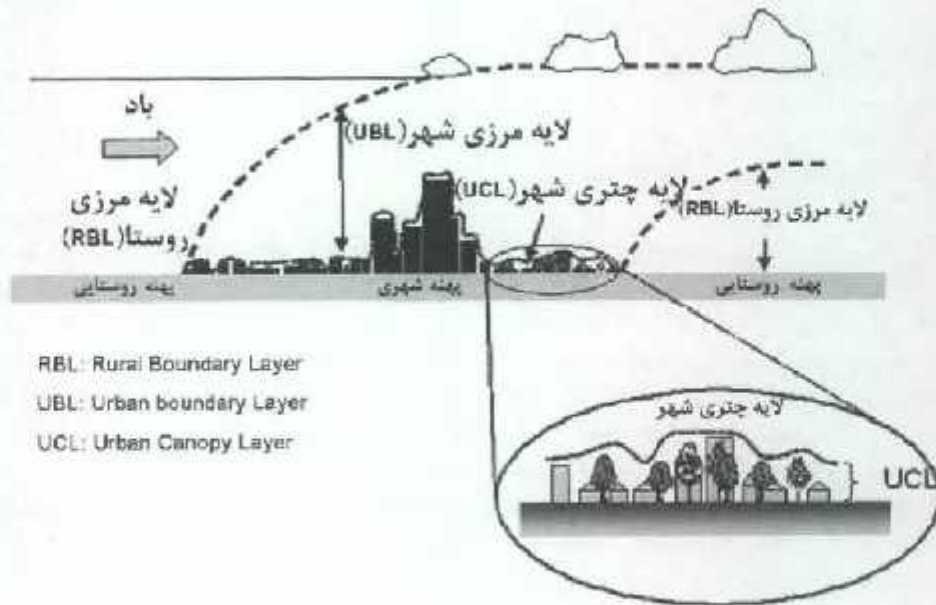
است ۱ کیلومتر یا بیشتر باشد و در شب به چند صد متر یا کمتر کاهش

می‌یابد (شکل ۸). جزیره حرارتی لایه مرزی (BLHI) باعث شکل‌گیری

گنبدی از هوای گرم تر می‌شود که در مسیر جریان باد شهر قرار می‌گیرد و

بیشتر باد شکل آن را به شکل پلوم (Plume) تغییر می‌دهد. (۲/۲)

آیا شهرها گرم تر می‌شوند؟ همان طور که جلوه‌ها ساختمان‌ها، صنایع و جمعیت در شهرها افزایش می‌یابند دمای شهرها نیز نسبت به پیرامون روستایی (غیرشهری) بیشتر می‌شود و جزیره‌ای و حرارتی شکل می‌گیرد. این جزایر حرارتی شهری (Heat Island Urban) ممکن است بیش از ۷/۵ تا ۵/۵ درجه سانتی‌گراد گرمتر از پیرامون خود باشند. با افزایش توسعه شهری، فرولانی (Frequency) و بزرگی (Magnitude) جزایر حرارتی نیز افزایش می‌یابد برای مثال لس‌آنجلس و کالیفرنیا در ۶۰ سال گذشته در هر دهه ۰/۵ درجه سانتی‌گراد گرمتر شده‌اند. این جزایر حرارتی اثراتی از مقیاس محلی تا جهانی دارند و اهمیت شهرنشینی در تغییر محیط‌زیست را به طور برجسته‌ای نشان می‌دهند جزیره حرارتی اصطلاحی است که برای توصیف گرمتر بودن اتمسفر و سطح شهرها در مقایسه با پهنه‌های غیرشهری پیرامون به کار می‌رود. جزیره حرارتی شهری (UHI) نمونه‌ای از تغییرات اقلیمی ناخواسته متاثر از تغییرات سطح و اتمسفر زمین برآمده از فرآیند شهرنشینی است.



شکل ۱. نمایش شماتیک اجزا اصلی اتمسفر شهری

ویژگی‌های زمانی و برخی از فرآیندهای فیزیکی مؤثر در شکل‌گیری آنها، متفاوت است. دانشمندان برای شناسایی جزیره حرارتی لایه چتری (CLHI) یا جزیره حرارتی لایه مرزی (BLHI) دمای هوا را به طور مستقیم با استفاده از ترماسنج (Thermometer) اندازه‌گیری می‌کنند. در حالی که جزیره حرارتی سطحی با استفاده از سنسور از دور ماهواره‌ای یا هواپیمایی (Aircraft) اندازه‌گیری می‌کنند.

الگوی فضایی جزیره حرارتی (Spatial Pattern of Heat Island)

خطوط هم‌دما (Isotherms) یا خطوط با دمای یکسان الگویی را شکل می‌دهد که شبیه به جزیره‌ای است که از شکل پهنه شهری شده پیروی می‌کند. که پهنه‌های خنک‌تر پیرامونی آن را در بر گرفته است (شکل ۲) به طور معمول دو مرز پهنه‌های روستا، حومه افزایش برجستگای در دمای هوای لایه چتری (Canopy Layer) به وجود می‌آید که با افزایش آرام و گاهی متغیر به سمت هسته مرکزی شهر (Downtown) که گرم‌ترین دما را دارد ادامه می‌یابد (شکل ۲) جزیره حرارتی لایه مرزی (Boundary Layer) تمیزپذیری بسیار کمتری را نسبت به دیگر انواع جزایر حرارتی نشان می‌دهد و یک مقطع از آن شبیه به یک گنبد سانه یا بلوم است که هوای گرم‌تر به مسیر باد شهر منتقل می‌شود.

شدت جزیره حرارتی

شدت جزیره حرارتی نشان‌دهنده میزان قوت یا بزرگی جزیره حرارتی است. شدت جزیره حرارتی لایه چتری (CLHI) در شب به طور معمول بین ۱ تا ۲ درجه سانتی‌گراد است. اما در شرایط پهنه شدت‌های بیشتر از ۱۲ درجه سانتی‌گراد نیز ثبت شده است. (۴) جزیره حرارتی لایه مرزی (BLHI) شدت تقریباً ثابتی هم در روز هم در شب

شکل ۲. ویژگی‌های جزیره حرارتی شهری (a) الگوی فضایی دمای هوا که باعث شکل‌گیری جزیره حرارتی لایه چتری (CLHI) می‌شود. (b) مقطع دمای هوای اندازه‌گیری شده درون لایه چتری شهر (UCL) و دمای سطحی در شرایط پهنه از نظر تشکیل جزیره حرارتی (شرایط آب و هوایی صاف و آرام) در طی شب (بالایی) و روز (پایینی).

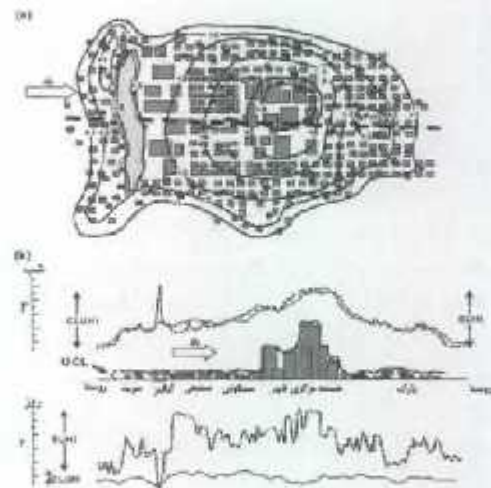
جزیره حرارتی لایه چتری (Urban Heat Island Layer)
CLUHI: Canopy

جزیره حرارتی سطحی (SUHI Surface Heat Island)

لایه چتری شهر (UCL: Urban Can)

دما: T

انواع جزیره حرارتی در شکل فضایی (Spatial form).



شکل ۲



دارد (۱/۵ تا ۲ درجه سانتی گراد) جزیره حرارتی سطحی (SHI) معمولاً در طی روز وقتی که گرمایش قوی خورشیدی منجر به اختلاف دمایی زیاد بین سطوح خنک و سطوح مرطوب، سایه یا پوشش گیاهی می شود به طور بسیار واضحتر مشاهده می شود.

ویژگی های سطح و جزیره حرارتی

ماهیت (ویژگی های) سطح فاکتور قوی در الگوهای فصلی دمای سطح و دمای هوای لایه چتری (CL) در شهر است. نما در پهنه های ساخت و ساز مترانم بیشتر و در پیرامون پارک ها و دیگر فضاهای باز کمتر است (شکل ۲). دمای سطح (Surface Temperature) به ویژه نسبت به شرایط سطح حساس است. در طی روز سطح های خنک و تیره که نور خورشید را به شدت جذب می کنند خیلی داغ می شوند. در حالی که سطوح های روشن تر و یا مرطوب خنک تر هستند. سایه بودن سطوح نیز در کنترل دمایی موثر است (۲/۳).

الگوهای زمانی جزیره حرارتی (Temporal Form)

همه جزایر حرارتی به علت تفاوت های سرعت گرمایش (Warming) و سرمایش (Cooling) شهرها نسبت به محیط پیرامون تشکیل می شوند.

- جزیره حرارتی لایه چتری (CLHI): شدت این جزیره حرارتی بعد از غروب آفتاب افزایش می یابد تا اینکه در بین چندین ساعت پس از غروب تا ساعاتی پیش از طلوع به حداکثر خود می رسد. در طی روز شدت جزیره حرارتی لایه چتری (CLHI) به طور معمول نسبتاً ضعیف است یا حتی گاهی اوقات در بخش هایی از شهر به دلیل سایه گسترده ساختمان ها یا دیگر سازه ها، همچنین تاخیر زمانی (Lag) گرمایش در نتیجه ذخیره حرارت توسط مصالح ساختمانی منفی است جزیره سرمایی.

- جزیره حرارتی سطحی (SHI): در شب و روز به علت گرمتر شدن سطوح های شهری به شدت مثبت است. جزیره حرارتی سطحی روز هنگام به خاطر اینکه تابش خورشیدی دمای سطح را تحت تاثیر قرار می دهد معمولاً بزرگتر و شدیدتر است.

- جزیره حرارتی لایه مرزی (BLHI): در روز و شب به طور کلی مثبت است اما در بزرگی (شدت) از جزیره حرارتی لایه چتری یا سطحی کمتر است.

جزایر حرارتی چگونه شکل می گیرند و چگونه کنترل می شوند؟

فاکتورهای متعددی در وقوع و شدت جزایر حرارتی موثرند که شامل موارد زیر می شوند:

- آب و هوا
- موقعیت جغرافیایی
- زمان روز و فصل
- فرم شهر
- عملکردهای شهر

آب و هوا به ویژه باد و اثر، تشکیل جزایر حرارتی را تحت تاثیر قرار می دهند. شدت جزیره حرارتی در شرایط آب و هوایی آرام و صاف

حداکثر است. افزایش باد باعث مخلوط شدن هوا و کاهش جزیره حرارتی می شود. افزایش لبر، سرمایش تابشی (Cooling Radiative) در شب، را کاهش می دهد. همچنین باعث کاهش جزیره حرارتی می شود. تغییرات فصلی در الگوهای آب و هوایی، فرکانسی (Frequency) و شدت (Magnitude) جزیره حرارتی را تحت تاثیر قرار می دهد.

موقعیت جغرافیایی، اثراتی بر اقلیم و نیویگرافی پهنه شهری و پهنه روستایی پیرامون می گذارد. اثرات آب و هوای منطقه ای یا محلی مانند سیستم بلندی محلی، جزایر حرارتی را تحت تاثیر قرار می دهد. برای مثال شهرهای ساحلی در تابستان وقتی دمای سطح آب کمتر از خشکی است و بادهای ساحلی (از دریا به خشکی) می وزند خشکی دمای هوا را تجربه می کنند. در شرایطی که شهر توسط پهنه های مرطوب روستایی احاطه شده است، سرمایش آرامتر (cooling Slowing) این سطوح، شدت جزیره حرارتی به ویژه در اقلیم های گرم و مرطوب را کاهش می دهد (۵).

زمان روز فصل: ساعت روز در بخش آنگوی زمینی جزیره حرارتی مورد بررسی قرار گرفت. فصل ها نیز چنین نقشی را ایفا می کنند. جزایر حرارتی شهرهایی که در عرض های جغرافیایی میانه واقع شده اند معمولاً در تابستان یا زمستان حداکثر شدت را دارد. در اقلیم های گرمسیری، فصل خشک، برای شکل گیری جزیره حرارتی شدید مطلوب است.

فرم شهر (City Form) شامل مصالح مورد استفاده در سازه های شهری، خصوصیات سطح شهر مانند ابعاد ساختمان و چینمان فضایی (Spacing)، ویژگی های حرارتی (Thermal Properties) و میزان فضای سبز می باشد. از لحاظ فرم شهر جزایر حرارتی در شرایط زیر با شدت بیشتری شکل می گیرند: مصالح ساختمانی نسبتاً متراکم که به آسانی سرد و گرم می شوند و مقدار زیادی انرژی ذخیره می کنند.

چایگزینی سطوح های طبیعی به وسیله سطوح های نفوذناپذیر یا ضد آب که منجر به ایجاد پهنه های شهری خشک تر می شود و چون آب (رهاوت) کمی برای تبخیر وجود دارد موجب تشدید گرمای هوا می شود.

بازتابندگی (Reflectivity) کم سطوح نسبت به تابش خورشیدی، سطوح های تیره مانند چاه های آسفالتی نور بیشتری را جذب می کنند و گرمتر از سطوح با رنگ روشن می شوند.

عملکردهای شهر: خروجی آلاینده ها به اتمسفر، حرارت ناشی از مصرف انرژی و استفاده از آب در آبیاری به واسطه عملکردهای شهر کنترل و اداره می شوند. گرمای انسان ساخته یا گرمای تولید شده توسط فعالیت های انسانی به طور کلی ناشی از سوزاندن سوخت های فسیلی، در شکل گیری جزایر حرارتی مهم است (۶). در فصل زمستان و در اقلیم های سرد، تولید گرمای انسان ساخته معمولاً بیشترین اثر را در هسته مرکزی شهر دارد. (۷) مطالعات موندی در شهرهای توسعه یافته خیلی متراکم نشان می دهد که تولید خیلی زیاد گرمای انسان ساز در فصل تابستان منجر به مصرف بیشتر انرژی برای خنک کردن ساختمان ها می شود (۷).

اثرات جزایر حرارتی

References:

- 1) Oke, T.R. (1995). The heat island characteristics of the urban boundary layer: Characteristics, causes and effects. In J.E. Cermak, A.G. Davenport, E.J. Plate, and D.K. Viegas (eds). Wind Climate in Cities, pp. 81-107. Netherlands: Kluwer.
- 2) Roth M., T.R. Oke, and W.J. Emery. (1999). Satellite-derived urban heat islands from three coastal cities and the utilization of such data in urban climatology. International Journal of Remote Sensing 10: 1699-1720.
- 3) Wang, J.A., and T.R. Oke. (2000). Thermal remote sensing of urban areas. Remote Sensing of Environment 76: 339-358.
- 4) Oke, T.R. (1997). Urban climates and global change. In Perry A. and Thompson Red's Applied Climatology: principles and practices, pp. 237-287. London: Routledge.
- 5) Oke, T.R., G.T. Johnson, D.G. Steyn, and J.D. Watson. (1991). Simulation of surface urban heat islands under "ideal" conditions at night. Part 2: Diagnosis of causality. Boundary-Layer Meteorology 56: 339-358.
- 6) Sailor, D.J., and L. Lu. (2006). A top-down methodology for developing annual and seasonal anthropogenic heating profiles for urban areas. Atmospheric Environment 38: 2737-2748.
- 7) Taha, H. (1997). Urban climates and heat islands: Albedo, evapotranspiration and anthropogenic heat. Energy and Buildings 25: 99-103.
- 8) Rosenfeld, A.H., H. Akbari, S. Bretz, B.L. Fishman, S.M. Kurn, E. Salze, and H. Taha. (1995). Mitigation of urban heat islands: Materials, utility programs, updates. Energy and Buildings 22: 255-265.
- 9) Cardelino, C.A. and W.L. Chameides. (1990). Natural



hydrocarbons, urban ozone. *Journal of Geophysical Research* 95(D9): 13971-13979.

10) Sillman, S., and P.J. Samson. (1995). The impact of temperature on oxidant formation in urban, polluted rural and remote environments. *Journal of Geophysical Research* 100: 11497-11508.

11) Changnon, S.A., K.E. Kunkel, and B.C. Reinde (1996). Impacts and responses to the 1995 heat wave: A call to action. *Bulletin of the American Meteorological Society* 77: 1497-1506.

12) McMichael, A.J. (2000). The urban environment and health in a world of increasing globalization: Issues for developing countries. *Bulletin of the World Health Organization* 78: 1117-1126.

13) Nishi, K., T. Mikami, H. Sugawara, Y. Hosoya, K. Kimura, and N. Sakurai. (2000). Cold-island and cold air-seeping phenomena in an urban park. *Shinjuku Gyoen, Tokyo. Geographical Review of Japan* 77: 403-420.

14) Spronken-Smith, R.A., and T.R. Oke. (1998). The thermal regime of urban parks in two cities with different summer climates. *International Journal of Remote Sensing* 19: 2085-2104.

15) Sailor, D.J. (1998). Simulations of annual degree day impacts of urban vegetative augmentation. *Atmospheric Environment* 32: 43-57.

16) United Nations Population Fund. (1999). *The State of World Population 1999*. New York: UNFPA.

17) Böhm, R. (1998). Urban bias in temperature time series: A case study for the city of Vienna, Austria. *Climatic Change* 38: 113-128.

18) Kafony, E., and M. Cai. (2003). Impact of urbanization and land-use change on climate. *Nature* 423: 528-531.

19) Changnon, S.A. (1999). A rare long record of deep soil temperatures defines temporal temperature changes and an urban heat island. *Climatic Change* 42: 531-538.

20) Crutzen, P. J. (2004). *New Directions: The growing urban heat and pollution island effect: impact on chemistry and climate*. *Atmospheric Environment* 38: 3539-3540.

هوای روی آن
ایجاد فضاهای سبز از قبیل پارک‌ها می‌تواند برای کمک به خنک کردن محله‌ها استفاده شود (۱۳/۴) و ایجاد فضای سبز سرتاسری (Overall Greening) در شهر می‌تواند آسفر شهری را خنکتر کند. (۱۵)

این راهبردها از لحاظ سود- هزینه نیز قابل بررسی است. مالکان خانه‌ها به دلیل کاهش مصرف انرژی، سود می‌برند و ساکنانی که در مسیر بلا قرار دارند به دلایل زیر از بهبود کیفیت هوا سود می‌برند:

- آلاینده‌ها بر روی درختان رسوب می‌کنند.
- گازهای گلخانه‌ای و آلاینده‌های هوای منتشره از دستگاه‌های تهویه هوا کاهش می‌یابد.

- انتشار ترکیبات آلی فرار (Organic Compound Volatile) که در مه دود شهری نقش دارند کاهش می‌یابد.

- نرخ (Rate) تشکیل ازن به طور بالقوه کاهش می‌یابد.

آیا جزایر حرارتی شهری تقسیم جهانی را تحت تاثیر قرار می‌دهند؟

جزایر حرارتی شهری به خودی خود مسئول گرمایش جهانی (Global Warming) نیستند زیرا آن‌ها پدیده‌های کوچک مقیاس هستند و بخش کوچکی از سطح زمین را پوشانده‌اند. به هر حال برخی ارتباطات در مقیاس شهری با جهانی وجود دارد که در زیر ذکر می‌شود.

۱. در حال حاضر تقریباً نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند و انتظار می‌رود تا سال ۲۰۳۰ این میزان به ۶۱ درصد برسد (۱۶). رشد شهرنشینی به‌ویژه در مناطق گرمسیری به معنی افزایش تعداد افرادی است که تحت تاثیر اثرات شهرنشینی در آینده قرار می‌گیرند.

۲. پهنه‌های شهری از نظر تاریخی محل استقرار ایستگاه‌های هواشناسی قدیمی هستند که برای کمک به ثبت دمای سطحی جهان استفاده می‌شوند تا تغییرات اقلیمی در مقیاس کلان را مستند کنند. اثرات شهرنشینی و به تبع آن جزایر حرارتی ممکن است موجب آلودگی داده‌های دمایی شوند، از آن جا که این تغییرات به طور مستقل از جمعیت رخ می‌دهند (۱۷) و تکنیک‌های کنونی مورد استفاده برای حذف اثرات شهرنشینی نیز نمی‌تواند کافی باشد. قابلیت حذف کامل این اثرات همچنان مورد بحث و بررسی است. (۱۷-۱۹)

۳. بیشتر گازهای گلخانه‌ای که در تغییر اقلیم جهانی نقش دارند از پهنه‌های شهری منشور می‌شوند، (۲۰). بنابراین انتشار این گازها هم در تغییر آب و هوا و اقلیم محلی و هم جهانی موثرند و نقش ایفا می‌کنند. (۲۰)

۴. تغییرات اقلیمی که در شهرهای بزرگ طی قرن گذشته رخ داده است، از لحاظ آهنگ (Rate) و شدت (Magnitude) مورد انتظار در پیش‌بینی‌های اقلیمی، شباهت‌هایی را نشان می‌دهد. بنابراین شهرها ممکن است به عنوان مدلی برای ارزیابی اثرات و پذیرش استراتژی‌های موردنظر در تغییرات اقلیمی هم در مقیاس محلی و هم در مقیاس جهانی مورد استفاده قرار بگیرند. (۴)

در پایان باید ذکر گردد که این فاکتورها اهمیت اقلیم شهری را نه تنها برای محیط‌زیست محلی بلکه همچنین برای وضعیت محیط زیستی کره زمین به عنوان یک کل (Whole) نمایان می‌کند.

جزایر حرارتی اثرات متعددی بر ساکنان شهر می‌گذارد که شامل موارد زیر است (۴):

- آسایش انسان (Human Comfort): مثبت (در فصل زمستان)، منفی (در فصل تابستان)
- مصرف انرژی: مثبت (در فصل زمستان)، منفی (در فصل تابستان)
- آلودگی هوا: منفی
- مصرف آب: منفی
- فضای‌های بیولوژیکی (مانند طول فصل رشد): مثبت
- بخ و برف: مثبت

جزایر حرارتی تابستانه نقائص انرژی نرزی برای تهیه هوا را افزایش می‌دهد که گرمای بیشتر، همچنین گازهای گلخانه‌ای بیشتری را به هوا رها می‌کند و موجب افت کیفیت هوای محلی می‌گردد. (۸) دمای افزایش یافته شهر در جزیره حرارتی لایه مرزی (BLHI) روز هنگام موجب افزایش تشکیل مه دود شهری (Urban Smog) می‌شود زیرا هم انتشار آلاینده‌های پیش ماده (Precursor) و هم سرعت واکنش‌های فتوشیمیایی افزایش یافته است (۱۰-۹). جزایر حرارتی به واسطه تشدید تنش گرمایی (Heat Stress) ناشی از تماس با امیاج گرمایی، به‌ویژه در پهنه‌های معتدل، همچنین فراهم کردن شرایط مناسب برای گسترش امراض (Vector-Born Diseases) سلامت انسان را به طور مستقیم تحت تاثیر قرار می‌دهد (۱۱/۱۲).

راه‌حل‌های بیولوژیکی برای کاهش جزایر حرارتی

درک شفاف از سازوکارهای فیزیکی موثر در شکل‌گیری جزیره حرارتی برای اتخاذ کنترل‌ها برای کاهش جزیره حرارتی اساسی است اما در برخی موارد کاربرد این کنترل‌ها مشکل است. برای مثال تغییرات گسترده در هندسه سطح‌های شهری (Surface Geometry) از طریق جیدمان فضایی (Spacing) ساختمان‌ها معمولاً امکان‌پذیر و عملی نیست. به هر حال، راهبردهای دیگر مانند استفاده از پوشش‌ها و گفیوش‌های با رنگ سفید یا روشن نیز در حد امکان هستند. یک راه حل بیولوژیکی مناسب استفاده از پوشش گیاهی برای کاهش گرمای شهر است. پوشش گیاهی موجب ایجاد سایه موثر و اثر خنک‌کنندگی ناشی از تبخیر و تعرق می‌شود. برخی از نمونه‌ها در زیر ذکر شده است:

کاشت درختان اطراف ساختمان‌های مغرود برای ایجاد سایه بر روی سطح‌های شهری که موجب کاهش دمای آنها به‌ویژه در پشت‌بام‌ها و دیوارهای رو به جنوب شرق و غرب می‌گردد. از سوی دیگر کاهش دمای سطحی منجر به کاهش قابل توجه در مصرف انرژی مورد نیاز در تهیه هوا می‌گردد.

درختان می‌توانند برای سایه‌اندازی بر جلاها و پارکینگ‌ها که در طی روز خیلی داغ می‌شوند و گرمای ذخیره شده را در شب رها می‌کنند مورد استفاده قرار بگیرد. سایه‌اندازی بر روی وسایل نقلیه در پارکینگ‌ها انتشار تبخیری بزرگ - که در سطح ازن شهری نقش دارد - را کاهش می‌دهد.

بام‌های سبز (Green Roofs) که پوشش گیاهی زنده را در بام‌ها استفاده می‌کنند اثبات گرمایی ساختمان‌ها را کاهش می‌دهند. بام‌های سبز خیلی خنک‌تر از بام‌های سنتی هستند زیرا بخش اعظم انرژی جذب شده برای تبخیر آب استفاده می‌شود تا اینکه به گرم کردن بام و



• دکتر حسین حائمی نژاد
عضو هیات علمی دانشگاه تهران
• پژوهش‌محل زاده
دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

بررسی اندیشه‌های جنبش سبز در رابطه با شهر

چکیده:

در طول تاریخ و به‌ویژه در سده‌ی اخیر تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی همواره با جریان‌ها و جنبش‌هایی همراه بوده است. در واقع این جنبش‌ها با دید انتقادی نسبت به وضع موجود جامعه، همیشه سعی در دگرگونی آن داشته‌اند؛ به همین دلیل شناخت این جریان‌ها و دیدگاه‌های مربوط به آنها که عمده‌تاً در غرب ظهور کرده‌اند، می‌تواند تجربه‌های ارزنده‌ای را در اختیار ما بگذارد. جنبش سبز به عنوان یکی از جنبش‌های انتقادی نیمه دوم قرن بیستم و در مقابل مکتب مدرنیسم؛ خواهان جایگزینی زمین به جای انسان بوده و هدف‌اش ریشه‌کنی فلسفه انسان‌مترانه و ایجاد فلسفه‌ای زیست‌مدارانه است. اندیشه و عقیده‌ی سبزها در مورد چگونگی سکونتگاه‌های انسانی، از جمله شهر و برنامه‌ریزی شهری نیز از این هدف ناشی می‌شود. در واقع جنبش سبز تا حدودی به سوی پوستاگرایی گرایش داشته. با شهرنشینی گسترده و رشد آسارگسیخته شهرها در بستر طبیعی مخالف است.

واژگان کلیدی: جنبش سبز؛ مدرنیسم؛ محیط‌زیست؛ شهر

مقدمه:

امروزه دیگر این امر کاملاً اثبات شده است که ضعف‌هایی نظری و فلسفی و پرداختن صرف به اهداف کارکردی و کالبدی در فرآیند برنامه‌ریزی شهری از مهمترین مشکلاتی بوده است که تا میانه‌ی سده‌ی بیستم در سیستم برنامه‌ریزی کشورهای غربی و امروزه در کشورهای در حال توسعه و جهان سوم؛ گریبانگیر

برنامه‌ریزان شهری بوده (مهندزاده و همکاران: ۱۳۸۶، ۲ و ۳)؛ که طی آن عمل‌گرایی و فن‌گرایی صرف فارغ از اندیشه‌هایی که ماهیت اصلی تحولات را شکل می‌دهند؛ موجب عدم کارکرد مناسب طرح‌ها و اقدامات صورت گرفته شده است. باید توجه کرد که عدم تغییر و تحول برنامه‌ریزان به همراه تغییرات و تحولات اجتماعی-اقتصادی و پای‌بندی به یک سری اصول غیرمعطوف باعث ضعف و عدم موفقیت برنامه‌های ارائه شده از سوی آنها و عقب ماندگی تئوریک‌شان از شیوه‌های نوین برنامه‌ریزی خواهد شد. از سوی دیگر نبود آشنایی با دیدگاه‌ها و اندیشه‌هایی که در پس ساخت کالبدی سیستم‌های اجتماعی؛ از جمله شهر نهفته است باعث ترک و تحلیل نادرست از واقعیت‌های موجود شده و انحراف روند برنامه‌ریزی را به همراه می‌آورد؛ به عنوان نمونه تحلیل ساخت کالبدی اقتصادی و اجتماعی کلان‌شهرها، متخلومه‌های شهری و شهر - (آن اسکات: ۱۳۸۴، ۴-۳)؛ بدون درک اصول سرمایه‌داری تمرکزگرا امکان‌پذیر نخواهد بود. بدین دلیل آشنایی با دیدگاه‌ها و گرایش‌های نوینی که به‌ویژه از نیمه دوم قرن بیستم در غرب شکل گرفته‌اند؛ برای شناخت جایگاه و نقش برنامه‌ریزی شهری در حال و آینده و به دنبال آن برای ارائه رهیافت‌های مناسب در روند برنامه‌ریزی کشور، با توجه به نقاط ضعف و قوت آنها ضروری است. به همین سبب این مقاله سعی در تشریح و بررسی یکی از دیدگاه‌ها و

جنبش سبز از لحاظ ایدئولوژیکی
نه در قالب سنت‌های لیبرال
است نه محافظه‌کارانه؛ نه
بهرماینده‌داری و نه مارکسیستی

ایدئولوژی‌هایی دارد که با عنوان جنبش سبز و یا پست‌نوانه فلسفی قوی در مقابله با اصول حاکم بر اندیشه مدرنیته در سه



می‌کنند که چون منابع موجود در زمین محدود است به همین سبب رشد اقتصادی نیز باید محدود بوده و در برای پایداری زمین باشد. (دایسون: ۱۳۷۷، ۱۲۰) البته سبزه‌ها با توجه به نوع واکنشی که در مقابل وضع موجود کرده زمین و مسائل زیست‌محیطی آن نشان می‌دهند خود به دو گروه عمده‌ی سبزه‌های تیره یا زیست‌بوم‌گرایان^۱ و سبزه‌های روشن یا محیط‌زیست‌گرایان^۲ تقسیم می‌شوند.

محیط‌زیست‌گرایی به دنبال رهیافتی مدیریتی نسبت به مسائل زیست‌محیطی است و دلخوش به این باور است که بدون هرگونه دگرگونی بنیادی در ارزش‌های کنونی و الگوهای تولید و مصرف می‌توان مسائل زیست‌محیطی را از میان برداشته حال آنکه زیست‌بوم‌گرایی می‌گوید حیات پایدار و شکوفایی انسان‌ها به دگرگونی‌های بنیادی در رابطه ما با جهان طبیعی غیرانسانی و شیوه زندگی اجتماعی و سیاسی ما بستگی دارد. (دایسون: ۱۳۷۷، ۱۰)

به زبان ساده‌تر اندیشه محیط‌زیست‌گرایی؛ دیدگاهی اصلاح‌طلبانه است و به راهکارهایی چون بازیافت مواد زائد، فیلترگذاری در ماشین‌ها و دودکش کارخانه‌ها و... در بهبود وضع محیط‌زیست سکونت‌گاه‌های انسانی اکتفا می‌کنند؛ حال آنکه زیست‌بوم‌گرایی، به صورت یک ایدئولوژی، خواهان دگرگونی‌های انقلابی در اندیشه، تفکر و طرز نگاه به زندگی است و به راه‌حل‌های تکنولوژیک برای رفع مشکلاتی که خود تکنولوژی مدرن ایجاد کرده پدگمان است. در اصل فلسفه سیاسی سبز یک عکس‌العمل اساسی به گامی‌های ساختار اجتماعی غرب است. (گالتونگ: ۱۹۸۶، ۶). که به صورت پارادایم بوم‌محوری در مقابل پارادایم فن‌محوری و انسان‌محوری که ارزش را فقط به انسان و تنها نقش ابزاری در خدمت برای طبیعت قائل است، ظهور کرده و در پی براندازی این چارچوب و به دنبال برابری انسان و طبیعت به عنوان بخش‌هایی از کل نظام عالم است. (سکوئی: ۱۳۷۷، ۲۷)

سبزه‌ها ادعا می‌کنند که مفاهیم متداول چپ و راست در مورد آنها و دیدگاه‌هایشان سائق نمی‌کنند، بلکه ایدئولوژی آنها یک فرا ایدئولوژی است که هم کمونیسم و هم سرمایه‌داری را در خود جای می‌دهد، جان گالتونگ تأکید می‌کند که: در این هیچ شکنی وجود ندارد که جنبش سبز از لحاظ ایدئولوژیکی نه در قالب سنت‌های لیبرال است؛ نه محافظه‌کارانه؛ نه سرمایه‌داری و نه مارکسیستی. (گالتونگ: ۱۹۸۶، ۶) ولی می‌توان گفت که فلسفه سیاسی سبز ترکیبی از لیبرالیسم

دهه آخر قرن بیستم رشد و تعالی یافته و تأثیرات عمیقی را در تحولات اجتماعی، اقتصادی از یک سو و از سوی دیگر در روند برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای و رشته‌های مرتبط با آن از جمله جغرافیا گذاشته است.

جنبش سبز با پشتوانه فلسفی و تئوریک زیست‌بوم‌گرایی^۳ و با ایدئولوژی منسجم مفهومی گسترده‌ای است که ما در این مقاله به ارائه اصول این جنبش پرداخته و تأثیرات آن را در روند برنامه‌ریزی و دیدگاه‌هایش را در مورد شهر بررسی خواهیم کرد.

سیر تاریخی جنبش سبز و چارچوب نظری آن

جنبش سبز یکی از تأثیرگذارترین جنبش‌های نیمه دوم قرن بیستم است که امروزه نیز در قالب گروه‌های مختلف و با ایدئولوژی زیست‌محور در تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع غربی موثر بوده و سعی در دستیابی به آرمان‌ها و اهداف انسان هم در چارچوب حریبی و هم خارج از آن دارد. زمینه‌های شکل‌گیری جنبش سبز در واقع در داخل اندیشه مدرنیسم و مدرنیته نهفته است. انقلاب بزرگ مدرنیته در غرب در سه حوزه سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک صورت گرفت. در حوزه اقتصادی این انقلاب باعث تغییر گسترده نوع معیشت و زیست انسان‌ها از کشاورزی و روستائینی به صنعت و شهرنشینی و در حوزه ایدئولوژیک مدرنیته با قرار دادن انسان در مرکز عالم به جای خدا و اصلاح دینی همراه بود (فکوهی: ۱۳۸۱، ۳۰۴) از سوی دیگر تفکر و فلسفه ماشین و مهندسی دکارت طی انقلاب صنعتی ناشی از مدرنیسم، تخریب و نابودی محیط‌زیست جهان، پی‌ویژه محیط‌زیست جهان سوم را در این دو، سه قرن اخیر فراهم آورد. (سکوئی، ۱۳۷۹، ۷) جنبش سبز به عنوان بخشی از مهمترین جریان‌های فلسفی و جنبش‌های اجتماعی، اقتصادی نیمه دوم قرن بیستم در مقابل پیامدهای منفی مدرنیسم از جمله جنگ‌ها، بی‌عدالتی‌ها، فقر و نژادپرستی و به‌ویژه غارت منابع زمین و تخریب آن، به صورت حرکتی در کنار جریان‌های پست مدرنیستی؛ برای به چالش کشیدن اصول و عقاید عصر روشن‌اندیشی شکل گرفت که عناصره تمامی این عقاید عبارت بودند از اینکه جهان برای انسان ساخته شده و اصولاً چیزی را نمی‌توان از انسان‌ها پنهان نگه داشت. به عقیده سبزه‌ها، انسان مدرن خویشتن را همچون بخشی از طبیعت تجربه نمی‌کند؛ بلکه خود را به عنوان یک نیروی خارجی تصور می‌کند که رمالیت چهره شدن و غلبه کردن بر طبیعت را عهده‌دار است. وی حتی درباره‌ی پیگار با طبیعت سخن می‌گوید: در حالی که فراموش می‌کند در صورت پیروزی در این بیکار خود را در جناح بلزنده خواهد یافت (شوماخر: ۱۳۶۰، ۱۰)

در واقع طرفداران اندیشه سبز با نقد نوع نگرش مدرنیستی به انسان و اینکه این نادگاه با انفجار اقتصادی و تکنولوژیک همراه با شهرنشینی سریع باعث کاهش کیفیت محیط‌زیست شده، به دنبال خارج کردن انسان از کانون توجه و به چالش کشیدن علم، تکنیک و مکتب‌پرستی هستند. سبزه‌ها چنین استدلال





رفاه و توصیه‌های سوسیال دموکراسی را دربردارد که به طبیعت نگاهی رمانتیکی دارد. سرمایه‌داری مقیاسی کوچک را مطلوب می‌شمارد و دموکراسی کثرت‌گرا و مشارکتی را قبول دارد. (شکونلی: ۱۳۷۷، ۶۸) شاید کوشش در برای تعیین تاریخ دقیق پیدایش جنبش سبز کنار درستی نباشد، اما گزارش محدودیت‌های رشد در سال ۱۹۷۳ را می‌توان به عنوان نماد تولد این حرکت به ویژه زیست‌بوم‌گرایی، به صورت کاملاً معاصر آن در نظر گرفت. (ناسون: ۱۳۷۷، ۶۲)

درباره‌ی مبارزات حزبی و به وجود آمدن احزاب سبز، گروه متحد آلمانیا^۱ نخستین حزب سبزی است که در سال ۱۹۷۳ در استرالیا شکل گرفته به دنبال آن حزب کوچک^۲ در کانادا، حزب اکولوژی^۳ در انگلیس و حزب ارزش‌ها^۴ در نیوزیلند به وجود آمدند. نخستین حزب موفق سبزهای آلمان بودند که در سال ۱۹۸۳ برای نخستین بار موفق به کسب کرسی‌هایی در انتخابات مجلس شدند. نخستین اجتماع رسمی سبزها در سطح بین‌المللی و جهانی نیز در سال ۲۰۰۱ در کاتبرا با بیش از ۸۰۰ شرکت‌کننده از ۷۲ کشور جهان به وقوع پیوست (جنبش سبزها: ۲۰۰۷، ۲) که به دنبال آن بیانیه و منشور سبزهای جهانی^۵ نگاشته شد که چارچوب مناسبی را از اندیشه سبزها و اصول آن‌ها ارائه می‌دهد.

اصول، مبانی و اهداف جنبش سبز

یکی از اصول اساسی جنبش سبز بیندلی، اعتقاد به متناهی بودن زمین و محدودیت‌های صنعتی است. سبزها با اشاره به پنج روند مایه نگرانی انسان که عبارتند از: صنعتی شدن شتابان، رشد سریع جمعیت، سوءتغذیه گسترده، نپس شدن منابع تجدیدنپذیر و تباهی محیط‌زیست سه الگوی کامپیوتری ارائه می‌دهند که در هر سه مدل رسیدن جهان به مرزهای محدودیت رشد را اثبات می‌کنند در الگوی نخست با فرض تحول نظام جهانی به شکل کنونی آن، ائتلاف منابع تجدید ناپذیر، در الگوی دوم با فرض دو برابر شدن این منابع به سبب فرآیند دسترسی‌های جدید آلودگی ناشی از جهش صنعتی و در الگوی سوم با در نظر گرفتن دو برابر شدن منابع و دسترسی به یک رشته راهکارهای تکنولوژیکی برای کاستن سطح آلودگی‌ها، این بار، کمبود خوراک ناشی از فشار شدید وارد شده بر زمین‌های قابل کشت در اثر کاربردهای صنعتی و شهری، باعث رسیدن جهان به مرزهای محدودیت رشد می‌شود. (دابسون: ۱۳۷۷، ۱۲۰) سبزها به دنبال قبول اصل محدودیت رشد اقتصادی، استدلال می‌کنند که مصرف نیز باید محدودیت‌هایی داشته باشد، در ضمن به عقیده سبزها نمی‌توان گفت که نیازهای انسان یا رشد مداوم اقتصادی به تعبیر امروزی به بهترین وجه برآورده می‌شود؛ یعنی اینکه رشد اقتصادی الزاما به معنای رفاه بیشتر انسان نیست. به همین علت آنها برای خوشایند ساختن مساله مصرف کمتر بین نیازها و کمبودهای انسانی تمایز قائل می‌شوند و از جامعه کمتر مادی که در آن انسان‌ها با رضایت معنوی و خرسندی روحی زندگی می‌کنند، دفاع می‌کنند.

سبزها یادآور می‌شوند صنعت‌گرایی از این تناقض رنج می‌برد که با مصرف دوام‌ناپذیر منابع محدود در جهانی که ظرفیت نامحدودی برای جذب ضایعات ناشی از فرآیند صنعتی ندارد، در واقع زمینه وجودی خود را تحلیل می‌برد.

(دابسون: ۱۳۷۷، ۵۴)

به دنبال این عقاید سبزها با اندیشه‌های جامعه‌پساستی و بسافوردیستی با ویژگی‌هایی چون تکنولوژی بالا، ارضای نیازهای مادی و خدمات گسترده‌تر نیز که طی آن صنایع آلوده‌کننده به کشورهای جهان سوم و در حال توسعه منتقل می‌شود، مخالفت می‌کنند.

اصل اساسی و سنگ زیربنای جنبش سبز برابری انسان و طبیعت در داخل یک سیستم جهانی است. از دیدگاه سبزها انسان هیچ ارجحیتی نسبت به طبیعت ندارد و باید با طبیعت و به عنوان بخشی از طبیعت و نه در ورای آن در نظر گرفته شود؛ به همین دلیل است که در نخستین جمله‌ی بیانیه سبزهای جهانی، انسان‌ها به عنوان شهروندان کره زمین و نه صاحبان آن به تصویر کشیده شده‌اند. (بیانیه سبزهای جهانی: ۲۰۰۱، ۱) در واقع همان گونه که هر آیدئولوژی دارای ارزش هسته‌ای خود است؛ مانند آزادی برای لیبرالیسم یا برابری برای سوسیالیسم، ارزش هسته‌ای آیدئولوژی سبز نیز زیست‌بوم‌محوری^۶ است که باعث اعتقاد سبزها به اصل احتیاط‌آمیز^۷ می‌شود. (دابسون: ۱۳۷۷، ۱۶)

ای. اف. شوماخر در راستای همزیستی مسالمت‌آمیز با طبیعت و جلوگیری از تباهی آن راه حل زیر را ارائه می‌دهد: ما باید مساله را به‌طور همه‌جانبه درک کنیم و امکان زایش و پرورش یک سبک زندگی نوین را با روش‌های جدید تولید و الگوی جدید مصرف مورد توجه قرار دهیم؛ یک اسلوب زندگی که برای پایداری مطرح شده باشد. ما هنوز باید بیاموزیم که چگونه با صلح و آرامش نه تنها با هموعان؛ بلکه با طبیعت به سر ببریم. (شوماخر: ۱۳۶۰، ۱۵) پس می‌توان گفت که سبزها الگوی تولید و مصرف کنونی را که باعث تخریب محیط‌زیست و انقراض گونه‌ها می‌شود، نمی‌پسندند و در پی تغییرات بنیادی در الگوی مصرف و سبک غالب زندگی هستند. سبزها ضمن مخالفت با مسائلی چون بی‌عدالتی، نژادپرستی، فقر، بی‌سوادی، فساد، جنایت‌ها و درگیری‌های مسلحانه و خشونت‌آمیز به دنبال ترویج مفهوم پایداری هستند؛ مفهومی که به نظر آنها بین علایق فردی و منافع عمومی، بین تنوع و اتحاد، بین مقاصد کوتاه‌مدت با اهداف بلندمدت و در نهایت بین آزادی و حسن مسئولیت توازن و هماهنگی ایجاد کرده و وابستگی متقابل بین همه‌ی فرآیندهای اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی را به یکدیگر تصدیق می‌کند. (بیانیه سبزهای جهانی: ۲۰۰۱، ۲)

از دیگر اصولی که سبزها معتقد به آن هستند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- اعتقاد به سطحی از جمعیت که سطح ماندگار نامیده می‌شود؛
- اعتقاد به اصل همگاری بیش از اصل رقابت؛



- اعتقاد به وسیله توده‌ها^{۱۱} به جای تولید توده‌وار^{۱۲}
سیزهای جهانی همچنین در بیانیه‌ی خود و در بخش اصول
و مبانی به شش مورد اشاره می‌کنند که:

- عبارت انداز:
- گاهی اکولوژیک
- عدالت اجتماعی
- دموکراسی مشارکتی
- عدم خشونت
- پایداری

احترام به تنوع (سیاست سبزهای استرالیا: ۲۰۰۷: ۱۰۰)؛ (بیانیه سبزهای جهانی: ۲۰۰۱: ۱۰۴)؛ (شوماخر: ۱۳۶۰: ۱۰)
آن‌ها همچنین در زمینه فعالیت‌های سیاسی از دموکراسی مستقیم، خودمختاری محلی، جنبش توده‌ها، تفکیک قوا، سیستم سکولار، فعالیت‌های سیاسی جوانان و زنان و برابری فرصت‌ها حمایت می‌کنند. در همین زمینه سبزها خواهان برجسته شدن بانک جهانی ۱۴ و صندوق بین‌المللی پول ۱۵ در صورت عدم دموکراتیزه شدن فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در آن‌ها هستند؛ این‌ها همچنین خواهان ورود حقوق سلامت زیست‌محیطی و حقوق بین‌نسلی در مورد منابع طبیعی و فرهنگی به منشور جهانی حقوق بشر هستند (گالتونک: ۱۹۸۶: ۲).

(بیانیه سبزهای جهانی: ۲۰۰۱: ۱۲-۲۰)
سبزها همچنین پایبند به اخلاق زیست‌محیطی هستند؛ اخلاقی که تنها تعریف‌کننده رابطه انسان با انسان نیست بلکه به تعریف رابطه بین انسان و تمام عناصر زیست‌کره می‌پردازد. اخلاق

بوم‌شناختی آزادی عمل فردی و اجتماعی ما را در تنازع بقا محدود می‌کند. در اصل اخلاق زمین بر این فرض مبتنی است که انسان نه فقط در مقابل دیگران و جامعه بلکه در مقابل جامعه بزرگ‌تر مرکز از گیاهان، جانوران، خاک، هوا، سپهر و آب؛ یعنی در مقابل محیط‌زیست نیز مسؤول است. این اخلاق نقش انسان را به طور مولد از قانچ زمین به شهروند و محافظ محیط تغییر می‌دهد. (بوتکین: کلر: ۱۳۸۲: ۱۴)

در مورد اهداف سبزها باید گفت که آن‌ها با اعتقاد به این جمله نتیجه‌گرا: ما به زمینی تعلق داریم که تمدن آن به وسیله تمدن در خطر نابودی است؛ به دنبال آشنی و همبستگی با طبیعت و دستیابی به انکوری زندگی جمعی، دموکراسی توده‌ای، مصرف متعادل و به ویژه تکنولوژی مناسب هستند (شکوئی: ۱۳۷۷: ۲۳)، (بونفو: ۱۳۷۵: ۴)

اندرو دایسون به نقل از پوریت^{۱۳} و وینر^{۱۴} نقل می‌کند که: بنیادی‌ترین هدف سبز به کمتر از یک انقلاب مسالمت‌آمیز برای براندازی جامعه صنعتی آلوده‌کننده، تخریب‌گر و مادی‌اندیش و به جای آن ایجاد نوعی سلمان اقتصادی و اجتماعی که اجازه زندگی هماهنگ انسان‌ها با سیاره زمین را بدهد، نمی‌اندیشد (دایسون: ۱۳۷۷: ۲۲)

شهر و برنامه‌ریزی شهری در اندیشه جنبش سبز:

عقاید سبزها در مورد شهر و ویژگی‌های آن مانند اندازه جمعیت، اقتصاد و... تا حدودی آرمانی و با توجه به روند شهری شدن سکونتگاه‌های کره زمین و تبدیل شدن سیاره زمین به یک سیاره شهری، غیرواقعی می‌نمایند. از آن‌جا که شهرها معمولاً در کناره خط ساحلی یا حاشیه رودخانه‌ها قرار دارند و رشد شهری بیشتر زمین‌های کشاورزی، جلگه‌ها و تالاب‌های ساحلی را می‌بلعد و باعث دفن خاک مرغوب می‌شود (بوتکین، کلر: ۱۳۸۲: ۱۰)؛ به همین دلیل سبزها با رشد فزاینده فیزیکی شهرها مخالف بوده به شکل خاصی از روستاگرایی متعادل می‌شوند.

بسیاری از شاخه‌های جنبش سبز از بزرگشتر به روستا و باز زنده کردن حس احترام به پدیده‌های طبیعی هواداری می‌کنند؛ به عقیده این‌ها زمین محدود است و رشد هر چیز مادی از جمله جمعیت، اتومبیل، ساختمان و صنایع سنگین تا ابد نمی‌تواند ادامه داشته باشد (دایسون: ۱۳۷۷: ۲۶)

بنابراین می‌توان گفت که سبزها، رای به سکونتگاه‌هایی می‌دهند که همه چیز آن‌ها از اندازه گرفته تا جمعیت کوچک باشد زیرا به عقیده سبزها مقیاس یا اندازه رابطه عکس با هویت دارد و جوامع کوچک دارای هویت مشخص‌تر از جوامع بزرگ هستند. شوماخر با برشمردن ویژگی‌هایی چون معلوبیت و اداره‌پذیری برای اندازه‌های کوچک، عنوان می‌کند که: امروزه ما از یک

اصل اساسی و سنگ‌زیربنای جنبش سبز برابری انسان و طبیعت در داخل یک سیستم جهانی است

پرستش تقریباً جهانی؛ یعنی غول‌گرایی^{۱۵} رنج می‌برید؛ وی همچنین با تأکید بر فرو ریختن زندگی کلان‌شهری از حیث روانی، اقتصادی و زیستی از قول هریر، ذکر می‌کند که ما باید به دنبال سیاست‌هایی برای بازسازی فرهنگ روستایی باشیم؛ چون افراد متشکل در واحدهای کوچک از قطعه زمین یا دیگر منابع طبیعی‌شان به نحو بهتری نگهداری می‌کنند تا تشکیلات عظیم بی‌هویت یا دولت‌های متلا به جنون خودبزرگ‌بینی که می‌پنارند جهان ملک حقه آن‌هاست (شوماخر: ۱۳۶۰: ۵۱ و ۸۸) به نظر سبزها جای ذاتن جمعیت در شهرک‌ها و دهکده‌های کوچک باعث می‌شود که تأثیر این جمعیت به محیط‌زیست به حداقل رسیده و ارائه خدمات اساسی برای مردمی که نزدیک هم زندگی می‌کنند. ارزان‌تر تمام شود. در زمینه جمعیت سکونتگاه‌ها به‌ویژه سکونتگاه‌های شهری سبزها با سطحی از جمعیت موافق هستند که بدان سطح پاندار می‌گویند (دایسون: ۱۳۷۷: ۲۳-۲۲). یعنی سطحی از جمعیت که با منابع محیط‌زیست تناسب داشته باشد؛ چون به نظر آنان جمعیت کمتر چیزهای کمتری مصرف خواهد کرد و مصرف کمتر نیز سبباً با حفظ کیفیت محیط‌زیست است. اقتصاد جامعه پاندار سبزها اقتصاد سبز است؛ اقتصادی که از فرایندهای اکولوژیکی

- متنوع و واحد:
۱. یونگن، شاپل، کلر، لوردا (۱۳۷۸). شناخت محیط‌زیست، برگردانی عدالت‌محور و پاندار. تهران: مؤسسه طبیعت
 ۲. بونفو، انوار (۱۳۷۵). آشنی انسان و طبیعت، برگردان صلاح‌الدین مختاری، تهران: مؤسسه نشر دانشگاهی
 ۳. جل اسکات، آن (۱۳۸۲). شهر منطقه‌های جهانی، برگردان لطفی کاظمی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
 ۴. دایسون، اندرو (۱۳۷۷). فلسفه و اندیشه سیاسی سبزها، برگردان محسن لاری، تهران: انتشارات گف (شکوئی: حسن: ۱۳۷۷). اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا (جد دوم) فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیای ایران، تهران: گیتاشناسی
 ۵. شکوئی، حسن (۱۳۷۸). لیبرالیسم نو: فلسفه‌های سیاسی و مناطق جغرافیایی خراسان، ۲۱ اثر، ۱۳۷۹
 ۶. شوماخر، ای. (۱۳۶۰). کوچک زیستند، اقتصاد با لبه‌های نو، برگردان علی رضایی، تهران: سیمین
 ۷. سرفر، مظفر (۱۳۷۵). توسعه پایدار و مسؤلیت بین‌المللی شهری، سناری و شهرسازی، شماره ۲۵
 ۸. فکوهی، نصر (۱۳۸۱). تاریخ اندیشه و نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: نشر نی
 ۹. چندپارچه، جواد و همکاران (۱۳۸۳). برنامه‌ریزی راهبردی و توسعه شهری، تهران: پیام‌ساز
 11. Australian green policy: (2007) population and housing (<http://www.greens.org.au>)
 12. Charter of global green: (2001) Canberra (<http://www.global.greens.org.au>)
 13. Galtung, J. (1986). The green movement: a socio-political explosion. International sociology (<http://www.sagepub.com>)
 14. Green movement. From wikipedia (the free encyclopedia)
 15. Talbot, J. (2002). Finding community. Designing for sustainable future. Conference proceedings (<http://www.wrsnearth.com.au>)
 16. Young, J. (1992). The different dimension of green politics. Environmental politics. Vol 1, No 2



سازمان‌های مربوط به آن‌ها شکل گرفته‌اند.

دیدگاه‌های جنبش سبز در بوته نقد

اگرچه جریان‌های جنبش سبز طی چند دهه گذشته محور فعالیت‌های مفیدی هم در سطوح ملی و هم در سطح جهانی بوده‌اند، ولی با این وجود برخی فعالیت‌های افراطی گروه‌های رادیکال وابسته به این جنبش از جمله گروه نخست زمین در ایالات متحده و موافقت آن‌ها با گسترش ویروس‌هایی چون HIV، برای جلوگیری از افزایش جمعیت (دایسون، ۱۳۷۷، ۲۳۰-۲۳۵)، از نقاط ضعف این جنبش است که می‌توان گفت در چنین مسائلی نه تنها هیچ ارزشی برای موجودیت انسانی قابل نمی‌شوند بلکه از لحاظ نظری عکس اندیشه‌های دوره مدرنیته، زیست‌بوم‌گرایی افراطی باعث تنزل ارزش انسانی به سطحی پایین‌تر از سطح یک عنصر هم‌تراز دیگر عناصر طبیعت می‌شود.

انتقاد دیگر متوجه فعالیت‌های سیاسی جنبش سبز است؛ به نظر می‌رسد حمایت سبزهای جهانی از جنبش‌های توده‌ای و فعالیت‌های سیاسی جوانان و زنان در کشورهای مختلف، نه تنها باعث دوری آن‌ها از اصول اولیه‌شان می‌شود؛ بلکه به صورت ابزاری برای مداخله‌ی سیاسی در اوضاع کشورهای مختلف درمی‌آیند.

از سوی دیگر، حمایت سبزها از سیستم‌های سکولار، در دوره‌ای که طبیعت‌گرایی برخی از ادیان مثل دین اسلام و سازگاری اصول آنها با اهداف محیط‌زیست‌گرایی معلوم شده است، تا اندازه‌ای غیرمنطقی می‌نمایند. نکته دیگر اینکه پیروان این مکتب برای پیچیدگی روابط و مناسبات اقتصاد شهری و حاکمیت دنیای الکترونیکی راه‌حلی پیشنهاد نمی‌کنند و سازوکارهای تبدیل کلانشهرها را به بوم شهری کوچک مشخص نمی‌سازند.

بسیاری از شاخه‌های جنبش سبز از بازگشت به روستا و باز زنده کردن حس احترام به پدیده‌های طبیعی هواداری می‌کنند

نتیجه‌گیری

جنبش سبز یکی از جریان‌های فلسفی-اجتماعی نیمه دوم قرن بیستم است که در کنار اندیشه‌های پست مدرنیستی واکنشی است در مقابل اوانیسم افراطی دوره مدرنیسم که به عقیده آنها باعث تباهی محیط‌زیست و نابودی کره‌زمین می‌شود.

سبزها به دنبال جایگزینی زیست‌بوم‌گرایی به جای انسان‌گرایی بوده، تکنولوژی‌گرایی افراطی و اندیشه‌های پس‌اصطنعی را قبول ندارند و با رشد اقتصادی و شهرنشینی گسترده نیز مخالفت می‌کنند. تفکر سبزها در مورد شهر و اصول آن به نوعی روستاگرایی ختم می‌شود که اقتصادی سبز و اکولوژیک دارد. در حیطه برنامه‌ریزی شهری نیز سبزها برنامه‌ریزی مشارکتی و حمایتی را می‌پسندند.

تعمیت کرده، فاضلاب را به وسیله استفاده دوباره حذف، مواد را بازیافت و روی فعالیت‌هایی تأکید می‌کند که به جای افزایش مصرف کیفیت زندگی و روابط را افزایش می‌دهد. (بیانیه سبزهای جهان: ۱۴، ۲۰۰۱)

در کل می‌توان گفته جامعه پایدار سبزها که به نوعی آرمانشهر ۱۹ سوزها است، دارای ویژگی‌های زیر است:

- مصرف کمتر یا صرفه‌جویی بیشتر؛
- مصرف‌کنندگان (جمعیت) کمتر؛
- زندگی بر اساس خرسندی روحی نه مصرف بیشتر؛
- ساده‌زیستی داوطلبانه؛
- توزیع برابر ثروت؛
- پیوند انسان و زمین؛
- نبود تمرکز.

با در نظر داشتن موارد ذکر شده و اینکه امروزه در سراسر جهان کلانشهرهای پیشرو با محله‌های گداآباد (سکونتگاه‌های غیررسمی)، فضا‌های طبیعی و مولد را می‌بلعند و ثروت‌های فراوان مانند هوا، آب، خاکه زمین‌های کشاورزی و باغ‌ها را مصرف می‌کنند (بونفو: ۱۳۷۵، ۸۹-۹۰). می‌توان نتیجه‌گیری کرد که کلانشهرها نماد تمام ضدازش‌های جنبش سبز هستند.

سبزها با توجه به اصول و اهداف خود اقدام به ایجاد سکونتگاه‌هایی به ویژه در اروپا کرده‌اند که دو مورد از آن‌ها عبارتند از: کلون تکنولوژی دیگر در «مکینلت» ۲۰ «ویلر» و اجتماع «قیندهورن» ۳۱ در شمال اسکاتلند، به عنوان نمونه قیندهورن خود یک روستای اکولوژیکی ۲۲ است؛ روستای اکولوژیکی به عقیده ساکنانش،

یک سکونتگاه انسانی که از لحاظ اکولوژیکی، اقتصادی، فرهنگی و مسائل معنوی پایدار باشد (تالیوت: ۲۰۰۶، ۱).

در مورد برنامه‌ریزی شهری سبزها معتقد به برنامه‌ریزی مشارکتی و حمایتی هستند؛ زیرا از یک طرف خواهان ورود دولت به عرصه‌های خانه‌سازی برای مستمندان؛ بازیافت مواد و بالا بردن کیفیت محیط‌زیست هستند و از طرف دیگر عقیده دارند شهروندانی که از پروژه‌های توسعه متاثر می‌شوند باید حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به آن را نیز داشته باشند؛ آنها همچنین از برنامه‌ریزی‌های محلی ۲۳ برای فعالیت‌های پایداری اکولوژیک از جمله خانه‌سازی، حمل‌ونقل مدیریت فاضلاب، پارک‌ها، فضای سبز شهری و فضای عمومی حمایت می‌کنند. (بیانیه سبزهای جهان: ۱۴، ۲۰۰۱)

در پایان می‌توان گفت که طی فعالیت‌های جنبش سبز در طول چند دهه گذشته مسائل و مباحث مربوط به محیط‌زیست در کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه اهمیتی روزافزون پیدا کرده است؛ به طوری که امروزه برنامه‌ریزی‌های زیست‌محیطی، فضایی و طرح‌های سبز به یکی از محورهای اصلی برنامه‌ریزی‌های شهری و منطقه‌ای و ملی تبدیل شده‌اند و در بیشتر کشورها قانون‌های حفاظت از محیط‌زیست و

یا نوشت

- 1-Green Movement
- 2-Ecologism
- 3-Ecologists
- 4-Environmentalists
- 5-United Tasmania Group
- 6-The Small Party
- 7-Ecology party
- 8-Values Party
- 9-Global Greens
- 10-Ecocentrism

۱۱- اصل احتیاط است؛ اگر پیامد داشته‌اند در محیط‌زیست برای نو انسان‌ها باشد، ولی احتمال خطرناک بودن آن مطرح باشد، بهترین کار این است که هیچ دخالتی در آن نکنیم (دایسون، ۱۳۷۷، ۱۳۲)

- 12-Production By The Masses
- 13-Mass production
- 14-WTO
- 15-IMF
- 16-Ponit J
- 17-Winner D
- 18-Giantism
- 19-Utopia
- 20-MachynDieth
- 21-Findhoen Community
- 22-Ecovillage
- 23-Local planning



ارتباط میان سکونتگاه های بشری با طبیعت

در امتداد زاگرس^۱

• امین رستنده

کارشناس ارشد مهندسی معماری منظر، دانشگاه تربیت مدرس

• محمد خلیلی

دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری، دانشگاه آزاد همانان

| بارزترین شاخصه طبیعی | روح موقعیت موجود |
|----------------------|---|
| آب | جود چشمه سارها، سفره های آب زیرزمین، رودخانه ها و چاه های پر آب و دائمی |
| پوشش گیاهی | جود درختان، بونه ها و دیگر گیاهان با کاربردهای مختلف غذایی، دارویی |
| سنگ | سحر مستحکم و قابل اتکاء سنگی برای ساختمان سازی؛ همچنین کاربرد متنوع انواع سنگ های مناسب برای ساختمان سازی |
| خاک | جود خاک حاصلخیز و مناسب |
| ارتفاع از سطح دریا | جود امنیت محیطی به دلیل وجود سد دفاعی کوهستانی در برابر حمله دشمنان |
| حیات وحش | جود پستانداران و پرندگان سودمند برای بشر در زمینه های مختلف کاربردی و زیست محیطی |

جدول ۱

بارزترین شاخصه های طبیعی در منطقه زاگرس در طول تاریخ

بنا به سنجش ها ارائه شده در جدول ۱ می توان ادعان داشت دسترسی به منابع دائمی آب، وجود امنیت محیطی، دسترسی به گیاهان و حیوانات مورد نیاز؛ همچنین دسترسی به مصالح مناسب برای ساخت زیستگاه های مستحکم و منطبق با شرایط محیط از جمله مهم ترین فاکتورهای مورد توجه بشر در طول تاریخ بوده و راز ماندگاری او در این منطقه به شمار می روند. به همین دلیل، زاگرسنشینان در طول تاریخ، از هزاران سال پیش تا حدود صد سال قبل، در راستای برقراری تعاملی سازنده و پایدار با طبیعت تلاش فراوان کرده اند و تمهیدات فراوانی نیز اندیشیده به کار گرفته اند. در مورد اخیر، به طور مثال تنها ذکر این نکته کافی است که در دوران قباد، یکی از پادشاهان عهد ساسانی، درختان موجود در این منطقه به دقت سرشماری شده اند. (طبری، ۱۳۷۵: ۷۰۲) این تنها نمونه ای از اقدامات مهم تاریخی برای حفاظت از طبیعت منطقه در دوران های تاریخی زاگرس دارد. پر واضح است که با عراجعه به کتاب های تاریخی می توان شواهد بسیار زیادی از

چکیده

بررسی مدل های مختلف ارتباط بین سکونتگاه بشری و طبیعت در منطقه کوهستانی زاگرس به دلایل متعدد یکی از بنیادین ترین پژوهش هایی است که نیازمند توجه کمی و کیفی است. تراکم جمعیتی بسیار بالای این منطقه و جود سکونتگاه متعدد که برخی از آنان ریشه در تاریخ ایران دارند از یک سو، و طبیعت متنوع و ممتاز این منطقه از کشور از سوی دیگر، دو دلیل عمده برای توجه لزوم پژوهش های مرتبط با این موضوع هستند. در مقاله حاضر، با دسته بندی سه مدل مختلفه ارتباط بین سکونتگاه بشری با طبیعت در منطقه زاگرس غربی شامل مدل های ارتباطی نشن-زا، خشتی و سازنده، کنیایی دربارگی شرایط موجود ارائه دادیم و در یک تقسیم بندی کلی در این باره ویژگی های عمومی آن ها را بررسی شماریم.

۱. مقدمه

بی شک منطقه زاگرس یکی از مهم ترین و تاریخی ترین بسترهای سکونتگاهی بشر در طول تاریخ بوده است. بنا به گواهی تاریخ نویسان (مورخان، ۱۳۸۰: ۱۷)، نخستین بار در این منطقه بود که بشر توانست به کمک ابزار اولیه مناظری از عناصر طبیعت را بر چناره سنگی غارهای واقع در استان لرستان به تصویر کشد که این خود نشانگر ارتباط بین زندگی او و طبیعت پیرامونی اش در آن دوران است. اما گذشته از این مبداء تاریخی مستند که یادآور ارتباط تنگاتنگ زندگی شکارچیان زاگرس با طبیعت است. در دوران ترویج کشاورزی و یکجانشینی نیز آثار تاریخی متعدد در استان های غربی ایران و شمالی عراق نشانگر عمق ریشه زیست بشر در منطقه کوهستانی زاگرس است. (رستنده، ۱۳۸۶: ۵۱-۵۸) به طور کلی مهم ترین شاخصه های طبیعت در منطقه زاگرس که سبب افزایش تمایل به سکونت در این منطقه در طول سالیان دراز گردیده، در جدول زیر خلاصه شده است.



این منطقه را قالب این دسته‌بندی و با تغییراتی در تعاریف مطرح شده از سوی برنارد شومی ارائه کرده‌اند. این تقسیم‌بندی نشان دهنده ماهیت ارتباط بین سکونتگاه‌ها با طبیعت بکر بوده و از دیدگاه کیفی صورت گرفته است. این سه شکل ارتباط عبارتند از:

ارتباط تنش‌زا، ارتباط خنثی، ارتباط سازنده.
هر یک از این ارتباطات دارای مشخصات و خصوصیات خاص خود بوده و بنا به مقتضیات و ملاحظات مختلفی نظیر سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی شکل گرفته است. در اینجا برای آشنایی بیشتر ما این سه شکل مختلف تعاریفی کلی ارائه شده است.

اقدامات اینچنینی یافت که اثبات کننده واقعیت یاد شده است. پس از این مقدمه تاریخی، در ادامه مقاله، اشکال مختلف ارتباط بین سکونتگاه بشری و طبیعت در کوهستان زاگرس بیان می‌گردد. نکته مهم این که شواهد و تأکید این مقاله به شرایط موجود بوده و درصدد بررسی تاریخی الگوهای موجود نیست.

۲. مدل‌های ارتباطی بین سکونتگاه بشری و طبیعت در منطقه زاگرس

به طور کلی ارتباط بین معماری و محیط را می‌توان به سه حالت عمومی خنثی، تنش‌زا و سازنده تقسیم‌بندی نمود. (۱۰۰: ۱۹۹۵، Tschumi) همچنین در این مقاله نگارندگان به طور کلی ارتباط بین سکونتگاه بشری در منطقه زاگرس با طبیعت

| نوع ارتباط | تعریف | نمونه‌های موردی |
|------------|---|---|
| تنش‌زا | سکونتگاه بشری به دلایل مختلف کالبدی یا فرهنگی سبب تداخل در اکوسیستم طبیعی شده است. | شهرک‌های قلماری حاشیه شهرهای بزرگ زاگرس مانند شهرک‌ها و سکونتگاه غیررسمی اطراف شهرهای کرمانشاه، همدان و سنندج |
| خنثی | سکونتگاه بشری دارای هیچ‌گونه ارتباط سازنده‌ای با طبیعت نیست و در عین حال به آن آسیبی نیز نمی‌رساند. | هره‌های دارای قدمت کمتر از ۱۵۰ سال یا جمعیت کمتر از ۲۰۰ هزار نفر مانند ایلام |
| سازنده | سکونتگاه بشری دارای ارتباطی سازنده و تعاملی پایدار با طبیعت بوده، حضور و بروز خود را مدیون طبیعت میدانند. | روستا‌های دارای قدمت تاریخی در استان‌های کردستان، ایران، اربیل، سلیمانیه و دهوک عراق |

جدول ۲

انواع ارتباط بین سکونتگاه بشری و طبیعت در منطقه زاگرس در دوران معاصر

زیست محیطی شده و اکوسیستم طبیعت را دچار چالش‌های جدی می‌سازد. در این میان سیاست‌گذاری‌های اثرگذار برای کنترل و مدیریت بحران نیز به شکل کارا و موثر به چشم نمی‌خورد. در بسیاری از این موارد می‌توان با مدیریت و برنامه‌ریزی مناسب و استفاده از مشاوره افراد صاحب نظر و متخصصان مرتبط نه تنها مشکلات و تهدیدات پیش‌رو را حذف نمود، بلکه به عنوان فرصت‌هایی طبیعی نیز از آنها بهره گرفت. به طور مثال، رودخانه به عنوان عاملی که می‌تواند سبب زیبایی، سلامت و نظارت یک سکونتگاه باشد، به دلیل مدیریت نامناسب شهری با فاضلاب شهری آغشته و آلوده گشته و به عصری خطرناک و بحران‌آفرین بدل شده است.



تصویر ۱- آلودگی در رودخانه عباس آباد، حومه شهر همدان ۱۳۸۵

در ادامه بحث هر یک از ارتباطات سه گانه یاد شده، مورد بررسی و تجربه و تحلیل قرار گرفته و به صورت مشخص پژوهشی می‌گردد.

۳-۱. ارتباط تنش‌زا

به طور کلی ساختار سکونتگاهی که سبب ایجاد تنش در ارتباط با طبیعت اطراف خود هستند، جدید بوده و دارای قدمت تاریخی نیست. این سکونتگاه‌ها زاده مهاجرت‌های دسته جمعی و به تبع آن، افزایش ناگهانی جمعیت در یک نقطه خاص شکل گرفته‌اند. معمولاً این‌گونه سکونتگاه‌ها به دو دلیل کالبدی و فرهنگی سبب بروز چالش‌هایی در برقراری ارتباط با طبیعت می‌گردند. نمونه بارز این سکونتگاه‌ها را می‌توان در حاشیه شهرهایی همچون کرمانشاه، همدان و سنندج به خوبی مشاهده نمود. در این مناطق مشکلات عدیده زیست محیطی به دلایل مختلفی بروز یافته که در ذیل به مهم‌ترین آنها به صورت فهرست‌وار اشاره شده است.

- آلودگی شدید رودخانه‌ها و مسیل‌های شهری با فاضلاب
 - تخریب باغ‌های تاریخی برای توسعه اطراف شهرهای بزرگ
 - دست‌اندازی به مراتع و اراضی کشاورزی حاشیه شهرها برای انجام ساخت و سازهای غیرقانونی
 - تخریب زیستگاه‌های طبیعی و به تبع آن مهاجرت حیات وحش به مناطق دیگر.
- هر یک از این اتفاقات ناگوار سبب بروز مشکلات حاد در زمینه



جدید ساخته شده در دهه‌های اخیر دانسته. در سکونتگاه یاد شده که شاید بتوان برای برخی از آن‌ها از واژه خوابگاه دسته جمعی استفاده کرد، نقش بی‌بدیل طبیعت و میزان تاثیر پذیری سکونتگاه‌ها از عوامل طبیعی نادیده انگاشته شده است. علاوه بر شهرها و شهرک‌های جدید، برخی از سکونتگاه جنگزده نیز بر اثر بازسازی سریع و بدون آینده‌نگری دچار این بحران شده‌اند. دریاچه‌ی مورد اخیر می‌تواند به شهر جنگ زده ایلام در غرب کشور اشاره نمود که پس از جنگ تحمیلی با سرعت زیاد بازسازی شد و این در حالی بود که طبیعت بدیع منطقه هیچ نقش موثری بر شهر و طراحی آن نگذاشت.

۲-۳. ارتباط سازنده

طراحی شهری پایدار آنگونه طراحی است که در سه زمینه "صرف‌جویی در مصرف انرژی"، "حفاظت از منابع طبیعی"، "پایداریت انبیه، بافت‌ها و زیرساخت‌های موجود شهری" و "حفاظت از منابع طبیعی" پاسخگو باشد. (کلکار، ۸، ۴۸) از سوی دیگر، طراحی که از نظر زیست‌محیطی و تطابق‌های فرهنگی با مردم و حقوق آنها، عادات‌ها و باورهایشان وفق‌پذیر است، تولیدبخش برقراری ارتباطی صحیح بین طبیعت و فرهنگ مردم است. (پاراحمدی، ۱۳۷۸، ۱۸۷) برای ایجاد محیطی پایدار و مناسب زندگی انسان، معماری در منطقه زاگرس غربی به اصول و روش‌هایی دست یافته که نه تنها تخریب و ضایعاتی را بر محیط تحمیل نمی‌کند؛ بلکه فراتر از آن در ارتباطی سازنده و تعاملی پایدار با طبیعت بوده و حضور و بروز خود را مدیون طبیعت می‌داند. از نمونه‌های خوب اینگونه سکونتگاه بشری می‌توان به روستاهای دارای قدمت تاریخی در استان‌های کردستان ایران، لرستان، سلیمانیه و دهوک عراق اشاره کرد. با بررسی ویژگی‌های کابندی این سکونتگاه بشری می‌توان تا حد زیادی به همساز بودن آن‌ها با طبیعت پیبرد، که این همسازي و تعامل پایدار با طبیعت حاصل فرآیندی طولانی از آزمون و خطاهای عکس بوده که در طول تاریخ در طی ساخت این سکونتگاه بشوی به وقوع پیوسته است. نیازهای اساسی انسان را می‌توان به پنج دسته کلی تقسیم کرد:

نخستین و اصلی‌ترین نیاز که باید تامین شود نیازهای فیزیولوژیکی است؛ یعنی رفع گرسنگی و تشنگی. دومین نیاز احساس امنیت، داشتن سرپناه و توانایی برای گرم کردن خود است. سومین نیاز، نیاز تعلق به گروه یا جامعه است. چهارم، آزادی ابراز هویت شخصی. پنجم در محیطی زندگی کنیم که امکان احساس رضایت را در ما به وجود آورد. (بیرر؛ هیگینز، ۸۵، ۹۰)

۳. مطالعه موردی

در این قسمت پژوهش با مطالعه موردی روستاهای موجود در سه استان لرستان، دهوک و سلیمانیه عراق به دنبال اثبات این مطلب هستیم که ساکنان این روستاها ضمن برآوردن نیازهای اساسی خود از راه طبیعت به عنوان مادر خود هیچگونه مداخله



تصویر ۲-۳: بروز سیلاب در حاشیه نسیل الواسع در دلیل نخری

۲-۲. ارتباط خشی

همانگونه که در جدول ۲ اشاره گشت به طور اجمالی مهم‌ترین مشخصات آن دسته از سکونتگاه زاگرس را که دارای ارتباط خشی با طبیعت هستند، می‌توان عدم وجود ارتباط سازنده، عدم وجود ارتباط تنشی را و نیز عدم تاثیرگذاری هر عامل بر عامل دیگر دانست؛ به عبارت دیگر، در این مدل ارتباطی، هیچ‌گونه تاثیر مثبت یا منفی آشکاری بین دو عامل سکونتگاه‌ها و طبیعت



تصویر ۲-۴: عدم تطابق و ارتباط بین طبیعت و شهر، ایلام ۱۳۸۴

اطراف مشاهده نمی‌شود. در این مدل، سکونتگاه بشری نقشی در تخریب طبیعت ندارند و در عین حال طبیعت نیز نمی‌تواند سبب افزایش رونق یکا جانشینی برای ساکنان گردد. مهم‌ترین نمونه‌های مدل یاد شده را می‌توان در شهرها و شهرک‌های



تصویر ۲-۴: مشکلات اسکان سریع آوارگان در منطقه کردستان عراق در جنگ خلیج فارس، حوز ایران و عراق ۱۳۷۰



| نیازهای اساسی انسان | رابطه با طبیعت |
|------------------------|----------------|
| دسته اول و دوم | مستقیم |
| دسته سوم، چهارم و پنجم | غیرمستقیم |

جدول ۳

رابطه بین نیازهای اساسی انسان با طبیعت

ویرانگری در کنونیستیم طبیعی محل به وجود نیلورده‌اند. نواحی شمالی عراق را با توجه به شرایط اقلیمی آن می‌توان به دو منطقه کوهستانی و جلگه‌ای تقسیم‌بندی کرد: ۳-۱. الگوهای اسکان در مناطق کوهستانی

| مناطق جغرافیایی | شرایط اقلیمی |
|-----------------|--|
| مناطق کوهستانی | تابستان‌های معتدل و زمستان‌های سرد و خشک |
| مناطق جلگه‌ای | تابستان‌های گرم و زمستان‌های معتدل |

جدول ۴

شرایط اقلیمی در منطقه مورد مطالعه



تصویر ۵- هماهنگی منطقه اسکان ساخت کشورزی با طبیعت بکر - مردشیت ۱۳۸۲

به طور کلی، مهم‌ترین الگوهای اسکان در این مناطق را می‌توان به سه دسته کلی زیر تقسیم نمود:

- الگوی دسترسی به آب
- الگوی ساخت مسکن
- الگوی زمین و خانه

در ادامه و برای آشنایی و شرح موضوع، هر یک از الگوهای سه‌گانه یاد شده به صورت مجزا توصیف می‌گردد. ۳-۱-۱. الگوی دسترسی به آب

یکی از مهم‌ترین عواملی که میزان توسعه اسکان را نشان می‌دهد محل قرار گرفتن منابع آبی و ویژگی‌های آن است. در مناطق کوهستانی این آب بیشتر از چشمه‌های طبیعی، رودخانه‌ها و یا آب‌های سطحی تغین می‌شود. چشمه‌های طبیعی اصولاً در مرکز روستا قرار گرفته‌اند. قابلیت دسترسی به آن فعالیت‌های انسان را آسان کرده، به دامداری کمک می‌کند. در موارد دیگر اسکان در راستای رودخانه یا آب جاری صورت می‌گیرد. وجود آب نیازهای خانواده را تأمین کرده، حاصلخیزی زمین و در نهایت وجود فعالیت‌های اقتصادی را تضمین می‌کند.

۳-۳-۱ الگوی ساخت مسکن

متحنی‌های تراز چگونگی طرح اسکان را نشان می‌دهند؛ بنابراین ساخت خانه‌ها با شکل کلی زمین مطابقت دارد. اعضای هر خانه می‌توانند از سقف خانه دیگری که در سطح پائین‌تری نسبت به خانه آنها ساخته شده به عنوان حیاط استفاده کنند. حاصل طرحی ایوان‌دار است. اسکان در مناطق کوهستانی به صورت متمرکز انجام می‌گیرد. روستاها در کوهپایه‌ها ساخته شده‌اند تا از تمام فضای موجود استفاده‌های بهینه شود. بدیهی است که استفاده از طرح اسکان متمرکز در نواحی کوهستانی راهی برای تسهیل حفاظت از روستاها است. در گذشته این امر نشانگر حمایت از یک روستا در برابر حمله‌های احتمالی روستاها یا کشورهای دیگر بود.

از سوی دیگر جهت قرار گرفتن خانه برخلاف وزش بادهای



تصویر ۶- پروایل کلی از یک روستای کوهپایه‌ای در شمال عراق

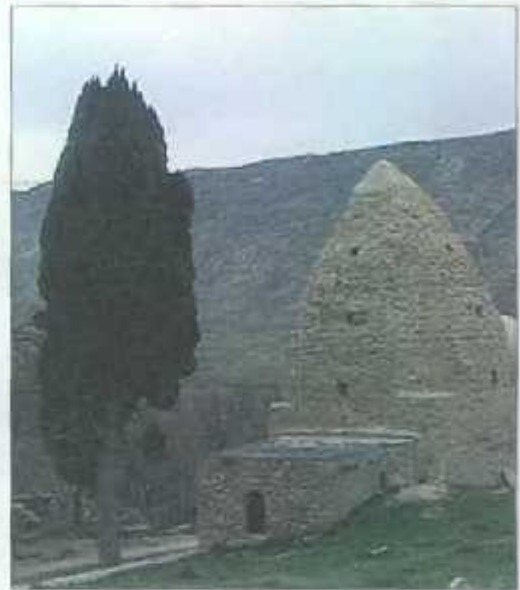
مزاحم و در روستای تور خورشید بوده تا سیستم حرارتی طبیعی، هوای خانه را مطبوع سازد. خانه را به سمت جنوب می‌ساختند تا در تمام طول روز آفتابگیر باشد و در فصل زمستان گرمای داخلی آن حفظ شود.

۳-۳-۱ الگوی زمین و خانه

به علت متمرکز بودن طرح اسکان در این مناطق امکان استفاده از مکان‌های اطراف خانه محدود است. به نظر می‌رسد خانه‌ها شکل نامنظمی داشته، در راستای شکلی زمین هستند. حیاط جلوی هر خانه ارتباطات اجتماعی افراد را آسان می‌کند. این امر حاکی از آن است که در مناطق کوهستانی کارهایی چون خواب و پخت و پز درون خانه و دیگر فعالیت‌ها در بیرون از آن انجام می‌گیرد؛ به عنوان مثال، لباس‌های کتیف و در آبی که از روستا می‌گذرد می‌شویند؛ در مسجد عبادت می‌کنند و از



نتیجه رج چینی بسیار نامنظم بوده، بستگی به برش سنگ‌ها دارد. بیشتر لایه‌های سنگی متفاوتی بدون ملات روی هم قرار می‌گیرند، گاهی نیز از آهک یا سنگ‌ریزه برای استحکام بخشی ساختمان استفاده می‌شود. ایجاد سنگ‌ها که اصولاً ۵۰-۷ سانتی‌متر هستند ضخامت دیوار را تعیین می‌کند و البته نوع سنگ‌های به کار رفته و شیوه برش آنها در این مورد بی‌تأثیر نیست. در نهایت یک فایق حرارتی مناسب در دیوار به وجود می‌آید. چرا که ساختار سنگ گرما را در طول زمستان حفظ کرده دمای محیط را در تابستان تعدیل می‌کند.



تصویر ۷- تعامل طبیعت و سکونتگاه انسانی - روستای در استان کرمانشاه ۱۳۸۴

اجاق‌های عمومی برای پخت نان استفاده می‌کنند. این نگرش اجتماعی مبتنی بر توزیع مکان در راستای سودرسانی همگانی است. همچنین در مورد مصالح ساخت و ساز در مناطق کوهستانی می‌توان بیان داشته در این مناطق هم دیوارهای خارجی و هم دیوارهای داخلی به شیوه سستی از سنگ ساخته می‌شوند. در

| نیازهای اساسی انسان | چگونگی برآوردن نیازها از طریق طبیعت |
|---------------------|---|
| نخستین نیاز اساسی | استفاده از منابع آبی - چشمه‌های طبیعی، رودخانه‌ها و آب‌های سطحی |
| دومین نیاز اساسی | امنیت: ساخت روستاها در کوهپایه‌ها و مکان‌های مرتفع، بافت متمرکز و ... گرم کردن خود: جهت‌گیری خانه‌ها به سمت جنوب، ساخت ایوان، استفاده از مصالح با ظرفیت حرارتی مناسب ... |
| سومین نیاز اساسی | استفاده از مکان‌های عمومی برای سودرسانی همگانی: مسجد، اجاق‌های عمومی برای پخت نان |



تصویر ۸- ارتباط سازنده منظر روستایی با طبیعت - روستایی در شمال عراق ۱۳۸۶



تصویر ۹- تلفیق کالبد سکونت‌گاه با طبیعت منطقه‌ای روستایی در استان دهوک ۱۳۸۶

جدول ۵

چگونگی برآوردن نیازهای اساسی انسان از راه طبیعت

۴. نتیجه‌گیری

ارتباط بین سکونتگاه بشری و طبیعی در امتداد کوهستان زاگرس دارای ابعاد پیچیده و مختلفی است. اما به طور کلی سه نوع مدل ارتباطی سازنده، خنثی و تنش‌زا به عنوان شاخص عمومی قابل قبول هستند. مطالعات نشان می‌دهد سابقه تاریخی، توانایی اقتصادی ساکنان، فرهنگ و آداب و رسوم، نحوه کسب معاش مردم، سنت‌های قدیمی و نیازهای محلی از جمله مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در تعریف چگونگی این ارتباط است. از سوی دیگر نقش برنامه‌ریزی، طراحی و پس از آن مدیریت شهری از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری هر یک از این سه مدل ارتباطی هستند. قدر مسلم آن که تمامی عوامل و فاکتورهای تأثیرگذار به صورت مستقیم و غیرمستقیم می‌توانند در تعریف ارتباطی درست بین سکونتگاه بشری و طبیعت پیرامونی نقش ایفا نمایند. مدیریت و ساماندهی این عوامل و فاکتورها، همگی وابسته به درایت، هوشمندی و تأکید بر برنامه‌ریزی‌های همه‌جانبه و آبی‌نگر است.

منابع:
 پیران، آ.، هیکتور، کلرین (۱۳۸۱) *بازمانده‌های مکتبی برای توسعه زمین*، راهپایانی برای برنامه‌ریزی و طراحی محلی پایدار، مترجم: سیدحسین جعفری کویان کریمی، تهران: دانشگاه تهران.
 روستاها (۱۳۸۶) زمین‌پایه برنامه‌ریزی و طراحی منظر در دوران سانسابل، همان‌جا: نقیص همدانی.
 طبری، رحیم جوی (۱۳۸۵) *تاریخ طبرستان از تاریخ الوصل و الفنون مترجم*، ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات گنجینه.
 گلشاری، کورش (۱۳۹۹) *طراحی شهری پایدار در شهرهای منطقه کویر*، انتشارات علمی، پژوهشی هنرهای زیاده شماره ۱، ۳۳-۳۵.
 مؤسسه برنامه (۱۳۸۷)، *طرح جامع شهر تهران*، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
 طراحتیان، امیر (۱۳۷۸) *به سوی شهرسازی استلارک تهران*، شرکت پردیس و برنامه‌ریزی شهری.
 London, E. G. Bond Ltd. *Questions of Space*, Techni, B. (۱۹۹۵).
 آید، لیلیه صفه حشر لیلیه‌ای است. برنامه از طرح مطالعات شهری سازمان ملل متحد جهت جوامع آمیخته از سنت که بر مبنای مطالعات سکونتگاه بشری در این سازمان بر سال ۲۰۰۱ اعلام داده است.
 ۴- نویسنده مسئول: نقیص همدانی
 ۰۹۸۳۳۲۶۲۲۲

گام‌های پیوسته شهر در بازه‌ی یک سده شهر داری

گفتگو با محسن حبیبی
دکتر در شهرسازی
علی‌اس جلالی



درباره‌ی محسن حبیبی: وی متولد (سال ۱۳۲۶) کرمانشاه است دبیرستان را در رشته‌ی ریاضی به پایان برد. از دانشگاه تهران دانشنامه‌ی معماری را دریافت کرد (۱۳۵۲) و سه سال بعد در رشته‌ی شهرسازی کارشناسی ارشد گرفت. حبیبی به فرانسه رفت و در تحقیقات پیشرفته در شهرسازی دپلوم تخصصی از دانشگاه پاریس دریافت نمود (۱۹۷۸م). سه سال بعد دکتری خود را با پایان‌نامه‌ی ترکیب شهر، از شهر سنتی به شهر نوین از همان دانشگاه دریافت نمود. وی در حال حاضر استاد دانشگاه تهران است و ریاست پردیس هنرهای زیبای این دانشگاه را برعهده دارد. پیش از ۶۵ مقاله نگاشته که در نشریات علمی-پژوهشی و همایش‌های علمی ارائه و چاپ شده که ۹ مقاله‌ی آن به زبان فرانسه است. وابسته‌ی مرکز ملی پژوهش‌های علمی فرانسه CNRS است. دکتر حبیبی در سال ۱۳۸۴ پژوهشگر برگزیده سال گروه هنر و زیارت علوم، تحقیقات و فناوری شد. سال بعد از سوی دانشگاه تهران مولف برگزیده سال برای کتاب «اتلس تهران» شناخته شد که با همکاری برنارد هورنر کار فراهم شده بود. تاکنون ۱۷ کتاب را نوشته یا از فرانسه به فارسی برگردان کرده است. از تألیفاتش می‌توان به این آثار اشاره کرد:

از شهر تا شهر (۱۳۷۵)، مرمت شهری (۱۳۸۱)، شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر (۱۳۸۵) از ترجمه‌های انجام شده توسط وی: شهرسازی و تغییرات و تحولات (اثر فرانسواز شوای) است.

انقلاب مشروطیت و دوران ناصرلی که آن هم در واقع کشور را می‌خواهد مدرنیزه کند. اگر تغییرات شهر در این دوران را بیادآوریم در این دوران آگاهی احتسابیه داریم، احتسابیه در واقع سلف مستقیم بلدییه هست. ما "وزیر پابخت" داریم، بنابراین دو نوع مدرنیزاسیون را داریم، تحقیق می‌کنیم؛ یکی از بالا است که دولت می‌خواهد دولت به معنای عام کلمه- و یکی هم که مردم از پایین طلب می‌کنند. آن چیزی که در قانون بلدییه مطرح می‌شود چون در واقع به نوعی بازخوانی قوانین اروپایی در ایران است یا همسازی آن قوانین با شرایط ایران یا آن چیزی که

در شرح و عرف در ایران هست وجود دارد. مقاله‌ای نوشتم که درباره‌ی نگاه علامه نائینی در مورد نظام قانون و شهر که در واقع نگاه او به نظام‌مند کردن و قانونمداری است اشاره می‌کند. به دلیل این که مدرنیته از بالا دارد هم قانون را ترجمه می‌کند هم تبدیل می‌کند، هم تطبیق می‌دهد آن چیزی که بیرون می‌آید. همان‌طور که اشاره کردیم مفهوم قانون مفهوم یک نهاد عمومی است، یعنی نهادی که نه دولتی است نه خصوصی در واقع نهادی عمومی

حکومت با تصویب قانون بلدییه، شهرداری هویتی قانونی یافته از سال ۱۲۸۶ تا به امروز از دید شما این نهاد ملی چه تغییری در ساختار و کارکرد داشته است؟

● قانون بلدییه را باید هم ارز یا قانون مشروطیت دید. ما در سال ۱۲۸۵ قانون مشروطیت (اعلام مشروطیت) و ۱۲۸۶ قانون بلدییه را داریم. من پیش از این در سال‌های دور مقاله‌ای را نوشته بودم، تحت عنوان تهران پابخت قاجار؛ اولین پژوهش مدرنیته در ایران در این مقاله من بحث شهر را توضیح داده بودم، ولی در واقع بحث کرده بودم که مدرنیته درست است، یعنی مدرنیته‌ی

اروپایی که از بیرون آمده است که به ایران می‌آید. ولی دیگرگونی‌های ترون کشور یا به عبارتی تعاملات ترون سری در کشور وجود دارد تمای مدرن شدن را دارد. بنابراین فقط یک سویه نیست، مدرنیته‌ی اروپایی، با طعم و ذائقه‌ی ایرانی تلفیق می‌شود و بنابراین شروع می‌کند به پیشنهاد کردن نوعی مدرنیزاسیونی که هم از پایین و هم از بالا است. مدرنیزاسیون از پایین انقلاب مشروطیت است، مدرنیته‌ای از بالا، در واقع خواست دولت قاجار است. به خصوص قبل از



است (بلدیه و بعد شهرداری). و قرار است این نهاد عمومی از طریق مجاری عمومی هم اداره شود. بنابراین انجمن خواهد داشته انجمن شهر دارد، انجمن بلدیة دارد. انتخاب می‌شوند و داستانی دارد که تقریباً به تعطیلی گشایده می‌شود بجز زمانی کوتاه تا اینکه در سال ۱۳۷۸ قانون شورای شهر به تصویب می‌رسد. در واقع مفهوم انجمن شهر یا انجمن بلدیة به خاطر این که قرار است نهادی عمومی باشد یا یک نهاد میانی، کم‌رنگ می‌گردد و فراموش می‌شود. هم روشن است برای این که ما در کشورمان، در گلو تاریخ، نهاد دولتی داشتیم که معمولاً نهاد عمومی را به سود خودش مصادره می‌کرد، این نهاد همیشه در برابر نهاد خصوصی، کم‌رنگ بوده است. و این امر حتی تا دوران قاجار نیز ادامه داشته است.

فرض یک بورژوازی قدرتمند ملی نداریم که همه‌ی آن سرمایه‌ی دولت است، کنیند این کار را انجام می‌دهد، بنابراین قانون وضع می‌شود، قانون شکل می‌گیرد، انجمن ایالتی انجمن ولایتی و... همه‌ی این‌ها تعریف می‌شود، ولی بستر اجتماعی آن وجود ندارد یعنی هنوز آن طلب از پایین وجود دارد که به یک نهاد مدنی عمومی دست پیدا کند که خودش انتخاب کند و خودش کنارش بگذارد و نه نهاد دولتی این کار را انجام دهد. یعنی نه از بالا میل به این قضیه دارد که یک نهاد مستقل کنار خودش ببیند. تعطیل شدن آن هم به همین علت است در واقع به سرعت با دولتی شدن مواجه می‌شویم. نهادی عمومی یعنی بلدیةای دولتی روبرو می‌شویم که در واقع عملاً دولت است که بلدیة را به تصویب رئیس بلدیة انتخاب می‌کند.

مردمان هم میبیزینند که این دستگاهی دولتی است یعنی هیچ‌گاه در علمه‌ی مردم که یک نهاد عمومی برای خودشان میخواهند ثبت نشده است.

بلدیة بخشی از وزارت داخله است بنابراین حتی تا به امروز هم حتی این کشاکش وجود دارد، قانون بلدیة را از این بابت عرضی کردم که باید با قانون مشروطیت نگاه کرد چون هر دو یکی آنها دارند به طرف تشکیل نهادهای مدنی می‌روند و هر دو آن را طلب می‌کنند اما چنین می‌نماید که هنوز بستر اجتماعی، آن آمادگی لازم را نداشته که این دو، یکی بشوند و به همین دلیل هست که وقتی سیرسیم به کودتای سیدضیاء (۱۲۹۹) در واقع کودتا، طلب مدرنیزاسیون را از بالا تشدید می‌کند. مدرنیزاسیون از پایین باید منتظر سال‌های بعد بماند تا بروز و وقوع پیدا کند و علتش هم این است که مدرنیزاسیون از بالا یک نیروی قاهر دولتی در پشت خود دارد و عمل می‌کند بنابراین همه چیز را متعلق به خودش می‌داند و خودش تصمیم می‌گیرد و زیاد با نهاد عمومی کاری ندارد.

سوال: نقش نگاه اندرونی را در این میانه چگونه میببینید؟ چون در جامعه‌ی خودمان یک نگاه اندرونی، بیرونی هم داریم

ما نگاه بیرونی خیلی نداریم یعنی از اول نگاه کردن به درون خانه‌ها، نگاه کردن به چارچوباری به اندرون بوده، حالا همه‌ی مردم فرقی نمی‌کرد، یعنی بیرون از هشتی و چارچوب، خانه، بیرون خیلی مفهومی نداشته مگر اینکه محل رفت و آمد قزاق و سپاهیان و هم مردم عامی بود، ولی بیشتر دولتی تلقی میشد یعنی فضای بیرون خانه یک چیز مربوط به دولت، مربوط به آن‌هایی که قدرتمندان بودند ولی درون حال خود من! آیا این انگاشت و باور عقب کشیدن از رخدادهای بیرون اثر داشته یا نه؟

● هم می‌توان گفت بلی هم خیر. یعنی شخصاً وقتی برگردیم به کودکی ما یاد هست که حالا طبق عرف بود یا سنت یا طبق یک دستور شرعی که مردمان هر باسند دم در خانه‌هایشان را می‌روبینند و در واقع بوی نم صبح مشهود بود و مردم این مشارکت را داشتند. وقتی نگاه می‌کنیم باز به مقیاس محله درست است که اعیان و اشراف در محله حضور داشتند فرو دستان هم بودند اما در یک تعامل خیلی جدی با هم دیگر زندگی می‌کردند، یعنی ما چیزی به عنوان محله‌ی مرفه‌نشین نداشتیم یا محله فقیرنشین. تمام ساخت در درون یک محله بود و معاشرت‌های اجتماعی خیلی بالا بود. به طور مثال نظارت اجتماعی در محلات که گاه فکر می‌کنم جماعتی که سر گذرها مینشستند محله کاملاً تحت کنترل اینها بود، درست است نیروهای دولتی می‌آمدند ولی محله تحت کنترل این‌ها بود تذکراتشان را میداندند و تنبیه می‌کردند.

اینجاست که من می‌خواهم جواب آن بده ای را که گفتم بدهم که مردم تصور می‌کنند که یک تهادی آمده است که قرار است این کارها را بیرون انجام بدهند این سنت کهن را رها می‌کنند. یعنی قرار است رفتگر بیرون را جارو کند قرار است که امنیت محله به وسیله‌ی گزبه و کلاتری تضمین بشود، ما بینیم که کار خاصی است که از بالا می‌آید در مقابل چیزی که از پایین می‌آید جاهایی را که دولت می‌تواند، به نفع خود مصادره می‌کند. یعنی می‌گوید اینجا مرکز محله بود، قبلاً ریش سفیدها یا بچه‌های محل ادرهاش می‌کردند حالا پاسبان می‌آید این جا می‌ایستد یعنی در واقع یک جریان کشی و واکنشی شروع می‌شود. به مردم می‌گویند که شهرداری برای شما می‌روید شما نمی‌خواهید بروید ما این کار را انجام می‌دهیم یعنی می‌شود گفت که علی‌الحصول نگاه، نگاه اندرونی است، نگاه‌ای است که بیشتر در آن چارچوباری اختیاری داریم عمل می‌کنیم. ولی وقتی که می‌بینیم که بیرون کسی پیدا شد که این کار را دارد انجام می‌دهد در واقع این واگذار می‌شود هنوز هم این چنین است. مثلاً این برف اخیر را ببینید هیچ کس خودش را موظف نمی‌دانست که جلوی خانه‌اش را خودش باید پاک کند حتی

ما در کشورمان، در گذر تاریخ، نهاد دولتی داشتیم که معمولاً نهاد عمومی را به سود خودش مصادره می‌کرد، این نهاد همیشه در برابر نهاد خصوصی، کم‌رنگ بوده است و این امر حتی تا دوران قاجار نیز ادامه داشته است



پایه‌رو را، در حالی که همین الان در کافادا شما ببینید که قانون دارند که مثلاً اگر بنده جلوی خانه‌ی شما روی یخچندان زمین بقیتم شما باید تمام هزینه درمان بنده را بدهید (در پایه‌رو، خیابان برای شهرداری است). ولی الان در شهر ما خیابان بیشتر پاک شده است تا پایه‌رو چون همه فکر می‌کنند یکی باید بیاید و این کار را انجام دهد بخاطر این که دولت گفته من این کار را انجام میدهم نه شهرداری (دولت) بنابراین حد من همین هشتی است حد پیرنشین و جلوخان خانه است بقیه را من کاری ندارم و دولت باید این کار را انجام دهد. حتی اگر پیام هم بشکند درست نمی‌کنم ولی در این گذار بیش از این مدرنیزاسیون به مدرنیزاسیون در این دوران گذار، این را فراموش کردیم شهروند خودش را کاملاً عقب کشیده و می‌گوید یکی هست که این کارها را انجام می‌دهد.

بنابراین ما در سنتمان نداشتیم در سنتمان آن بیرون را کار داشتیم. درست است که اندرونی خصوصی بود ولی کوچه نیمه خصوصی بوده یعنی همینطوری نمیشد به محله‌ی دیگری برویم چون در هر محله‌ای قوانینی و نظارت اجتماعی قدرتمندی وجود داشت. در همه‌ی زمینه‌ها که در دوران گذار واگذار شد. بنابراین من و شما وارد خانه شدیم و از پشت درب خانه خبری نداریم.

سوال: عرصه‌ی نوظهور خیابان و ماشین شاید این گسست را بیشتر کرده باشد به عبارتی عینی فضای خیابانی دوره‌ی پهلوی که سیستم محله‌ها را

به هم ریخت و خودش یک چیز تازه بود و ورود ماشین که احتمالاً این به قضیه‌ی بیگانگی در این ماجرا دامن زده است؟
جواب: من فکر کنم اگر آن چرخه‌ی مدرنیته را جلو بیاوریم و مدرنیزاسیون را از سالهای ۱۳۱۰ و یا کودتای ۱۲۹۹ به بعد بررسی کنیم، با ورود مدرنیسم به معنی یک شبکه بینالمللی روبه‌رو هستیم که در این قضیه می‌بینیم که یاز هم این مدرنیسم با لهجه‌ی ایرانی است یا قرائت ایرانی است. همانگونه که اگر بنده و شما الان زبان بیگانه صحبت کنیم بیدرتگ آنها متوجه میشوند ما یک گویش خاص داریم. مدرنیسم هم یک مدرنیسم ایرانی است از ۱۳۱۰ به بعد به خصوص، مدرنیسم در همه‌جای دنیا کارگسست را طرح می‌کند حتی در کشورهای مبدأ آن در اروپا هم انقطاع را طرح می‌کند به شدت هم قطع ارتباط با گذشته می‌کند. مدرنیسم اصلاً یکی از شمارهای عملی این است که من با گذشته کاری ندارم من از امروز شروع می‌کنم. و در واقع با نگاه برشی یا گذشته در همه‌ی زمینه‌ها از جمله ورود ماشین از جمله خیابان و از جمله نگاه دیگری به شهر مواجه می‌شویم و همه‌ی این‌ها و در این میان آن چیزی که اشاره کردید آن مفهوم عرصه‌ی عمومی در مفهوم مدرنیستی شکل می‌گیرد. چون قرائت ایرانی قضیه است. بنابراین می‌بینیم که چیزهایی از قدیم آمده و یک رشته چیزهایی نو آمده معانی دیگر پیدا

می‌شود که ما آن موقع مفهوم خیابان و شکسته شدن مفهوم محله را پیدا می‌کنیم و همچنین شکسته شدن بنیان‌های اجتماعی را و همه‌ی این‌ها در روی شهر تاثیر خودش را خواهد گذاشت.

سوال: چون همان‌طور که قبلاً گفته شد ما سوال‌هایی را پی می‌گیریم که بیشتر، دستاوردهای یکصدساله شهرداری در ایران را در بر بگیرد می‌خواهم یک گام به جلو برداریم یعنی اینکه من از شما پرسیدم راجع به ساختار و کارکرد چون سوال دوم برمی‌گردد به سوال اول می‌خواهم مطرح کنم که کارآمدی این نهاد در کدام یک از کالبدهایی که برایش میشناسید بهتر و شبیه بوده و چرا؟

جواب: ما در واقع از کودتای سال ۱۲۹۹ که وارد مرحله‌ی مدرنیستی ایران می‌شویم با قرائت ایرانی و عمدتاً با مدرنیزاسیون دولتی روبرو هستیم یا همان مدرنیزاسیون از بالا که به شدت می‌خواهد ایران را اروپایی کند و در مشغولش کاری با محتوا ندارد، در واقع می‌خواهد از لحاظ شکلی کار کند و در همه‌ی زمینه‌ها هم چنین است. در شهرداری هم چنین است. نخستین اتفاقی که می‌افتد قانون بلدیّه را تبدیل به قانون شهرداری می‌کنند این تنها یک تغییر واژه نیست (همان‌طور که نظمیّه می‌شود شهرداری) در واقع تغییر فرمان و حتی تغییر محتوایی هم داخلش هست. فقط این که نکته‌ی اولی را گفتم از یاد نبریم که چه شهرداری چه بلدیّه و چه احتسابیّه قبل (در

دولت‌های مدرن یعنی از دولت ۱۲۹۹). حتی این دولت‌های مدرن با اینکه تمایل دارند که چهره‌ی دیگری از کشور را نشان بدهند ولی هنوز آن افکار کهن دولت ایرانی در ذهنشان هست بنابراین اداره‌ی احتسابیّه یا اداره‌ی بلدیّه و یا اداره‌ی شهرداری (مخصوصاً واژه اداره را می‌گذارم) بخشی از مدیریت کشور مطرح می‌شود و زیر نظر بخش دولتی، یعنی در عرصه‌ی دولت به آن نگاه می‌شود. در سال ۱۳۲۵ چون سال‌های پس از سقوط رضاشاه و دوران پارلمان ایران است از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۲ که دولت می‌آید و میرود، مجلس پر جنب و جوش است و وقتی بحث شهرداری پیش می‌آید، قانون مجلس هست که هنوز هم وجود دارد قانون قائم مقامی وزارت کشور به جای انجمن شهر در سال ۱۳۲۵ طرح می‌شود که می‌گویند تا انجمن شهر بخواهد تشکیل شود تا آن نهاد تعطیل شده مشروطیت بخواهد از نو دوباره شکل بگیرد ما به وزارت کشور قائم مقامی می‌دهیم که در شهرها به جای انجمن شهر شهردار انتخاب کند. این شیوه تاکنون مانده هنوز هم وزارت کشور بنمیل نیست که از این قانون به عنوان قائم مقام استفاده کند و خودش شهردار را انتخاب کند. به خاطر این که نگاه به شهرداری نگاه بخش عمومی نیست نگاهبست که بخشی از دولت است. تا بعد که در سال ۱۳۲۸ که قانون انجمن شهر تصویب می‌شود و انجمنها تشکیل می‌شود کم و

قانون قائم مقامی وزارت کشور به جای انجمن شهر در سال ۱۳۲۵ طرح می‌شود

بیش وزارت کشور هم روی این‌ها تاثیر می‌گذارد که اگر شما نمی‌توانید انجمن را منحل می‌کنیم و خودم یک شهردار می‌گذارم هم به نیابت از طرف قانون چون قانون به آن‌ها اجازه می‌دهد بنابراین اصول ساختار دولتی است حالا از ۱۳۷۸ به بعد از تشکیل اولین شوراهاست که می‌بینیم قضایا دگرگون می‌شود و من هم می‌گویم که باید حداقل سه چهارم دوره شورا را تجربه کنیم تا ساختار تغییر کند یعنی شهرداری آرام به طرف نهاد عمومی باید برود شهروند هم باید بداند که هزینه‌ی شهر را خودش باید بدهد و هزینه‌ی شهرداری را خودش بپردازد، درست است که بخشی از دولت باید و می‌تواند به او کمک کند ولی بخش اندکی است. مثلاً از یک جریان صددرصدی بیست درصد را دولت می‌تواند به بدهد بقیه‌اش را خود شهر باید بدهد حالا اگر شهر را هم تأمین بدهیم ۵۰ درصد را خود محل باید بدهد و به نظر من تغییر ساختاری که شما در نظر دارید و مطرح کردید، شخصاً فکر می‌کنم که ساختار شهرداری ما، تغییری نکرده یعنی قانون بلدی تغییر کرده، شده قانون شهرداری. قانون شهرداری با تمام مکمل‌ها و متمم‌هایی که خورده چه در دوران حکومت پهلوی در ایران و چه در جمهوری، در ایران تغییر نکرده به خاطر اینکه ما دارای یک نهاد عمومی بشویم که این نهاد عمومی واسط بین نهاد دولت و نهاد خصوصی بشود؛ هنوز کار دارد و این کار زمان می‌خواهد.

سوال: شما یکی از سرآمدان کرسی شهرداری در ایران هستید از دید شما چرا شهرسازی از نهاد شهرداری که می‌باید شهر را اداره کند، این همه دور مانده است. چنین می‌نماید که هر یک به راه خود می‌روند؟

● وقتی که در واقع کار دولتی می‌شود، بنابراین دولت یک بخش آن وزارت مسکن و شهرسازی است یک اداره‌ی دیگرش شهرداری است یعنی تفاوتی نمی‌کند یعنی در دو اداره این کار دارد انجام می‌گیرد و سوال شما وقتی معنا پیدا می‌کند که ما بگوئیم که شهرداری در واقع یک نهاد عمومی است و این نهاد ما خودش موظف است که نقش خودش را تهیه کند. توسعه شهرش را ببیند و این پیامدهایش در شهر حادث خواهد شد. خود شهرداری باید ببیند اینکه یک تلاشی شد و بسیار هم معنادار بود، یعنی سوال اول این است که چون خود دولت دارد تهیه می‌کند بنابراین دولت برنامه‌ریزی می‌کند خود او هم نقشه می‌کشد بنابراین شهردارش به عنوان بخشی از دولت همان نقشه را اجرا می‌کند یعنی به نظر می‌آید در سیستم اشکالی وجود ندارد این اداره‌اش نقشه تهیه می‌کند آن اداره انجام می‌دهد و گرفتاری سوال شما همین جاست که چون ادارات مختلفی هستند و این‌ها به صورت افقی به هم وصل نیستند و همیشه به صورت عمودی حرکت می‌کند بنابراین ممکن است و هماهنگ نباشند و هم زمانی بین کارهایشان نباشد. مثلاً این اسفالت می‌کند آن یکی می‌کند آن بحتی که همه یکجا انجام می‌گیرد بحث مدیریت شهری است. در همه‌ی جای دنیا مدیریت شهری مدیریت

یک‌پارچه است حالا کلانشهری مثل تهران یک‌جور، شهرهای کوچک طور دیگر مدیریت یک‌پارچه غالباً حصول مدیریت افقی است نه مدیریت عمودی یعنی هر آن کسی که در شهر امری به او مربوط می‌شود باید زیر نظر شهرداری باشد نه اینکه تفویض اختیار بشود. به طور مثال اگر قرار است برقی کشیده شود زیر نظر شهرداری باید باشد و همین‌طور مسائل دیگر به همین دلایل است که ما وقتی نگاه می‌کنیم در شهری مثل تهران به طریق اولی در شهرهای دیگر هم همین‌طور مثلاً شما فقط کافی است بروید از اداره‌ی آموزش و پرورش بگوئید نقشه‌ی مناطقتان را بدهید از اداره‌ی وقف نقشه را بگیرید و همین‌طور از شهرداری و از اداره ثبت احوال و استاد هیچ کدام این‌ها بر هم منطبق نیست یعنی حرکتی برای خودش یک منطقه‌بندی کرده چرا چون مدیریت یک‌پارچه وجود ندارد.

جواب بعد اینکه ما چون که برنامه‌ریزمان برنامه‌ریزی اقتصادی اجتماعی نیست برنامه‌ریزی جمعیتی می‌شود؛ چون این نوع برنامه‌ریزی دست دولت است و هم اوست که برنامه‌ریزی اقتصادی اجتماعی مبریزد بنابراین ما فقط می‌توانیم حدس بزنیم که ما مردم بنابراین حدس و گمان نتیجه‌گیری می‌کنیم. مثلاً می‌گوئیم که این شهر مقدار X تا در سال جمعیت دارد، به Y تا جمعیت در سال می‌رسد برای این جمعیت که ما در خیالمان وجود دارد می‌گوئیم که X تا مدرسه می‌خواهد Y تا خیابان می‌خواهد بر مبنای این آمار نقشه تهیه می‌کنیم. اولین سوال جواب شما این است که خوب اگر این جمعیت به حد نصاب ما رسید چه؟ در برنامه‌ی اقتصادی دولت تغییر ایجاد شد سرمایه رفت جای دیگر دوباره نقشه‌ی ما به هم خورد، فقط آن چیزی که باقی میماند خطوط ارتباطی است که من برای شهر کشیده‌ام و شاید شهرداری آن را اجرا می‌کند و تراکمی است که من برای شهر پیش‌بینی کردم نیز به هم می‌خورد (به عنوان شهردار) آن را هم شهرداری تصمیم می‌گیرد که عوض کند. یعنی می‌خواهم بگویم که سوال شما درست است ولی علی‌الحصول این‌ها باید یکجا باشد و وقتی می‌تواند یکجا باشد که ما در مورد مدیریت شهری یکپارچه صحبت کنیم یعنی وقتی می‌توانیم این کار را نکنیم که از شهردار به معنای واقعی شهردار یعنی کسی که شهر در اختیارش است صحبت کنیم از شهردار به عنوان وزیر شهر صحبت کنیم. کسی که همه‌ی ارگان‌های دیگر موظفند برنامه‌هایشان را به او بدهند این برنامه‌ها مورد بررسی قرار بگیرد در دل یک برنامه‌ی واحد هم دیده شوند. وقتی می‌گویم همه، یعنی بنده به عنوان عامل اقتصادی باید بگویم که من تا سرمایه‌گذاری در این شهر خواهم کرد جاهایی به عنوان برنامه‌ریزی اجتماعی این تغییرات اجتماعی در شهر حادث شده و خواهد شد. همه‌ی داده‌ها را می‌ریزیم روی هم من برنامه را به شما برمی‌گردانم و می‌گویم که شما موافقت و این تازه وقتی است که ما هنوز داریم در بخش دولتی صحبت می‌کنیم و آن طرف قضیه هیچ است. یعنی شهر زمانی



می‌تواند نقشه مند بشود که با مردم برنامه‌ریزی شود، وقتی مردم در برنامه‌ریزی و چرخه‌ی آن تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرا و طراحی نیستند. نتیجه روشن است و این همان چیزی است که گفتیم باید برنامه‌ریزی طولانی شود زمان زیادی می‌برد که مردم بیایند در این چرخه و بیاموزند که صاحب‌نظر هستند و دولتی‌ها هم بیاموزند که اینها را بکار بگیرد یعنی اگر بخواهیم دارای قانون بلدی‌های مبتنی بر انجمن شهر یا شورای شهر باشیم یعنی اینکه شهردار و اعضای انجمن شهر مستقیم پاسخگوی دکتک آدم‌های در مورد همه چیز آن باشد، یعنی بنده باید نماینده‌ام را که در شورای شهر حضور دارد بشناسم و این احتیاج به زمان دارد و شما تصور بفرمائید که ما برای یک شهر حدود ده میلیون نفری مثل تهران یک شورای شهری ۳۰ نفره داریم چه کسی این اعضا را می‌شناسد؟

تولید من شهرسازی را یک نیروی میدانی (منظورم شهرسازان) یک نیروی سپید و پر قدرت و توانی که در درون آن هست و حالا این نیرو چگونه می‌خواهد این ایده‌ها را نخلیه کند در این دستگاهی که فقط یک مامور

تقریباً در همه‌ی شهرهای اروپایی در هر دانشگاهی که در شهر هست برنامه‌ریزی آن شهر با آن دانشگاه انجام می‌شود

اجراست همیشه این سوال وجود دارد که این نیرو خوب قدرتمند چگونه وارد عمل بشود؟ آیا همینطور من غیرمستقیم یا آموزش‌هایش یا بالآخره کجا نمود پیدا می‌کند؟

● تقریباً در همه‌ی شهرهای اروپایی در هر دانشگاهی که در شهر هست برنامه‌ریزی آن شهر با آن دانشگاه انجام می‌شود. یعنی معلم را عملاً درگیر امور شهر کردند یعنی آموزش من ربط مستقیم با شهر پیرامونم پیدا می‌کند. در ایران این هم کار دارد تا ما این مسیر را طی کنیم که در واقع بگوئیم که در شهر X اگر دانشگاه وجود دارد ما در آن دانشگاه بتولیم یک هسته‌ی قدرتمند برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری را شکل بدهیم و شهرداری با آن کار کند. آن وقت میشد گفت که تمام آن جریان واقعی که در سطح شهر وجود دارد یا آن ایده‌های که در دانشگاه وجود دارد از ایده و یا آرمان به واقعیت رفتن و برگشتن هم این طرف را درست می‌کند و هم آنطرف.

تولید حلیق کتابی که از شما خواندم شما بر این باورید که در شهرسازی در آنجا مقوله‌ای برگرفته از باختر زمین نیست و در واقع تحولات تاریخی و اجتماعی سرزمین ضرورت چنین نهادی را فراهم نموده بنابراین زایش نهاد شهرداری یک چیز تاریخی است. نظرتان را در این باره بگوئید؟

● من اصول اعتقاد بر این باور هست که عرض می‌کنم عمومی را ما داشتیم چون شهرداری یک نهاد عمومی است یعنی واسطه بین خصوصی و دولتی است و نهاد بسیار گسترده و وسیع است. اعتقاد من این است که وقتی برخی گردیم به سده چهارم هجری (این اخوه) یک کتابی می‌نویسد به عنوان (ابین شهرداری) یعنی چگونه باید شهر را مدیریت کرد و وقتی می‌رسیم به دوران صفوی در واقع داریم که صنوف چطور اداره

می‌شوند و شهر چطور باید نقشه داشته باشد. به نوره‌ی قاجار که میرسیم اداره‌ی احتیاسیه شکل می‌گیرد و وزیر پایتخت و وزیر بلدیة بعد هم که در توران مدرن ایران کودتای ۱۲۹۹ به بعد حداقل این معنا در واژگان زایش پیدا می‌کند ولی این هنوز خیلی کار دارد که بتواند روی پای خودش بایستد و شهر را اداره کند اداره کردن شهر یا به عبارتی مدیریت شهری چیزی است که در دستور کار امروز ما قرار دارد چگونه شهر باید مدیریت شود. ممکن است بگوئیم که دولت باید این را اداره کند ولی حداقل از ۱۳۷۸ به بعد دارای این ثبات می‌شود- صحبت‌هایی که این روزها هست (بین شهرداری و دولت) که شهرداری می‌گوید دولت کمک کند ولی دولت می‌گوید که خودت کار خودت را انجام بده، ولی این هم مشروط به این می‌شود که در اختیاراتش بگذاریم یعنی مسئولیت‌ها را به او واگذار کنیم و اختیار نیز بدهیم و آنوقت می‌شود که از آن بازخواست کرد ولی اگر امکان ندهیم نمی‌توانیم بازخواستی هم داشته باشیم. **تولید** اگر این نهاد زادی همچون دیگر شهرداری‌های جهان در پیش می‌گرفت مثل لندن، یا آمستردام، یا بروکسل به نظر شما می‌توانست پایه‌ی

حکومت‌های ملی را در این سرزمین برپا دارد؟
● من شخصاً با قیاس مخالف هستم، یعنی این‌ها هر کدام یک روش داشتند و یا یک معنایی داشتند و ما طور دیگری بودیم شما اگر میخواهید از شهر در ایران صحبت کنید که شما همین بحث را اگر جلو ببرید در ایران شهر (مخصوصاً می‌گویم ایران شهر) ببیند مفهوم شهر به کجا می‌رود. همه‌ی عرصه‌ها در آن حضور داشتند از دولتی تا ... ولی شما فرض کنید که به بنده بگوئید که من می‌خواهم جریان تحول شهر اروپایی را ببینم، که مثال نخستین شما هم بود با این دیدگاه نگاه کنم اگر با این دیدگاه جلو بروید اصلاً در شرق دنیا شهری وجود نداشت بنابراین به این دلیل می‌گویم که مقایسه نکنید یعنی اگر فرض کنیم به روش کشورهای اروپایی اصلاً شهر برایشان از قرون وسطی آغاز می‌شود (مفهوم جدید شهر) و به جلو می‌آید، او راه خودش را رفته یعنی من فقط می‌توانم از آن تجربه استفاده کنم ولی این که آن راه را تکرار کنیم این یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات تاریخی است که ممکن است رخ بدهد بنابراین حکومت‌های محلی که امروزه شکل گرفته را باید بسترش را در همان مفهوم فتوحالدولت گسست رخ داد و شیوه‌های اروپایی را به عنوان الگو برای من معرفی کرد و مثلاً من دارم بر آن شیوه قدم برمیدارم من می‌گویم که چون همه دارند بر آن شیوه قدم برمیدارند گرفتار شدند، ما باید با شیوه‌ی خودمان پیش برویم. من همان مثال همیشگی را می‌گویم که ما به بچه‌هایمان راه رفتن یاد نمی‌دهیم چگونه راه رفتن را یاد می‌دهیم. بنابراین این بچه خودش راه می‌افتد و ما فقط حمایتش می‌کنیم.

کوششی یگانه در از میان برداشتن مشکلی دیرپا نخستین سالنامه آماری شهرداریها در ایران

• داتن جلالی



اقتصادی می باید برنامه ریزی متمرکز دولتی را جایگزین بازار سازد و برنامه ریزی دستوری را در پیش گیرد یا آنکه نظام برنامه ریزی ارشادی را که دخالت محدود دولت در بازار را می طلبد سرمشق خود قرار دهد.

برای آنایی که نظام دوم را سرلوحه خود ساخته بودند مایه تحریک و تصویر امید بخش از توسعه آنی بود که هری ترومن رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا در ماده چهارم سخنرانی افتتاحیه خود در مورد سیاست خارجی این کشور در ۲۰ ژانویه ۱۹۴۹ م مطرح کرد؛ این ماده بعدها به اصل چهار ترومن مشهور شد و سرمنشا برنامه ای جهانی شد که بسیاری از کشورها را تحت تأثیر قرار داد. او به پشتوانه پیشرفت‌های علمی، فنی و مالی آمریکا برنامه جهانی کشور خود را کمک به کشورهای اعلام کرد که تمایل به توسعه و اصلاح وضع اقتصادی و بالا بردن سطح زندگی ساکنان خود را داشتند (مصاحب و همکاران، ۱۳۴۵: ۱۶۴؛ صرافی، ۱۳۷۷: ۱۹). این برنامه متضمن فراهم آوردن کمک و مشورت فنی در رشته های کشاورزی، بهداشت عمومی، و آموزش و پرورش از طریق ییمان های دو جانبه بود (استلی برس و بولک، ۱۳۷۸: ۱۶۵). ترومن مدعی بود که این تعامل به توسعه و بالا بردن سطح زندگی، که در آن دوران رشد اقتصادی تنها راه دست یافتن به آن تلقی می شد، از یک سو انگیزه نیرومندی برای برقراری حکومت های دموکراتیک [نیک] در این کشورهای تازه استقلال یافته بود (مصاحب، همان) و از

پسزمینه سند:

اگر آغازش تهدید پاره ای از کشورها را عملاً درگیر ساخت اما پایان آن تقریباً در تمامی زمینه های علمی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تأثیر فراگیر برجای نهاد و پیوست صفت جهانی را بایسته جنگی نمود که در ۱۹۳۹ آغاز یافت و در ۱۹۴۴ به پایان رسید، یعنی جنگ جهانی دوم. گرچه در طول جنگ نیز واژه بی طرفی برای کشورهای که برای موضع خود از آن استفاده می کردند چندان معنایی نداشت، اما پس از جنگ دیگری بی طرف بودن امکان پذیر نبود. و این سخن درباره کشورهای که پس از فروپاشی استعمار کهن کشورهای اروپایی بر بخش های وسیعی از آسیا، آفریقا و اروپا و از میان رفتن تعدادی از امپراتوری های کهن زاده شده بودند بیش از پیش صادق بود. این کشورها با کنار رفتن اروپای آسیب دیده از جنگ جهانی دیگر را برای رقابت دو ابرقدرت جدید، اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا، فراهم ساختند، جهانی که پسوند سوم را نامنت ها بر خود داشت. بر عکس آنچه که در کشورهای چون کره و ویتنام رخ داد و به زویارویی آشکارا و برخورد های نظامی این دو نیرو انجامید نبرد اصلی میان آن دو در جایی دیگر و بر سر استقرار دو گونه نظام اقتصادی و سیاسی بود که بنا را بر آن داشتند تا کشورهای تازه استقلال یافته را به سوی توسعه ای که مد نظرشان بود هدایت کنند. هر یک از آن ها ناگزیر بود از میان دو آرمان شهر یکی را برگزینند یا برای دستیابی به توسعه



سوی دیگر این مفهوم از توسعه و رفاهیت همراه آن در روبرویی با خطرات فزاینده آن بوجه زمانی که عمدتاً در گسترش بلوک شرق نمودار بود... سلاح نظری مهمی تلقی می شد* (صرافقی، ۱۳۷۷، ۲۰). ایران نیز گرچه کشوری تازه استقلال یافته نبود اما ذخایر عظیم نفتی، موقعیت

بسیار با اهمیت بود و توانست زمینه ساز اصلاحات کلی در زمینه برنامه ریزی و مدیریت شهری در کشور شود. از جمله اقدامات اجرایی محدود این سازمان می توان به تهیه طرح هایی برای چند شهر اشاره کرد که حاصل گزارش های فنی آن سه کتاب به زبان انگلیسی درباره هر یک از آنها شد. این طرح ها عبارت بودند از " طرح آلتون برای سندج (۱۳۳۶، ۳۷)، طرح گیس برای شیراز (۱۳۳۷، ۲۸) و طرح کوکس برای اصفهان (در همان سال) " (مشهیدزاده دهاقانی، ۱۳۷۳، ...) .

علاوه بر آن طرح هایی نیز برای شهرهایی چون "بیجار و ارومیه" نیز توسط مشاوران همین سازمان تهیه شد (همان). گذشته از اقدامات بالا که بیشتر جنبه سخت افزاری داشته و تا حدی محدود بودند کارهای نرم افزاری این سازمان از اهمیت بالاتری برخوردار بود. برای نمونه "دستنامه آموزش برنامه ریزی شهر برای شهرداری های ایران" را که در سال ۱۹۵۶ توسط مهندس گیس، از کارکنان بنام بخش شهرسازی سازمان اصل چهار، نگاشته شد را باید نخستین کتاب آموزش برنامه ریزی شهری در ایران دانست که البته آشکار نیست که آیا هرگز به فارسی گردانیده شد یا خیر (همان: ۱۸۰). پیرو آن می توان به بخش اصلی این اقدامات نرم افزاری اشاره کرد یعنی بهبود وضع اداری شهرداری های ایران. این نهاد در آن

جدول ۱: آمار فعالیت های شهرداری ها

| شماره ردیف | نام شهرداری | تعداد پروژه ها | | تعداد نفرات | | تاریخ شروع | تاریخ اتمام | وضعیت |
|------------|-------------|----------------|------|-------------|------|------------|-------------|-------------|
| | | معماری | سازه | معماری | سازه | | | |
| ۱ | تهران | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱۳۳۴ | ۱۳۳۴ | پایان یافته |
| ۲ | اصفهان | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱۳۳۴ | ۱۳۳۴ | پایان یافته |
| ۳ | شیراز | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱۳۳۴ | ۱۳۳۴ | پایان یافته |
| ۴ | اصفهان | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱۳۳۴ | ۱۳۳۴ | پایان یافته |
| ۵ | اصفهان | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱۳۳۴ | ۱۳۳۴ | پایان یافته |
| ۶ | اصفهان | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱۳۳۴ | ۱۳۳۴ | پایان یافته |
| ۷ | اصفهان | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱۳۳۴ | ۱۳۳۴ | پایان یافته |
| ۸ | اصفهان | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱۳۳۴ | ۱۳۳۴ | پایان یافته |
| ۹ | اصفهان | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱۳۳۴ | ۱۳۳۴ | پایان یافته |
| ۱۰ | اصفهان | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱۳۳۴ | ۱۳۳۴ | پایان یافته |
| ۱۱ | اصفهان | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱۳۳۴ | ۱۳۳۴ | پایان یافته |
| ۱۲ | اصفهان | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱۳۳۴ | ۱۳۳۴ | پایان یافته |
| ۱۳ | اصفهان | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱۳۳۴ | ۱۳۳۴ | پایان یافته |
| ۱۴ | اصفهان | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱۳۳۴ | ۱۳۳۴ | پایان یافته |

راهبردی آن، که در جنگ جهانی دوم بدان لقب پل پیروزی داده بودند، و در نهایت هم مرز بودن یا اتحاد جماهیر شوروی بیش از پیش موجب کشیده شدن ایالات متحده به سوی آن شد. جدا از سرکوب احزاب چپ در ایران و غیر قانونی اعلام شدن آن، تفکرات مذهبی غالب در جامعه بیشتر به سوی قطب سرمایه داری گرایش داشت تا نظامن اشتراکی.

بدین ترتیب پس از دریافت کمک های مالی و کارشناسی از بانک جهانی و ایالات متحده در جریان برنامه عمرانی نخست (۱۳۲۷، ۱۳۳۴ ش) بار دیگر توافقنامه ای در اجرای برنامه اصل چهار در ۲۷ مهر ۱۳۳۹ ش (۱۹۵۱ م) میان نخست وزیر ایران (علی رزم آرا) و سفیر آمریکا در ایران (دکتر گریدی) امضا شد (عاقلی، ۱۳۷۹، ۲۳۹) که حاصل آن "تأسیس کمیسیون مشترک برای بهبود امور روستایی" بود (مصاحب، همان). پس از آن در دوره نخست وزیری دکتر محمد مصدق ویلیام وارن رییس هیئت همکاری فنی ایالات متحده آمریکا، در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۵۲، برنامه و طرز عمل همکاری فنی را طی نامه ای به دولت ایران پیشنهاد کرد، و نخست وزیر ایران نیز در نامه ای، مورخ ۲۰ ژانویه ۱۹۵۲، موافقت دولت ایران را با اجرای برنامه همکاری فنی اعلام نمود (همان). سازمان اصل چهار ترومن در ایران در همان زمینه هایی که در بالا به آن اشاره شد در دهه ۱۳۳۰ ش فعالیت می نمود.

یکی از بخش های مهم این سازمان که از سال ۱۳۳۴ ش فعالیت خود را آغاز کرد، بخش مربوط به شهرسازی و برنامه ریزی شهری بود (رشیدی، ۱۳۴۳، ۱۷۹). فعالیت های این بخش گرچه منجر به تحولات فوری نشد اما اثر درازمدت آن

دوره به شدت از دید مالی و نیروی انسانی در وضعیت نامناسبی به سر می برد و آموزش این نیروی انسانی نه تنها از جنبه تحقق برنامه های عمرانی سازمان برنامه در شهرها حایز اهمیت بودند بلکه از دید اهداف کلان اصل چهارم ترومن یعنی گسترش حکومت های دموکراتیک در کشورهایی چون ایران اهمیتی دو چندان می یافت هر چند پیشبرد این هر دو به گونه ای هماهنگ ضروری بود تا جامعه را نسبت به این شیوه نوین اداره امور سورمینی بدین نسلزد، بر همین مبنا بود که در " ۱۳۳۵ ش " اتحادیه شهرداری های ایران " با همکاری مشاوران مشغول به کار در سازمان اصل چهار بویژه شخصی به نام تام مک کوی " تأسیس شد (شفیمی، ۱۳۸۲، ۱۸۹ (سند شماره ۳۱). اما فعالیت آن از " ۱۳۳۷ ش آغاز شد (سعیدی رضوانی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۲، ۶۲). ماده یکم اساسنامه اتحادیه آن را " مؤسسه ای ملی و غیرسیاسی دارای شخصیتی حقوقی " معرفی می کند و در ماده چهارم هدف اتحادیه را " راهنمایی شهرداری ها به منظور برقراری روش نوین اداری و انطباق طرز کار آنها با اصول معمول در کشورهای مترقی جهان " بیان می کند (شفیمی، ۱۳۸۲، ۳۵ (سند شماره ۱)). در زیر همان ماده پنج وظیفه برای دستیابی به آن هدف بر شمرده شده که به ترتیب عبارتند از:

الف. تشکیل کنفرانس های ماهیانه و سالیانه بر حسب لزوم و انتشار نشریه ها و رساله های [سودمند و تأسیس کلاس های آموزشی و کتابخانه و امثال آن.]
 ب. جمع آوری و تمرکز اطلاعات و آمار مربوط به شهرداری های ایران و جهان و بررسی علمی و فنی در مسائل مربوط به شهرداری ها و تبادل اطلاعات لازمه

ج. ترغیب و تشویق مردم به منظور ایجاد علاقه و همکاری بیشتر در زمینه امور محلی و جلب توجه به اهمیت مسایل مربوط به تشکیلات شهرداری ها ، کشور و طرق جدید اداره نمودن آنها .

د. ایجاد همکاری بین شهرداری ها و سازمانهای دولتی یا وابسته به دولت و همچنین مؤسسه های ملی که در امور مربوط به شهرداری ها به نحوی از انجا مداخله و ارتباط دارند و اتخاذ هر گونه اقدام لازم به منظور رفاه اهالی شهر در حدود قوانین مصوبه

۱- ایجاد و برقراری ارتباط دائم و مستقیم با شهرداری های جهان و مؤسسه های بین المللی مربوطه و تبادل اطلاعات (با آنها) همان (۴۶).

ماده یکم این سند نشان از اهمیت غیرسیاسی بودن چنین نهادی نزد تنظیم کنندگان این اساسنامه دارد . شاید بتوان اتحادیه را دومین نهادی دانست (پس از سازمان برنامه) که در تأسیس آن همواره بر غیر سیاسی بودن آن تأکید شده است . بررسی بارزده هر یک از این دو نهاد در عمل به وظایفشان در قیاس با دیگر وزارتخانه ها در آن دوران ، که جو سیاسی بر اعمالشان حاکم بود ، می تواند دلایل این تأکید را آشکار سازد . وظایف اتحادیه را می توان در چند مورد خلاصه نمود که عبارتند از : آموزش مدیریت و برنامه ریزی شهری ، گردآوری اطلاعات و آمار جهت انجام پژوهش های مرتبط و آگاهی از وضعیت مدیریت شهری ، آموزش

یادگستر

چهارم و بر مبنای همکاری نزدیک بین ، اساسات که بودند، گرامس به میسوس اهل آن با توجه به روشی که در تشریح آن عنوان کرده بود ۱۹۱۲ و اصلاحات و تازهای واضحی را که با تصدیق شهرداریها اطلاع بعد از این روشه جنبشها و کمیونها برنامهدارهای جاری جریان خود را گسترده و باز گسترده بودی گسترده بودی گروه سازماندهی شهرداریها را بر مبنای صحیح را - چنانچه روشی در تکرار از آنها بر قل منتر منید - انضامیه شهرداریها ایجاد کامله کرده که در آنها با روشهای منظم و منظم برای برطرف کردن این ناکامیه نیاز از روشه خواص بود و با انتشار و جویقین فراوان در وقت این طریق است .

مگر از روشی بوجود برین سازماندهی که انضامیه شهرداریها هر با آن معرفت منیاد است که منصفانه داشته باشد تا با این اطلاعات در باره همه شهردارها و دیگران در ایران باشد . یعنی از شهرداریها علاوه بر این اطلاعات به برنامهدارها و بعضی از روشها که جواب میدهد همین جهت داشته باشد بر مبنای منظم مربوطه چیزی که برنده شده است . اما اینطور همیشه که شهرداری های ما گرامس کند اطلاعات و آمار مورد لزوم را با دقت هر چه نیاز بود به دست آوردن بر مبنای این روشه در آن اطلاعات آمار بود و سازماندهی که دارای اطلاعات تریسار - آمار شهرداری ایران باشد بتواند گرامس برنده باشد .

برای انقضیه و کلمه منصف این سازماندهی به سرپرستی آقای اوتیروان منتر مناور ایجاد شهرداریها تشکیل گردید ، و حین آوری و تنظیم مطالب را جمع کرده .

انجامیه شهرداریهای ایران به وسیله از زحمات و همکاریهای آقایان : دکتر یوسف هاشمی - اوتیروان منتر - دکتر هاشمی - مصدق - فرمای ، اصفهان - منیر - جواد جاسمی - حسین حق پرست - نوا - سعیدرضا توسی - منیر و دیگران شهردار حفظ و تکثیر لایحه های گرامس و آوری و تنظیم اطلاعات - ۵۱ - و مطالب این سازماندهی و چاپ آن مراد وقت و منتشر شده نمودند .

بر خانه لایحه منیاد از جانب آقای منیاد از صوری وزیر معروض گشت که است با توجه همین سازماندهیها توجه علمی منیاد قریب بود و منیر انضامیه شهرداریها بر این امر حین بود و همین از توجه خاص جانب آقای منیر منیر و منیر منیر - انضامیه شهرداریها منیاد منیر منیر -

منیر منیر انضامیه شهرداریهای ایران منیاد منیر منیر

سازماندهی شهرداریها (۱)

کمیسیون های متعدد بود و منجر به تهیه لایحه ای در ۲۰۵ ماده گردید (هاشمی ، ۱۳۲۵ : ۱۴) . هر چند که این لایحه به دلیل تفصیلی بودن نتوانست راه به جایی برد اما انجام آن نشان از ضعف های قانون ۱۳۳۳ شهرداری ها در همان زمان داشت .

ضعف شهرداری ها از جنبه نیروی فنی ، کارآمد و متعهد نسبت به شهر در جریان برنامه دوم عمرانی (۱۳۳۳ - ۱۳۴۱) و تدوین برنامه های بخش شهرسازی امور اجتماعی ، مشکلات قراوانی را برای مدیران و کارکنان این بخش از سازمان برنامه ایجاد کرده بود . در دست نبودن اطلاعات تفصیلی از وضعیت شهرها در زمینه بهره مندی از شبکه برق ، آب لوله کشی ، شبکه فاضلاب ، وضعیت راه های درون شهری و نقشه شهرها از یک سو و از سوی دیگر عدم آگاهی از وضعیت هزینه و درآمد شهرداری ها (که انتخاب طرح های عمرانی شهرداری ها را ، که بر طبق قانون آن زمان برنامه دوم عمرانی (معروف به قانون پنجاه - پنجاه) در مورد طرح های عمرانی شهرسازی تقبل حداقل پنجاه درصد هزینه طرح های پیشنهادی بر عهده خود شهرداری ها و باقی بر دوش سازمان برنامه بود ، توسط سازمان برنامه با مشکل مواجه می ساخت (نزدیک به سه سال کارهای بخش اجتماعی و شهرسازی را به تعویق انداخت و در مدت چهارسال باقی مانده از مدت برنامه نیز با وجود اختیار گردن رویکردی مؤثرتر مشکلات



صفحه که اهمیت آمار در زمینه های مختلف اشاره شده است

دوم ، پیشگفتار هادی سبرق مدیر عامل اتحادیه شهرداریها در آن زمان در سه صفحه در برگیرنده مطالبی در اهمیت آمارهای شهری ، کمیود در زمینه های مختلف آمارهای شهری ، نحوه گردآوری اطلاعات و آمارهای مورد نیاز برای تدوین سالنامه مورد نظر و در نهایت آسای افرادی که در تهیه سالنامه همکاری داشته اند سوم ، تاریخچه تأسیس و رشد شهرداری در ایران به قلم فضل الله هاشمی در هژده صفحه که در واقع مقاله ای پژوهشی در بررسی تاریخی قوانین مرتبط با شهرداری ها و کمی ها و کاستی ها و توان های مطرح در هر کدام می باشد و اثری که هر یک بر این نهاد عمومی داشته اند چهارم ، تقسیمات کشور شاهنشاهی ایران در بیست و هفت صفحه شامل اطلاعاتی در مورد تقسیمات سیاسی کشور می باشد که روپهم رفته ۱۲ استان ، ۸ فرمانداری کل ، ۱۴۵ فرمانداری و ۴۵۴ بخشداری را با مشخص کردن تعلق هر یک از رده های پایینی اداری ، سیاسی به رده های بالایی و جایگاه شهرداری ها در این میان در بر می گیرد پنجم ، تاریخچه و مشخصات شهرداریهای ایران که در واقع بخش اصلی سالنامه را از نظر اطلاعات آماری تشکیل می دهد و استان به استان به ترتیب زیر اطلاعات و آمارها را در اختیار استفاده کنندگان می گذارد :

در بخش اول به بررسی مختصری از وضعیت ، تاریخی ، اجتماعی و اقتصادی هر شهر استان مورد نظر می پردازد پس از آن نوبت به داده های آماری مفصلی می رسد که در هشت جدول به صورت زیر سامان یافته اند :

فراوانی برای آن دفتر در سازمان برنامه ایجاد نمود (برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به (انحصی ، ۱۳۸۱ : ۹۴-۱۲۶)) . به این ترتیب بود که اقدامات پژوهشی اتحادیه شهرداریها که پیش از این بدان اشاره شد بخش امور اجتماعی و شهرسازی سازمان برنامه را در ابتدای برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۶-۱۳۲۱) به سوی اتحادیه جلب کرد و ایشان را ناگزیر به دریافت کمک از این اتحادیه نمود . با این وجود این کمک ها تنها به یافته های پژوهشی مربوط نمی شد بلکه آمارها و اطلاعات نسبتاً مفصلی که اتحادیه تا آن زمان گردآورده بود را نیز شامل می شد (برای نمونه نگاه کنید به (شقیعی ، ۱۳۸۲ : ۲۹-۸۲) سند شماره ۱۲ و ۱۲/۱)) . اقداماتی که اتحادیه در زمینه گردآوری آمار و اطلاعات درباره شهرداری های سراسر کشور انجام داده بود تا نیمه نخست دهه ۱۳۳۰ ش به حدی از اثباتنگی رسید که این نهاد توانست در ۱۳۴۵ نخستین سالنامه آماری شهرداری ها را منتشر سازد . سندی که قصد بر بررسی آن می باشد همین سالنامه است .

معرفی بخش های سازنده سند :

این سالنامه اطلاعات مفصلی را درباره موضوعات مختلف مربوط به شهرداری ها در ۶۰۱ صفحه گرد آورده است . از این میزان نزدیک به نود درصد صفحات به آرایه اطلاعات و به ویژه آمارهای مفصلی در مورد ۲۸۲ شهر موجود در کشور در آن زمان اختصاص یافته و مابقی اطلاعاتی حاشیه ای را در بر می گیرد . بخش های مختلف سند به همان صورت که در سياهه آغاز آن آمده به شرح زیر است :

نخست ، پیام وزیر کشور وقت عبدالرضا انصاری در یک

جمعیت و تاریخ تأسیس شهرداری و انجمن شهر و شهرداریهای واقع در بخش و شهرستان [استان مورد نظر]

| شماره ردیف | نام شهرداری | جمعیت | تاریخ تأسیس شهرداری | نام بخشداری | نام فرمانداری | انجمن شهر (منظور دارد یا ندارد) | تعداد توره | ملاحظات |
|------------|-------------|-------|---------------------|-------------|---------------|-----------------------------------|------------|---------|
| ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... |

آمار کارمندان شهرداریها

| شماره ردیف | اسامی شهرداریها | کارمندان | | خدمتگزاران جز | رفتگروان | پاسانان | مامورین آتش نشانی | رفتگروان | | جمع کل کارکنان هر شهرداری |
|------------|-----------------|----------|----------|---------------|----------|---------|-------------------|----------|----------|---------------------------|
| | | رسمی | غیر رسمی | | | | | رسمی | غیر رسمی | |
| ... | ... | ... | ... | | ... | ... | ... | ... | ... | ... |

تفریحات سالم [استان مورد نظر]

| شماره ردیف | اسامی شهرداریها | پارک شهر | | باشگاه ورزشی | | سینما | | تئاتر | | کتابخانه | |
|------------|-----------------|----------|-------|--------------|-------|-------|-------|-------|-------|----------|-------|
| | | دارد | تعداد | دارد | تعداد | دارد | تعداد | دارد | تعداد | دارد | تعداد |
| ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... |



تأسیسات بهداشتی [استان مورد نظر]

| شماره ردیف | اسمی شهرها | کشنگاه | | رختشویخانه | | مستراح عمومی | | گرمخانه | | فاضل آب | | گورستان داخل شهر | | گورستان خارج شهر | | مساحت متر |
|------------|------------|--------|---------------|------------|-------|--------------|-------|---------|-------|---------|-------|------------------|-------|------------------|-------|-----------|
| | | تعداد | کشنگاه روزانه | دارد | تعداد | دارد | تعداد | دارد | تعداد | دارد | تعداد | دارد | تعداد | مساحت | تعداد | |
| ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... |

آبار آب و برق [استان مورد نظر]

| شماره ردیف | اسمی شهرها | برق شهرداری | | | برق خصوصی | | | آب لوله کشی | | | در صورت نبودن لوله کشی آب شهر از کجا تأمین می شود | |
|------------|------------|-------------|-------------|--------------|-----------|-------------|--------------|-------------|------|------|---|-----|
| | | تعداد | تیروی موتور | تیروی کیلوات | تعداد | تیروی موتور | تیروی کیلوات | تعداد | کلاف | کلاف | | آب |
| ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... |

آمار بهداشتی [استان مورد نظر]

| شماره ردیف | اسمی شهرها | آماره بهداشتی (مستقر دارد یا ندارد) | درمانگاه | | بیمارستان عمومی | | بیمارستان خصوصی | | تعداد پزشکان |
|------------|------------|-------------------------------------|----------|-------|-----------------|-------|-----------------|-------|--------------|
| | | | تعداد | تعداد | تعداد | تعداد | تعداد | تعداد | |
| ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... |

آموزش و پرورش [استان مورد نظر]

| شماره ردیف | اسمی شهرها | تعداد | گیوگستان | | دبستان دخترانه | | دبستان پسرانه | | دانشگاه | مجموع گدسی که تحصیل می کنند |
|------------|------------|-------|----------|-------------------|----------------|-------------------|---------------|-------------------|---------|-----------------------------|
| | | | تعداد | مجموع دانش آموزان | تعداد | مجموع دانش آموزان | تعداد | مجموع دانش آموزان | | |
| ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... |

ارتباطات [استان مورد نظر]

| شماره ردیف | اسمی شهرها | پست | تلگراف | تلفن کاربر | تلفن عمومی | تلفن منطابسی | بی سیم | فرستنده رادیو |
|------------|------------|-----|--------|------------|------------|--------------|--------|---------------|
| | | | | | | | | |

این جدول ها برای تمامی استان ها و فرمانداری های کلی آماده شده است. تنها شهر تهران به دلیل تفاوت با بقی شهرها به صورت جدا در این سالنامه و در فصلی متفاوت بررسی شده است. این فصل، که به بررسی جداگانه شهرداری تهران می پردازد، در سه بخش آماده شده است. نخست شهرداری تهران به قلم انوشیروان صدر که خود از قسمت هایی چون مختصات جغرافیایی شهر تهران (دربارہ جغرافیای تاریخی شهر تهران و وضعیت کنونی آن)، خوار و بار مواد غذایی، مسائل جمعیتی شهر تهران، تأسیسات شهرداری تهران (که در درون آن به مواردی چون سازمان آتشی نشانی، سازمان تربیتی شهر تهران، سازمان کتابخانه های عمومی، اداره امور امانی، سازمان پارکها، سازمان بهداشتی، اداره کل حواجج عمومی شهرداری تهران و

کشنگاه تهران پرداخته شده است)، پارک، توسعه تهران، مسکن و دستمزد کارگران ساختمانی تشکیل شده است که شانزده صفحه را به خود اختصاص داده است. بخش دوم به قلم زکن الدین همایونفرخ، مدیر عامل کتابخانه های عمومی شهرداری تهران، به تاریخچه و سازمان کتابخانه های عمومی شهرداری تهران پرداخته و در انتها بخشی را نیز به تأسیس کتابخانه عمومی در پارک شهر تهران اختصاص داده است. سرانجام در بخش سوم جدول های داده های آماری شهر تهران به همان شکل که برای دیگر شهرها آمده بود صورت بندی شده است و رویهم سی صفحه از سالنامه به اطلاعات و آمار شهرداری تهران تعلق گرفته است.

هفتم، بخش درآمد شهرداریهای ایران از ۱۳۳۳ - ۱۳۳۸ در سی و شش صفحه می باشد که هدف از آن بررسی درآمد

این جدول ها برای تمامی استان ها و فرمانداری های کلی آماده شده است. تنها شهر تهران به دلیل تفاوت با بقی شهرها به صورت جدا در این سالنامه و در فصلی متفاوت بررسی شده است. این فصل، که به بررسی جداگانه شهرداری تهران می پردازد، در سه بخش آماده شده است. نخست شهرداری تهران به قلم انوشیروان صدر که خود از قسمت هایی چون مختصات جغرافیایی شهر تهران (دربارہ جغرافیای تاریخی شهر تهران و وضعیت کنونی آن)، خوار و بار مواد غذایی، مسائل جمعیتی شهر تهران، تأسیسات شهرداری تهران (که در درون آن به مواردی چون سازمان آتشی نشانی، سازمان تربیتی شهر تهران، سازمان کتابخانه های عمومی، اداره امور امانی، سازمان پارکها، سازمان بهداشتی، اداره کل حواجج عمومی شهرداری تهران و



شهرداری های کشور به صورت مفصل بوده است. اطلاعات این بخش بر پایه داده ها و اطلاعات پرسشنامه هایی بود که از سوی اتحادیه برای تمامی شهرداری های کشور در آن زمان ارسال شد. اما با توجه به پاره ای موارد این بررسی چندان یک دست نیست. نخست آن که از ۳۸۲ شهرداری در سال ۱۳۳۳ تنها ۲۸۰ عدد از آنها پرسشنامه توزیعی را تکمیل کرده و بازگرداند و ضمن آن درآمدهای خود مربوط به بازه زمانی ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۳ را گزارش دادند. و در این میان به ناگزیر برای ۱۰۲ شهرداری های باقیمانده که برگه های خود را پر نکرده یا با تاخیر ارسال داشتند از سوابق موجود در اداره امور شهرداریهای وزارت کشور بهره گرفته شد. در میان همین ۱۰۲ شهرداری نیز مواردی وجود داشت که درآمدهای خود را به اداره نامبرده اعلام نکرده بودند. در نتیجه برای سال های مجهول آنها از برآوردهایی که با توجه به سال های معلوم آنها صورت گرفته بود استفاده شد (اتحادیه شهرداری های ایران، ۱۳۳۵: ۵۲۱). بر همین پایه بررسی به چند قسمت تقسیم شده است. بخشی که به بررسی ارقام کلی درآمد شهرداری ها بدون توجه به منابع درآمدی آنها می پردازد

که تمامی ۳۸۲ شهر را در بر می گیرد و دوم بررسی تفصیلی درآمد تک تک ۲۸۰ شهر، که پرسشنامه های مربوطه را به موقع پر کرده و بازپس داده اند، دیگر بر اساس منابع اصلی درآمدی شان. اطلاعاتی که در بخش نخست آمده مولد می چون: میزان تغییرات سال به سال درآمد کل شهرداری ها از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۳، مقایسه درآمدی تهران با درآمد شهرداری های هشت شهر بزرگ کشور (در آن زمان شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفر جمعیت) و (۲۷۱ شهر باقی) که جمعیتی کمتر از ۱۰۰ هزار نفر داشته اند)، تغییرات درآمد هشت شهر بزرگ در طول سال های مورد نظر و درآمد سرانه آنها در سال ۱۳۴۳، تغییرات درآمد ۱۸ شهر رده جمعیتی بعدی (شهرهای بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر جمعیت) و در طول سال های مورد نظر و درآمد سرانه آنها در سال ۱۳۴۳ و فراوانی شهرها در رده های مختلف درآمد سرانه برای ۲۶۵ شهری که درآمد سرانه خود را برای سال ۱۳۳۳ اعلام کرده بودند را شامل می گردد. اطلاعات بخش دوم به شکل زیر ارقام درآمد تمامی ۲۸۰ شهر دارای داده های تفصیلی را بر حسب منابع عمده درآمدی شان بررسی کرده است.

درآمد ۲۸۰ شهرداری در سال ۱۳۴۳ (ارقام به هزار ریال)

| سایر درآمدها | از عواید گمرکی | مالیات بر درآمد | مشروبات الکلی و غیره | عوارض دپوئه ای | سطح شهر و یا ساختمان | مالیات مستغلات | کل درآمد | نماد کارکنان | جمعیت (هزار نفر) | شهرداریها |
|--------------|----------------|-----------------|----------------------|----------------|----------------------|----------------|----------|--------------|------------------|-----------|
| ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... |

هشتم، اقدامات اتحادیه شهرداریهای ایران، اقدامات آموزشی که توسط جاوید نامدار نگاشته شده و در هفت صفحه به کارهای آموزشی انجام شده اتحادیه از آغاز تا سال ۱۳۳۴ می پردازد. و در نهایت نهم، بخش قوانین و مقررات شهرداری در ایران که در ۴۰ صفحه مواردی چون:

قانون شهرداری مصوب سال ۱۳۳۴، آئین نامه حقوق و مزایای شهرداران، قانون توسعه معابر، آئین نامه قانون توسعه معابر، قانون راجع به وظائف و اختیارات استانداران، تصویب نامه اجرائی قانون اختیارات استانداران و آئین نامه طرز وصول عوارض شهرداری را آورده است.

اهمیت سند:

سالنامه شهرداریها منتشر شده به

سال ۱۳۲۵ سندی است که به واسطه برخی از مطالب خود دارای اینک پس از گذشت نزدیک به چهل سال دارای اهمیت تاریخی است. به عنوان نمونه بخش چهارم که به معرفی تقسیمات سیاسی ایران در آن دوره می پردازد یا قسمت هایی از بخش ششم که به بررسی شهرداری تهران اختصاص دارد و همین طور بخش نهم که در آن متن پاره ای از قوانین در ارتباط با شهرداری ها آمده وجه تاریخی

شان بیش از وجوه دیگر، که ضرورت بحث را در شرایط کنونی پس از گذشت نزدیک به چهل سال باز می گذارند، جلوه می کند. گو این که شاید تمامی بخش ها دارای این وجه تاریخی باشند. اما بخش هایی از مطالب این سالنامه به واسطه تاب آوردن پاره ای عوامل هنوز ضرورت بحث بر سرشان وجود دارد و همین مسئله است که این بخش ها را

مهم تر ساخته است. در این بخش قصد آنست تا نمونه ای از این عوامل که ضرورت بحث در باب این موضوع ها را گشوده نگه داشته اند با استفاده از خود سند مورد بررسی قراور گیرند. نخست سخن را با بررسی کوتاه بخش تاریخیچه تأسیس و رشد شهرداری در ایران آغاز می کنیم. این بخش به قلم فضل الله هاشمی کسی که آن را

سالنامه شهرداریها منتشر شده به سال ۱۳۴۵ سندی است که به واسطه برخی از مطالب خود دارای اینک پس از گذشت نزدیک به چهل سال دارای اهمیتی تاریخی است

بیشتر با کتاب حقوق و قوانین شهرسازی از مجموعه کتاب های مباحث و روش های شهرسازی در پایان دهه ۱۳۶۰ می شناسیم. نوشته مذکور با این جمله آغاز می شود که: "پیدایش فکر تأسیس شهرداری را در ایران باید بعد از انقلاب مشروطیت و از سال ۱۳۲۵ قمری، مطابق با ۱۳۸۶ [هجری شمسی] (۵۸ سال پیش) دانست. سپس برخلاف کسانی که به اهداف گوناگون ایران پیش از مشروطه را



هایی طرحریزی گردیده است [منظور برنامه های عمرانی است] که خواه ناخواه بایستی به مرحله اجرا درآیند ، انکا به اطلاعات و آمار صحیح و مورد اطمینان به عنوان پایه و اساس امور پیش از پیش اهمیت یافته و اندک بی توجهی و سهل انگاری نسبت به این موضوع مهم و حیاتی ممکن است آینده کشور ما را دچار مخاطراتی نماید که جبران آن به زودی و آسانی میسر نشود (اتحادیه شهرداریهای ایران ، ۱۳۴۵ : ب) . منظور اصلی وی لطمه ای است که نبود آمار و اطلاعات ، که فراهم کننده آگاهی از چگونگی پیشبرد فرایند توسعه در کشور است ، می تواند بر توزیع نامناسب ثروت و امکانات بر سطح کشور بگذارد کمانکه دآوری تاریخی پس از چهار دهه از آن تاریخ نشان می دهد که چنین شده است و او به درستی اشاره می کند که " در سال های اخیر به سبب نبودن اطلاعات و آمار صحیح اغلب شاهد کمیوها و فزونی هایی در زمینه های مختلف بوده ایم که یا موجب نگرانی و مضیقه عمومی شده و یا اینکه اطومات جبران ناپذیری به یک یا چند رشته از فعالیت های مملکتی وارد آورده است " (همان) ، می توان ، آشکارا ، زبان های ناشی از انگاره توسعه به معنای رشد اقتصادی و آسیب هایی که به ویژه نبود آگاهی از پیامدهای آن ، به دلیل در اختیار نداشتن آمار های صحیح ، در جای جای واژگان مدیر عامل اتحادیه که از نزدیک با ابعاد فضایی این رشد ناموزون در سطح سکونتگاه مواجه بود ، مشاهده کرد .

وی در ادامه سخنانش به نقطه ضعفی اشاره می کند که برای اکتونیان دست اندرکار برنامه ریزی شهری و منطقه ای ، با توجه به ضرورت های زمانه ، چندان نا آشنا نمی باشد و آن کمبود آمار و اطلاعات در سطح سکونتگاه های شهری و روستایی است . مبرق می افزاید : " کمبود اطلاعات و آمار متأسفانه در اکثر امور و شئون کشور ما به چشم می خورد ولی شاید به جرات بتوان گفت که این کمبود در سطح ده و شهر به مراتب بیشتر از سایر قسمت هاست " (همان) . او بر خلاف دید سیاسی و اداری که کشور را شکل یافته از تقسیمات فرضی استان ، شهرستان ، بخش و دهستان می داند سکونتگاه ها را مهمترین سازندهای پهنه سرزمین می داند و می گوید : " با توجه به اینکه کشور ما واحدی متشکل از روستاها و شهرها می باشد ، فقدان آمار و اطلاعات درباره آنها یک نقص اساسی محسوب می گردد که اگر هر چه زودتر در رفع آن کوشش نشود اثرات زیانبخش آن شدیدتر

دارای نهادی هم فراز شهرداری می دانند می گویند : " چه اقداماتی که قبل از آن در زمان سلطنت ناصرالدین شاه با نصب تعدادی فانوس برای روشنایی بعضی از معابر و گماردن چند سپهر (رفتگر) بمنظور نظایف بعضی از کوچه ها در تهران و باره ای از شهرهای بزرگ بعمل آمده است نمیتوان بآن جنبه تأسیس شهرداری داد . " (هاشمی ، ۱۳۴۵ : ۱) . وی در این نوشته تاریخچه شهرداری ها در ایران را با آغازی که برای آن می شناسد مورد بررسی قرار می دهد . این بررسی به ویژه از دید حقوقی به نهاد شهرداری نگاه می کند و بر همین اساس است که هاشمی این دوران را بر مبنای مهم ترین اتفاقات قانونی (از نظر تصویب قوانین تأثیرگذار بر شهرداری ها) به چهار مرحله مرحله تقسیم می کند که عبارتند از :

- مرحله اول از آغاز مشروطیت تا سال ۱۳۰۹
- مرحله دوم از ۱۳۰۹ تا ۱۳۲۸
- مرحله سوم از ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۲
- مرحله چهارم از ۱۳۳۲ بعد (همان : ۲) .



در هر دوره که آغاز و پایان آن با تصویب قانونی مهم همراه بوده به بررسی مهم ترین نکات آن قوانین و همینطور بعضی از وقایع حقوقی دیگر در درون آن دوره ها می پردازد . و بدین ترتیب قوت ها و ضعف های هر کدام را در رابطه با نزدیک شدن شهرداری ها و انجمن های شهر به تصویر آرمانی شان بر شمرده است . پایان سخن ایشان ذکر ۱۲ مورد از نکاتی است که باید در قوانین دیده شود و در قانون شهرداری ها مصوب سال ۱۳۳۲ به آن ها پرداخته نشده است . جدا از خود متن ۱۸ صفحه ای که باید آنرا

نخستین نوشته پژوهشی در زمینه ابعاد حقوقی مدیریت شهری در ایران دانست (البته اگر از نوشته نسبتاً مختصر سعدالدین رشدیه در کتابش بگذریم یعنی صفحات ۱۵۷ تا ۱۷۳) . اهمیت آن شاید زمانی بیشتر گردد که بدانیم پایه اصلی بخش هایی از مهم ترین پژوهش های انجام شده در زمینه مدیریت شهری در ایران در اواخر دهه ۱۳۷۰ همین متن بوده است (نگاه کنید به طاهری ، ۱۳۷۷ : کاظمیان و سعیدی رضوانی ، ۱۳۸۱) .

پیش از پرداختن به بخش های آماری سالنامه شایسته است نخست بر سخن آغازین سالنامه که توسط هادی مبرق ، مدیر عامل اتحادیه شهرداریهای ایران ، نگاشته شده درنگی کنیم . در این چند صفحه می خوانیم که " اکنون که در کشور ما سرمایه گذاری توسعه یافته و برنامه



خواهد بود. * (همان). وی پس از آن سخن خود را به سوی پاره ای از این کمبودها معطوف می سازد و با اشاره ای به این امر فراموش شده، یعنی اینکه "شهرهای ما باید اساس و شالوده کلی اقتصاد را بر ریزی نمایند" (همان)، درباره کمبودها می گوید:

"جمعیت شهر بدرستی معلوم نیست. محدوده شهر و مساحت آن نامعلوم است. حد متوسط درآمد مردم و خانواده ها محاسبه نشده است. کسی تعداد خانه ها را نمی داند. تعداد مغازه ها روشن نیست. مصرف

سالیانه غذای ساکنین شهر مجهول است. تشخیص خدمات شهری که مردم به آن ها نیاز دارند متکی به اصل صحیحی نیست. اگر کسی بخواهد بداند که در کشور ما چند شهر وجود دارد، وضع شهر خاصی از نظر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از چه قرار است تقریباً هیچ منیعی وجود ندارد که بتوان به آن مراجعه نمود. بدرستی معلوم نیست که چه شهرهایی بالقوه از نظر نیروی مادی و انسانی یا هم مساوی میباشند یا به چه دلیل شهرهایی که بالفعل دارای نیروی انسانی مشابهی می باشند و از نظر ثروت های طبیعی یکسان از مواهب طبیعت برخوردارند، به طور مساوی نمی توانند شرایط مساعدی برای زندگی ایجاد کنند." (همان، ب. ج). آنچه که نویسنده پیشگفتار

در پایان بدان پرداخته اشاره ایست به مسئله بسیار مهم وابستگی آگاهی از تفاوت های فضایی و منطقه ای، که در نظام برنامه ریزی بخشی نادیده گرفته می شود، به آمارهای شهری؛ و نشان از آن دارد که تا آن دوران به این مسئله مهم چندان توجهی نمی شده

است. سالنامه شهرداریها در واقع کوششی بود در رفع تعدادی از این کمبودها. اهمیت کار با دانستن این مطلب بیشتر می شود که تا چندین دهه پس از تهیه این حجم از داده ها و اطلاعات به صورت همزمان هرگز

کوششی برای انجام آن به صورت یکجا انجام نشد. از سال ۱۳۸۰، یعنی ۲۶ سال پس از آن تاریخ، مقرر شد تا آمارنامه های استان ها که دارای صورت بندی مشخصی نبود جای خود را به کتابچه هایی با شکل و ترتیبی مشخص و یکسان بدهند. این کتابچه ها که در ۲۲ فصل برای تمام استان ها توسط مدیریت و برنامه ریزی همان استان تهیه می شد از آن پس به جای آمارنامه استان، سالنامه آماری استان خوانده شد. فصل هجدهم از این سالنامه ها با نام عمران شهری به بخشی از مفولات آماری ای می پردازد که در سالنامه سال ۱۳۴۵ اتحادیه شهرداریها آمده بود. ترتیب و شکل جدول های آماری این بخش از سالنامه های استانی به قرار زیر است:

سالنامه اطلاعات مفصلی را درباره موضوعات مختلف مربوط به شهرداری ها در ۶۰ صفحه گرد آورده است

منابع:

استانی بوس، ایلرور و آن بولک، (۱۳۳۸)
 فرهنگ آماری - ترجمه احمد بیرشک و دیگران - تهران: وزارت معاشی - انتشارات (۱۳۸۱). توسعه
 فرابین، ۱۳۳۰-۱۳۵۲. خطرات خنک در مقدماتی - عبدالعزیز مجیدی - موهج گهوری، تهران: گم بو - رشته معماری (۱۳۳۲)
 شهرسازی و عمران شهری شهر در ایران - تهران: اتحادیه شهرداریهای ایران - سعیدی رضوی، محمود و خانقاهی - سعیدی رضوی، (۱۳۳۲) آموزش عمران شهری در ایران - روایت گویا شاسی و رزایی "فصلنامه مدیریت شهری" شماره ۱۶، ۱۵
 شعبی، حسین (۱۳۸۱) استانی از اتحادیه شهرداریهای ایران (۱۳۶۰-۱۳۳۰) - تهران: سازمان شهرداریهای کشور
 صرغی، مظفر (۱۳۷۷) - مانی برنامه ریزی توسعه منطقه ای - تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مطالعات اقتصادی اجتماعی و اختیارات جهانی، مقر (۱۳۳۹) روزنامه تاریخ ایران - از مشروطه تا انقلاب اسلامی (۱ خرداد اول) - تهران: انتشارات گفتمان - شهرداریها جهانی، دهر (۱۳۳۲) - تحلیلی از ویژگیهای برنامه ریزی شهری در ایران - تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت
 - سیداب غلامحسین و همکاران (۱۳۳۵) - دایره المعارف فارسی (جله اول) - تهران: انتشارات فرهنگستان علمی - فصل هفده (۱۳۳۵)
 لاریجانی فلسفی و رشد شهرداری در ایران - در سالنامه شهرداریها - تهران: اتحادیه شهرداریهای ایران

خدمات شهری (سال)

| شهر | کشتارگاه | | | میان میوه و تود یار | |
|-----|----------|--------------|-------------|---------------------|--------------|
| | تعداد | وسعت (هکتار) | ظرفیت (رلس) | تعداد | وسعت (هکتار) |
| ... | ... | ... | ... | ... | ... |

خدمات شهری (سال) (دنباله)

| شهر | حقل زیناله | | پارک عمومی | | گورستان و عمالخانه | |
|-----|-------------|---------------------|------------|--------------|--------------------|--------------|
| | تعداد خودرو | زیناله حمل شده (تن) | تعداد | وسعت (هکتار) | تعداد | وسعت (هکتار) |
| ... | ... | ... | ... | ... | ... | ... |

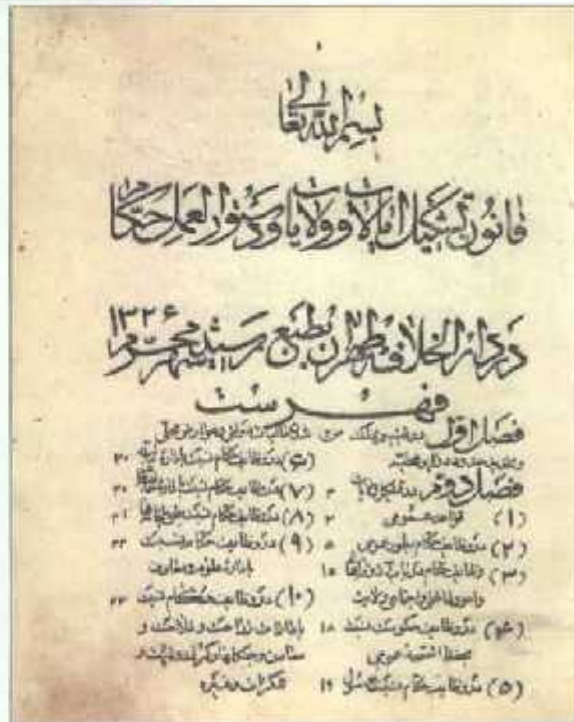
خدمات شهری (سال) (دنباله)

| شهر | وسعت فضای سبز شهری (هکتار) | | تعداد حمام عمومی | | تعداد نوابتهای عمومی |
|-----|----------------------------|-------|------------------|-------|----------------------|
| | عمومی | خصوصی | عمومی | خصوصی | |
| ... | ... | ... | ... | ... | ... |

با نگاهی به کوتاه به جدول سالنامه ۱۳۴۵ و سالنامه های استانی مشخص می شود که از نظر تعداد اطلاعات تفاوت قابل ملاحظه ای میان این دو وجود دارد به عنوان نمونه می توان به آمار مربوط به پرسنل شهرداری اشاره کرد. از مشکلات دیگر آن است که اگر محقق در شرایط کنونی

بخواهد پژوهشی بر مبنای این داده ها در مورد شهرهای سطح کشور انجام دهد می بایست به تمام سالنامه های استانی (یعنی ۳۰ عدد سالنامه) مراجعه کند که کاری است توان فرسا. نتیجه پایانی آنست که توانی چهل ساله در برنامه ریزی ها نادیده گرفته شده است.

پالوشت
 for Municipalities of IRAN
 Manual of City Planning
 Training



نطفه های تشکيلات بلديه

• عباسعلی صادقی
عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور
• فروزنده کاظمی
کارشناس حسابداری وزارت علوم

نایب‌الحکومه و اداره قصبات و دهات با کدخدا بوده است. و ماده سوم این قانون‌نامه در توضیح ولایت چنین نوشته است: «ولایت قسمتی از مملکت است که دارای یک شهر حاکم‌نشین و توابع باشد، اعم از این که حکومت آن تابع پایتخت یا تابع مرکز ایالتی باشد.»

در قانون‌نامه فوق وظایف ادارات نظامیه و ضابطیه به تفصیل آورده شده است که به بررسی آن می‌پردازیم:

اداره نظامیه و وظایف آن از قرار تفصیل ذیل است:

ماده ۲۲۰: «اولاً نظارت در اجرای قوانین و وقایعه‌ی امنیت و آسایش اهالی، ثانیاً اجرای تکالیف راجعه‌ی به امور مالیه دولت و امور عدلیه و امور نظامی»

همچنین در ماده ۲۲۱ در مورد وظایف نظامیه و حدود اختیارات آن چنین آورده شده است: «اول اعلان و انتشار قوانین و فرامین و احکام دولت؛ دوم انتظار هر نوع اعلانات که به حکم ادارات متبوعه می‌شود؛ سیم گرفتن دزدها و قطاع‌الطریق و برقراری امنیت و آسایش عمومی؛ چهارم دستگیر کردن فراری‌ها و رفع وضع از تكدی؛ پنجم ملاحظه اشخاصی که در سر راه مرده‌اند و معین کردن این که آن‌ها را کشته‌اند یا به اجل خود مرده‌اند؛ ششم جمع‌آوری اطفال گم شده و سر راه گزارده شده و نگاهداری از آن‌ها و تحقیقات لازمه در پیدا کردن اولیای آن‌ها و کمک به ضعیفاء و مرضائی که از منزل و ماوای خود دور افتاده‌اند؛ هفتم دادن راپورت وقایع به رؤسا و یک نسخه مستقیماً به حاکم ولایت؛ هشتم در صورتی که در رودخانه‌ها و آب‌های

کتاب قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام در سال ۱۳۲۶ قمری؛ یعنی دو سال بعد از انقلاب مشروطیت که در سال ۱۳۲۴ قمری مظفرالدین شاه تصویب آن را امضاء کرد و واژه «قانون» در اداره امور مملکت ایران باب شده بود، در تهران چاپ شد و مورد تصویب محمدعلی‌شاه قرار گرفت. اولاً واژه «شهرداری» را اگر معادل «بلدیّه» در نظر بگیریم با توجه به وظایفی که فعلاً بر دوش شهرداری است، می‌توانیم نشانه‌هایی از این نهاد اجتماعی را در لابه‌لای بعضی از مواد قوانین این کتاب پیدا کنیم. در دنباله خواهیم دید که قسمتی از وظایف شهرداری را نهادهای دیگر، چون اداره «ضبطیه» و «نظامیه» انجام می‌داده‌اند و در یک دید کلی اداره شهرها طبق این قانون‌نامه بر دوش اداره ضبطیه، نظامیه و اداره بلدیّه بوده است. واژه‌های ضبطیه و نظامیه و بلده یا بلدیّه در لغت‌نامه برهان قاطع چاپ سال ۱۲۷۸ قمری آورده نشده و در فرهنگ معین چاپ ۱۳۴۵ شمسی واژه ضبطیه به صورت «ضبط» آورده شده و آن را به معنای: «حفظ کردن، نگاه داشتن، تصرف کردن، در قبضه درآوردن و محکم کردن» و نیز واژه نظامیه به معنای اداره شهرستانی، همچنین واژه «بلد» به معنای شهر آورده شده است.

بر طبق قانون تشکيلات مملکت ایران برای تسهیل امور سیاسی به «ایالات»، «ایالات» به «ولایات»، «ولایات» به «بلوکات»، «بلوکات» به «قصبات» تابعه تقسیم شده است. اداره ایالت یا فرمان فرما، اداره ولایت یا حاکم، اداره بلوک یا



که دولت خرید و فروشش [را] قدغن کرده است خرید و فروش نشود؛ بیستم عواظت در اجرای قوانین راجعه به شکار و صید ماهی و طیور که در غیر موقع به شکار و صید اقدام نشود؛ بیست و یکم ترتیب فهرست‌هایی که معین کند در بلوک عده‌ی مساجد و مکاتب و ادارات خیریه و کارخانجات و دهات چقدر است و همچنان عده نفوس و متولدات و متوفیات و عقد ازدواج به چه اندازه است و اشیاء خارجه در بلوک به چه کسب مشغولند؛ بیست و دوم ترتیب دفاتر نفوس راجعه‌ی به متولدات و متوفیات و عقد ازدواج؛ بیست و سوم اطلاع دادن به رؤسا و ادارات متبوعه اشیاء عتیقه که کشف شده یا ظهور اشیائی که ندرت دارد؛ بیست و چهارم نظارت به استخراج طلا و نقره در جاهای لازمه موافق قوانین موضوعه بیست و پنجم دادن تصدیق‌نامه به ایتم و بی‌چارگان برای دخول به دارالایتم و دارالضعفاء و غیره؛ بیست و ششم نظارت این که اجرت کارگر و عمله و فعه به موقع و تمام پرداخت شود؛ بیست و هفتم اجرای کلیه تکالیفی که به موجب قوانین ادارات دولتی و مملکتی و بلدی به عهده اداره ضبطیه است. چنانکه در این مواد قانونی دیده می‌شود، موارد پنجم، ششم، دهم، سیزدهم، چهاردهم، پانزدهم، شانزدهم، نوزدهم و بیست و یکم از عاده قانونی‌های فوق در حال حاضر به عهده شهرداری‌ها است. در دنباله مطلب را با وظایف و تکالیف اداره ضبطیه پی می‌گیریم. ماده ۲۷۷ می‌نویسد: تکالیف اداره ضبطیه نسبت به امور مالیه به قرار زیر است: اول وصول بقایای دولتی و ادارات بلدی و اجتماعی و لایات به موجب احکام ادارات متبوعه یا اعلام ادارات متساویه؛ دوم اقدامات مجدانه بر منع کسر نمودن اوزان و اکیال و تغییر وزن و کمیت مسکوکات؛

سواحل و دریا کرجی یا کشتی بشکند یا غرق شود باید سرنشین آن‌ها را حتی‌المقدور نجات بدهند و اموال آن‌ها را حفظ کنند. نهم حفظ موقنی اموال متوفیات غربایی که وارث و ولی حاضر نداشته باشند و اطلاع به اولیای آنها دادن؛ دهم مساعدت به اداره اطفائی در جلوگیری از حریق در بیابان‌ها و جنگل‌ها و غیره؛ یازدهم اقدامات لازمه برای جلوگیری از امراض مسریه موافق دستورالعمل اداره حفظ‌التسمه و نظارت اجرای قوانین حفظ‌الصمه؛ دوازدهم اقدامات لازمه برای رفع امراض مسریه در میان حشم و دوآب؛ سیزدهم حفظ وقایع ای امنیت طرق و شوارع و نظارت صحت راه‌ها و پل‌ها و معابر و غیره و اجرای تکالیفی که از بابت نگاه داشتن راه‌ها به اهالی مجاور وارد می‌آید؛ چهاردهم مراقبت در این که حریق یا طغیان آب اتفاق نیفتد و اقدامات لازمه در این باب به عمل آید؛ پانزدهم نظارت بر پاکیزگی در قصبات و دهات و مراقبت در این که کلیه بناهای جدید موافق نقشه و دستورالعمل مفرره ساخته شود؛ شانزدهم نظارت به کاروانسراها و قهوه‌خانه‌ها و مهمان‌خانه‌ها و چلوپزخانه‌ها و کلیه جاهایی که اکل و اشرب عمومی است و مراقبت در اجرای قوانین راجعه‌ی به این جاها و عدم اجازه‌ی قمار و کلیه کارهایی که خلاف شرع بوده و باعث مشاجره و منازعه و مجادله تواند شد و اساس امنیت را متزلزل تواند کرد. هفدهم دادن اجازه‌نامه به اشخاصی که سموم از مواد می‌نمایند و نظارت به فروش آن موافق قوانین حفظ‌الصحه و هجدهم دادن اجازه‌نامه برای خریدن باروت و سایر مواد الحرقه و نظارت به فروش آن موافق قوانین حرفت و صنعت؛ نوزدهم مراقبت در این که در بازارها و میان‌ها و جاهای دیگر چیزهایی را

فصل بیستم

در بیان مملکت و اداره ضبطیه

ماده ۲۷۷ (م) تکالیف اداره ضبطیه نسبت به امور مالیه به قرار زیر است: اول وصول بقایای دولتی و ادارات بلدی و اجتماعی و لایات به موجب احکام ادارات متبوعه یا اعلام ادارات متساویه؛ دوم اقدامات مجدانه بر منع کسر نمودن اوزان و اکیال و تغییر وزن و کمیت مسکوکات؛

در مضمینات

عالم ضبطیه و طلب تا به وقت تمام شده با ضمانت کفالت و تهریت
 پیش از این سینه تهریت و مضمینات در زمان حال همین حکام است
 نه با عالم ضبطیه و طلب و مضمینات

روز یکشنبه ۱۳۰۳
 در شهر تهران
 امین‌الدوله



صاحب منصیان نظامی که مدت مرخصی آنها منقضی شده و دعوت آنها به موجب قوانین نظامی به مراجعت به محل خدمت، یا مواد قانونی که در آن ها به اداره بلدیة اشاره شده است مطلقاً را پی می گیریم؛ در مورد وظایف حکام در باب آذوقه اهالی و امور داخلی و اجتماعی ولایت ماده ۴۱ چنین آورده است: «در وظایف حکام در این باب، از فرار تفصیل [ذیل] است؛ اولاً مراقبت در امر آذوقه و ارزاق اهالی؛ ثانیاً مراقبت در این که ائمه جدیدالاحداث شهرها و دهات موافق قوانین موضوعه تأسیس شود...»

هر دو بند این ماده، یعنی مراقبت در امر آذوقه و ارزاق اهالی و مراقبت در امر ائمه جدیدالاحداث شهرها و دهات را برعهده حاکم در درجه اول نهاده و نیز یکی از ادارات تابعه حاکم اداره بلدیة بوده است که این وظایف از طرف حاکم به آن اداره محول می شده است. چنان که امروزه نیز این وظایف برعهده شهرداری است. در ماده ۴۵ آورده شده است: «اقدامات خصوصی آن که حکام اطلاعات لازم را در باب نرخ ارزاق و آذوقه [را] از اداره بلدیة تحصیل می نمایند و نه فقط به توسط ادارات نظمیه و ضبطیه و بلدیة حکام مواظب تعدیل نرخ و عدم کم فروشی و صحت اکیال و اوزان می یابند؛ بلکه خودشان هم در موارد لازم حق دارند به توسط مأمورین مخصوصی به این امور رسیدگی نمایند.» در این ماده از اداره بلدیة به صراحت نام برده شده و همان طوری که از این ماده بر می آید؛ به عنوان مثال در مورد ارزاق و آذوقه که در ماده های قبلی هم ذکر شده بود و تسبیح آن را به عهده حاکم گذاشته بود؛ این ماده نشان می دهد بازوی اجرایی حاکم ولایت، ادارات نظمیه و ضبطیه و بلدیة بوده است.

مطلب را با بررسی دیگر موارد در مورد بلدیة پی می گیریم؛ ماده ۱۰۷ می نویسد: «قواعدی که حکام و ادارات نظمیه و ضبطیه ایجاد می کنند باید در روزنامه های محلیه چهار دفعه اعلان شود و به طبع رسیده در معابر و کوچه ها و میدان ها و ادارات پلیس و غیره یک ماه قبل از اجراء نشر و اعلام شود.» و تصریحاً این ماده می نویسد: «قواعدی که ادارات بلدیة و ادارات اجتماعیه وضع می کنند به امضای حاکم رسیده به همین ترتیب اعلام و به موقع اجراء گذارده می شود.» در ماده ۱۱۰ در مورد اعتراض قواعد ایجاد شده توسط بلدیة آورده شده است: «کنجمن ولایتی و اشخاص متفرقه و کذلک ادارات بلدیة حق دارند که به وزارت داخله و به مجلس شورای ملی از قواعدی که ایجاد شده شکایت نمایند، ولی مادامی که حکم قسح نرسیده است از اجراء قواعد مزبور نمی توانند تغلف نمایند.»

نتیجه گیری:

از مجموعه بررسی های فوق چنین بر می آید، بلدیة یا شهرداری فعلی برای نخستین بار بعد از انقلاب مشروطیت و ایجاد موسسات اجتماعی به طور قانونی یا گرفته است.

سیم اجرای اوزان و اکیال جدید به حکم دولت؛ چهارم دعوت مقابله کاران برای مزایده های دولتی و مملکتی و ادارات بلدیة و غیره؛ پنجم دادن شهادت نامه به مقابله چینی ها در صورتی که به واسطه معاذیر سوجه هیچ نتوانستند کاری را که بر عهده گرفته اند انجام بدهند و یا به وقت و به موقع نتوانسته اند برسانند؛ ششم مساعدت به اشخاص و اداراتی که به موجب قوانین نظارت به حرفت و صنعت و تجارت دارند و به موجب قوانین و عوارض اخذ می کنند؛ هفتم اجرای تکالیفی که به موجب قوانین راجعه به اخذ مالیات و عوارض به ادارات ضبطیه محول است؛ هشتم عمل کردن به وظایفی که به موجب قوانین گمرکات به عهده ادارات ضبطیه موكول است؛ نهم مساعدت به ادارات جنگل ها و خالصجات دولتی در اجرای تکالیف آن ها و در اقداماتی که در صورت نقص قوانین جنگل ها و خالصجات بر عهده ای این ادارات وارد می آید؛ چنانکه از مواد اول و چهارم وظایف اداره ضبطیه مستفاد می شود، مساعدت و یاری رسانیدن به اداره بلدیة بوده است. و ماده ۲۲۲ در مورد وظایف اداره ضبطیه نسبت به امور عدلیه چنین آورده است:

«اول جلوگیری از تعدی و اقدامات خودسرانه و اجرای تحقیقات و همراهی در تحقیقاتی که از طرف محاکم عدلیه به عمل می آید به اندازه ای که در قوانین و نظامات عدلیه و محاکم جنایتی مندرج است؛ دویم حاضر کردن مقصرین و متهمین را به دیوان خانه به حکم آن و توقیف آن ها در صورتی که حکم دیوان خانه در این باب صادر شود؛ سیم احضار اشخاص لازم به محاکم عدلیه و شراکت در اجرای احکام محاکم عدلیه به موجب قوانین و نظامات دوایر عدلیه؛ چهارم برداشتن سیاهه اموال اشخاص معینه و تقویم و حفظ آن و اعلان فروش اموال به مزایده و فروش بعضی اموال به موجب قوانین عدلیه راجعه ای به این اقدامات؛ پنجم مجبور کردن وکلاء را به رد کردن وکالت نامه هایی که از طرف موکلین آنها استرداد می شود؛ ششم تفتیش و تفحص اشخاصی که گم شده اند و خبری از آنها نیست. هفتم نظارت در پاک نگاهداشتن محبس ها و اجرای کلیه قوانینی که به محبس ها و محبوسان راجع است؛ هشتم دادن شهادت نامه قرابت و خویشی به اقرباء و اقوام اشخاصی که به حکم قانون در مجلس توقیف شده اند؛ نهم کلیه تکالیفی که به موجب قوانین محاکم عدلیه و محاکم عدلیه نظام بری و بحری به عهده ادارات ضبطیه محول است.» ماده ۲۲۲ در مورد وظایف اداره ضبطیه در امور نظامی چنین آورده است: «اول مراقبت و نظارت انتظام حرکت قشون و اجرای تکالیف در این باب به موجب قوانین نظامی؛ دویم احضار تابعین ردیف نظام بری و بحری حکم ادارات متبوعه نظامی به سر خدمت خودشان و دادن شهادت نامه به آن ها در موافقی که قوانین نظامی معین کرده؛ سیم اخبار زن های سربازها از فوت شوهران آن ها؛ چهارم یادآوری به تابعین و همچنان به

بندر عباس، شهر - بندری با چند رخساره

گفت و گویا منصور آرامی شهردار بندر عباس

آرش سوابی



استان هرمزگان با وسعت ۶۸۴۷۵ کیلومتر مربع در جنوب ایران همچون هلالی، تنگه هرمز یکی از حساس‌ترین و حیاتی‌ترین گذرگاه‌های آبی عصر حاضر را در بر گرفته است. ۱۴ جزیره مهم و استراتژیک ایران در محدوده آب‌های این استان قرار دارد.

وجود آثار تاریخی و قلعه‌های فروان در گستره استان نشان از قدرت شهرنشینی در این منطقه دارد. بندرعباس مرکز این استان مهم در سال ۱۹۲۴ م. بندر جزیر

خوانده می‌شد. در سال ۱۵۱۴ (م) پرتغالی‌ها با انتخاب این دهکده به عنوان مرکز بازرگانی اجناس خود آن را بندر کامارالوآ یا کامبارالوآ به معنی خرچنگ نامیدند و این دلیلی بر وجود خرچنگ‌های فروان در این ساحل زیبا بود. نام متداول بعدی یعنی گمبرون یا گامرون به احتمال زیاد از لغت پرتغالی کامارالوآ گرفته شده است. در سال ۱۶۲۲ م. شاه عباس صفوی با کمک انگلیسی‌ها دست پرتغالی‌ها را از این بندر کوتاه کرد و شهر به بندرعباس تغییر نام داد. توسعه سریع بندرعباس با فراز و نشیب از همین زمان آغاز شد و امروز از پرتغالی‌ها تنها قلعه‌هایی وسیعی که رو به ویرانی نهاده‌اند بجا مانده است که نیازمند بازسازی و مرمت به عنوان تاریخ بصری این بندر مهم هستند. ساختمان‌های محدودی هم در شهر یادگار معماری انگلیسی و حضور آنها هستند که ظاهراً اراده‌ای برای حفظ و نگهداری آنها مشاهده نمی‌شود.

در تقسیمات فعلی کشوری این شهر یکی از مهمترین مراکز استراتژیکی و تجاری ایران در جوار آب‌های آزاد جنوب است. عدم توسعه و رشد چهار در شرق و محدودیت‌های مسافت و وقوع جنگ تحمیلی در بنتر غربی خلیج فارس باعث توجه بیشتر و اهمیت نو چندی این بندر در سال‌های پس از انقلاب اسلامی شد. بازتاب‌های (اسکله) شهید رجایی و شهید باهنر قسمت عمده‌ای از میدانه کالاهای تجاری بین ایران و دیگر کشورها را به عهده دارند.

حضور پرتوان نیروهای نظامی بویژه نیروی دریایی گواه اهمیت استراتژیکی این منطقه از منظر اسلامی است. بندرعباس از طریق راه‌های دریایی، هوایی، خاکی‌های ترانزیتی و راه آهن (خط استراتژیکی بافق بندرعباس چند سال قبل افتتاح شد) به کلیه مناطق داخلی دیگر کشورهای جهان مرتبط است.

اما توسعه شهری در بندرعباس ظاهراً متناسب با جایگاه این بندر نداشته است و مشکلات فروان شهرهای ساحلی بویژه این شهر از محورهای عمده گفتگوی ما با محمود آرامی شهردار بندرعباس است. آرامی دارای مدرک کارشناس ارشد توانبخشی و مدت ۲۶ ماه است که مسکن هدایت شهر (شهرداری) به وی سپرده شده است. آرامی ۲۲ سال در نهاد ها و سازمان‌های گوناگون هم چون جهاد سازندگی، جهاد دانشگاهی، سپاه پاسداران و استانداری هرمزگان مشغول به خدمت بوده است.



شد. جمعیت زیادی وارد شهر شد و دو شهرک بسیار بزرگ در پیرامون بندرعباس در غرب و شرق شهر ساخته شد مانند: شهرک نیروی دریایی که در این دو شهرک جمعیتی بیش از ۴۰ هزار نفر زندگی میکنند. این کار باعث شد که بندرعباس از دید شهرسازی و دیگر موارد تغییر کند. نگاه دولت نیز موثر بود. بندر شهید رجایی، شهر را به صورت یک بندر - شهر تجاری درآورد. ایجاد منطقه ی آزاد قسم هم در این تغییرات تأثیر داشت.

از چهل، پنجاه سال پیش با تغییر نگاه دولت به این شهر تغییرات جدی شد. برای محله های کبرنشین هم خانه ساخته شد چنان که محله ی "نو هزار دستگانه" یادگار همان دوره است. این محله در شمال غربی بندرعباس جای دارد البته ذهنیت مردم دربارهی این محله چندان خوب نیست. از این دست توسعه های کالبد شهر را میتوان به محله "ششصد دستگانه"، "چهارصد دستگانه" و یا شهرک "محله ی توحید" اشاره کرد که همگی کبرنشین بودهاند و در شرق بندرعباس هستند با آغاز جنگ مهاجران جنگی به بندرعباس آمدند و این شهر کلون و قطب تجاری برای کشور شد؛ زیرا تنها بندر و مهمترین بندری بود که از آسیب جنگ به دور ماند. با این همه به مسائل شهری آن توجهی نشد یعنی شهر و شهرداریش آن توانش لازم و ظرفیت را برای انبارهی خودش نتوانست به دست آورد، تنها از گردهی شهر خدمات گرفته می شد البته چاره های هم نبود. شهر بندرعباسی چون ایلات، خرمشهر و دیگر بندرها ویران شده بودند، بندر قبیری هم نداشتیم؛ برای همین هم تمام فشار بر بندرعباس وارد می شد. چندان که راه بندرعباس - سیرجان مسیر ترانزیتی، جاده های که ۳۰۰ کیلومتر درازا داشت و ۴۰ سال پیش ساخته شده بود. پس از دوران جنگ و آغاز سازندگی، دوباره نگاه به این بندر، شهر نگاهی تجاری شد و اینک که شش، هفت سالی است که در سه بخش تجاری، اقتصادی، صنعتی و گردشگری بندرعباس مورد توجه قرار گرفته که نگاه کاملی است. اکنون باید بندرعباس بر این سه پایه ی مهم ساخته شود تا آن توانش را از خودش نشان دهد و بهره ی خود را به کشور برساند.

شما آقای آرامی شما چندمین شهردار این شهر هستید و بلدیة ی بندرعباس از چه زمانی آغاز به کار کرده است؟ سیاهه ای در دست داریم که بودجه بلدیة ها، شهرداری ها، در سال ۱۳۰۸ در آن نوشته شده است؛ در کمال

شما آقای شهردار، تا آن جا که می دانیم، بندرعباس در سال ۱۳۳۵ شهر کوچکی بوده و ۱۷ هزار نفر جمعیت داشته و در سال های آغازین دهه ۴۰ تمام کشیدگی شهر به ۲ کیلومتری رسیده است. اکنون می خواهیم گسترش، جمعیت شهر و منطقه های چندگانه شهرداری اش را از زبان خودتان بشنویم.

آرامی: می دانید که بندرعباس پیشینه ای ۴۰۰ ساله دارد؛ بندرعباس آن روزگار با شهر امروزی تفاوت زیاد دارد، حتی مکانش هم تفاوت داشته است. بندرعباس کنونی ۴۰۰ هزار نفر جمعیت دارد یا نزدیک به ۵ هزار هکتار وسعت محدوده ی قانونی شهرداری آن دو منطقه شهرداری است. کشیدگی شهر ۲۲ کیلومتر است که البته عرضی شهر بسیار کم است. بندرعباس شهری کاملاً خطی است و جنوب آن دقیقاً به دریا جسیبده و مشرف به آن است. این موقعیت هم برای ما فرصتهایی را داشته و هم مشکلاتی را ایجاد کرده است.

بخشی از جمعیت شهر مهاجر هستند که هم مهاجرت درون استانی بود و هم برون استانی. در آغاز انقلاب مهاجرت درون استانی شدت داشته که از روستاهای اطراف آمدهاند و برخی خشنکسالی های استانی نیز که هم اکنون هم هست به این دامن زده، مهاجرت برون استانی هم تقریباً به همین دلیل بوده است.

ما در این شهر پایگاه نظامی داریم؛ پایگاه یکم دریایی که در پایتخت بندرعباس است و پایگاه نهم هوایی که در خاور شهر جای دارد می شود گفت که هم این ها شهر را از دو سو بسته و محدود کرده اند.

تأسیسات، شرکتها و کارخانه های بزرگی پس از انقلاب در اطراف بندرعباس پا گرفته اند؛ از جمله: بندر شهید رجایی، شهید باهنر، کارخانه آلومینیم سازی المهدی، کشتی سازی خلیج فارس، پالایشگاه نفت، کارخانه ی فولاد سازی، منطقه ی ویژه صنایع و معادن به ویژه در غرب شهر. در ضمن ما طرح منطقه ی سوم را هم به شورا تقدیم کردیم تا تصویب شود.

شما روزگار پیشرفت و شکوفایی بندرعباس برمیگردید به فرمانروایی صفوی که سه کشور دریایی آن زمان، یعنی انگلیس، فرانسه و هلند کلون های تجاری در بندر را داشتند؛ در سال ۱۱۰ قمری که برابر با ۱۶۹۸ میلادی است، هلندی ها از ایران اجازه گرفته تا در غرب شهر بندرعباس، شهری جدید را بنی گذارند که نشان آن "کلاه قرنگی" بود که هنوز هم برپاست. حالا می خواهیم دلیل های شکوفایی دوباره ی بندرعباس را پس از ویرانی های روزگار افشاریان، بدانیم که از چه هنگام آغاز شد؛ زیرا پس از خرابی و انقراض بندرعباس، پوشش جای آن را گرفته. آیا کارخانه ی کنسرو ساردین و گام های دیگر در دههی ۳۰ و ۴۰ را می شود آغاز آن دانست یا شما تاریخ مشخص تری در ذهن دارید؟

آرامی: بندرعباس در گذشته ی دورش چند دوره افتوخیز را پشت سر گذاشته است. با آمدن این دو مجموعه ی نظامی به شهر، در ۱۳۴۰، بندرعباس جهشی دوباره یافت و تغییراتی پیدا



شگفتی جزیره قسم بلدیة نازده اما بندرعباس در این سیاهه نیست. یا به خطا نیامده و یا آن قدر بیاهمیت بوده که برایش بلدیة



مردم را به سوی فضای شهری که میتواند باشد بکشاییم؛ بسیاری از شهرها مانند شیراز، تهران، اصفهان و حتی یزد این مشکلات را ندارند. بافت های فرسوده از دیگر معضلات بندرعباس است. فرودست بودن و مهاجرت بی رویه در این استان بر این مشکل افزوده است.

سید علیا برهم کسب شهرداری با گمرک سازمان های بندری و نیروهای انتظامی که ممکن است در شهرهای دیگر این چنین نهادهایی نباشند چگونه است؟

آرامی: اینگونه مسائل بیشتر به منش شهرداران و مسائل شهر برمی گردد، یعنی در این باره قوانین و مقررات مشخصی وجود ندارد. این نهادها و سازمانها هم تمایل به همکاری دارند اما در جاهایی هم دستشان بسته است. گاه ابهاماتی قانونی است و گاه مسائل و مشکلاتی که بر سر راه دارند اما ما توانسته ایم گام هایی برداریم؛ مثلاً با نیروی انتظامی بندرعباس و راهنمایی و رانندگی بسیار نزدیک هستیم. با محیط زیست و آموزش و پرورش هم برهمکنش خوبی داشته ایم. آن چه کارها را به این بست می کشاند ابهام قانونی است.

سید علیا آقای شهردار نظر شما دربارهی "مدیریت یکپارچه" سواحل چیست؟ در شهر شما نهادهای گوناگونی مانند: نیروی دریایی، گمرک، وزارت بازرگانی، نیروی انتظامی، گارد ساحلی و شیلات فعالیت می کنند. شما برای مدیریت اینها چه برخوردی می کنید؟ در حالی که شما در واقع اداره کننده ی شهر هستید و خواه ناخواه باید با شما هماهنگ شود.

آرامی: در بندرعباس ما با دو بخش شهری رو به رو هستیم؛ یکی آن جاهایی که دستگاه های نظامی در آن مستقر هستند که ما از لحاظ فنی نمی توانیم کاری کنیم. جز اینکه از دولت مصوبه هایی گرفته ایم که پادگان های نظامی را تا جایی که می شود از شهر بیرون ببریم. اما در مواردی هم نمی توانیم این کار را بکنیم؛ مانند نیروی دریایی که کار دریاست و ساحل و مسائل فنی دریا. با این همه در همین سواحل هم طی ۴ سال کارهای بزرگی به انجام رسیده مثل پارک و بلوار ساحلی که هم اینکه دارند دنباله کارها را انجام می دهند. از دیدگاه من

ضعف مجموعه ی مدیریت شهری در این باره بوده که نگاه گردشگری پدیده آمده است و درحال حاضر، گره را گشوده است. هم اینکه بخش بزرگی از شهر و مدیریت آن آماده کار است. ما باید حریص ۶۰ متر از لب دریا را آزاد کنیم که بخش

بزرگی از آن در اشغال بافت فرسوده ای که فرودستان در آن زندگی میکنند آماده ی واگذاری هستند که ما باید منابع پرداخت داشته باشیم. بخش هایی از شهر نیز که گستره چندان ندارد در دست دستگاه های دولتی است. بخشی از کرانه ی دریا را آزاد

ای در نظر نگرفته اند. در این باره اگر توضیحی دارید، بفرمایید.

آرامی: البته در استان هرمزگان شهرهایی هستند که تاریخ شهرشان از بندرعباس بیشتر است؛ از جمله همین بندر انگه که یکصد و بیست سالگی اش را جشنی بیش جشن گرفتند. یا بستک (basiak) که تاریخچه شهریش از ما بیشتر است؛ به هر روی بندرعباس نزدیک ۸۰ سال شهرداری دارد. حالا نمی دانم چرا در کتاب از بندرعباس تا گمبرون که آقای ساریولس در آن بودج هی شهرداری و نرخ اینگونه چیزها را نیاورده است.

تعداد شهرداری ها را نمیدانم اما نخستین شهردار بندرعباس حاج ابومسلم بوشهری بود؛ البته در آن روزگار گروهی از بوشهر به بندرعباس آمده بودند که هنوز هم هستند. از آغاز شوراهای اسلامی تاکنون من سومی شهردار هستم.

سید علیا شما شهردار شهری هستید که جایگاه راهبردی و بازرگانی بزرگی را در کشور دارد. در اداره ی چنین شهری با چه چالش هایی روبروی هستید؟

آرامی: یک رشته مسائل و مشکلاتی هست که تنها به بندرعباس بر نمی گردد و همه ی شهرها مثل تهران و کلانشهرهای دیگر دچار آن هستند؛ مانند نبودن مدیریت شهری یا کمبود منابع پایلاری که باید شهرها داشته باشند اما یک رشته مسائلی هست که به شهر بندرعباس اختصاص دارد؛ آن هم به شیوه ی نگاه به شهر بازمی گردد. با اینکه شهر در حال توسعه

است ما با یک دوگانگی رو به رو هستیم. در بخش هایی از شهر یک رشته مناسبات روستایی حاکم است. در این جا مردم از روستاها به شهر آمده اند و هنوز با فرهنگ شهرنشینی آشنا نیستند و همین مشکلاتی را برایمان ایجاد کرده است. انتظار مردم کشور از این شهر دو چیز کاملاً متفاوت است. ما از بندرعباس انتظار شهری



با آغاز جنگ مهاجران جنگی به بندرعباس آمدند و این شهر کانون و قطب تجاری برای کشور شد؛ زیرا تنها بندر و مهمترین بندری بود که از آسیب جنگ به دور ماند.

زیبای پاکیزه تجاری و به اصطلاح "شیک" را داریم. اما این توانش در حال حاضر در بندرعباس نیست. درآمدهای داخلی ما در شهر جذای از منابع پایدار پاسخگوی نیازهای شهر نیست. آب و هوای گرم و پرمشروبات و فرسودگی را بسیار بالا می برد؛ بنابراین هزینه های ما دو یا سه برابر می شود. مناسبات روستایی باعث شده که ما در دادن خدمات شهری و دیگر کارها با مشکل روبرو شویم. واقعاً می کوشیم که



یا در قسم که منطقه ی آزاد کار خودش را می کند. شهردار تغذغه های خود را دارد. حالا در بندر هم توان هایی هست مانند فرودگاه که کمترین فاصله با شیخ نشین ها دارد. به هر روی این اتفاق رخ نداد. مانع اصلیش کجاست؟

آرامی: ببینید الان نزدیک به ۲۵۰۰ کیلومتر از زمین های باختر بندرعباس منطقه ی ویژه است. همه ی آن شرکت هایی گفتند در اقتصاد ملی نقش بسیار بالایی دارند. اما در اداره ی شهر نقش بسیار اندکی دارند. یعنی زیر صفر. ما می گوییم که همه ی این دستگاه ها دارند از فرودگاه بهره میبرند از بیمارستان، خیابان، مدرسه گرفته تا بازار و ساحل بندرعباس بهره مند میشوند. اما هیچ نقشی در زنده نگه داشتن بندرعباس ندارند. بافت فرسوده برای آنان بی معنا است. حتی دروغ از یک تندیس از نام آوران شهر که به نام شرکت ساخته شود. این جای گله دارد. هیچ میلی قابل ملاحظه ای هم برای هزینه های شهر پرداخت نمی کنند و ما در عمل داریم چند شهر را اداره می کنیم نه یک شهر را. آنهم با جمعیت تا ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار نفری، اما یک شهر دیگر کنار ماست یا یک رشته نیازها و درخواست های دیگر. ما حتی زباله هایشان را داریم به زحمت سالمندگی می کنیم تا بپرند یک جایی دفن کنند. حتی برای این کار هم حاضر نبودند. در واقع ما سه تا شهر را پادرامد نمی از شهر اداره می کنیم چون نیکی از جمعیت ما در بافت فرسوده زندگی میکنند و عملاً عوارضی نمی پردازند. حاشیه نشین ها هم همین وضع را دارند. خدمات میخواهند؛ گردآوری پس ماندها و دیگر چیزها. آنها از جاده، بزرگراه، بیمارستان و فرودگاه استفاده می کنند. همه ی رفت و آمد و ترابری مال شهریان نیست. حاشیه نشینان نیز بهره برداری می کنند بی هیچ عوارضی. حالا ما می خواهیم با نصف عوارض این شهر را اداره کنیم. برای

همین شهر عقب می ماند. زیرا به ناگزیر اطراف را توسعه باید داد. نیازها، درخواست ها، امکانات و ارتباطات رفت و آمدنا همه اش هزینه بر است و این رشد شهر را کند می کند. درباره عوض شدن مسئولان و مدیران شهری، آنها توان چندانی برای تغییر ندارند.

شعبان: شما گفتید که نگاه دولت به شهر عوض شده. اگر چنین شده باشد باید وقتی از شهر استفاده میشود هزینه های هم پرداخت گردد. اما به نظر می رسد که اصلاً اینطور نیست.

آرامی: بله درست می گویید. من در سفر اخیر رئیس محترم



جمهور، خودم به ایشان گفتم. با یک رشته پیشنهادات که امیدوارم در سفر دوم این پیشنهادات عملی شود ما فکر می کنیم که باید از درآمد گمرک میلی قابل توجه به بندر داده شود. زیرا رقم ترستی از گمرک بندرعباس عاید کشور می شود که بخشی از آن سهم شهرداری ها و دهیاری ها است که البته به بندرعباس هم مطابق جاهای دیگر براساس همان شاخص ها پرداخت میکنند. خوب که نگاه کنیم، درآمدها و منابع درآمدی باید توانایی حداقل منابع پایدار را داشته باشد. ولی در عمل این طور نیست.

شعبان: آقای شهردار در این باره چه تمهیدی اندیشیده اید. شما که این همه میهمان داریم. اینکه نه عاقلانه است نه عادلانه که شما تنها اسم مدیریت داشته باشید و بعد هم همه ی هزینه ها را هم به تنهایی منحمل بشوید و بعد از آن طرف هیچ میلی سرازیر صنلوق نشود که بتوانید شهر را نگاه دارید.

آرامی: ما تلاش می کنیم که حریم شهر را در طرح جامع افزایش دهیم تا بتوانیم براساس قانون آنچه وارد حریم شده را عوارض بندیم. داریم بحث های حقوقی و قانونی را دنبال میکنیم. اما تا هنگامی که از بالا این نگاه به بیرون از محدوده تغییر نکند این هم درست شننی نیست. مثلاً منطقه ی ویژه میگوید من معاضت عوارض دارم یا دستگاه دیگری می گوید فرآورده های من محصول نهایی نیست و درصد تولید به شهرداری نمی دهیم چیزهایی از این دست که موافق قانونی است.

شعبان: شما رسانه های مختلفی را در اختیار دارید. تلویزیون هم دارید. آیا می توانید این رسانه ها را به مشارکت فرمایید؟

آرامی: چرا! اتفاقاً در این سه سال همین کار را هم کردیم. اما همه ی این شرکت ها و کارخانه ها به تهران وصل هستند یعنی در واقع تصمیم گیرنده مرکز است حتی اگر خود این ها هم تمایل داشته باشند نمی توانند کاری بکنند. مثلاً همین فولاد هرمزگان که حالا شده منطقه ی ویژه صنایع و معادن. این ها از قدیم یک تیم فوتبال داشتند این تیم به دست دو ارتقا پیدا کرد. من خودم سرپرست هیات استان هم هستم به آقای رضایی، مدیر فولاد گفتم که شما بیاید این تیم را اجابت کنید. گفتند: من می خواهم ولی ۱۸۰ میلیون تومان از سهم یک درصد ورزش هست. تنها همین را می توانم برای کمک بدهم. گفتم شما میلیاردها دارید. این جا هزینه می کنید حقوق مدیرتان در اینجا یک و نیم میلیون تومان است. گفته مجوز هزینه کردن را هیات مدیره داده. خودم پیگیری کردم تا آقای سرخاب را باورم سرپرست تیم با ۳۰ میلیون قرار داد. گفتند: نمی توانیم. این که می گویم این ها یک سرشان به تهران وصل است. همین است. اگر این مدیریت در استان می بود با آن ها خیلی راحت می بودیم وقتی که می گویم با محیط زیست استان مشکلی ندارم برای این است که مدیریت و استنادش هم این جا هستند.



شهر داریمها: برای آن بخش از جمعیت که مهاجران فصلی هستند و ممکن است برای مدتی در شهر باشند و بعد به شهر خودشان برگردند. در بخش فرهنگی - اجتماعی برنامه ای دارید یا خیر این گروه از جمعیت نیز بسیار تأثیر گذارند



آرامی: برنامه ما بیشتر همگانی است. ما بیشتر برای شهر برنامه ریزی می کنیم. آنها همگی از خدماتی که ارائه

در حال حاضر داریم نوزده زمین ورزشی با چمن مصنوعی می سازیم که همه ی این ها در چارچوبه ی سازمان فرهنگی است

می شود بهره می برند. اما مخاطب ما همه ی مردم هستند. برای نمونه پارسیال عید یک جشنواره فرهنگی برپا کردیم از این برنامه بیشتر مردمی استفاده کردند که مهمان شهر بودند.

شولیا: بسیاری از مهاجران به قصد کار می آیند. شما به آموزش های شهروندی اشاره کردید آیا برای این ها هم برنامه ای دارید؟ برای این که بیشتر وقت شان را در این شهر می گذرانند. به گونه ای بشود که خود آن ها هم کمک کنند تا بندر را شهر خودشان بدانند دیگر اینکه ارتباط با جزایر اگر به شهرداری برگردد که باز جزو توانمندی های شهر است یا آن تعداد جزایر که می دانیستگم بخش رفت و آمد را در نظر گرفته باشید

آرامی: البته اکنون کاری انجام داده ایم، توافق نامه ای است با اداره ی بندر برای این که اسکله ی شهیدحقتانی که بهترین اسکله ی شهر است، باز زنده سازی شود که البته الان دارد ساخته میشود ما درخواست کردیم که آن را تبدیل به یک اسکله ی مسافری کنیم و از آن بخش شمالی بتوانیم بهره برداری فرهنگی - تفریحی بکنیم که داریم طرح آن را هم کامل می کنیم قرار بر این است این کار را بخش خصوصی انجام دهد.

شولیا: آیا شهرداری بندرعباس نشریه ای یا پایگاه شبکه دارد؟

آرامی: ما یک ویژه نامه ی آرمان شهر داریم. اما بیشتر از توانمندی نشریه های استان بهره میگیریم. پایگاه شبکه تازه و پایگاه فرهنگی را همین روزها راه اندازی خواهیم کرد.

باشکر

شولیا: به عنوان آخرین پرسش ممکن است بفرمائید. نماد بندرعباس چیست؟ برای روشن شدن موضوع می گویم نشان دادن نماد بندر لنگه برای ما خیلی جالب بود که لنگر و مروارید و تاریخ ۱۳۷۶ که این یکی هم خیلی سروصدا کرد. آیا بندر عباس نمادی دارد که ما نمی شناسیم.

آرامی: نماد بندر عباس نخل و دریاست یعنی اوم شهرداری هم همین است

شولیا: درباره توسعه شهری شما چه کرده اید؟

آرامی: در شمال بندرعباس بخشی از زمین ها به حریم افزوده شده یعنی بیشتر در بخش شمال پیش رفتیم که البته مشکلی هم نشناخت بخش هایی از شمال شهر بود که می توانست استفاده شود.

شولیا: در شهر بندرعباس آیا بخش فرهنگی - اجتماعی هم دارید یا خیر؟

آرامی: در این سه سال کوشیدیم تا ساختار شهرداری را عوض کنیم؛ از جمله بحث همین فرهنگی ورزشی بوده. ما مصوبه سازمان فرهنگی ورزشی را گرفتیم. مرکز آموزش شهری را راه اندازی کردیم و یک سالی هم هست که دارد کار می کند با تشکل های غیر دولتی (N.G.O) ارتباط مرتب داریم و نشستها و مراسم گوناگون برگزار می شود و در ورزش هم پشتیبانی از تیم ها داریم. برگزاری مسابقات محله ای و مسابقات ورزش همگانی از دیگر کار هاست. در حال حاضر داریم نوزده زمین ورزشی با چمن مصنوعی می سازیم که همه ی این ها در چارچوبه ی سازمان فرهنگی است. هر روز جمعه پیاده روی همگانی به سوی چند زیارتگاه پیرامون شهر راه اندازی شده است. جز قدیمی ها کسی به آنجا نمی رفت خوشبختانه مردم شهر و شهرداری را تنها یک دستگاه خدماتی نمیشناسند این را بارها به مردم گفته ایم که اگر شهرداری ها را دستگاهی برای زیاله بدانیم به مردم توهین کرده ایم چون مردم در این شهرها برای تولید زیاله زندگی نمی کنند. آنان برای تکامل و رشد و پیشرفت زندگی می کنند.

شولیا: آیا شما مردمی را که در حاشیه ها و کناره ها هستند را در برنامه هایتان دیده اید؟ چون این ها درصد زیادی هستند و تأثیر گذارند.

آرامی: اتفاقاً بسیاری از برنامه هیمان را با توجه به نیاز این مردم نوشته ایم زیرا مردم بندرعباس در این محله های حاشیه ای و قدیمی زندگی می کنند. آنان شاخصه های استان و نخبه های شهرمان هستند و ارتباط ما با آن ها بسیار مطلوب است.

محمود شریف همایون

• ون جلالی

محمود شریف همایون (تهران ۱۲۷۰ - اصفهان ۱۳۳۶ خ)

آثانی که در آغاز راه بر کثر شهر و اناره‌ی آن گمارده شدند بی گمان دشواری های بسیاری بر خود هموار کردند تا شهرها را از جنگال ویرانی، نابسامانی، بلشتی و آلودگی رها سازند. خطرهای بسیاری را به جان خریدند تا تهادی به نام بلتیه / شهرسازی برای شهرها و شهریان نهانینه شود. آنان مردانی بودند که به کار خود عشق می ورزیدند و در برابر دشواری های ایستادند. بسیاری از ایشان در پس آرزوهای برنیامده و اندیشه های زیبا سر به خاک نهادند تا مگر روز گاری در آینده بر پاره‌ی جنده‌ی کارهایشان شهری خوب و سالم سر از خاک برآورد. شمار فراوانی از آنان خود در خاموشی یک صد ساله فراموش شدند...

و اینک ماهنامه بر آن شده است تا این فراموش شدگان را بر صفحه های خود زنده سازد و این نخواهد شد. مگر به باری بازماندگان این نیک مردان. این باز بزرگی از عویت شهری آفرین را اثر پیش روی اکنونیان می گشاییم: زندگی مردی را که بر هر کار که گمارده شد پیروز و سربلند آن را به انجام رساند. شهرسازی که صفحه‌هایی نابوده شده‌ای از تاریخ شهری این سرزمین را به تصویر کشید. باشد که تو نوشتی را بیاموزیم!



بر آن و چاپ تمامی دفتر یاداشت (۲۰۰ صفحه‌ای) آن را به صورت کتبی درآورد که یکی از استاد مهم تاریخ شهری در سرآغاز این سال های فرمان روایی دودمان پهلوی به شمار آید.

این مقاله دستاورد گفتگو و نشست برابری است با حسن شریف همایون، فرزند یکی از نخستین شهرداران اصفهان که وی خود نیز به گونه‌ای سال ها با مسائل شهری دمخور بوده است. حسن شریف سال ها برای وزارت آبادانی و مسکن کار کرده است (تا ۱۳۳۹)، او میراث‌دار استادی است که می‌تواند برگ هایی از تاریخ شهری این سرزمین را گویا کند. بزرگ‌ترین میراث ارزشمند این آزادمرد فرسخنه برای اکنونیان، دفتر یاداشت‌های روزانه‌ی اوست که با دقت و نظم بی‌مانندی و گاه روز به روز با خطی زیبا و یکدست نگاشته شده است. چنین دفتری می‌تواند سند بسیار گرانبهایی از چگونگی یک صدسال پیش شهرهایی باشد که محمود شریف همایون در آن جا شهردار یا فرماندار بوده است. وی در این یادداشت ها بخش هایی ناگفته از تاریخ شهری اصفهان، دشتستان، بندرلنگه، بابل، ساوه، رانه، فسا، آباده و کازرون را گویا کرده است. تصویر برداری (Scan) از این دفتر یاداشت گزینیهایی گمان آن را از آسیبها در امان خواهد داشت. هم‌چنان که می‌شود با ویرایش و پانوست

زندگی نامه:

نیای شریف همایون، سید میراحمد از ساکنات هاشمی اردن بوده که به ایران مهاجرت کرده و در دامغان می ماند. امروزه آرامگاه وی بقعه‌ای شده که مردم به زیارت آن می روند. پسر شریفه محمدباقر برای ادامه‌ی تحصیل به تهران کوچ می کند محمود در تهران زاده می شود (۱۳۰۲ ق / ۱۳۷۰ خ) و در سال ۱۳۲۲ ق در دارالفنون درس می خواند. جیش مشروطه به اوج رسیده است. شریف درس را وامی گذارد و تا امضای فرمان به دست مظفرالدین شاه و پیروزی مشروطه خواهان در کارهای سیاسی می ماند. در سال ۱۳۲۵ میرزا نصوالت خان، منشی صدراعظم که در آن هنگام منشی حکومت تهران هم بود به محمود شریف و پسر خودش توصیه می کند که وارد کار انتخابات ارجمند های بلدی شوند که در آن روزها، مسأله‌ی بسیار بزرگ و حساس کشور بود. این دو، انتخابات دو محله‌ی عودلاجان و شهرنو را که در آن هنگام محله‌ای بسیار زیبا و خوشنام بود، راه انزازی می کنند و انجمن بلدی‌های تهران گشایش می یابد؛ کاشف السلفه، رئیس انجمن بلدی، نخستین شهردار تهران می شود و خانه خود را در رو به روی بازار به شهرداری می دهد که بر درش به قرآنسه نوشته بود: برابری، برابری، آزادی

در استناد صغیر (۱۳۲۶ - ۱۳۲۷ ق.) یا به توب بستن مجلس به محمود شریف به اسفهان نزد مادر بزرگ و دایی خود می رود. میرزا حسنعلی خان سراج الملکه دایی محمود که با حلق ناصرالدین شاه و وزیر و خلیف ظل سلطان (۱۳۶۶ - ۱۳۳۶ ق) حاکم اسفهان بود، از وی پشتیبانی می کند. محمود به تهران باز می گردد و منشی حکومت و تحویل دار اردوی سردار اسد بختیار (۱۳۴۷ - ۱۳۴۶ ق) می شود. در دو نبرد از کد دفع یورش سالارالدوله و کاشان، شورش نایب حسین کاشی، همراه سردار بیروز به تهران می آید و او احمدشاه لقب شریف همایون می گیرد.

در سال ۱۳۹۱ خورشیدی همراه سردار مظفر بختیاری به عنوان مترجم راهی فرنگ (فرانسه) می شود سه سال در پاریس می ماند و علوم اداری می خواند. پس از بازگشت به ایران در ۱۳۹۴ خورشیدی وارد دستگاه حکومتی قنچاری می شود و با ماهی ۵۰ تومان ریاست نواقل اسفهان (= اداره راه و ترابری) را بر عهده می گیرد. (سند شماره ۱)

در همین هنگام ریاست اداره‌ی تهید تریاک نیز طی حکمی به او واگذار می شود. سه سال بعد با فرمان معاونت مالی‌های اسفهان با به دست می گیرد. از همکاران نام آشنای او در این هنگام ایرج میرزا، شاعر پرآوازه‌ی ایران، معاونت حکومت اسفهان بوده است. (ص ۱۳ ب ۱۵ با داداست‌های شریف همایون) در تاریخ ۱۳۰۰ خ / ۱۳۳۰ ق. در حکومت سیدشاه‌الدین طباطبائی دومین حکم ریاست نواقل با حقوق ماهیانه ۸۰ تومان به نام او زده می شود. (سند شماره ۲)



سند شماره ۱



سند شماره ۲



در مهرماه ۱۳۰۲ معلوم بلدیۀ اصفهان می‌شود. انجمن بلدیۀ اصفهان پیش از انحلال، شریف را به عنوان "شهردار" به وزارت داخله پیشنهاد کرده است و وزارت داخله او را در مردادماه ۱۳۰۵ به ریاست بلدیۀ اصفهان برگزید.



دولتی آنجا بوده که بعداً یک شخصی به نام شیخ العراقین آنجا را به عنوان اموال خودش ثبت می‌کند. سپس طراحی استکاری را برای بلدیۀ پایۀ ریزی می‌کند: در چارباغ (از سی و سه بل تا چهارراه نظر و دروازه شیراز) درخت توت می‌کارند تا برای طرح تولید ابریشم توتستنی بزرگ به شود. شهردار در پی آن است تا درآمد آن را در بودجه ی شهرداری بگذارد و برای کارهای عمرانی هزینه کند.

در سال ۱۳۰۸ خورشیدی پس از درگیری با پسر نعل السلطان، صادم الدوله که در پی تصرف میدان شاه به عنوان املاک خالصه بود، از کتیرکنار شده با حکمی، حکومت دشتی و دشتستان را در شهریور ماه به او وامی‌گزارند.

در حکومت دشتستان که با ناآرامی‌های این دوره همراه بوده وی توانست با ارتباط با شیخ‌های آن ناحیه با سیاست و بدون خوتریزی منطقه را آرام نگه دارد. در یادداشت‌ها چنین آمده: انگلیس‌ها در فارس قوایی به نام SBR (تفنگداران جنوب) سازمان داده بودند و در سال ۱۲۹۸ از راه بوشهر قشون وارد نموده می‌خواستند فارس را اشغال کنند. عشق‌فراسلمنه با چند نفر از خوانین و رؤسای دشتستان جلوی آنها را گرفته بودند جنگ کردند و مانع عبور آن‌ها شدند بعد آن‌ها با همدستی قوام تلک شیرازی از راه بندر لنگه و حدود ابواب جمعی قوایی قشون خود را وادار نمودند باز در شیراز میلیون یا کمک صولت الدوله (ایل قشقایی) و ژاندارمری جلوی آنها را گرفت.

شریف همایون پس از دشتستان به حکومت بندر جز/گز در ۱۳۰۹ می‌رسد و راهی شمال می‌شود. در بهمن ماه ۱۳۱۰ رئیس بلدیۀ (شهردار) بابل می‌شود: در این سمت از سوی رضاشاه بازداشت و بی‌درنگ آزاد می‌گردد. در یادداشت خود چنین آورد:

بابل بلدیۀ عریض و طولی داشت ولی کاملاً اداره و منظم نبود هنوز از اصلاح و امور داخلی اداره و تنظیم بودجه فراغت حاصل نشده بود که اطلاع دادند اعلیٰ حضرت به بابل می‌آیند و به وضع شهر و کارها و اداره سر صورتی داده بودم یک ساعت به غروب مطابق معمول درب غرب صف کشیدم منظر ورود شدیم. شاهزاده جلال حضور، هم طرف دیگر ایستاده بود تا مغرب تأخیر شد رئیس قراولان دومرتبه از جلال حضور پرسید غروب شده تکلیف من چیست؟ قراولان باشند یا بیرون داخل؟ جواب داد اطلاع ندارم خود می‌دانی. پیش تو نگران شد قدری گذشت باز گفت حضرت والا غروب گذشته قراول نباید بیرون بماند. اما برای اعلیٰ حضرت که نمی‌شود احترام نکتم باز جواب داد من نمی‌دانم دیدم که خیلی وحشت دارد گفتم اجازه می‌فرمایند اظهار عقیده کنم (شریف همایون می‌گوید): گفت بفرمایید گفتیم: نظامنامه چه دستوری می‌دهد گفت: غروب به بعد ممنوع است. گفتم: قراولان را بیرون داخل اگر ایزاد گرفتند جواب داری بنده اما اگر فرمودند غروب گذشته چرا قراول بیرون است جوابی نداری بنده، قدری فکر کرد قراولان را به داخل برد. شاه وارد شد با اوقات تلخ، پس از معرفی رؤسا از

جای بلدیۀ (شهرداری) اصفهان حیات خلوتی بوده، دو به روی دفتر حکومتی. محمود شریف این جای نماند را رها می‌کند و با اجازه‌ی حکومت اصفهان ساختمان "عالی قلیو" را برای بلدیۀ بر می‌گزیند. شریف همایون در جایگاه رئیس بلدیۀ آن چه "نواقلی" (نقلیه) می‌گرفته درآمدش را در کارهای آبادانی اصفهان هزینه می‌کرده است؛ مانند: مرمت کاخ عالی قلیو، تعمیر پل خواجه، تعمیر میدان شاه (امام کتونی) که خود در این باره می‌نویسد:

از کارهای برجسته که در این دوره انجام داده‌ام، تعمیر میدان شاه (امام) بوده که خیلی خراب شده بود، سطح میدان را به صورت اول دوره ی صفویه ساخته بودند در آوردم؛ زیرا سطح میدان شاه محل اسکان قشون و چوگان بازی و غیره بوده که سلاطین در امارت عالی قلیو ایوان چهل ستون می‌نشستند و تماشای می‌کردند. دور میدان پیاپاهرو و سطح میدان نهر بزرگی به عرض و عمق یک ذرع ساخته بودم که در طرف نهر را سنگدھای تراش، مکعب به عرض و طول و عمق یک ذرع ردیف یکدیگر نصب کردند. کف نهرها هم دو طیفه یا سه لایه آجر بزرگ فرش شده بود. زیر نهرها هم مجرای بزرگی با آجر ساخته بودند که شخص می‌توانست به راحتی عبور کند. یک جایی در اصفهان بوده به نام قلعه ی تیره که مخازن جواهرات



ندارد که لجن حوض در کوچه و معبر مردم جاری می کنند؟
گفت: این آب مشروب اهالی است یک قنات خیرات داریم که
چهار سال است خشک شده این آب مال قنات قرچه است که
خیلی کم شده در دفتر ایالتی راهپورت رئیس بهداری کازرون را
می خواندم که می نوشت آب کازرون را نمی توان گفت آب
است آلوده به لجن؛ بلکه لجن است آلوده به آب تصور
می کردم که اعراق می نویسند پس از چند روزی که شهر را
بازدید و از اوضاع و احوال مطلع شدم شروع به اصلاحات شهر
نمودم پس از چندی آب قنات قرچه هم نقصان یافته به شهر
نمی رسید و در شرف خشکیدن بود که در فکر بودم کامیون و
مشک تهیه نموده آب از شاپور برای مصرف مردم بهاورم
اعضای انجمن و معاریف شهر را برای چاره جویی خواسته
مذاکره و مشورت نمودم که مادرچاه قنات به بالا ببریم گفتند
بی حاصل و قنات قابل افزایش نیست. اگر ممکن بود بانی
قنات مادرچاه را مالاً تر می برد گفتیم اولاً چون مادرچاه به
رشته کوه می رسد می توانیم آن را بالا برد بر فرض که جا
نبود ممکن است شاخه زده به طرف چپ یا راست برویم .
گفتند: سنگ است چون یقین داریم نمی توانیم همچون
مخارجی را تصویب کنیم بیهوده است. گفتیم من یک میله
در محلی که می خواهم به خرج خودم می زنم اگر بی نتیجه
بود چیزی نمی خواهم اگر سنگ نبود و امیدواری حاصل شد
خرج قنات را تصویب کنید قبول کردند معنی فرستادند یک
میله پانزده متری پایین رفت. مزده آوردند علاوه بر این که به
سنگ نخورده رطوبت پیدا شده گفتیم: یک چرخ
هم در مادرچاه گذارده به طرف میله بروید. طولی
نکشید که گفتند: آب پیدا شده و به قنری زیاد
است که نمی شود کار کرد. در چاه میله هر چه میله
آب می کشیم زیادتی می کند. معنی نمی تواند
پایین برود هر چه هم چشمه های متعددی پیدا
شده از سقف و کف بدنه هم آب ریزش می کند و
مانع کار کردن است....

در کارهای آبادانی وی می توان به ساختن
مهمان سرای آباده اشاره کرد که سرعت عمل
شریف همایون را نشان می دهد. در سال ۱۳۱۶ با
چهار هزار تومان مهمان سرای آباده را می سازد.
سه سال بود که سه هزار تومان اعتبار داده بودند
مالیهی آباده که یکی دو اتاق برای مأمور وصول
بنا کردند. در کنار دروازه. از عهده برنسیسه آخر سال
اعتبار صرفه جویی و نه سال بعد منتقل می شد.
وقتی پیشکار دارایی آمد آباده باغ ملی و عمارت
را که دید تعجب کرد رئیس دارایی را معزول کرد.
گفت: سه سال است که با دو هزار تومان اعتبار
لباقت ساختن یک اتاق را به عمر نبودن بنا و
وسایل نداشته چگونه در سه ماه یک هم چون
عمارتی و باغی ساختند، آن هم در
زمستان؟....

رئیس قراول برسد چرا قراول بیرون نکرده؟
از آن پس با فرمانی به حکومت سلوه می رسد و در بهرام
۱۳۱۲ بار دیگر راهی جنوب شده سمت رئیس دفتر ایالت
فارس را با ۱۳۲۰ ریال حقوق عهدعطار می شود. در سال ۱۳۱۸
چند روزی شهردار اهواز می شود، اما چند روز بعد در
مسئله چینی یکی از نظامیان قدرت مند به تهران باز می گردد.
ایشان در سال ۱۳۱۸ شهردار اهواز بودند. وزارت کشور نظر
به این که آن ایام شاه از شهردار اهواز اظهار عدم رضایت کرده
بود. وزارت کشور نگران و در سدد بود یک نفر را به اهواز
بفرستد لذا بدون این که از من استمراجی بکند دستور داد احکام
ریاست شهرداری اهواز را با تمام مزایا برای من با معادل دو
برابر حقوق رتبه صادر نمودند روز سوم معاون وزیر مرا احضار
نمود و گفت برای کار فوری و مهمی احکام شما صادر شده از
کارگزینی بگیریید فردا صبح حرکت کنید وضع شهرداری آنجا
خوب نیست.

محمود شریف به خاطر گرایش به کارهای شهر و شهرداری
که از جوانی درگیر آن بود؛ نه هر کجا که می رفت چه شهردار
بود و چه فرماندار به کارهای عمران شهری می پرداخت؛ در
بخشی از خاطراتش که تاریخ شهری - اجتماعی جامعه ما را رقم
می زند به وضعیت دهشتبار و باور نکردنی آب آشامیدنی در
شهر کازرون فارس، می پردازد.

وقتی وارد کازرون شدم دیدم قنری آب سیاه کثیف در کف
کوچه جاریست. گفتیم مگر حوض های این جا چاه فاضلاب





بانویی معمار

بر مسند شهرداری

فرشید روزرخ

پیش درآمد

در سال ۱۳۸۰ خورشیدی اولین بودجه‌ی رسمی برای بلدیة ها از سوی مجلس شورای ملی مصوب گردید و شهرداری‌های دولتی کار خود را برای نخستین بار در تاریخ این سرزمین آغاز کردند. یکسال پیش از آن (۱۳۰۷) خبری در اطلاعات روزنامه رسمی کشور چاپ شد که "در انگلستان سیزده خانم رئیس بلدیة هستند" این خبر را از هزاره نهم میلادی (سال ۱۹۲۸) دریافت کرده ایم و اینک در سال ۲۰۰۸ میلادی، آغاز هزاره سوم ایستاده ایم. پس از ۸۰ سال می خواهیم یکی از دستاوردهای بزرگ یکصد سال شهرداری در ایران زمین را یادآور شویم: حضور زنان فرهیخته و مضمین بر صندلی ریاست شهرداری که در آغاز سده کنونی هیچکس در این باره نه می اندیشید و نه هرگز تصویری در این زمینه می توانست داشته باشد که اداره ی شهر به دست زنان سپرده شود.

فرخ شهر بر روی ۵۱ طول خاوری و ۳۳ و ۱۵ عرض شمالی و روی ماهواره ی کوچکی در میان کوه های قلعه عازک در شمال، جفت از جنوب، کوه های رخ و برافتاب از خاور و شهرگرد و کیلان شهر از باختر نشسته است. فرخ شهرکهن در میان دیوارهای کوهستانی به فاصله ۱۳ کیلومتری شهرگرد پرفرازی ۲۱۱۰ متر از روی دریاچهی آزاد، برکنارهی شهر گرد به اصفهان و شهرگرد به بروجن نهاده است. این شهر در تقسیمات کشوری در بخش مرکزی شهرستان شهرگرد از استان چهارمحال بختیاری قرار دارد. فرخ شهر با آب و هوای کوهستانی و نیمه خشک و بارش سالانه ای کمتر از ۵۰۰ میلیمتر باران ۴۰۰ هزار نفر جمعیت را در خود جای داده است.

۱- برای آشنایی با شما به عنوان شهردار فرخ شهر، از دانش پایه و پیشینه کارهای علمی و اجرایی خودتان برای من بگویید. آیا فرخ شهر زادگاه شماست؟

۱- من فارغ التحصیل رشته معماری در مقطع کارشناسی ارشد از دانشکده معماری و شهرسازی دانشکده شهید بهشتی تهران

در سال ۱۳۷۵ و دارای پیشینه کار متنوع در مرکز تحقیقات دانشگاه شهید بهشتی در زمینه تألیف کتب گنجنامه شرکت مهندسان مشاور پژوهش و معماری اصفهان، شهرداری ساری، سازمان همیاری شهرداری های استان چهارمحال و بختیاری، سازمان مسکن و شهرسازی استان چهار محال و بختیاری و همچنین پروانه اشتغال به کار در سازمان نظام مهندسی از سال ۷۸ و کارآموز کارشناسی رسمی دادگستری در رشته ی معماری داخلی تزیینات هستم.

من در شهر شهرگرد مرکز استان چهارمحال و بختیاری به دنیا آمده ام و زادگاه پدر، مادر و تیاکاتم شهر فرخ شهر است.

۲- شما چندمین شهردار این شهر هستید و پیشینه ی شهرداری این شهر که بی گمان بیش از ۴۰ سال باید باشد به طور دقیق چند سال بوده است و نام نخستین شهردار شهر.

۲- شهر فرخ شهر از سال ۱۳۳۶ تاکنون برابر نیم قرن است دارای شهرداری است و من بیست و دومین شهردار این شهر هستم و نان نخستین شهردار این شهر آقای ابوالفتح دانشور است که در تاریخ ۱۳۳۶/۱۰/۲۹ انتصاب گردید.

۳- شما از اندک شمار بانوان شهردار در این کشور هستید، آیا همهی شهرداران زن را می دانید؟ چند تن را با نام شهرهایی که در آن سمت شهردار داشته اند برابمان بگویید.

۳- نا آنجایی که من می دانم دو بانوی شهردار دیگر در کشور وجود داشته سرکار خانم صدراعظم نوری که مدت ۸ سال شهردار منطقه ۷ تهران بوده اند و سرکار خانم شایسته شهردار منطقه ۳ شهر سمنان در استان کردستان.

۴- شما مهندس معمار هستید آیا انگیزه ی شما برای رسیدن به این جایگاه گواش غلمی شما بوده یا چیز دیگر؟

۴- در سال ۱۳۸۵ من به عنوان کارشناس شهر فرخ شهر و ۷ شهر دیگر استان در معاونت شهرسازی و معماری سازمان مسکن و شهرسازی مشغول به کار بودم و با توجه به اینکه به طرح جامع و تفصیلی مسائل و مشکلات شهر اشراف داشتم کاندیدای عضویت در شورای شهر شدم و با بیشترین آراء مردم



آنها نیز از نظر اشتغال به مانند دیگر مردم این شهر بوده اند. ولی در حال حاضر اقلیت مذهبی به طور رسمی در فرخ شهر ثبت نگردیده است. ضمناً این شهر زادگاه شعوی معروف بسیاری چون میرزا قربانعلی نایب، آصفه سرحدی، هجران و... و اطباء



معروفی چون دکتر حاج غلامحسین و دکتر حاج عباس بوده است.

۶- شکوفایی گونگی این شهر را شما از نزدیکی به شهرکرد (فاصله ۱۲ کیلومتر) که در بخش مرکزی آن نیز جای دارد می دانید، یعنی نقش یک شهر قلماری را برای شهرکرد بازی می کند؛ یا شکوفایی قطب جمعیت - صنعتی اصفهان در دهه ۴۰ و ۵۰ - پس از کارخانه های گنا و آهن و فولاسازی، علت آن بوده است؟ نقش فرخ شهر برای دو شهر اصفهان و شهرکرد چیست؟
۶- به لحاظ فرهنگی و تاریخی فرخ شهر آن قدر دارای اقتدار و نیکنامی است که هیچ یک از پیشرفت‌هایش را به لحاظ فرهنگی نمی توان مرهون اصفهان یا شهرکرد دانست. چه بسا که حتی ما برای کلیه شهرهای استان صادر کننده فرهنگ نیز بوده ایم، اما به لحاظ اقتصادی و وجود صنایع اصفهان تأثیری انکارناپذیر در روند ایجاد اشتغال برای جمعیت ساکن در فرخ شهر داشته که البته این نقش هم بیشتر در گذشته بوده است در حال حاضر هم عبور جاده اصفهان - خوزستان تحولاتی را در زمینه حمل و نقل جاده ای در فرخ شهر ایجاد نموده است. البته قرارگیری فرخ شهر در ده کیلومتری مرکز استان (شهرکرد) تا حدودی نقش خوابگاه ی را به شهر فرخ شهر داده است که باید با تقویت نقش فرهنگی، اقتصادی، صنعتی و توریستی از این حالت برون آید.

۷- یکی از رختادهای شهری معماگونه در فرخ شهر، تخریب ناگهانی بزرگترین و کهن ترین نماد معماری آن یعنی مسجد آدینه (جامع) شهر است که ساخت آن از روزگار صفویان بوده در این باره از دید یک معمار توضیح دهید.

۷- تخریب مسجد جامع شهر در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی به وقوع پیوست و در آن زمان با توجه به مسائل مطرح روز، دید کلی حفظ بناهای قدیمی به عنوان اثر تاریخی و میراث فرهنگی نبوده است و متأسفانه جهت احداث بنای توساز این بنا تخریب گردیده است و مسجد فعلی که از لحاظ معماری سازه کیفیت مناسبی ندارد بنا گردید. خوب این اتفاقی است که افتاده و دیدگاه

به عضویت در شورای شهر فرخ شهر در آمدیم. اصولاً شروع به کار در شورای اسلامی شهر با انتخاب شهردار آغاز می شود و با کمک دیگر اعضای یک لیست بیست و چند نفری از افرادی که اطمینان داشتیم می توانند در این یلیکاه موفق باشند را انتخاب و از یک تک آن ها دعوت به عمل آوردیم و در نهایت توافق لازم صورت نگرفت و در آخر اعضای شورا من را برای احراز این سمت انتخاب کردند. پس می توان گفت گرایش علمی و اجتماعی هر دو عامل انتخاب این سمت برای من بوده‌اند.

۵- فرخ شهر در دهه ی ۴۰ نام قهفرخ داشته یا جمعیتی نزدیک به ۱۰ هزار نفر. گویا در روزگاران کهن نام دیگری هم داشته. معنای این نام ها چیست؟ درباره ی پیشینه ی کهن و کالبدی این شهر توضیح دهید. آیا نیاکان این مردم کیش دیگری داشته اند؟ آیا هنوز اقلیت هایی در این شهر می زیند؟ اگر هستند پیشگامی آن ها چیست؟

۵- این سؤال را باید به صورت کلی جواب داد ببینید در مورد پیشینه فرخ شهر روایات مختلف و متعددی وجود دارد اما آنچه مسلم است قدمت این شهر به دوران ساسانیان بازمی گردد. گذشته‌ای که امروزه به نام زردی ها شناخته می شود نخستین موطن مردم فرخ شهر در آن دوران بوده، که در این گذشته سنگ نوشته هایی به خط میخی نیز کشف شده است و چون ساکنین این ناحیه زرتشتی مذهب بودند این منطقه به زردی ها معروف است. اما در خصوص نام قهفرخ لازم است عرض کنم که این ناحیه قبلاً به اشکال دیگر چون فرخ، ققارخ، کوهفرخ و... نامیده می شده که باز وجه تسمیه آن را از جهتی به دلیل واقع شدن این شهر در قفا (پشت) کوه رخ می دانند و عده ای آن را منصوب به کیهفرخ دانسته و برخی هم علت این نامگذاری را قهوه‌خفته (کاروانسرا) ای که در پایین کوه رخ و ابتدای این شهر قرار داشته می دانند به هر صورت وجود کوه رخ و هم جوارگی این شهر با این کوه در نام گذاریها بی تأثیر نبوده است مردمان فرخ شهر از دیر باز عمدتاً به شکل کشاورزی و دامداری اشتغال داشته اند. البته در حال حاضر بالاترین جمعیت شاغل فرخ شهر را فرهنگیان (معلمان) تشکیل می دهند و پس از آن کامیون داران در رتبه ی



بعدی هستند. اما با این وجود علاقه ذاتی مردم این خطه به شغل شریف کشاورزی همچنان پابرجا و استوار است. در گذشته تعدادی از اقلیت های دینی هم در این شهر سکونت داشته اند که



یک مهندس - معمار با وضعیت موجود شهر.

۹. به لحاظ وضعیت موجود شهر فرخ شهر خوش ساخت ترین شهر استان است و نظریه مشاوران مختلف معماری و شهرسازی که با سازمان مسکن و شهرسازی استان همکاری دارند مؤید این مطلب است. البته این بدان معنا نیست که هیچ مشکلی وجود ندارد ولی غرض این است که راه حل مطلب این معضلات با اندکی مدیریت و برنامه ریزی و شناخت نیازهای دوازده مدت شهر قابل حل است. در خصوص بخش اول سؤال نیز باید عرض کنم که خوشبختانه در خصوص زن بودن شهردار، مردم شریف و فرهنگی فرخ شهر برخوردی فوق العاده مناسب و خارج از تصور مسوولان بالاتر را با بنده داشته اند به گونه ای که جس همکاری اهالی با بنده به اعتقاد خردم عالیترین حد مشارکت مردم در فعالیت های شهری در سراسر کشور است. در واقع همان مردمی که بیشترین رأی را برای حضور در صحنه شورا به یک زن متخصص در امور شهری دادند. هم اکنون در زمینه مدیریت شهری همراه و همگام با من برای آبادانی شهرشان قدم می دارند.

۱۰- و در پایان، بزرگترین مشکل شهری فرخ شهر چیست؟
 ۱۰. از لحاظ شهرسازی هرگونه مشکلی وجود داشته باشد راه کاری برای آن پیدا می شود و می توان بهترین طرح و نقشه را برای آن ارائه داد عمده ترین مشکلی که در شهرداری و نبودن درآمد های پایدار وجود دارد نیروی انسانی مازاد، فقر شهرداری و نبودن درآمد های پایدار است تا حدی درآمد های موجود بیشتر صرف هزینه های جاری شده و در عمل کارهای عمرانی شهر به کندی بیش میروند که انشاءالله با برنامه ریزی های به عمل آمده با وجود نیروهای جوان و مستعد و با تلاش مضاعف مجموعه شهرداری و شورای اسلامی شهر راه کارهایی جهت رفع این مشکلات تهیه و اعمال خواهد شد.

کلی من در همه مسائل بر این است که به جای تأسف خوردن، راهکارهای جدید برای جبران اشتباهات گذشته داشته باشیم و در این خصوص به نظر می رسد راهکار مناسب این است مطابق با طرح بنای قدیمی با توجه به مدارک و شواهد موجود بنای مسجد جامع یا همان سبک برپا شود.

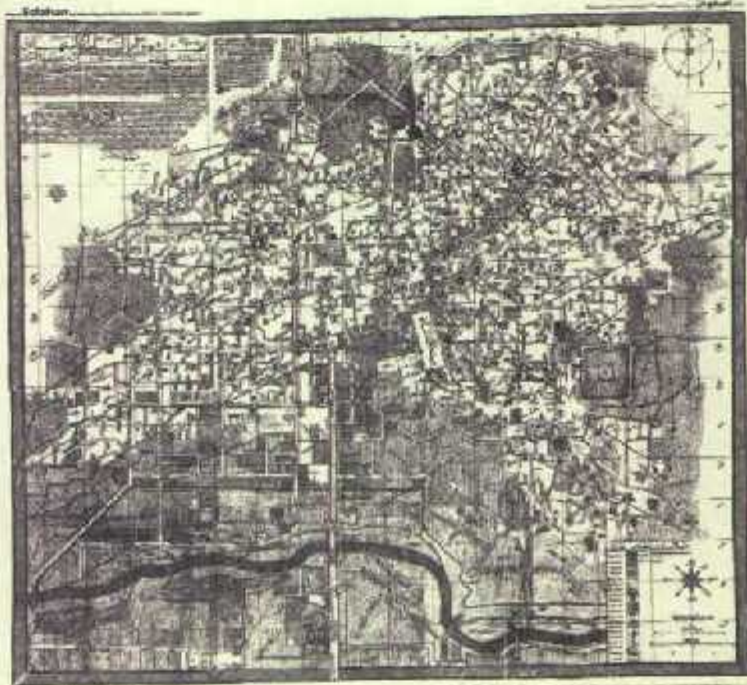
۸- چشم انتظار پیش رو برای فرخ شهر را که بیشتر شهری خدماتی، خوابگاهی است چگونه می بینید؟ آیا توانش گردشگری فرخ شهر آن اندازه هست که شهرداری برای شکوفایی بیشتر در این پاره دست به کار شود؟

۸. پتانسیل های موجود در فرخ شهر بسیار بسیار قابل توجه اند. ظرفیت هایی از قبیل توسعه کشاورزی «درون دامداری های صنعتی با وجود باغات، چاه ها و قنات های فرپولن حريم شهر که یک امر خارج از حوزه اختیارات شهرداری است گرفته تا جاذبه های فوق العاده گردشگری از جمله پار سرچشمه، آرامگاه اصف، حمامان سادات، قلعه حاج سیدابراهیم، آرامگاه میرزا قربانعلی و مهم تر از همه این ها منطقه حفاظت شده تنگ صیاد که تنها یک جاذبه رای فرخ شهر محسوب نمی شود، بلکه یک جاذبه توریستی برای کل کشور است. البته متأسفانه تاکنون همکاری های بین بخشی لازم جهت فراهم نمودن زمینه مشارکت دستگاه های مختلف از قبیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، سازمان حفاظت محیط زیست، استانداری و در نهایت شهرداری در خصوص سرمایه گذاری های لازم در این منطقه صورت نگرفته است. اما یقیناً عزم و اراده شهرداری توسعه زیر ساخت های گردشگری درون شهری است و هم چنین همواره این آمادگی وجود دارد که در صورت لزوم با دیگر دستگاه های ذی ربط هم کاری لازم را نداشته باشیم.

۹- بزرگترین چالش شما برای اداره ی شهر چیست؟ تعارض قدرت های بومی، به خاطر زن بودن یک شهردار، یا آرمان های

نقش اصفهان بود، یک نیمه از نصف جهان

• دیبا هاشمی فشارکی
کارشناس ارشد معماری



به زبان پهلوی، اصفهان به زبان عربی و بالاخره اسپهان به زبان فارسی دری، شهری است با قدمتی به پلندای تاریخ. اصفهان در دوران باستان جزء ممالک آتشان و در دوره هخامنشی به نام گایا و گمی و محل قصرهای بیلاقی شاهان بوده است و در دوره ساسانی به دلایل اقتصادی و بازرگانی، به سرعت به یکی از مهم‌ترین شهرهای ایران تبدیل شد. به گونه‌ای که در این عصر، اصفهان محل زندگی واسپوهران یکی از اعضای هفت خانواده بزرگ ایرانی بوده است؛ همچنین محل زندگی و حکمرانی ولیعهد ساسانی بوده است. در این دوره شهر اصفهان مجتمعی بود از محله‌های پراکنده که مهم‌ترین آنها عبارت بودند از: «یهودیه» واقع در سه کیلومتری شمال غربی، «جی» و چند آبادی کوچک اقماری آن. زندگی اقتصادی اصفهان آن عصر به کشاورزی و صنایع دستی متکی بود و این شهر نقش مکان مرکزی منطقه را نیز برعهده داشت و ضمن عملکردی باعث توسعه و گسترش بیشتر آن گردید. موقعیت

شهر در کلیت انسجام یافته خود، محصول آرمان‌ها، ایده‌آل‌ها و رویاهای بشری در قالب گروهی و سازمان یافته است. شهرها داستان ویرایش یافته تمدن بشری برای تکامل و تجلی روح انسان از گذر حوادث تاریخی هستند. شهر به ویژه شهرهای ایرانی، در قالب اعصار گونه خود تبدیل به شعر بلند معماری ایرانی. اسلامی گشتند و اصفهان روپای این شهرهای ایرانی است گویی. از میان افسانه‌های تولد شهرها، اصفهان نقش اسطوره‌های بر فرش زیبای تاریخ ایران می‌زند. اصفهان همچون دیگر شهرهای ایران، افسانه و داستانی دارد؛ گروهی بنای اصفهان را به کیومرث که ایرانیان او را نیز همانند آدم لیوانیشو می‌دانند نسبت داده، عده‌ای آن را به نام سلیمان نبی؛ برخی به نام اسپهان بن فلوج بن سام بن نوح و دسته‌ای دیگر آن را شهر امنی برای تیممورت دیو بند می‌دانند.

آکام یا آکامان در کتاب‌های تاریخ مغرب زمین، گابه یا جی در زمان هخامنشیان، اسپادانا به زبان یونانی، سپاهان

اقلیمی باعث شد تا اصفهان بتواند دوران طلایی تکاملی خود را آغاز کند که حتی پس از عصر صفویه نیز هر چند با فراز و نشیب‌هایی روبرو بوده است، اما همواره سعی نمود سیر صعودی خود را حفظ کند؛ سیری که تاکنون ادامه داشته است. اما آن چه در این جا مورد توجه قرار می‌گیرد سیر تکوینی شهر اصفهان در نگاه و منظر نقشه‌ها است و این که اصولاً اصفهان از چه زمانی در نقشه‌ها نمود یافته است.

اصفهان از نگاه نقشه‌ها

نقشه نمایشی است از یک مکان که در برشی از یک زمان ترسیم شده است. سندی است ماندگار که می‌تواند سال‌ها، صدها و گاه هزاران سال پس از مرگ حیات و زندگی در آن مکان‌ها زبان بگشاید و گذشته را در آن برهه فراخواند و رازهای سر به مهری را بر زبان آورد؛ از دیگر سو به بیننده خود مجال می‌دهد تا هر خط، نقطه، نشانه و رنگ را ببیند، تماشا کند و با تک تک آنها که بر تن خویش دارد به سخن درآید و رخدادهای شیوه‌های زندگی و آیین‌ها را در آن مکان بازگو نماید و اصفهان نیز یکی از شهرهایی است که نشانه‌هایش از دیروز در نقشه‌ها به ثبت رسیده است. اصفهان پایگاه علمی و فرهنگی ایران در سده‌های مختلف بوده است و وجود دانشمندان، ریاضی‌دانان، فیلسوفان و معماران گواه روشنی بر این مدعا است. معماران و طراحان برجسته‌ای، همچون: شیخ بهایی، «میرزا علی اکبر اصفهانی»، «رضا عباسی»، «معین مصور» و ... اصفهان را همچون عروس شهرهای جهان آراستند. همین امر باعث شد تا گردشگران زیادی در چهار گوشه جهان به دیدار این شهر هزارنقش بیایند و آن چنان تحت تاثیر شگفتی‌های معماری آن قرار گرفتند که نقشه‌های زیادی از شهر اصفهان را در سفرنامه‌های خود منعکس نموده‌اند. گردشگران عصر صفوی مانند اولتاریوس، «تورنیه»، «شاردن»، «کمپفر»، «گورنی لوپرن» و «استون» هر یک منظر و دورنمایی از این شهر را تهیه و در سیاحت‌نامه‌های خویش به یادگار گذاشته‌اند که از نظر جغرافیای تاریخی ارزش فوق‌العاده‌ای دارند ولی برعکس بعضی دیگر گواهی برای وضع جغرافیای شهر اصفهان ندارند.

نخستین و مهم‌ترین دورنمایی که از اصفهان به دست رسیده است طرحی است که آدام اولتاریوس در سال ۱۶۳۲ م تهیه کرده است. این چشم‌انداز به ویژه از لحاظ توپوگرافی شهر دارای اهمیت است. خانه‌ها با سقف‌ها گنبدی که پیش‌تر آن‌ها متعلق به بازار و کاروان‌سراها بوده است در این دورنما پیش همه جلب توجه می‌کنند. تاورنیه بازرگان و سیاح معروف فرانسوی در سفرنامه خود منظره شهر اصفهان نقاشی کرده است. ولی این تصویر اطلاعات جغرافیایی کمتری در اختیار بیننده می‌گذارد. توسعه شهر در این دورنما تا پای کوه صفا دیده می‌شود و برج‌های کبوتر که تا دور تا دور شهر پراکنده داشته بیش از همه جلب توجه می‌کنند.

شاردن سیاح فرانسوی نیز در سیاحت‌نامه خود مناظر

جغرافیای اصفهان نیز که در قلب امپراتوری اسلام قرار داشت به شکوفایی آن سرعت بیش تری بخشید و نظم جدیدی را منطبق با فلسفه دین مبین اسلام پدید آورد. استیتی که در آن



عصر در منطقه به وجود آمده بود، بازرگانی شهر را رونق بخشید علاوه بر آن موقعیت جغرافیایی، نظامی و اقتصادی و پرچورداری از بازارهای کشاورزی، نقش همه جاتیه‌ای را در گسترش بازرگانی به عهده داشت و بدین وسیله ارزش جغرافیایی، سیاسی ویژه‌ای پیدا کرد.

توسعه و شکوفایی واقعی اصفهان از قرن چهارم به بعد آغاز شد؛ از زمانی که در دوره «زبیریان» و پس از آن در دوره آل بویه به پایتختی انتخاب شد. اوج این توسعه در قرن پنجم و پایتختی اصفهان در عصر «سلجوقیان» بوده است. عصری که در آن «ناصر خسرو» از اصفهان دیدن نموده و در مورد این شهر می‌نویسد: شهری است بر هامون نهاده، آب و هوایی خوش دارد و هر جا که ده گز چاه فرو برند آب سرد و خوش بیرون آید ... و من در همه زمین پاریس گویان، شهری نیکوتر، جامع‌تر و آبادان‌تر از اصفهان ندیدم. البته اصفهان پس از آن نیز فراز و نشیب‌های زیادی را متحمل شد، خرابی‌های عهد مغول، قتل و غارت‌های عصر تیموری آسیب‌های زیادی را بر بیکره این شهر تاریخی وارد کرد، اما تاسیس سلسله «صفویه» و انتخاب اصفهان به پایتختی در زمان «شاه عباس» فرصت دوباره‌ای بود که تاریخ به این شهر داده بود و این شهر همچون ققنوس رویایی از زیر بار خاکستر ایام دوباره رخ نمود. «والتر هینس» مورخ عصر المانی در مورد انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان می‌نویسد: «شاه عباس به سال ۱۰۰۰ ه. ق. ۱۵۹۸ م تصمیم گرفته پایتخت را به اصفهان منتقل نماید. این انتخاب اندیشیده و با در نظر گرفتن موقع جغرافیایی آن توأم بوده است؛ زیرا اصفهان نه فقط در قلب ایران قرار دارد بلکه تمام شرایطی را که برای پایتختی لازم بود، دارا بود. ۲ به هر حال چه دلایل سیاسی چون دوری از عثمانی‌های همیشه متخاصم و چه دلایل جغرافیایی و

اسفهان چون محله: 'نبدآباد'، 'درب کوشک'، 'میدان امام یا سید احمدیلان'، 'میدان کهنه'، 'چنارن'، 'عباس آباد' و... است. که با ذکر تعداد واحدهای مسکونی و مخروبه است که با استفاده از آن می توان کل خانوار موجود در آن زمان را به طور تقریبی محاسبه کرد چنان که ۷۴۸۰ خانوار بیون احتساب ساکنان محله های 'شمس آباد'، 'گود مسعود'، 'چلقا'، 'سیچان' و 'خارنجان' که جزء حومه شهر به حساب آمده در اسفهان سکونت داشته اند.

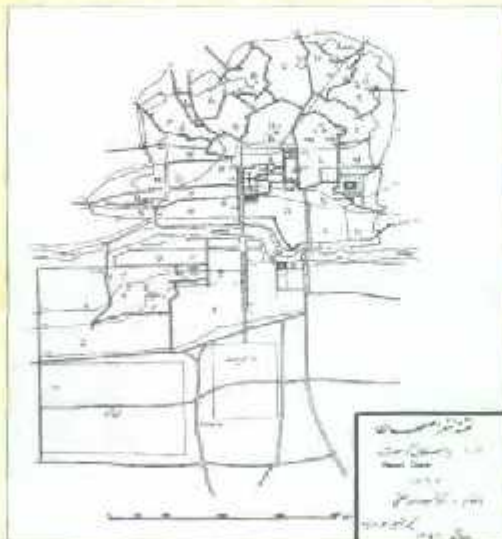
بر روی نقشه پاسکال گوست حصار شهر بیش از همه جلب توجه می کند که یادگار دوره صفویه بوده است. در جنوب شهر، یافت هزار جریب به شکل مستطیل در انتهای چهارباغ توجه هر بیننده را به خود جلب می کند، نمایش باغ هزار جریب بر روی این نقشه برای ما روشن می سازد که تا یک قرن قبل باغ هزار جریب دارای حصاری مشخص بوده است.

با تشکیل انجمن بلدیة در اسفهان در سال ۱۳۲۵ هـ. ق/ ۱۲۸۶ هـ. ش وظیفه تدوین نقشه های جامع از شهر طبق ماده ۷ قانون بلدیة برعهده شهرداری قرار گرفت. اداره بلدیة نیز با اقداماتی مانند سرشماری خانه ها، پلاک نمودن محله ها اقدامات لازم را برای تهیه این نقشه آماده نموده است. اما سرانجام نخستین نقشه کامل شهر را اداره نظمیة که از توابع انجمن بلدیة بوده و زیر نظر این اداره کار می کرده تهیه کرد. این نقشه توسط یکی از صاحب منصبان نظمیة (شهرداری) به نام 'میرزا سیدرضا خان' در سال ۱۳۴۲ هـ. ق/ ۱۳۰۲ هـ. ش تهیه و ترسیم کرده است. این نقشه به قطع ۱۲۵×۱۰۰ سانتی متر برای استفاده ادارات شهر اسفهان تهیه شده است.

این نقشه اسفهان قدیم را با بافت سلولی و گذرگاه های عمومی را دربردارد و از این رو واجد کمال اهمیت است، چه از این تاریخ به بعد با ورود وسایط نقلیة موتوری بافت شهری با زندگی مردم منطبق می گردد. از نکات جالب توجه این نقشه نوشته هایی است که در گوشه این نقشه آمده است و به تعبیر و مرمت بعضی خیابان ها اشاره دارد. در خاتمه معروض می دارد

گونگونی را از اسفهان ترسیم نموده است و در این زمینه می نویسد: نقشه اسفهان را من هرگز تهیه نکرده ام، ولی فقط همین متذکر می گردم که ساختمان، ابنیه و عمارات و خیابان های آن سخت نامنظم است و نیز هیچ گاه دورنمای این شهر را جز آنچه که در آغاز این سیاحت نامه آمده فراهم نساخته ام. چون از هر سوی که به اسفهان نگریسته شود مانند پیشه ای به نظر می رسد که از خلال اشجار فقط چند گنبد یا مناره و گل دسته های بسیار بلند پیوسته با آن ها نمودار می گردد، اما این مناظر و تصاویر زیباترین ابنیه و عمارات شهر را تهیه کرده ام و توصیف و تعریف بسیار دقیقی از آن ها نموده ام. اما قدیمی ترین نقشه از دولت خانه اسفهان را بایست متعلق به 'انگلیت کامپفر' دانست. کامپفر یزشک و منشی سفیر کارل یازدهم (پادشاه سوئد) به دربار شاه سلیمان آمد. کامپفر در طول سفرهایش در ایران نقشه های پیمایش شده و طرح هایی از باغ های اسفهان را تهیه کرده است. وی در بارگشت در کتاب خود در 'دورنمای مشهوری به عنوان (planographia sides regia) دولت خانه اسفهان' را به تصویر کشید. وی تصویر جالب و جامعی از بخش جدید شهر اسفهان که در عصر صفویه به وجود آمده است، ترسیم کرده است. این دورنما که فقط از یک قسمت شهر تهیه شده است، با تمام مناظر شهر که سیاحتان دیگر کشیده است فرق کلی دارد. کامپفر از فرار مسجد 'شیخ لطفعلی' با از نقطه مرتفعی در همان جوانی 'میدان امام' و تمام بناها و یافت جدید شهری را ترسیم کرده که می توان آن را به نام محله درباری شاهی و یا دولت خانه نام گذاشت که در زمان شاه عباس و دیگر پادشاهان صفوی به وجود آمده بود. حد غربی این نقشه میدان امام و حد غربی آن منتهی الیه 'چهارباغ' (دروازه دولت فعلی) است. قسمت شمالی این تصویر را 'چهلستون' و جنوب آن را کاخ هشت بهشت در بردارد.

گورنی لوپرن نیز که در زمان شاه سلطان حسین از اسفهان دیدن نموده است. دورنمایی از قسمت جنوبی شهر تهیه کرده که در سفرنامه می آمده است. این تصویر حکایت از نظم و ترتیب و هماهنگی بافت شهری در بخش جنوبی شهر می کنند که همزمان با حکومت آخرین پادشاه صفوی به وجود آمده است. نخستین نقشه جامع و کامل شهر اسفهان که به دست آمده است را شخصی به نام پاسکال گوست (pascal coste) در زمان قاجاریه تهیه گردیده است. این نقشه در کتابی به نام آثار یاستانی مدون ایران به سال ۱۸۶۷ م. در پاریس به چاپ رسید. نقشه شهر اسفهان که در این کتاب به چاپ رسیده است. با اصول درست نقشه برداری تهیه شده، چه با نقشه های فعلی که از روی عکس های هوایی ترسیم شده اند. اختلاف ناچیزی دارند. پیچ و خم رودخانه شبکه های ارتباطی، خیابان ها و کوچه های اصلی و بالاخره اداره های دولتی و بناهای مهم شهر درست در محل واقعی خود منعکس شده است. این نقشه را می توان نخستین و قدیمی ترین نقشه کامل شهر معرفی کرد. از نکته های بسیار جالب و برجسته این نقشه نام محله های



دیگر مناطق نیز در حال بررسی و تکمیل هستند. و این گذری بود از سیر تهیه نقشه جامع شهر، نقشه‌هایی که قطعاً لوح‌های گرانبهایی هستند که از گذشته برای حال و از حال برای آینده به یادگار خواهد ماند.

اخبار کوتاه

قدیمی‌ترین نقشه تاریخی اصفهان از نو طراحی شد

قدیمی‌ترین نقشه تاریخی شهر اصفهان با تحقیقات میدانی و کتابخانه‌ای دقیق از نو تکمیل و طراحی شد. نقشه تاریخی شهر اصفهان دارای اطلاعات شهری هزار سال قبل اصفهان است که حدود صد سال پیش سلطان سید رضاخان آن را کشیده است.

این نقشه پیش از احداث خیابان‌های اصفهان در دوره پهلوی اول با اطلاعاتی از حمله عساکر کاخ‌های اصفهان، آسیاب‌ها، کاروان سراها و جزئی‌ترین اطلاعات شهری مانند عوارض شهری آن زمان ارائه شده است. براساس این اعلام سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان، نقشه طراحی شده جدید را که با حمایت اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی طراحی شده تأیید کرده است. این نقشه با کمک استادان اصفهان شناس از جمله حمشید مظاهری و مسروس شفقی برای تکمیل اطلاعات طراحی شد. عبدالله شاه سیاه، مسئول طراحی نقشه تاریخی اصفهان، این نقشه را معتبرترین نقشه در مورد کالبد تاریخی شهر اصفهان و مرجع جغرافیایی انسانی و شهرسازی اصفهان دانست.

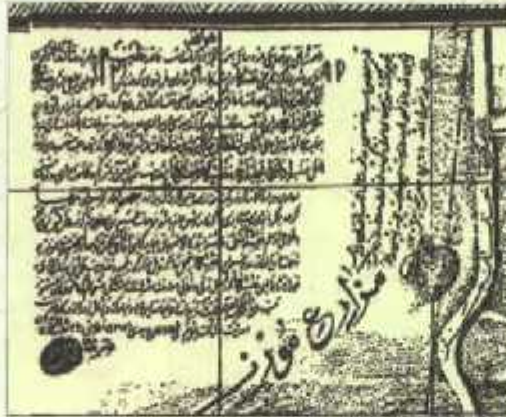


در جاهایی که اخیراً جانده را گرفته و تشکیل زوایا داده شده مثل خیابان خوش، مریض خانه، احمدآباد، گلپهاز، جلاده بنیاد، باب المشت و غیره چون مشغول مرمت و ساختمان بودند به کلی از تعیین زوایای آن‌ها صرف نظر گردید البته شهرداری امر نقشه برداری را هم چنان در سال‌های بعد ادامه داد. به طور مثال در سال ۱۳۱۴ ه.ش با استخدام مهندس آلمانی به نام نیمسگون اقدام به تهیه نقشه اصفهان کرد که نتیجه آن طراحی و احداث خیابان دور شهر بود. در سال ۱۳۲۵ مهندسان مشاور کوکس تهیه‌ی نقشه شهر را ادامه دادند. اما به دلیل کمبود اعتبار، زیادی خیابان‌های موجود که در نقشه پیش‌بینی شده بود قابل اجرا نبود، به همین خاطر پس از طرح این موضوع در سال ۳۶ در جلسه کمیته اصلاحات شهر اصفهان و کمیته عمران شهر و ده‌شورای عالی شهرسازی وزارت آبادانی و مسکن قراردادی را با مهندسان مشاور ارگانیک منعقد کرد و قرار شد که در این نقشه مولدتی، همچون منطقه‌بندی، نحوه استفاده از زمین، تعیین مناطق صنعتی، بازرگانی، اداری، کشاورزی، مسکونی، تاسیسات عمومی و دیگر نیازمندی‌های به صورت کامل لحاظ گردد. به همین منظور از طرف مهندسان مشاور ارگانیک ابتدا مقاومت زمین در محل‌های مختلف شهر؛ همچنین ساختمان‌های دولتی و شخصی اصفهان را از لحاظ بهداشت و استحکام بنا و احتیاجات مربوطه بررسی؛ سپس به تهیه فاز اول نقشه جامع مبادرت کردند و در تاریخ ۲۸/۸/۷۲ در انجمن شهر که با حضور نمایندگان شورای ملی و عده کثیری از استادان دانشگاه، فضا، مخبران جراید، نمایندگان کارمندان دولت، معتمدان و صاحب نظران تشکیل شد مطرح شد و سرانجام در فروردین ماه ۱۳۵۰ جلسه نهایی در مورد نقشه جامع شهر برگزار شد و قرار شد که طرح جامع شهر با توجه به حفظ بافت تاریخی و حفظ اصالت آن‌ها طراحی شود. این نقشه سرانجام در تاریخ ۵/۸/۱۰ تهیه و در دوازدهم بهمن ماه همان سال به تصویب نهایی رسید. می‌توان گفت این نقشه از بهترین نقشه‌هایی بود که تاکنون تهیه شده است و از نظر مهندسان شهرساز بسیار دقیق و بدون خطا بود.

در تاریخ ۵۷/۵/۳۰ طرح تجدید نظر در طرح جامع را مهندسان مشاور ارگانیک مجدداً انجام دادند. این طرح هر دو سال یکبار مورد تجدیدنظر قرار گرفت؛ به گونه‌ای که دگربار در سال ۶۸ و در نتیجه در تاریخ ۷۸/۱۲/۲۳ طرح تفصیلی مناطق ۳، ۵، ۶ و ۱ مورد تصویب قرار گرفت و در ادامه آن طرح تفصیلی دیگر مناطق شهری نیز به تصویب رسید.

در سال ۱۳۷۵ عکس‌های هوایی دیجیتال از شهر گرفته شده سپس شرکت سامان طرح شهرداری اصفهان، طرح‌های تفصیلی موجود با نقشه‌های دیجیتال انطباق داد. روند بازنگاری این نقشه‌ها را از سال ۸۰ مشاوران نقش جهان پارس به عنوان هماهنگ کننده با پنج مشاور دیگر ادامه دادند و پس از تصویب طرح تفصیلی مناطق ۵ و ۶ در شورای اسلامی شهر این طرح به کمیسیون ماده ۵ ارسال و به تصویب رسید که طرح تفصیلی

شهر شرح مفصل تهیه شد و چون در این نقشه گنجایش طبع نداشت صرف نظر گردید و انشاءالله خداگانه به طبع خواهد رسید. در خاتمه معروض میدارد در جاهایی که اخیراً جاده را گرفته و تشکیل روایا داده شد مثل خیابان خوش و خیابان مریضخانه و خیابان احمدآباد و خیابان گلپهار و جاده بیدآباد و باب النشت و غیره چون مشغول مرمت و ساختمان بودند به کلی از تعیین زوایای آنها صرف نظر گردید.



نقشه دار السلطنة اصفهان

شد تمام بر نقشه و منعم بر تاریخ گت

نقش اصفهان بود يك نيمه از نقش جهان نظريه اينكه نقشه محلی عموماً فوق العاده مورد احتياج است و مخصوصاً نقشه شهر برای تنظيمه آن شهر ضرورت كامل دارد و چون آقای نائب سرهنگ احمدعليخان زند که در تاریخ (۱۲۹۸) ریاست تنظيمه اصفهان را عهده دار گشتند سعی خود را در تهیه نقشه کاملی از شهر اصفهان نشان دادند این بنده سلطان سید رضاخان صاحب منصب اداره جلیه تنظيمه در ضمن اجرای وظائف این امر را عهده دار و با فقدان وسائل کار از تاریخ حمل (۱۲۹۹) شروع به کار نموده در تاریخ جدی (۱۳۰۲) (منته سه سال) نقشه را به مقیاس ۱/۲۴۰۰۰ بطور مبسوط با تغییر کلیه محلات و معابر و اماکن متبرکه و حمامها و باغات و غیره (که به نظر قاید محترم می رسد) بانجام رسانیده و برای آنکه خدمت نا قابلم مورد استفاده عامه واقع شود با بهترین کاغذهای خوب و خطی مرغوب بطبع رسانیده تقدیم توجه و نظر لطف هموطنان عزیز داشتم.

توضیح آنکه مختصری از وضعیت مهندسی سابق را معروض مینماید در بنو امر بناهای شهر اصفهان دارای اسلوب زیبایی بوده خیابانها و معابر بمنزله یکدیگر از شمال به جنوب و از شرق به غرب با وضعیت کشنگی و نوا فزا و محوطه خوش آب و هوای این شهر با عظمت تاریخی بوده است.

پس از غلبه و قشون کشی های مختلفه در مملکت و بناء برج و باروها و قلاع دروازه در بندها و سایر اماکن بتدریج صورت اولیه شهر از بین رفته!! و وضعیت ناپسندی به خود گرفته است.

خوشبختانه در اوانی که مشغول انجام این خدمت بودم آفتاب خوشبختی ایران در لوی وجود مسعود حضرت اشرف آقای سردار سپه ریاست وزارت دامت حشمته بنای ناپیدن گذارده و از هر جهت مملکت پا براه ترقی و سعادت نهاده اصفهان هم در سایه مجاهدت و مراقبت حضرت آقای امیر اقتدار حکمران در اقدام و خدمات برجسته معظم له (که من جمله تسطیح و توسعه معابر و تاسیس خیابان هاست) شروع به آبادانی گذارده و امید است بزودی بحالت اولیه خود برگردد. و راجع به آب و هوا و طور زندگانی عمومی و ترفیع و تنزیل محلات و جغرافیای طبیعی از

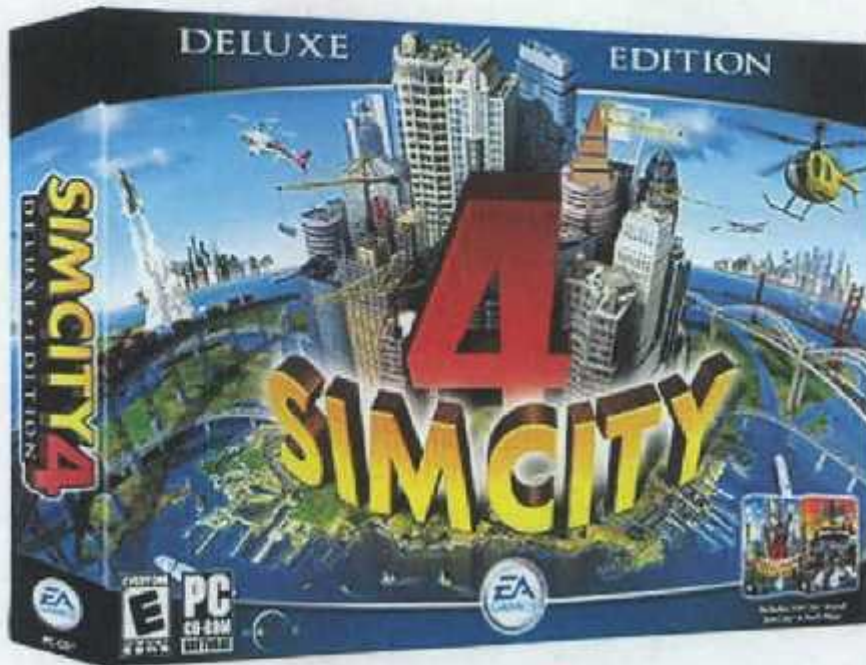
هو الله

نقشه اقصی در شهرها یکی از وسائل مهمه کلیه ادارات است خاصه تنظیمه و بلدیه مناسفانه ناگنون از این شهر بزرگ تاریخی نقشه ای در دست نبوده اگر شاردن فرانسوی که در زمان سلاطین جلیل انشان سفویه انار الله برهانیم اوقات مسافرتش به اصفهان بعضی نقشه ها در کتابش درج کرده فقط منحصر به اینیه دولتی بوده خوشبختانه در این اوقات سعادت فرجام که آثار بهیودی و امیدواری هویداست بتوجهات و اهتمامات فوق العاده جناب جلالتماب اهل عالی آقای سلطان میرزا سید رضاخان دام اجلاله که از صاحب متصیان ارشد افضل مهینب اداره جلیه تنظیمه اصفهان بشمارست در قلیل مدتی با تراکم وظائف اداری و گماشتن معاون و پاره آلات لازمه یک تنه از عهده این کار بزرگ برآمدند ... اکتفا و به رسم آن نکرده بلکه با نبودن اسباب برای آنکه فایده اش عام باشد موجبات طبع آن را فراهم کرده هر کسی که فی الجملة اطلاعی از علم نقشه کشی داشته باشد کاملاً تصدیق می نماید که این آقای محترم بعد از تحصیلات اولیه زحمات فوق العاده در ترسیم این نقشه متحمل شده که قابل هزار گونه تمجید و تقدیر است و این بنده در توبه خود از مشاهده این نقشه که دلیل ترقی و تعالی معارف است به اندازه متشکر و شمعولم که ما فوق آن متصور نیست وبا کمال صمیمیته تأییدات و توفیقات این وجود مبارک و امتثال او را از درگاه حضرت احدیت مسألت می نمایم.

آقای سلطان سید رضاخان در نتیجه سه سال زحمت با فقدان وسایل بتوسیم نقشه شهر اصفهان موفق گردیده اند. اداره معارف از زحمات ایشان قدردانی نموده و امیدوارست این خدمت برجسته ایشان در نظر ارباب هنر افتد.

منابع

- ۱- ساوان، فصل ۱ - مجموعه مقالات کنفره جهانی بزرگداشت اصفهان، تهران: انتشارات اطلاعات، ص ۱۷۷
- ۲- نظریه سیروس، جغرافیای اصفهان، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان، ص ۱۵۱
- ۳- کارنامه تحسین شهر در سال ۱۳۲۵، کمیته اطلاع رسانی ستاد بزرگداشت یکصدمین سال تأسیس شهرداری اصفهان



شهر رویاها

• مترجم: محمد هادی درودی
کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

بازی‌های کامپیوتری می‌توانند در تبدیل یک آرمانشهر مجازی به یک واقعیت، به ما کمک کنند. آیا این آینده برنامه‌ریزی شهریست؟

اتوبوس‌ها؛ همچنین مالیات بر اموال بسیار بالا رفت. هیچ کس از این وضع راضی نبود. کریستینا دی مارکو ۴ یکی از طراحان ارشد طرح گسترش منطقه‌ای ونکوور، گفت که اگر مردم خود متوجه عواقب وخیم تصمیم‌شان می‌شدند ممکن بود این کار صورت نگیرد. او گفت چیزی که آنها احتیاج داشتند راه جدیدی بود برای نگاه به آینده و این دقیقاً همان چیزی بود که «رابینسون» (Robinson) پیشنهاد می‌کند.

رابینسون به همان نتیجه‌ای رسید که «دی مارکو» یک دهه قبل، وقتی عضو حرکت راه‌کارهای غیرسنتی در دانشگاه واترلو^۵ در اونتاریو^۶ بود، به آن دست یافته بود. در آن روزها توسعه پایدار هنوز یک مفهوم بوظهور بود و گروه تحقیق کشف می‌کرد که چقدر مشکل است تا تعادلی میان نیازهای مردم با نیازهای محیط برقرار کرد، اما خیلی زود دریافتند که این یک بازی بچه‌گانه بوده که آن را با تلاش برای عرضه نظریات خود به جامعه مقایسه کرده‌اند. رابینسون گفت: «چه خوب می‌شد اگر هر کس در جامعه می‌توانست آموخته‌هایی را که از گروه تحقیق فرا گرفته به دیگران انتقال دهد» و این همان بود که او و همکارانش ایده استفاده از یک بازی ویدیویی را مطرح کردند. هرچه باشد مردم در هنگام بازی، بهتر آموزش می‌بینند تا هنگام سخنرانی و بازی‌هایی از قبیل ستارگان و مهاجمان فضایی در حال ایجاد راه‌های جدید برای انتشار، شبیه‌سازی

ونکوور^۲ در ایالت بریتیش کلمبیای ۳ کشور کانادا^۱ یکی از دل‌انگیزترین مکان‌های روی زمین است. این شهر در سال ۲۰۰۲، در میان شهرهای جهان رتبه دوم را از نظر کیفیت زندگی از آن خود کرده است. آن جا مکان مطلوبی برای زندگی کردن است، اما بهتر می‌شد اگر اتومبیلی در آن نمی‌بود. مردم ونکوور به طور نسبی به دیگر مردم دنیا دارای اتومبیل بیشتری دارند؛ و با وجود افزایش میزان دود، غبار و ازدحام، آن را رها نمی‌کنند. در سال ۱۹۹۹ مقامات این شهر طرحی اولیه نمودند تا این مشکل را از میان بردارند. آن‌ها مالیاتی بالغ بر ۷۵ دلار به ازای هر وسیله نقلیه پیشنهاد کردند تا بتوانند برای خرید اتوبوس پول تهیه کنند و شاید هم برای منصرف کردن عده‌ای از خرید ماشین جدید.

اما خیلی زود دریافتند که تحمیل چنین مالیاتی به منزله یک خودکشی سیاسی است و این ایده خیلی زود به فراموشی سپرده شد. حمل و نقل عمومی مجبور شد خدمات خود را به شدت کاهش دهد؛ بنابراین کرایه تاکسی‌ها و پول بلیت



این بازی به هدف خود که همانا علاقه‌مند کردن مردم به تصمیم‌گیری بود، رسید ولی آیا تأثیری بر طراحی و نقشه‌کشی شهر خواهد داشت؟ عکس‌العمل متخصصان مثبت بوده است. دی سارکو عقیده دارد که کوئیسٹ خیلی بهتر از روش‌های موجود برای جمع‌آوری نظر جامعه، از قبیل رای‌گیری، متمر شم است. یا جمع‌آوری نتایج به دست آمده از کاربران، رایسئون و گروهش می‌توانند مدل‌های مختلفی از این بازی را برای گروه‌های مختلف اجتماعی ارائه دهند و حتی با ایده و طرح‌های ابتدایی و نوآورانه، مشکلات ویژه‌ای را حل کنند اما هنوز خیلی مانده تا کوئیسٹ بتواند جزء لاینفک و جدایی ناپذیر فرآیند طراحی گردد. اخیراً در جلسه نظرسنجی که با طراحان شهری ونکوور برگزار شد، برخی محدودیت‌های آن ظاهر گشت. دی سارکو و چندی دیگر از متخصصان در مورد پختگی، کارکشتگی و همچنین عدم کنترل بر جزئیات در این بازی گلایه کردند.

هنوز روزهای اول است اما تقریباً الگوی کوئیسٹ آماده ارسال به نقاط مختلف است. در مرکز بوم‌شناسی شهری و منطقه‌ای دانشگاه سن‌جسترو، "جو راولتس" (Joe Ravetz) و گروهش بازی اصلی را با علایق مردم برتانیاز قبیل برخورد سازمان‌های اساساً میانه‌رو منطبق کردند. طراحان شهری شروع به درآمیختن نتایج حاصل از بازی در تصمیم‌گیری‌های خود کرده‌اند. کوئیسٹ همچنین در مکزیکوسیتی، گوآلالامپور، و جزیره بالی استفاده می‌شود. در جزیره بالی این بازی سبب بازبینی‌های مجدد گردیده و به نظر می‌رسد این بازی به خوبی کار می‌کند؛ زیرا بسیاری از مشکلات محیط جزیره بالی ناشی از فشار حاصل از صنعت جهانگردی در حال انفجار است. "ذوالحسنی" (Zulhasni) مشاور فنی دولت محلی بالی توانایی‌های نرم‌افزار (Bali Quest) را در تجسم کردن پیامدهای تصمیمات عقلاانه و برخورد دوستانه آن با کاربر، مورد تعریف و تمجید قرار داد. او می‌گوید: البته همه منابع دریایی و اکوسیستم‌ها به حساب نیامده‌اند. اما وی در مورد توان بالقوه بالی کوئیسٹ به عنوان یک وسیله طراحی حیرت زده است. آرزوی ساختن آرمانشهر در حیاط خانه خودمان دارد به واقعیت می‌پیوندد؛ البته از سوی دیگر، دیگر کسی به جز خودمان نخواهد بود تا به خاطر به سر موقع نرسیدن اتوبوس‌ها مورد سززنش قرار گیرد.



پرواز و طراحی بودند. بنابراین چرا از چیزی مشابه برای آگاهی دادن به مردم در مورد پیامدهای تصمیماتی که وابسته به محیط اطرافشان است، استفاده نشود. طرح رایسئون یک بازی به نام "سیم‌سیتی" (Sim City) است؛ این بازی در سال ۱۹۸۹ به بازار عرضه شد و یکی از نخستین بازی‌های ویدئویی بود که از فن‌آوری CD-ROM نیز استفاده می‌کرد. این بازی توصیه می‌کرد: تا زمانی که نتوانی مکن‌هایی برای زندگی، کار، خرید و بازی برای مردم فراهم کنی، ساکنان جاهای دیگر را به خود جذب خواهی کرد و تا زمانی که ترافیک، آلودگی، ازدیاد جمعیت، جرایم یا مالیات‌ها آنها را نیازارد، شهر تو باقی خواهد ماند. این توصیه‌های بود عالی برای سازندگان شهرهای مجازی. نمونه آن برای بازی به بازیگران این امکان را می‌داد تا آینده‌های ممکن را برای شهرهای واقعی ترسیم کنند. در اواسط دهه ۱۹۹۰، رایسئون به دانشگاه ایالت بریتیش کلمبیا در ونکوور رفت تا موسسه تحقیقاتی توسعه پایدار را سرپرستی کند. در آنجا وی شروع به توسعه نخستین مدل بازی‌اش به نام کوئیسٹ (Quest) که براساس منطقه جورجیا در حومه ونکوور طراحی شده بود، کرد. این بازی از کریسمس سال ۲۰۰۱ مورد استفاده قرار گرفته و تا به حال هزاران نفر از مردم آن را از طریق سایت www.basinfutures.net؛ همچنین از طریق جلسات گروهی در مدرسه‌ها و در سالن طراحی شده ویژه‌ای در دنیای علم ونکوور بازی کرده‌اند. این بازی کاربران را دعوت به مشخص کردن متغیرهایی برای حمل و نقل، مصرف انرژی، زیاده‌های غیرقابل بازیافت، منطقه‌بندی مسکونی، تجاری، صنعتی و از این قبیل می‌نمود؛ سپس نظرها را به این نکته برمی‌گرداند که حال این اعمال در سال ۲۰۴۰ چه سودی خواهند داشت. کوئیسٹ را چندینبار بازی کنید و خیلی زود در می‌یابید که برای داشتن آینده‌ای مطلوب، تغییرات عمده لازم است و بسیاری از چیزهایی که در زندگی کنونی داریم باید قربانی کنیم. با آن کارخانه در انتهای خیابان، زیاد مهربان مباش. بسیار خوب، اما نگاه کن که راندن صنعت به اطراف شهر چه تأثیری بر رفت و آمد روزانه شهر تو دارد. دقت بیشتری را برای حفظ سلامتی صرف کن.



منبع: نشریه NewsScientist
۲۷ جولای سال ۲۰۰۲
۱- منطقه دانستر، بریتانیا، کوئیسٹ
* James Hryniuk, "City Of Demos", NewsScientist, 27 July 2002, No. 235, pp.18 and 20
2- VANCOUVER
3- BRITISH COLUMBIA
4- CHRISTINA DEMARCO
5- WATERLOO
6- ONTARIO
7- GEORGIA



تهران، ۱۱۷ سال پیش

• نوشته: احمد امین
برگردان: محمود غروی

مطلبه را تدریس می‌نمایند» یا بخش مربوط به «حمام‌ها» برای عنوان گزارش نیز بهتر آن دیدیم که همانی را بیاوریم که احتمالاً گردانندگان پایگاه «تاریخ معاصر ایران» بدان داده‌اند. در سال ۱۳۱۱ هجری قمری، یعنی در واپسین سال‌های سلطنت ناصرالدین شاه سرهنگ «احمد امین» وابسته نظامی و کاردار سفارت عثمانی در تهران رساله‌ای زیر عنوان ایران، به خط خود تنظیم و به دولت عثمانی تسلیم داشته است. این رساله که اصل آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه استانبول نگهداری می‌شود، حاوی نکاتی است که گوشه‌هایی از اوضاع اجتماعی ایران آن روز را روشن و مشخص می‌کند. در این رساله چنین می‌خوانیم:

- دوایر رسمی و ادارات ایران:

در ایران وزارت و نظارت‌های متعدد به نام‌های: صادرات، رئیس شورای دولتی، وزارت جنگ، خارجه، داخله، مالیه، عدلیه، تجارت، پست و تلگراف، معادن، اوقاف، نایفه، مطبوعات و ترجمه و نشریات موجود است. بیش‌تر امور چند وزارت خانه را یک وزیر اداره و نظارت می‌کند. صدراعظم، «میرزا علی اصغر امین‌السلطان» (۱۲۷۵-۱۳۲۵ ق) عمده‌ی امور مملکتی و خارجی را به شخصه خود برویت و اداره می‌کند. به خاطر نبود مجلس شورای ملی برای رسیدگی به امور مهم مملکتی جلسه‌های هیات وزیران در حضور شاه یا در خانه صدر اعظم تشکیل

پیش‌درآمد

برگردان فارسی این گزارش از مجله‌ی بررسی‌های تاریخی گرفته شده* که محمود غروی در سال ۱۳۵۳ آن را به مجله سپرده و در «دو ماهنامه» ی مهر و آبان چاپ شده است. شوربختانه مترجم در پیش‌درآمد کوتاه خود، از آوردن زبان اصلی گزارش فن رده است. دانسته نیست که «رساله» به زبان ترکی عثمانی، فرانسه (زبان فرهنگی درباریان و درس‌خواندگان آن روزگار) و با احیانا عربی بوده و خود ایشان نیز روشن نکرده‌اند که آن را از چه زبانی به فارسی گردانیده‌اند. به هر روی داده‌های این گزارش آن اندازه گیرا و بیری اکتویان پرورش می‌تواند باشد که دریغمان آمد آن را در میان نوشتگان سده نیاوریم.

گزارش امین از چگونگی جغرافیای تهران آن روزگار خواندنی است. از آن‌جا که فردی نظامی بوده، دیدگاه‌های وی نیز بیش‌تر با مسائلی از این دست هم‌خوانی دارد؛ مانند بخش «دوایر رسمی و ادارات ایران»، «رتبه‌ها لقب و عناوین» بلند پایگان کشور و یا «اصول تشریفات» اما اهمیت این گزارش برای ما بیش‌تر به خاطر بخش‌هایی است که نویسنده به مسائل شهری نزدیک شده است؛ مانند: «طرز اداری تهران و ولایات» که بیوستگی تنگاتنگی با «بلدیه» نیز دارد؛ هر چند در جای‌جای گزارش خود اشاراتی به مسائل شهری نیز داشته است؛ مانند: «... برخی از اصناف در دکان‌های خود ضمن اشتغال به حرفه‌ی خود، چند نفر

می‌شود. در این گونه مولود بیش‌تر به امین الدوله، رئیس شورای دولتی، مراجعه می‌شود.

رسیدگی به دعاوی اتباع خارجی مقیم ایران و اطلاق ایران، در دیوان محاکمات که وابسته به دربار سلطنتی است صورت می‌گیرد. اتباع هر دولت در روز معینی که از طرف محکمه دیوان محاکمات، برای رسیدگی به دعاوی آن‌ها تعیین شده است می‌توانند به آن رجوع نمایند. مأموران وزارت خارجه به طور منام در وزارت خارجه اشتغال ندارند، فقط در صورت لزوم مأمور مخصوصی آنان را به وزارت خانه فرامی‌خواند.

عدلیه [= دادگستری] و تجارت را یک وزیر، معارف [فرهنگ]، پست و تلگراف و اوقاف را وزیر معارف نظارت و اداره می‌کند. در وزارت عدلیه فقط به دعاوی حقوقی و انجاری رسیدگی می‌شود؛ برای همین وزارت عدلیه و وزارت تجارت در هم ادغام شده‌اند. وزارت داخله [= کشور] و مالیه را سدر اعظم به شخصه اداره می‌نماید. خراب خانه و رسومات [= حقوق و مالیات] با هم مجتمع‌اند. در ایران تشویقاتی برای جلب اتباع خارجی و تبدیل تابعیت آن‌ها اعمال می‌شود و نیز تسهیلات و شیوه‌ای که در اداره عشایر معمول می‌دارند، بی‌اندازه ماهرانه است.

- رتبه مأموریت لقب جدا عنوان

به علت نبودن مراتب کشوری به مأموران «غیرنظامی» نیز درجات نظامی اعطا و به تناسب هر رتبه حقوق مخصوصی به آن‌ها تعلق می‌گیرد و در هنگام انتصاب به شغل از حقوق یاد شده استفاده می‌کنند. هر یک از مراتب کشوری و مقامات نظامی با تقدیم مبلغی به نام پیشکش اعطا می‌گردد. حکومت ولایات هم به همین ترتیب واگذار و رسومات ولایات نیز علاوه بر پیشکش باید پرداخت شود.

القاب: به حضرت شاه اعلی حضرت همایونی، به وابستگان خاندان سلطنتی: نواب مستطاب و اشرف والا، به صدر اعظم جناب مستطاب اجل، به وزیران معتبر و متنفذ جناب جلالت ماب اجل عالی، به دیگر وزیران جناب جلالت ماب؛ به مقامات مادون وزیران: جناب فخامت نصاب و به مقامات پایین‌تر، عالی‌جاه مجردت و جناب عالی همراه عالی‌جاه بلند جایگاه و گاه هم لقب جناب به تنهایی به کار برده می‌شود. به سفیران بلندمرتبه جناب جلالت ماب اجل عالی، سفیران: جناب جلالت ماب به مصلحت گواران و مستشاران جناب و به دیگر ارکان سفارت سنیه حضرت پادشاهی (عثمانی) جناب عزت ماب رفعت‌جاه و به اعضای دیگر سفارت خانه‌های خارجی عالی‌جاه خطاب می‌کنند. عنوان‌ها را بر حسب رتبه ذکر می‌کنند، لقب‌ها و عنوان‌ها در بین ایرانیان دارای اهمیت ویژه‌ای است. لقب‌ها به ترتیب با کلمات الملکه، السلطنه، الدوله، ختم می‌شوند. مانند: مشیرالملکه مشیرالدوله، مشیرالسلطنه، علاوه بر این لقب‌هایی مانند: معتمدالسلطان، مقرب الخاقان، مستشار کوزرا، نیز وجود دارد. گاه این القاب به کسانی که دارای هیچ عنوانی نیستند اعطا می‌شود؛ یا این وجود مأمور متنفذی بدون لقب وجود ندارد. مأموران خارجی که از چگونگی و اهمیت این القاب آگاهی ندارند، در ادای احترام متقابل نسبت به ایرانیان دچار اشکال می‌شوند.

اصول تشریفات

در روزهای رسمی همه مأموران اعم از این که دارای تهرجه نظامی باشند یا نباشند، یونیفورم نظامی دربر می‌نمایند. وزیران و مأموران ارشد دولت یونیفورم بزرگ با شال و خرقه حاضر می‌گردند و به تناسب درجه و اعتبار کردن بند الماس یا حلیف و گاه تمثال مرصع شاه را به گردن می‌آورند. ناظر تشریفات علاوه بر شال و خرقه کلاه نمئی درازی دارد که به روی آن شال سفید که کلاره زرد رنگ دارد، پیچیده شده است و جوراب ساقه بلند که تا زانوهایش می‌رسد به پا می‌کند و عصای مرصع به دست می‌گیرد. دیگر مأموران تشریفات و مالیه نیز به همین صورت شرکت می‌نمایند. خدمه‌های دیگر به نام قراش، شاطر، یساغول [= یساوول] که همواره در معیت شاه آماده‌اند، حضور می‌یابند. رئیس‌ان شاطرها را یساغول می‌نامند. یساغول‌ها گاه امور پلیسی را انجام می‌دهند.

مراسم سفیران

سفیران خارجی که وارد بندر انزلی (بندر پهلوی) واقع در ساحل دریای خزر می‌شوند از طرف مأموران اعزامی از تهران به نام مجیب‌السفرا مورد استقبال قرار می‌گیرند. مأموران رشت و قزوین نیز با لباس رسمی و به طور باشکوهی آن‌ها را استقبال می‌کنند. پیش از ورود به تهران در قصر شاهی واقع در میدان اسپدانی از طرف مأموران ویژه پذیرایی شده پس از قفری استراحت سوار اسب‌هایی که از اصطبل شاهی آورده‌اند، می‌شوند و دم این اسبان به رنگ‌های الوان است. پشت سر یک ستون فراشی که در پیشانی حرکت می‌نمایند به شهر وارد و به سفارت خانه خود هدایت می‌شوند.

در ابتدای ورود سفیران به تهران، همچنین در ایام ویژه درباره شیرینی‌هایی را به وسیله فراشان به سفارت خانه‌ها می‌فرستد و خواجه‌های شیرینی را در رهگذر سفیران قرار می‌دهند و چندین روز این خواجه‌ها به همین وضع باقی می‌ماند. فراشان حامل شیرینی‌جات به ترتیب یاد شده در مراسم ورود سفیران در پیشانی فراشان مأمور استقبال تا سفارت خانه می‌روند و روز بعد برای گرفتن مقراری وجه به عنوان بخشش، به سفارت خانه مراجعه می‌کنند.

طرز اداره تهران و ولایات

حکومت تهران تحت عنوان حکمران به عهده‌ی نایب‌السلطنه «کامران میرزا» سومین فرزند شاه واگذار شده (۱۳۷۲ ق)، وی علاوه بر این سمت وزارت حربیه (وزارت جنگ) را نیز عهده‌دار بود. معاونی به نام وزیر تهران دارد. حکومت تهران، دارای سه اداره: پلیس احتساب و تنظیمات است. حدود اختیارات پلیس، فوق‌العاده محدود است. ایران به سی و پنج ولایت تقسیم شده است. حکومت ولایات در مقابل مبلغی معین پیشکش اعطا می‌شود. تقسیمات ولایت به علت فک و الحاق از ولایاتی به ولایت دیگر ثابت نیست.

بیش‌تر شهرها دارای اسم و عنوان ویژه به خود هستند مانند دارالسلطنه شیراز، دارالعلم شیراز، دارالملک طبرستان، بلده طیبه همدان و مانند آن. ولایت تبریز از نظر اعتبار در درجه اول بوده،



ولایت اسفهان و خراسان در مرحله نهم اهمیت هستند.

ولایت ولایت‌ها را «حاکمیه» می‌نامند. در ولایت بزرگ یک نفر پیشکار و در دیگر ولایت‌ها شخصی به نام «نایب‌الحکومه» به اضافه یک معاون و بیگلر بیگی یعنی احتساب آغاسی [صحتوفی] که مأمور مالیه است آن ولایت را اداره می‌کنند. در محل‌هایی که اتباع خارجی وجود دارد، یک کارگزار تعیین می‌گردد. در یکی از ولایات خود حاکم مستقر و در هر یک از دیگر ولایات نایب یک حکمران منصوب می‌شود. برای اخذ رسومات، یک اداره ویژه وجود دارد. جمع‌آوری رسومات ولایات از طرف یک شخص التزام می‌گردد. فن‌العقل رسومات همه ولایات شمالی ایران را بیگلر بیگی رشت جمع‌آوری می‌کند.

وضع جغرافیایی تهران

شهر تهران با جمعیتی افزون از ۲۵۰ هزار نفر در قسمت شرقی جلگه‌ای به مساحت ۲۵۰۰ کیلومتر مربع بنا شده است. خوابش قتری گرم، ولی سالم است. تمامی آب‌وهوای طبیعی به همین شهر چشم‌اندازی دلگیر دارد. کوه‌ها تنگ و نامنظم هستند. اخیراً جلگه‌های قسمت شمالی شهر توسعه پیدا کرده و دو سوی جلگه‌ای که به سفارتخانه‌ها منتهی می‌شود درخت‌کاری شده است. تهران دارای بازار سرپوشیده بزرگی است. شهر با قلعه‌ای خاکی محصور شده و بیرون قلعه خاکی به عمق ۱۵ متر دورتر شهر را احاطه نموده و در جهات مختلف قلعه چندین دروازه هست که مأموران گمرک در این دروازه‌ها از واردات و صادرات شهر حقوقی گمرکی می‌گیرند. برای رهایی از هوای گرم تهران در تابستان، مردم به شمیرانات در قسمت شمالی که دو ساعت از تهران فاصله دارد می‌روند. روستاهای شمیران را بیش‌تر قلعه‌های خاکی در میان گرفته است. در اطراف شهر چون جنگل وجود ندارد و آوردن مصالح ساختمانی از خارج مشکل است. بدین جهت ساختمان‌ها با خشت خام بنا شده فقط در گوشه و در و پنجره‌ها آجر مصرف می‌نمایند و از چوب درختان تبریزی که در اطراف شهر به قوت آبیاری به بار آورده‌اند، استفاده می‌شود. در پوشش سقف خانه‌هایی که از رشت می‌آورند به کار می‌روند و روی آن‌ها خاک می‌ریزند. سپس روی خاک کله‌گل می‌مالند چون مقاومت بی‌خیلی کم است هر دو سه سال یک بار پوشش سقف خانه‌ها را عوض می‌کنند. زیر سقف را بنیادی نصف می‌کنند و بر روی آن صنعت کاران ماهر گچ‌بری‌های نفیس انجام می‌نمایند. که بنا را به صورت زیبا و گرانبها جلوه‌گر می‌سازد. با این وجود دارای استحکام زیاد نبوده و زود خراب می‌شود. اتاق‌ها دورآورد حیاط‌ها بنا شده و پنجره‌های آن مشرف به حیاط خانه است. در این اواخر آعیان و اشراف که درصدد تجدید بنا هستند ساختمان‌های خود را با چوب‌های ساج که از هندوستان می‌آورند می‌سازند.

آنچه در مسافت چند ساعته از شهر چاه‌هایی کنده و آن‌ها را به هم پیوسته اند - منظور نویسنده کاریز قنات است - و بدین وسیله آب به شهر می‌رسانند. عملیات احداث این چاه‌ها پرتخرج بوده

بدین جهت در تصرف ثروتمندان و بزرگان است و از این رو شهر دائماً دچار کم‌آبی است. سحری آب‌ها در داخل شهر برخلاف خارج شهر سرپوشیده نیست. هر هفته یا هر پانزده روز یک بار آب در محله‌های شهر جاری می‌شود. همه‌ی اهالی محل در اطراف جوی‌های آب مجتمع و به شستن لباس و دیگر لوازم مشغول می‌شوند و پس از آن که آب را بدین گونه آلوده ساختند، حوض و آب‌انبار خود را از این آب مسلو می‌سازند و آب آشامیدنی و پخت و پز مردم تهران از همین آب آلوده تأمین می‌شود.

مؤسسات: مشهورترین مساجد تهران مسجد شاه و سپهسالار است. این مساجد با آجر بنا شده است. شکل مناره‌های این مساجد طبق اصول شرقی است. شاه در مناطق مختلف شهر قصرهای متعددی دارد. بیش‌تر این کاخ‌ها چهار یا پنج طبقه و به شکل مخروطی است. به نام دولت ایران از طرف سرمایه‌داران انگلیسی بانکی تشکیل شده و روس‌ها هم بانکی در ایران دارند که در مقابل رهن گرفتن اموال وام می‌دهند.

جمعیت: مملکت ایران بیش از ۷ میلیون جمعیت دارد. سکنه آن عموماً گندم‌گون هستند و مردم آن با وجود زیبایی طبیعی به علت عدم رعایت بهداشت قیافه‌هایشان دگرگونی کلی پیدا کرده است. شمال‌غربی آن آذری، قسمت غرب کردی، جنوب و قسمت مرکزی آن، فارسی تکلم می‌نمایند. در غرب شمالی (اسفهان) آرمینه و یهودی‌ها ساکن‌اند. تروت عموم بسیار کم است. فقط ثروتمندان بی‌انشازه ثروتمند و طبقه عوام در نهایت درجه فقر و محتاج‌اند.

زبان: زبان رسمی فارسی است. با سفارتخانه‌های خارجی به زبان فارسی مکاتبه می‌نمایند. در شرق و جنوب عموماً فارسی حرف می‌زنند ولی با زبان فارسی قدیم به علت ورود کلمات عربی فرق فاحش دارد.

آشیات در نهایت انحطاط است. اشعار و آثار متداول در اقوام مردم عبارت از آیات و آثار پیشینیان است. اهالی شهرستان قزوین که در مسافت معروزه از تهران قرار دارد، بیش‌تر به زبان آذری سخن می‌گویند و به علت نبودن آموزش زبان آذری همه مکاتبات خود را به فارسی انجام می‌دهند و مکاتبات و معاملات به زبان فارسی نوشته می‌شود. اهالی ایالات شمالی منطقه گیلان به زبان مخصوص خود گیلکی حرف می‌زنند و زبان



کردها کردی است.

ادیان: بیشترین‌های مردم مذهب شیعه و سنی دارد و اقلیتی به دین مسیحی، یهودی و زرتشتی هستند.

سنی‌ها: بیش‌تر در کردستان و تعداد کمی نیز در قسبات اطراف شیراز ساکن هستند.

شیعیان: شیعه مذهب رسمی ایران است. شیعیان هنگام گرفتن وضو یا یک دست صورت خود را می‌شویند و روی پای خود را مسح می‌کشند. نماز را با دست‌های باز و آویزان می‌خوانند و برای آن که محل سجده پاک و تمیز باشد مهری از خاک کربلا در محل سجده وضع می‌نمایند و این مهر را دائماً یا خود همراه دارند. آنان برحسب درجه ثروت به زیارت حجاز، کربلا و مشهد می‌روند. بعد از زیارت نام محل زیارت را به اول اسم خود علاوه می‌نمایند؛ مانند: حاجی حسین، مشهدی حسین، کربلایی حسین.

مسیحیان: در اصفهان، تبریز و نزدیک آن و سلماس (شاپور) و ارومیه (رضائیه) و تعدادی در تهران و به‌طور کمی نیز در دیگر شهرها سکونت دارند. آن‌ها دارای زندگی محقری هستند. یهودیان: در همدان، اصفهان و تعداد کمی در تهران و دیگر ولایات اقامت دارند.

زرتشتیان: زرتشتیان را «گیز» نیز گویند. در جنوب شرقی ایران، یعنی کرمان و یزد سکونت دارند. به جنابیت جناب رب عیا معتقدند و حضرت ابراهیم علیه‌السلام را خاتم پیامبران می‌دانند. بدین جهت به آتش حرمت مخصوص قائل‌اند و به پرورش درخت و نبات علاقه خاصی می‌ورزند؛ بنابراین در ایران و طایف باغیالی به این طایفه محول است. این مذهب مذهب قدیمی ایران بوده و به نام آورنده خود زرتشت موسوم شده و اکثراً در بلوچستان و هندوستان اقامت دارند. حمام‌های ایران دارای یک حوض آب گرم (خزینه) بوده و شیر و حوض کوچک‌تر وجود ندارد و آب آن در مدت یک سال چند بار تعویض می‌شود. شست‌وشو در این حمام‌ها واقعاً غیرقابل تحمل است. از یک مأمور وزارت خارجه که هشت سال در پاریس تحصیل کرده بود سراغ حمامی را گرفتم. وی یکی از بهترین حمام‌های تهران را نشان داد. از نظافتش پرسیدم جواب داد آلودگی‌های روی آب خزینه را با وسیله مخصوص جمع‌آوری می‌کنند و این خود شاپان وقت است. ایرانیان تعظیم و تفاخر را خیلی دوست دارند. قدر و منزلت هر کس هر چه باشد مورد توجه قرار ندارد؛ بلکه وضع ظاهری او را با نظر حرمت نگریسته و رعایت می‌کنند. آن‌ها این که اندک زمانی ثروت مساعد پیدا می‌کنند، یک کالسکه دو اسبی نلارک دیده به همراه دو نفر اسب‌سوار که پشت سر کالسکه حرکت می‌نمایند، در کوی و بوزن می‌گردند.

ثروتمندان و وزیران با کالسکه‌هایی که شش اسب بر آن‌ها بسته شده است و سرویس جای و قلبان به همراه دارند در کمال عظمت در شهر رفت‌وآمد می‌کنند. به همین مناسبت بین اعضای سفارت رسم بر این جاری شده است که هنگام خروج از سفارت با چندین سوار حرکت نمایند.

سالن‌ها و اتاق‌هایشان پر از قندیل و لاله‌های آویزان است.



و این قندیل‌ها که اغلب ستاره نشان‌اند و بر اندازه گرانها و مقبول‌اند و حتی در قهوه‌خانه عادی هم چندین آویز از این قبیل وجود دارد. برعکس دیگر سرزمین‌ها که هر کس سعی می‌کند، دیگری را در بالا دست خود بتشاند و با دست کم در آن باره تکلیف نماید، در ایران هر کس می‌کوشد در صدر مجلس بنشیند، گاهی اتفاق می‌افتد روی کتایه‌ای که برای نشستن سه نفر است شش نفر می‌نشینند. در ایران دو نوع عقد نکاح وجود دارد: ۱) عقد دائم، ۲) عقد منقطع. عقد منقطع یا موقت را شیعیان «سبمه» هم می‌گویند و این عقد را صواب (نوب) می‌دانند. در این گونه عقد زنی را برای مدت معینی به عقد نکاح در می‌آورند، مثلاً برای چند روز، چند هفته، چند ماه و یا یک سال، چند سال. الحاصل برای هر مدتی جایز است. عقد موقت احتیاج به شاهد و وکیل ندارد. به هر مجتهدی (روحانی) یا تادیبی اجرتی مخصوص برای انعقاد عقد می‌توان رجوع نمود. مجتهدها با قنات دعای مخصوصی عقد نکاح را می‌بندند. اکثراً برای سهولت این دعا را همراه خود دارند. در این صورت احتیاجی به مزاحمه به مجتهد نیست. بعضی‌ها علاوه بر سه یا چهار زن که عقد دائم شده چندین سبمه هم دارند. تعداد سبمه‌ها معین نیست. سادات در ایران قوتی عمده اعتبار و احترام دارند.

ایام مخصوص

شیعیان ایام مسرت‌شان نوروز که بزرگ‌ترین عید ملی و رسمی ایرانیان است، روز تولد پیغمبر (ص)، غدیر خم، عید فطر و عید قربان است. نوروز سلطانی عید بزرگ ملی و رسمی است. جشن عید نوروز هشت روز دوام می‌یابد. عفازه‌ها و بازار در این مدت بسته است و هر کس دیگری را تبریک می‌گوید. در عید نوروز شاه لباس‌های موزن به الماس می‌پوشد و سفیران خارجی و وزیران را در سالن موزه‌ی شاهی می‌پذیرد. در این سلام پشت سر شاه وزیر خارجه و در دست راست شاه مترجم دیوار قرار می‌گیرد. سفیر عثمانی به جهت مقام سفارت کبری یا مأموران سفارت و دیگر سفیران به ترتیب، در گرداگرد شاه جمع شده و شاه بر حسب مقتضیات زمانی با سفیران به مذاکره می‌پردازد. یا سفیر عثمانی یا ترکی و یا دیگر سفیران به کمک مترجمان مذاکره می‌نمایند. بعد از پذیرش سفیران شاه در اتاقی



شده است. عابقی به صورت نامنظم و در بعضی از دکان‌ها تشکیل می‌شود. برخی از اصناف در دکان‌های خود ضمن اشتغال به حرفه خود چند نفر طلبه را تدریس می‌نمایند؛ با وجود این که مدارس رشدیه (متوسطه) موجود نیست وزارت معارف یک دارالفنون برای تربیت افسران نظامی، طبیب و مهندسی تأسیس نموده است. دروس نظامی این دارالفنون را افسران آلمانی تدریس می‌کنند. مازاد فارغ‌التحصیلان که در واحدهای نظامی خدمت نمی‌کنند به انجام امور تلگراف گماشته می‌گردند.

صنایع ت محصولات ارضی (فراورده‌های کشاورزی)

از قزوین تا تهران و از تهران تا شاه عبدالعظیم یک جاده کاری رو احداث شده در دیگر محل‌ها که جاده احداث نشده کاری‌ها از همواری‌های ارضی برای عبور استفاده می‌کنند. از طرف سرمایه‌داران انگلیسی نیز بانکی تأسیس شده که امتیاز معادن عرب ممکت ایران به این بانک واگذار شده است. صنایع ت قالی و قالیچه ایران مشهور است. هر ساله مقدار

در طبقه پایین و هم‌سطح زمین که تحت مرمر در آن قرار دارد جلوس می‌نمایند سپس وزیران و فرماندهان نظامی برای عرض تبریک به حضور می‌رسند. در این هنگام درپازه لشکر یا سیاحت شاهانه حکایتی نقل می‌شود: بعد دلقکان و بازیگران شروع به عملیات نموده و شب‌نشینی آغاز می‌گردد و نمایش خیل‌ها انجام می‌شود. از طرف شاه سکه‌های پول به اطراف پاشیده می‌شود. تولد پیمبر (ص) مانند دیگر اختلافات در مورد روز تولد پیمبر (ص) نیز اختلاف است. ایرانیان ولادت پیمبر (ص) را روز ۱۸ ربیع‌الاول می‌دانند. در این روز شاه در هر کدام از قصرهایش باشد مراسم در همان قصر انجام می‌یابد. از سفیران تنها سفیر دولت عثمانی را می‌پذیرد و با ارکان سفارت مکالمه می‌کند؛ سپس یکی از افسران ایوان را از بین ارکان و امرایی که در بلاچه پایین حضور دارند مخاطب قرار داده با صدای بلند بعضی کلمات از راه ملاطفت متذکر می‌شود و از طرف امیر مزبور هم با صدای بلند سپاسگزاری می‌شود. عید فطر و عید اضحی (قربان) در مراسم این عیدها از سفیران تنها سفیر عثمانی



دعوت می‌شود. در استقلال سفیر از دم درب برون تا درب اندرون فراش‌ها در دو ردیف می‌ایستند. فردای همین روز در اجرای قاعده بخشش به سفارت می‌آیند. ایام مانم، تعزیه، روضه مؤتمه‌خوانی: ایام مانم دهم محرم، وفات حضرت علی، امام حسن و روز وفات ائمه و دهم محرم الحرام به مناسبت وفات سیدالشهدا بزرگ‌ترین روز سوگاری شیعیان است. عزاداری از ابتدای محرم تا روز دهم محرم ادامه می‌یابد. در این مدت به تناسب ندی که کرده‌اند، اجزای مانم می‌کنند؛ مثلاً یکی در روز در کوچه و بازار بایرهنه می‌گردد دیگری در طرف این مدت کاملاً سیه‌پوش می‌شود. بعضی دیگر فقیران را اعلام می‌نمایند. اشخاص هر یک به گونه‌ای اجرای نذر می‌کنند. علاوه بر این عادت تعزیه‌خوانی و سینه‌زنی نیز جاری است.

زبانی به خارج صادر می‌شود. بهترین نوع قالی در کرمان و کردستان بافته می‌شود. قالی کرمان یا دوام ولی قالی کردستان ظریف است. اما اکثراً رنگ آن خالص نیست. در شیراز و سلطان‌آباد (زاک) هم قالی بافته می‌شود ولی قابل مقایسه با قالی‌های کرمان و کردستان نیست. در کرمانشاهان و کاشان یک نوع قلیقه می‌بافتند و قلیقه‌های نفیس در اصفهان بافته می‌شود. تذهیب و تجلید کتاب در شیراز صورت می‌گیرد. محصولات کشاورزی ت نظر بر این که خوراکی اکثر اهالی پلو و چلو است. در منطقه رشت برنج فراوان کاشته می‌شود. توتون رشت فوق‌العاده مشهور است؛ تنباکو نیز هم در رشت و هم در کاشان و نوع مرغوب آن در شیراز به عمل می‌آید.

اداره قشون

فرماندهان کل قشون ایران با تأیید السلطنه «کامران میرزا»، سومین پسر شاه، است که تحت عنوان وزیر جنگ امور قشون را اداره می‌کند.

معارف ت دارالفنون

غیر از مکتب‌خانه‌های ابتدایی که با وضع جدید تطبیق داده



هر قوچ نامی مخصوص به خود دارد؛ مانند: «قوچ فهردان» و «قوچ هفتم خلخال» و علاوه بر این بر اقوچ هر محل و ولایت اسم آن محل یا ولایت داده می‌شود؛ مانند: اقوچ آذربایجان، قوچ خراسان. در حال حاضر، در ایران ۸۱ قوچ موجود است که ۲۷ قوچ تحت‌السلطه و ۵۴ قوچ در حال مرخصی است. صنف سربازان تحت‌السلطه همه ساله تعویض می‌شوند.

صنف سواره: تحت نام لشکر قزاق که از سه تیپ تشکیل می‌شود، این صنف تحت فرماندهی افسران روس است و روی هم بالغ بر ۱۱۰۰ سرباز و بهترین قوای منظم نظامی ایران است. در حدود ۱۰۰۰ نفر سرباز چریک که فاقد تعلیمات منظم‌اند به نام قوای علام‌الدوله در معیت شاه هستند.

علاوه بر این در آذربایجان ۲۰ و در دیگر مناطق جمعاً در حدود ۶۰ دسته سوار موجود است که در صورت لزوم تجمع می‌نمایند.

صنف توپخانه: تعداد توپ‌چیان ایران اعم از افسر و سرباز در حدود ۶۳۰۰ نفر است. همدی توپ‌چیان تحت آموزش یک ژنرال اتریشی هستند. افسران: نظیر بر این که فرماندهی قشون ناحیه به عهده افراد محلی است. افسران فارغ‌التحصیل دارالفنون تنها در اقوچ تهران به خدمت گمارده می‌شوند. نظر به کثرت افسران حقوق متناسب با رتبه و درجه پرداخت نمی‌شود. درآمد فرماندهان در مواقع اضطراری مرخصی غیررسمی به زیردستان و نیز از مداخلی که سربازان دارند تأمین می‌شود؛ بدین مناسبت به هر اندازه زیر دست یک فرمانده بیش‌تر باشد به همان اندازه درآمد وی نیز افزون است. اسلحه قشون ایران: تعداد چهل هزار توپ جدید تفنگ اتریشی (ورنل) که به تازگی خریداری شده است، به اضافه ۱۲ هزار تفنگ نوع قدیم (ورنل) موجود است.

تفنگ‌های یاد شده در مخازن جمع‌آوری و در مواقع لزوم بین افراد توزیع می‌گردد. بدین مناسبت اکثراً طرز استعمال آن را نمی‌دانند. سربازان در حالت عادی دائماً از تفنگ قدیمی استفاده می‌نمایند. توپ‌ها نیز عبارت از توپ‌های قدیم اتریشی است. توپ ۹۰ سانتی‌متری ۱۸ عدد، توپ ۸ سانتی‌متری ۱۶ عدد، توپ ۷ سانتی‌متری ۲۷ عدد از توپ‌های قدیم اتریشی در حدود ۵۰۰ عدد موجود است که ۱۰۰ قبضه آن قابل استفاده است.



سبب «پوشش‌های تاریخی» مهر و ایران ۱۳۵۳

وزارت جنگ شامل: اداره قشون، مجلس محاکمات، توپخانه، قشنگ‌خانه، زنبورک‌خانه، مدرسه ناصریه، آجوخان باشی و ریاست ازکن حرب است. امور محاسبات و لوازم، زیر نظر ریاست اداره قشون است که از طرف هیأت تحریریه به نام «لشکر نوپستان» اداره می‌شود. در هر ولایت برای تحریر امور قشون هیأت تحریریه مخصوص آن ولایت وجود دارد.

زنبورک‌خانه: در حدود ۸۰ شترسوار بوده و همراه شاه انجام وظیفه می‌نمایند یا آلتی شبه توپ نیزاندازی می‌نمایند که فاقد اعتبار جنگی است. مدرسه ناصریه: از طرف نظارت حریبه اداره می‌شود و معلمان اتریشی برای تدریس در این مدرسه استخدام شده‌اند. کیفیت این مدرسه نسبت به دارالفنون در سطح پائین و صورت غیرمنظم دارد. این مدرسه به درجات مختلف تقسیم نشده؛ بلکه فقط دارای دو قسمت است. یک قسمت مخصوص خردسالان و قسمت دیگر مخصوص بزرگسالان است.

فارغ‌التحصیلان این مدرسه به علت نبودن یست نظامی در قشون ایران همگی استخدام نشده؛ بلکه عده‌ای پس از پایان ۸ سال دوره این مدرسه باز هم سال‌های سال در این مدرسه باقی می‌مانند. صنف پیاده: در ایران سربازگیری با اصول و قرعه‌کشی صورت نمی‌گیرد، چنان‌چه از قدیم‌الایام مرسوم است به اندازه احتیاج سرباز جمع‌آوری می‌شود. انتخاب سربازان تحت‌السلطه یا غیر آن به طور دائم سالیانه معادل یک لیبره طلای عثمانی حقوق داده می‌شود. بر حسب ارزانی و گرانی معیشت هر ولایت این مبلغ ماهیانه معادل یک الی ۶ غروش (واحد پول عثمانی) و حداکثر تا ۲۳ غروش جنس به سرباز داده می‌شود.

به علت عدم تکلفی این مبلغ برای گذران سربازان رسماً از طرف حکومت ایران مجازند در مواقعی که خدمت سربازی انجام نمی‌دهند، مشاغل از قبیل: حملی، صرافیه، بینه‌دوزی و دیگر مشاغل که محل انتظام امور نظامی نباشد، داشته باشند و افسران قسمتی از درآمد سربازان را می‌گیرند. به شرط تأمین جیره‌ی سربازان از طرف سفارت‌خانه‌ها به هر مقدار سرباز که لازم باشد در اختیار سفارت‌خانه‌ها گذاشته می‌شود.

برای افرادی که تحت‌السلطه هستند، سالیانه دو دست لباس داده می‌شود. پالتویی که برای ایام زمستان به سرباز داده می‌شود؛ همچنین لباس اونیفورم قرمز که برای پوشیدن در ایام رسمی به آن‌ها واگذار می‌گردد که پس از پایان زمستان و ختم مراسم رسمی از سربازان پس گرفته می‌شود.

از طرف حکومت ایران رسماً سربازگیری به عمل نمی‌آید؛ بلکه این وظیفه از وظایف فرماندهان و افسران نظامی است. تجمع ۸۰ تا ۱۰۰ نفر سرباز را «بلوک» معادل دسته در قشون عثمانی و مجموع ۸ تا ۱۰ دسته را «قوچ» می‌نامند.

بدین ترتیب تجمع ۷۰۰ الی ۱۰۰۰ نفر سرباز یک قوچ «طابور» را می‌دهد و می‌توان این قوچ را یا حداکثر سربازی که دارند یک تیپ «آلای» تصور نمود و این بالاترین و بزرگ‌ترین واحد نظامی ایران است و واحدهای نظیر لوا (لشکر)، فرقه (سپاه) و اردو (ارتش) که در قشون عثمانی موجود است در قشون ایران وجود ندارد.

● سیدمحسن علمدار
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری

ساختار موجود مقررات شهرسازی و تأثیر آن بر مدیریت شهری

می‌تواند در تمام امور جامعه دخالت کند. از طرف دیگر، ایجاد هر وظیفه‌ای برای دولت و تکلیف یا حتی برای شهروندان و مداخله در حقوق خصوصی آن‌ها نیازمند قانون است.

از متون محکم و بسیار مستند مقررات شهرسازی، قانون تأسیس شورای عالی معماری و شهرسازی و معماری ایران مصوب ۱۳۵۱ بوده که مشتمل بر تعیین مرجع تصویب طرح‌های جامع و ضوابط و مقررات شهرسازی، الزام به کسب نظر شهرداری و شورای شهر در هنگام تهیه طرح‌ها، تشکیل معاونت شهرسازی و معماری در وزارت مسکن و شهرسازی و تعیین وظایف آن است. همچنین الزام دستگاه‌های مجری به رعایت قوانین و مقررات متعدد و پراکنده‌ای همچون قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی مصوب ۱۳۵۲، لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹، قانون تأسیس شرکت شهرک‌های صنعتی ایران مصوب ۱۳۶۲، قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶، قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرح‌های دولتی و شهرداری‌ها مصوب ۱۳۶۷، قانون نحوه تقویم ابنیه و املاک و اراضی مورد نیاز شهرداری‌ها مصوب ۱۳۷۰، قانون نظام مهندسی ساختمان مصوب ۱۳۷۱، قانون الحاق یک بند و سه تبصره به عنوان بند ۳ به ماده ۹۹ قانون شهرداری‌ها مصوب ۱۳۷۲، تبصره ۸۴ قانون برنامه دوم، آیین‌نامه مصوب ۱۳۵۵ (مربوط به استفاده از اراضی و احداث بنا و تأسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها)، آیین‌نامه اجرایی قانون زمین شهری مصوب ۱۳۷۱، آیین‌نامه ایجاد و احداث شهرهای

از سال ۱۳۸۶ که برای نخستین بار در ایران به مقرراتی برای توسعه عمران و لزوم تهیه نقشه معینی برای معابر شهری اشاره شد. تاکنون نهادهای مختلف وضع کننده قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌های شهرسازی، قوانین چندی برای سامان بخشیدن به توسعه کالبدی کشور تصویب کرده اند. این قانون‌ها که مجموعه‌ای از مقررات پراکنده ناهماهنگ تازسا و دارای تناقض‌های آشکار را به وجود آورده است. امروزه حجم وسیعی از قوانین و مقررات مربوط به شهر و شهرداری وجود دارد که در بسیاری از موارد، مجریان را در تشخیص حاکم بودن یا منسوخ شدن آنها دچار ابهام ساخته است. در واقع این نهادها در هنگام بروز مشکلات ناشی از توسعه پرشتاب شهرنشینی و برای رفع مقطعی یا موضعی آنها، بر حسب مورد، به صورت نامنظم و بدون ارتباط منسجم با دیگر اجزا وارد عمل شده‌اند و در نتیجه هم اینک با وجود صدها عنوان از متون قانونی که دستکم یک ماده یا بند مرتبط با امر طرح‌ریزی و کنترل توسعه کالبدی شهر دارند این مجموعه هنوز نتوانسته است پاسخگوی نیازهای شهرها بوده و روابط دولت با مردم و مردم با مردم و چارچوب حقوقی و قانونی این روابط را معین کند.

مهم‌ترین نهاد قانون‌گذاری یعنی قوه مقننه، یکی از چندین نهاد وضع‌کننده قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌های مرتبط با برنامه‌ریزی شهری است. قوانین شهرسازی که زیرمجموعه حقوق عمومی هستند مانند دیگر قوانین عادی کشور با رعایت تشریفات پیش‌بینی شده در قانون اساسی به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد. صلاحیت قوه مقننه عام است و

جدید، مصوب ۱۳۷۱، آیین‌نامه نحوه بررسی و تصویب طرح‌های توسعه و عمران ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای و محلی و ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری، مصوب ۱۳۷۸، تصویب‌نامه مربوط به حریم راه‌های کشور مصوب ۱۳۴۶ و تصویب‌نامه تعاریف محدوده قانونی و حریم استحفاظی شهرها مورد عمل در قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۷، گاه در جریان عملیات مختلف دستگاه‌های اجرایی، موجب پراکندگی نظرات مسئولان ذیربط شده و در عمل اجرای کار را با تعویق مواجه می‌سازد.

از دیگر عوامل پراکندگی قوانین، می‌توان به تعدد مراجع تصویب مقررات شهرسازی اشاره نمود؛ به عنوان نمونه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، به موجب قانون تأسیس مصوب ۱۳۵۱ خود و دیگر وظایفی که به موجب مقررات مصوب بعدی به این شورا محول شده است و طبقه اظهار نظر درباره لوایح و آیین‌نامه‌های شهرسازی و تصویب طرح‌های توسعه و عمران در سطوح ملی و منطقه‌ای و ناحیه‌ای و طرح‌های جامع شهری و معیاری و ضوابط و مقررات شهرسازی را به عهده دارد. مصوبات این شورا نیز مانند دیگر شوراهای عالی در حدود وظایف قانونی آن جنبه قانونی دارد و نباید مغایر یا قوتین و تصویب‌نامه‌های موجود باشد.

کمیسیون ماده ۵، از دیگر مراجع وضع و تصویب مقررات شهری است. طرح‌های تفصیلی شهری، به عنوان مترک قانونی‌کنندگی زمین‌های شهری براساس طرح جامع شهر و در قالب تصمیمات آن به تصویب کمیسیون‌های موضوع ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران می‌رسد. وظیفه اصلی این کمیسیون‌ها، همانطور که در متن قانون به صراحت آمده است، بررسی و تصویب طرح‌های تفصیلی شهری و تغییرات بعدی آنها در قالب طرح‌های جامع شهری است. اگر تغییرات نقشه‌های تفصیلی، در اساس طرح جامع شهر تغییراتی ایجاد کند، نیازمند تأیید شورای عالی است؛ بنابراین تصویب مصوبه ۲۶۹ که به تصویب کمیسیون ماده ۵ شهر تهران رسیده و تراکم ساختمانی اراضی مسکونی را بر حسب اندازه قطعه و عرض گذرگاهها دسترسی آنها تعیین کرده بود، دریافت زمین از مالکان به هر عنوان و الزام آنان به واگذاری زمین در قبال تغییر کاربری و اخذ مجوز ساخت پس از ساخت و توافق‌هایی از این قبیل که بسیار معمول بوده است، تصویب اخذ عوارض (که از وظایف و اختیارات شوراهای شهر است) یا تعدیل اجرای برخی از ضوابط طرح مثل کاهش تعداد پارکینگ لازم در برابر اخذ وجه و نظایر آنها توسط کمیسیون‌های مذکور، قانونی نبوده است.

تصویب وضعیت و موقعیت دقیق کاربرهای کلی پیش‌بینی شده در طرح جامع در قالب نقشه‌های تفصیلی شهرها، تصویب کاربری اراضی و مقررات شهرسازی در کشور از وظایف اختصاصی شورای عالی شهرسازی و معماری ایران عنوان شده است، اما مواردی هستند که براساس مقررات مصوب قانون تأسیس شورای عالی، وظایف مشابهی ظاهراً بدون توجه و انجام بررسی‌های کافی کارشناسی به مراجع دیگری واگذار شده است. از جمله این موارد می‌توان از دو قانون نحوه جلوگیری از آلودگی

هوا و قانون اصلاح قانون ایمنی راه‌ها و راه‌آهن نام برد که به ترتیب وظیفه تصویب ضوابط استقرار صنایع و تصویب کاربری اراضی به عمق ۱۰۰ متر در اطراف راه‌های کشور را به هیأت دولت محول کردند.

با وجود وضوح برخی از قوانین و مقررات در تعیین مراجع مسئول تعیین کاربری اراضی، دخالت‌ها و فعالیت‌های مشابهی توسط برخی از مراجع قانونی دیگر رواج دارد. به طور مثال کمیسیون‌های موضوع نرسه ۱ قانون حفظ اراضی زراعی و باغ‌ها که مرجع اظهارنظر درباره تبدیل یا عدم تبدیل اراضی کشاورزی و باغ‌ها خارج از محدوده شهرها به کاربری‌های مصوب اراضی مذکور هستند، با وجود صراحت آیین‌نامه اجرایی، درخواست‌های متقاضیان را بررسی و در صورت موافقت با اخذ هزینه پیش‌بینی شده در قانون یاد شده نسبت به سطح زیربنا و کل اراضی، مراجع قانونی را در مقابل عمل انجام شده قرار می‌دهند.

از دیگر مراجع تصویب برخی از مقررات شهرسازی موجود شورای عالی اداری است. این شورا به موجب قانون برنامه اول توسعه با هدف اصلاح و تحدید تشکیلات دولت، با رعایت تجانس وظایف و عدم تکرار و تداخل فعالیت‌ها تشکیل شد و در برنامه دوم اصلاحاتی در وظایف آن به عمل آمد.

در حال حاضر نیز این شورا براساس برنامه سوم توسعه با وظایف و اختیارات گسترده‌تر، به ویژه با داشتن اختیار شناسایی و واگذاری وظایف امور دستگاه‌های اجرایی به شهرداری را تنظیم و در مناسبات نظام اداری با شوراهای اسلامی شهر، روستا و بخش و کاهش تصدی‌ها و تقویت اعمال حاکمیت و نظارت دولت و فراهم کردن زمینه توسعه مشارکت موثر مردم در اداره امور فعال است.

از جمله مقررات شهرسازی موجود که به تصویب این شورا رسیده است می‌توان از مصوبه مربوط به تفکیک وظایف سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و وزارت مسکن و شهرسازی در تهیه برنامه‌ها و طرح‌های توسعه در سطح کلی اشاره کرد.

بدیهی است که نمی‌توان رشد کمی قانون‌گذاری و وضع قوانین متعدد و متنوع را دلیل بر توسعه حقوقی و بهینه کردن مقررات در موضوع و محور خاصی تلقی کرد. اگر با دیدی تحلیلی و علمی به موضوع نگاه کنیم بی‌شک تر خواهیم یافت که مجموعه قواعد و مقررات مربوط به مدیریت شهری از ویژگی عمومیت و ثبات که از ویژگی‌های اصلی هر قاعده حقوقی خوب و مناسب است، برخوردار نبوده‌اند و همواره براساس اوضاع و احوال گذرا دچار تغییرات بنیادین شده‌اند البته این تغییر و تحول نیز موزون نبوده است. در برخی از موضوعات و حوزه‌ها، قوانین، از بدو نهضت قانون‌گذاری همچنان ثابت و لاین تغییر مانده‌اند و در برخی از موضوعات چنان به مرور دچار تحول شده‌اند که تشخیص وضعیت موجود از جهت حاکمیت قاعده مشخص در حاله‌ای از ابهام است.

برای طرح‌ریزی شهر تهران با توجه به وضع خاص آن، ایجاد یک رشته مقررات استثنایی مورد نیاز خواهد بود که باید در موقع



تنظیم لایحه قانون شهرسازی به آن توجه شود. ابهاماتی همچون موارد ذیل، ناگزیر از طرح در مراجع ذی ربط بوده و بدون رفع آن، توسعه قانونمند و اصولی شهرها، به نظر مقنن نمی‌آید.

مثلا شوراهای شهر در تصمیم‌گیری نسبت به امور شهر آزادی کفای ندارند و به جای آنکه در همی امور مربوط به شهر اعم از اینکه اجرای آن به عهده شهرداری یا سازمان‌های دیگر باشد نظارت داشته و تصمیم‌گیری کنند، فقط بر اموری نظارت دارند که اجرای آن به عهده شهرداری است. اختیارات شوراهای شهر نباید منحصر به تصمیم‌گیری در مورد خدماتی شود که انجام آنها به عهده شهرداری است؛ بلکه حیطه اختیارات آنها باید به همی خدمات شهری اعم از اینکه به عهده شهرداری‌ها یا دیگر سازمان‌هاست توسعه داده شود. مقامات و مراجع دولتی نیز کمتر حاضر می‌شوند قوانینی را تصویب کنند که در آنها اختیارات بیشتری به شورای شهر واگذار شود. چنان که تصویب اجتناب‌ناپذیر حاصله، گاهی به صورت کمک به شهرداری، نمود می‌یابد. کمک‌هایی که در جنبه‌های مختلف و توسط سازمان‌های مختلف دولتی به شهرداری‌ها می‌شود گرچه هم از لحاظ کمیت و هم از نظر کیفیت زیاد است ولی نتیجه نهایی بیشتر آنها ضعف سیستم شهرداری، زیر دین بردن شهرداری، چون کمک است و اعتبار مصوب نیست و جلوگیری از رشد آنهاست. بنابراین ضروری است که قوانین مختلف حاکم بر امور شهرداری‌ها یک کاسه شده، استقلال بیشتری در تصمیم‌گیری و روش اجرا به آنها داده شود و وابستگی آنها به نهادهای دیگر و حتی به استانداران، فرمانداران و بخشداران تا حد امکان کم شود. (مدیریت واحد شهری) این موضوع نیز که آیا وظایف و اختیارات شورای شهر، تمام امور عمومی محلی شهری را شامل می‌شود یا وظایف و اختیارات آن محدود به تصمیم‌گیری و ایجاد ضابطه در اموری است که در حیطه وظایف شهرداری است به روشنی مشخص نیست.

از تحولات مهم دهه ۱۳۶۰ در امور شهری، تقلیل کمک‌های مالی دولت به شهرداری‌های سراسر کشور تحت عنوان استقلال مالی شهرداری‌ها بود که فشار مضاعفی بر پیکر شهرداری‌ها وارد آورد و نتیجه آن سوق دادن شهرداری‌ها به سمت درآمدزایی پایدار و گاه تخلفات گوناگونی بود که اداره امور شهری تحت این سیاست روندی نزولی به خود گرفت. یکی از وجوه برجسته و قابل توجه قانون شهرداری در ایران تعدد و تنوع متون قانونی و تغییرات حقوقی آن است که این امر موجبات ابهام در قوانین حاکم بر حقوق شهری را فراهم آورده و از غنای حقوقی آن کاسته است و استناد به آن را در عرصه‌های گوناگون حقوقی شهری مورد خدشه قرار می‌دهد. این ابهام، دوگانگی و ناهماهنگی در قانون شهرداری، نظام مدیریت شهری را ناکارآمد و ناپایدار می‌کند. گزارف نیست اگر بگوییم بخش عظیمی از پرونده‌های مطروحه در دیوان عدالت اداری به دعاوی شهرداری‌ها اختصاص دارد؛ بدیهی است که اصلاح قانون شهرداری و تطبیق آن بر نیازها و ضرورت‌های جامعه امروزی نیازی است اجتناب‌ناپذیر که مقنن باید در به فعلیت رساندن این نیاز اهتمام جدی بورزد.

اگرچه شهرداری‌های ایران برای توسعه فعالیت‌ها و تنوع خدمات سیر تکاملی پیموده و پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای به دست آورده‌اند ولی از جهات زیر، پیشرفت ناچیزی داشته‌اند: رهایی از وابستگی‌ها و تبعیت از دولت مرکزی و تاسیس استقلال در تصمیم‌گیری و اجرای عملیات؛ تکامل روش‌های اناری، مالی، سازمانی و خدمات شهری، تربیت و تدارک کارشناس در مسائل مختلف شهری شهرداری، اعم از شهردار کارآموده، کارشناس مالی و اداری، کارشناسان فنی و شهرسازی و خدمات شهری. ضمن اینکه امور مربوط به شهرسازی و کنترل توسعه و اصلاح وضع فیزیکی شهرها در سازمان‌های مختلف پراکنده است و این سازمان‌ها با یکدیگر هماهنگی مطلوب ندارند. بنابراین تحقق مدیریت واحد شهری و نظارت جامع بر فعالیت‌های شهری، رفع تعارضات و تناقضات موجود بین شهرداری و دیگر دستگاه‌های عهده‌دار امور شهری، باید در رأس دستور جلسات مراجع ذی ربط قرار گیرد.

حجم قوانین و مقررات شهرسازی و کنترل ساختمان که بعد از انقلاب به تصویب رسیده بسیار بیش از آن است که در سال‌های قبل از انقلاب به تصویب رسیده بود. این مقررات بعضی تکمیلی و تفصیلی، بعضی هم تجدیدنظر در مقررات قبلی بوده است. به این ترتیب راه برای اجرای کامل‌تر و تفصیلی‌تر قوانین و مقررات قبلی یازتر شده است. اما بحث بر سر این است که آیا نابسامانی کارها ریشه در نقص قوانین دارد یا عدم پایبندی به اجرای آن‌ها؟ در این ریشه‌یابی، دو مسأله نقص قانون و عدم پایبندی به اجرای آن دغدغه ما هم خلط می‌شوند. بنابراین از یک طرف با مشکل کمبود و عدم انسجام مقررات روبه‌رو هستیم و از طرف دیگر با وضعیت آیین‌نامه‌های مقررات موجود، در ضمن برای مردم این مشکل وجود دارد که بسیاری از دعاوی و شکایات از آن جا که مربوط به نقص آیین‌نامه‌ها می‌شوند در دادگاه‌های عادی قابل طرح نیستند و فقط از طریق دیوان عدالت اداری قابل پیگیری هستند. با بررسی اجمالی قانون شهرداری ملاحظه می‌شود که به جز تعداد اندکی از قوانین که قابلیت استفاده را دارند، دیگر موارد بر اثر قوانین مصوب دیگر به نوعی دستخوش تغییر یا اصلاح یا نسخ گردیده‌اند.

مشکل قوانین و مقررات شهرسازی، در حقیقت مدیریت شهر با بخشنامه‌های مقطعی و کم توجهی یا بی‌توجهی در وضع یا استفاده صحیح و موثر از این قوانین است. این امر موجب می‌شود قوانین شهرسازی نه تنها راهگشای توسعه موزون و پایدار شهرها نباشند؛ بلکه مانعی جدی بر سر راه سرمایه‌گذاری مردم، بخش خصوصی و سازمانهای دولتی محسوب شوند.

از این رو اصلاح قوانین و مقررات شهرسازی یکی از اقدامات اساسی در بهبود مدیریت توسعه شهرهاست. کثرت قوانین در خصوص موضوع واحد که به مرور بر اساس شرایط جامعه از طرف مسئولان پیشنهاد می‌شود از مشکلات اساسی قوانین شهرسازی است. معمولا در وضع قوانین جدید، تکلیف قوانین قبلی به روشنی مشخص نمی‌شود؛ بنابراین به مرور تعداد قوانین موجود در مورد یک موضوع واحد افزایش می‌یابد و باعث سردرگمی و



کل جمعیت کشور به عهده دارند. کاملاً از منابع مالی بودجه عمومی کشور محروم و بی نصیب هستند. از سوی دیگر این هزینه و بار سنگین بر دوش مردم گذاشته شده تا کاستی نبود منابع مالی مورد نیاز شهرداری‌ها را جبران نمایند.

در این رهگذر آنچه حاصل شده عدم تامین امکانات و بستر مناسب برای رفاه مردم و کارآمدی مدیریت شهری است. نازمانی که جایگاه واقعی مدیریت شهری در قانون اساسی و حاکمیت نظام روشن نگردد، حرکت و موفقیت احتمالی شهرداری‌ها یا مقطعی است و یا متوازن نخواهد بود. برای طرح‌ریزی و هدایت گسترش شهرها چه از جنبه تصویبی و مشورتی و چه اداری و سازمانی، نقش ناچیزی به شهرداری‌ها و مقامات محلی داده شده و بیشتر اختیارات در پایتخت و در سازمان‌های تابعه دولت مرکزی متمرکز یافته است. تصمیم‌گیری‌هایی مربوط به مسائل شهرداری و توسعه فیزیکی شهرها در سازمان‌های مختلف و متعدد پراکنده شده و در نتیجه هماهنگی و تسریع در انجام امور مربوط را با اشکال مواجه می‌سازد. گذشته از این، برای آموزش مسائل مربوط به برنامه‌ریزی شهری و تربیت کادر متخصص در سطح‌های مختلف این رشته مرجع مشخص و موثری موجود نیست و در زمینه آموزش علوم شهری و مدیریت شهرداری‌ها در حال حاضر فعالیتی انجام نمی‌شود.

در زمینه مسائل مالی و اداری شهرداری‌ها نیز، اگرچه دستورالعمل‌هایی تنظیم و ابلاغ شده است در هیچ یک از زمینه‌های برنامه‌ریزی، بودجه‌بندی، حسابداری و حسابرسی برای رسیدگی به فعالیت‌های مالی شهرداری‌ها، روش و قاعده مشخصی حکم فرما نیست به عنوان مثال از منابع اصلی تامین مخارج شهر تهران، می‌توان به درآمد‌های حاصل از فروش تراکم اشاره نمود. هدف مصوبه ۲۶۹ از صنوبر مجوز افزایش تراکم، تحت ضوابط یکسان در همه ی نقاط شهر و محدود کردن آن به ۷ طبقه و کمتر، که بعدها مصوبه بلندمرتبه سازی شورای عالی شهرداری و معماری آن را به ۵ طبقه و کمتر تقلیل داد، در واقع پاسخگویی به مسئله تامین منابع مالی شهرداری بوده است، اما درآمد حاصل از این محل و امثال آن، در آمد مطمئن و نهایی شهرداری تهران نبوده و شورای شهر و شهرداران باید تلاش کنند تا محل مناسبی برای کسب درآمد‌های دائمی و قانونی شهر بیابند. صرف نظر از شیوه کسب درآمد، نباید درآمد ناشی از فروش تراکم و امثال آن، صرف امور جاری شهرداری شود و باید ترتیباتی در بودجه شهرداری صورت گیرد تا درآمد ناشی از فروش تراکم و امثال آن برای امور عمرانی شهر تهران هزینه گردد.

آنچه مسلم است صفت غالب قانون شهرداری در ایران، تعدد و تنوع متون قانونی و تغییرات حقوقی آن است که این امر موجبات ابهام در قوانین حاکم بر حقوق شهری را فراهم آورده و از عنای حقوقی آن کاسته است و اسناد به آن را در عرضه‌های گوناگون حقوقی شهری مورد خدشه قرار می‌دهد که این ابهام، دوگانگی و ناهماهنگی در قانون شهرداری، نظام مدیریت شهری را ناکارآمد و ناپایدار می‌کند.

تفسیرهای مختلف توسط مجربان می‌شود. صدور رای دیوان عدالت اداری عینی بر رد برخی از مصوبات شورای عالی شهرداری و معماری ایران که با قوانین جاری مغایرت دارند از مصادیق این ناهماهنگی است.

یکی از مهم‌ترین علل بروز مشکلات متعدد در زمینه مدیریت شهری، این است که قوانین شهرداری از جایگاه حقوقی مناسبی برخوردار نیستند و بیشتر به صورت ضوابط اداری مطرح می‌شوند. بخشی از این تنگناها ناشی از نبود عنوان قوانین و مقررات شهرداری و محیط زیست در تقسیمات علم حقوق و عدم آموزش دانشجویان رشته حقوق در این زمینه و بخش دیگر ناشی از نبود واحدهای تخصصی قوانین شهرداری در تشکیلات حقوقی کشور مانند کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی است. این دو علت موجب می‌شود تا حتی در صورت دعوت از حقوقدانان در جلسات تخصصی شهرداری برای کسب نظر کارشناسی، نتیجه مطلوبی حاصل نشود. بدیهی است که در چنین شرایطی دیدگاه مراجع حقوقی به قوانین شهرداری در حد ضوابط اداری است و در صورت هرگونه تعارض با قوانین جاری کشور، قوانین شهرداری نادیده گرفته می‌شوند.

به عنوان نمونه کاستی قوانین موجود پراکنده این‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها در مورد کیفیت تهیه طرح‌های جامع، پراکنده‌گی مراجع مسؤوّل تهیه قسمت‌های مختلف آن، چندگانگی مجربان طرح‌های جامع شهری، نحوه استفاده از آن در تهیه و اجرای برنامه‌ها، پروژه‌ها و طرح‌های اجرایی شهرداری‌ها، مقررات پراکنده مربوط به تفکیک و استفاده از اراضی در داخل محدوده و حریم شهرها و صنوبر پروانه و نظارت‌های ساختمانی و دیگر مقررات مرتبط با مسائل شهرداری، موجب شده است به جای آن که طرح‌های جامع براساس مقررات مذکور و در انطباق با آن‌ها تهیه شود و به تصویب برسد و ملاحظه عمل شهرداری‌ها قرار گیرد، در طرح‌های جامع ضابطه و مقررات ایجاد شود و چون ضوابط و مقررات تعیین شده در طرح‌های جامع قاعدتاً نمی‌تواند کامل و بدون نقص باشد و در تدوین و تصویب آن‌ها نیز امکان دقت کافی وجود ندارد اکثر اجرا یا رعایت آن‌ها را مواجه با اشکال می‌سازد. برای هماهنگی فعالیت‌ها و عملیات شهری و شهرداری که انجام آن‌ها قسمتی به عهده شهرداری و قسمت‌های دیگر به عهده سازمان‌های مختلف دولتی است، سازوکاری که قابلیت اعمال و اجرا داشته باشد تاکنون به وجود نیامده است. شاید مناسب باشد در هر شهر یک شورای طراحی و شهرداری، مرکب از شهردار، رئیس انجمن شهر، رئیس انجمن شهرستان و روسای سازمان‌های آب، فاضلاب، برق و تلفن و دیگر سازمان‌هایی که عهده‌دار وظیفه یا مسؤولیتی در ایجاد تأسیسات و تامین خدمات شهری هستند با یک دبیرخانه مستقل که تحت نظر شورای مذکور و احتمالاً وابسته به شهرداری باشد تشکیل شود. شاخصه تمایز نهادهای عمومی غیردولتی و دولتی در وابستگی و دریافت وجوه از بودجه عمومی کشور است. شهرداری‌ها به عنوان نهادهای عمومی غیردولتی که بار سنگین توسعه و عمران شهرها را با جمعیتی بیش از شصت و پنج درصد



رئیس اداره اطلاع رسانی و روابط عمومی شهرداری اصفهان
محمد رضا کتابی

روزنامه انجمن بلديه، فرجی بعد از شدت

اصفهان می برداخت و به نوعی آغازگر ورود این رسانه ارتباطی به این شهر کهن بود. با تصویب قانون بلديه در تاریخ ۱۳۲۵ هـ. ش (۱۳۲۵ هـ. ق) و اندکی پس از آن با تأسیس انجمن و اداره بلديه، اداره احتسابیه جای خود را به اداره بلديه داد و نقطه عطف سیستم مدیریت شهری آغاز شد. اما در این سیستم وجود یک روزنامه به عنوان ارگان این انجمن ضرورت تام داشت؛ زیرا هنوز بسیاری از شهروندان از چگونگی وظایف اداره اطلاعی نداشتند. از طرفی در صورتی که اداره بلديه می توانست پشتوانه افکار عمومی را به خود جلب کند در انجام مقاصد خود موفق تر می شد. فکر اعضای انجمن بلديه در استفاده از روزنامه، نشانه هوشمندی آنان و به کارگیری ابزارهای نوین ارتباطی بود و به ویژه آنکه روزنامه‌ها جایگاه خاصی را در مشروطیت ایفا کردند.

پس از گسترش روزنامه در تهران، در اصفهان نیز چون دیگر شهرها دست به انتشار روزنامه‌های محلی زدند. روزنامه‌هایی چون: الجناب، ناقور، انجمن بلديه (فرج بعد از شدت)، انجمن

عصر ناصری، آغازگر تحولات بسیاری بود، تحولاتی که پنج‌ده‌های جدیدی را به سوی زندگی مردم باز نمود. ورود دستگاه چاپ به کشور، تأسیس دارالفنون، فرستادن دانشجویان به فرنگ همگی نوید اندیشه‌های تازه‌ای را می داد که در حال جوانه زدن بود و اندک اندک تبدیل به درختی تنومند به نام مشروطیت شد که ریشه در خاک این مملکت دوانیده بود. انتشار روزنامه‌ها به مثابه یکی از ثمرات این درخت برپا بود. روزنامه‌ها و نشریات آینه جلاخورده عصر خود هستند؛ آینه‌هایی که در قالب گزارش، داستان و هزاران مطالب دیگر شادی‌ها و غم‌های مردمان زمان خود را بازگو می کنند و با توجه به شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی عصر مشروطیت اینگونه اقتضا می کرد که این روزنامه‌ها به یکی از بزرگترین منابع آگاهی مردمی تبدیل شوند.

در اصفهان، اما قبل از پیروزی مشروطیت، روزنامه فرهنگ به عنوان نخستین روزنامه اصفهان، به بیان اوضاع و احوال شهر



مقدس ملی اصفهان، جهاد اکبر، نامه حقیقت، نقش جهان و... از این جمله بودند، اما روزنامه انجمن بلدیہ (فرج بعد از شدت) برای خود حکایتی دیگر داشت.

در اصفهان پس از گذشت سه ماه از تصویب قانون بلدیہ، زمزمه‌های تشکیل اداره از سوی انجمن ولایتی آغاز شد. انجمن بلدیہ، اصفهان با انتخاب ۱۹ نفر نماینده از محلات نوزده گانه در تاریخ سه شنبه ۲۹ شعبان شکل گرفت.

روزنامه فرج بعد از شدت در شعبان ۱۳۲۵ هـ. ق در منتشر گردید. این روزنامه در شماره‌های نخستین خود بیشتر به تحلیل اوضاع مشروطیت و وضعیت اصفهان می‌پرداخت. اما پس از ۴ شماره و بعد از آنکه میرزا نورالدین مجلسی، سردبیر آن به عضویت انجمن بلدیہ انتخاب شد به سفارش «وثیق الملک»، رئیس انجمن بلدیہ، تصمیم گرفته شد که مطالب راجع به بلدیہ را نیز در روزنامه خود بگنجانند. ایشان در سرمقاله خود در شماره ۴ فرج بعد از شدت می‌نویسد: «وثیق الملک فرمودند که چون از این تاریخ به بعد این انجمن مقدس لایذ باید جریده مخصوصی داشته باشد که آنچه مفاخره می‌شود همه روزه در انجمن در آن جریده ترح شود؛ لهذا بهتر است که این جریده موسوم به انجمن بلدیہ شود و از این جهت اسم آن را انجمن بلدیہ قرار دادیم و آنچه راجع به آبادی، مسکنت و ترقی ملت است باسم فرج بعد از شدت درج شود».

میرزا نورالدین مجلسی، سردبیر روزنامه انجمن بلدیہ (فرج بعد از شدت)، در سال ۱۳۲۴ هـ. ق در اصفهان زاده شد. وی مردی روحانی، دانشمند ادیب بود که به روزنامه‌نگاری روی آورده بودند

(چلونگر، ص ۲۴) میرزا نورالدین علاوه بر طبع شعر، خطوط مختلف، نسخ و رقع، نستعلیق شکسته و شکسته نستعلیق را در نهایت خوبی می‌نوشت. کندیب نقاشی و کشیدن کاریکاتور و آوردن نقشه‌های بدیعه به وسیله ناخن روی کاغذ ید طولایی داشت. تالیفات وی علاوه بر اشعار متعدد که به علت پرانگنده بودن تاکنون به صورت دیوانی در نیامده عبارت است از:

- ۱- رساله در اخلاق؛
- ۲- تاریخ فهرست ملل؛
- ۳- رساله در هیات و نجوم؛
- ۴- کتاب در اخلاق؛
- ۵- نثر هزل؛
- ۶- روزنامه‌های فرج بعد از شدت و انجمن بلدیہ (صدر هاشمی، ج ۱، ص ۲۹۲)؛

میرزا نورالدین مجلسی در نخستین سال تأسیس انجمن بلدیہ به نمایندگی از محله شمس آباد به عضویت آن انجمن درآمد و با توصیه رئیس انجمن بلدیہ، روزنامه وی که تا شماره ۲ به نام فرج بعد از شدت موسوم بود از شماره ۳ به نام ترکیبی از انجمن بلدیہ و فرج بعد از شدت تغییر نام یافت و سرانجام در شماره هشتم خود عنوان فرج بعد از شدت کاملاً از بین رفت و منحصرأ نام روزنامه انجمن بلدیہ قید گردید.

تفاوت شماره جدید روزنامه انجمن بلدیہ با فرج بعد از شدت این بود که در شماره‌های ابتدایی مطالب روزنامه به دو بخش تقسیم می‌شد: مطالب مربوط به انجمن بلدیہ در صفحه‌هایی با عنوان انجمن بلدیہ و مطالب عام مربوط به تحولات مشروطیت در صفحات «فرج بعد از شدت» می‌آمد اما همان طوری که گفته شد از شماره هشتم به بعد که روزنامه ارگان رسمی انجمن بلدیہ شده بود به اسم فرج بعد از شدت درج می‌شد و به ذکر تمامی جزئیات امور بلدیہ اصفهان می‌پرداخت؛ همچنین با توجه به افزایش مطالب به جای ده روز یک بار به صورت هفتگی به چاپ رسید.

از ویژگی‌های عمده این روزنامه، سادگی و روانی جمله‌ها بود؛ به طوری‌که عامه مردم به راحتی به مباحث آن پی می‌بردند. نویسنده که به ادبیات فارسی و عربی تسلط داشت. گاه نیز در سرمقاله‌های خود از آرایه‌های ادبی بهره می‌برد. برای نمونه در نخستین سرمقاله خود ضمن رعایت تفهیم مطالب و رعایت نکات ادبی به اسامی شانزده روزنامه معروف آن روزگار اشاره کرد: «حمد بی حد و ثنای بی عدد مر خلدوندی را سزد که «جیل العتین» اسلام را به «مجلس» ملی محکم گردانید و ندای عدالت را از «صور اسرافیل» صدید تا سرمایه «دانش» به گوش اهل «معارف» رسید و «کوکب دری» را به خلق «شرف» کشانید تا ندای وطن را به گوش اهل «تربیت» رسانید و اهل دانش را بر «قواید» عامه داشت تا «پروزش» لیلی وطن را بهتر از «جهاد اکبر» دانند و وصف «آجمال» و «شرافت» را به «تربیا» رسانند و انسان را از میانه مخلوقات برگزید و او را

فیل از پیروزی مشروطیت، روزنامه فرهنگ به عنوان نخستین روزنامه اصفهان، به بیان اوضاع و احوال شهر اصفهان می‌پرداخت

به عقل و علم از سایر حیوانات برتری داد. مندرجات این روزنامه بیش از هر چیز حول محور فواید مشروطیت انتقال از استبداد و مذاکرات انجمن بلدیہ می‌پردازد؛ به‌طور مثال در شماره نخست برای بررسی و تحلیل اوضاع مشروطیت به صورت استعاره‌ای مقاله‌ای تحت عنوان «مناظره مشروطه و استبداد» را ذکر می‌دارد. وی در این مقاله مشروطه را به صورت جوانی آراسته و تمام آزادی خواهی و آمال روشنفکرانه یک ملت و استبداد را به صورت پیرمردی زشت که نماد استبداد، سلطنت مستبدانه ظلم و جور بیادگران آن زمان توصیف می‌نمایند و در میان صحبت‌های این دو به تشریح اوضاع آن زمان می‌پردازند: «مشروطه به [استبداد] فرمود: آنچه گفتمی همه را می‌دانم جان نثارهای شما را می‌شناسم.

آنهایی که پول در راه تو دادند همه را خیر دارم... ولی بدانکه دست خدا بر سر من است و هر چه بعه تو قوی‌تر باشم بنا... فوق آیدیم و چون خدا خواسته لایذ من غالب و تو مغلوب خواهی شد و از اول تاکنون دیده که هر که بنایش به همراهی تو و خدایت یا من باشد چگونه خدا را خوار و ذلیل نمود... از سویی دیگر سردبیر روزنامه انجمن بلدیہ در هر شماره به نگرش دقیق صورت جلسات و موارد مطرح شده در جلسه و بیان جزئیات دقیق آن می‌پرداختند؛ به طور مثال «مذاکرات روز سه شنبه هفتم



رمضان در انجمن بلديه مذاکره شد که چون رمضان در پیش است خوب است قراری در ذلالت و پوشش و خاکه و هیزم داده شود که اسباب صرفه حال فقرا باشد به کثرت آرا از انجمن بلديه به اداره بلديه حکم شد ذلالتی ها را حاضر نموده و به مامورین بلديه نیز آنچه به صلاح و صرفه (خریدار و مشتری) باشد حکم نمایند. (انجمن بلديه (فرج بعد از شدت)، ش ۱۵ ص ۱) و در شماره چهارم انجمن بلديه (فرج بعد از شدت) در زمینه حفظ نظافت و بهداشت شهری می نویسد: مطابق قانون بلديه یکی از تکالیف این انجمن این است که در حفظ صحت نوع اقدام نمایند و از جمله آن منع کردن قصابها است که در شهر گوسفند نکشند که این مطلب اسباب عفونت هوا و تکوین میکروب و با سایر امراض مسری و دردهای بی دوا است. در کنار این موضوع این روزنامه به طور جدی به مسأله ترمیم و مرمت ابنای تاریخی پرداخت و پس از ذکر مصیبتها و خرابیهایی که در دوره قاجار بر این بناها گذشته خواستار ترمیم و بهسازی آن بهداشت انجمن بلديه شد. اختیار اینبه دولتی با انجمن بلديه است و از جمله آن میدان نقش جهانست. لهذا از انجمن فرستاده و قهوهچیهای میدان نقش جهان را برای تحقیق حاضر کردند و از آنها سؤال شد شما کرایه قهوهخانهها را به که می دهید؟ گفتند: هر کس صاحبی دارد و صاحبش کرایه آن را می گیرد ... بگویند بلانیم میدان که از عمارات دولت است چگونه صاحب پیدا کرده است ... باغ زرشک که رشک قصور فرانس برین بود و غیرت اینبه روی زمین گندل و بردند و خوردند ... خانه بی مدعی، سفره بی انتظار ... دیگر چهارباغ عباسی که اکنون صورت یک عباسی ندارد و سردرهای آن را با عارت هر کس دیده بودند ... میدان نقش جهان که جزء اتاقهای آن است و منخله آن به موجب قانون بلديه با انجمن بلديه است باید وجه آن گرفته شود و به مصرف تعمیرات خود میدان نقش جهان برسد که دیگر در این عصر صرف عصرانه مستبدان نشود که آن بی انصافها فایده آن را می بردند و می خوردند و هرگز تعمیر آن نمی کردند. از آنجایی که انجمن یاد شده با انجمن ولایتی اصفهان در رقابت بود، نوشتههای روزنامه نیز با ارکان انجمن ولایتی رقابت می کردند البته این کار در نهایت احتیاط و محافظه کاری انجام می شد برای نمونه در شماره چهارم اقدام گروهی از بزرگان را در محمود نمودن داد و ستد یهودیان که مورد حمایت انجمن ولایتی هم واقع شده بود، محکوم کرد و نوشت: روز هفتم ماه رمضان چند نفر از صنف بزاز وارد انجمن بلديه شدند ... و اظهار کردند که این نوشته را آوردهایم به مهر انجمن برسائیم. این بنده گرفتیم و نگاه کردم دیدم نوشته است که طایفه پنکثار و بزاز ملتزم و متعهد شدند که هیچ گونه از جنس بزازی و غیره به جماعت یهود نفروشند و نگذارند که آنها مثل سابق در خانهها بروند و در قریهها جنس بزازی بفروشند و جمع کثیری مهر کرده بودند و گویا به همه انجمن ملی هم رسانیده بودند. اعضای انجمن بلديه گفتند این عهدنامه به مهر این انجمن نخواهد رسید این بنده را از این نوشته حیرتی دست داد با خود گفتیم از اعضای انجمن مقدس ملی سوال کنم که آیا به حکم شریعت یا به قانون

آفتاب آرمندهاند و مطیع اسلامند چگونه می شود آن ها را منع کرد از شغلی که سالهای دراز از این راه معیشت کردهاند؟ استدعا می کنیم علت آن را انانای مجلس مقدس مرقوم فرمایند تا در این جریده درج نماییم. (انجمن بلديه (فرج بعد از شدت) / ش ۴، رمضان ۱۳۲۵ هـ ق ص ۴) روزنامه انجمن بلديه پس از انتشار شماره دهم در شوال ۱۳۲۵ هـ ق تعطیل شد به نظر می رسد که علت این امر درگیری "نیوالوله" حاکم اصفهان با انجمن بلديه باشد و روزنامه نیز به شرح کامل موقوف و جانبداری از انجمن پرداخته البته پس از چندی وقفه انتشار خود را از سر گرفت آخرین شماره موجود از این نشریه، شماره چهاردهم است که البته تاریخ انتشار آن در صفحه نخست مشخص نیست به هر حال نشریه انجمن بلديه به عنوان نخستین نشریه دربارهی آیین شهرداری به خوبی توانست تواناییهای خود را در عرصه روزنامهنگاری به نمایش گذارد. روزنامه انجمن بلديه با چاپ سنگی و خط نستعلیق در چهار صفحه به قطع وزیری بزرگ چاپ هفتهای یک شماره از آن چاپ می شده است. محل طبع آن در محله شمس آباد اصفهان بوده است وجه اشتراک آن نیز سالبانه در اصفهان ۱۲ قران در دیگر شهرها پانزده قران و در هندوستان و افغانستان نیز ۴ روپیه است.



گزارش یک اعتراض

حرم زینبی
گزارشگر تاریخ

تشکیل انجمن بلدیه در اصفهان، گرچه نقطه عطف و امید تازه‌ای در زمینه اداره توین مدیریت شهری بود، اما به دلیل آنکه این قانون نوین با توجه به قوانین مصوب کشورهای اروپایی تدوین شده بود، اجرای آن همواره با مشکلات و مسائل عدیده‌ای روبه‌رو می‌شد. از جمله این مسائل و اتفاقات موردی بود که نمایندگان بلدیه که بر اساس ماده ۳ قانون بلدیه مسؤول جلوگیری از بروز فحطی با تمام امکانات بودند، تصمیم گرفتند که برای جلوگیری از بروز این مورد تعدادی نگهبان را در سر راه‌ها برای سماعت از خروج گندم و برنج بگذارند. این مساله با مخالفت تیرالدوله، حاکم اصفهان، روبه‌رو شد. روزنامه انجمن بلدیه در شماره ۶۰ خود در تاریخ شوال ۱۳۲۵ هـ. ق می‌نویسد: «چون یکی از تکالیف انجمن بلدیه مطابق ماده سیم مراقبت در عدم فحطی اذوقه شهر است بوسائل ممکنه؛ لهذا اعضای انجمن صلاح فر آن دیدند که سوار در سر راه‌ها بگذارند که گندم و برنج را خارج از حدود اصفهان ببرند برای این جلوگیری از لایالات کبری، حضرت والا تیرالدوله، حاکم اصفهان، سوار خواستند حضرت والا در فرستادن مضایقه فرمودند لهذا اعضای انجمن ناچار شدند از جانب خودشان سوار بفرستند، فرستادند و شش قبضه تفنگ از ذخیره عاریه خواستند حضرت والا فرمودند انجمن حق سوار فرستادن، ندارد و اعضای انجمن دیدند حضرت والا بقسمی که باید همراهی با انجمن ندارد لهذا اعضای انجمن گفتند: ما نیز از این عمل استعفا می‌کنیم و از انجمن برخاستند به مدرسه چهارباغ رفتند. اهل اصفهان مطلع شده جمع کثیری به مدرسه آمدند همگی به فریاد آمدند که ما دست بر نمی‌داریم تا رئیس و اعضای انجمن را تبریم و ما در همراهی انجمن خون خود را خواهیم ریخت و هر کسی مخالفت کند با انجمن، او را زنده نخواهیم گذاشت و رئیس و اعضا را مجبور کردند که به انجمن برگردند لهذا با آنکه وقت گذشته بود و مغرب گذشته بود به انجمن آمدند محض سکوت مردم از شدت دلنگی رئیس یکشنبه فردای آن روز را از شهر رفتند اهل شهر یکمرتبه به شور و شوق در آمدند و دور خانه رئیس جمع شده و به خانه حاجی آقا که یکی از اعضا هستند رفتند که ما رئیس را می‌خواهیم و از ایشان التزام گرفتند که باید رئیس را به انجمن حاضر کنند با این همه مردم قانع نشده آقازاده رئیس را با سایر اعضا و در کمال عزت با سلوات به انجمن آوردند و جمع بسیاری نیز خدمت حضرت تفره‌الاسلام رفتند [ایشان] اسر فرمودند اسید هادی از جانب خودشان و حاجی محمد جعفر از جانب انجمن در کالسکه نشستند و رفتند تا رئیس را به شهر بیاورند اهل شهر آتفا نکردند و در انجمن ریختند و آقازاده رئیس را مجبور کردند تا در کالسکه نشستند و در طلب پسر و الاکهر رفتند.



اصفهان از کوچه‌های خاکی تا خیابان‌های آسفالت

• محمّد رضا کتّابی

رئیس اداره اطلاع‌رسانی و روابط عمومی شهرداری اصفهان



این شهر ایجاد نمود. پس از آن نیز ایجاد و گسترش کوچه‌ها و محله‌های مختلف جزئی از ضرورت‌های مدیریت شهری گردیدند اما اصفهان معاصر برای پایداری نوین خود نیازمند تحولات اساسی بود و شاید برای همین بود که اصفهان نیز همگام با دیگر شهرهای ایران زمین در خلق مشروطیت نقشی کلیدی را بر عهده گرفت و سرانجام، تأسیس مجلس شورای اسلامی و تصویب قانون بلدیّه در این مجلس، سرازار تحولی نوین در کالبد محلی شهر اصفهان گشت. ماده ۲ قانون بلدیّه مصوبه ۱۳۲۵ ه. ق. (مطابق با ۱۳۸۶ ه. ش) به طور رسمی وظیفه ساختن و پاک نگاه داشتن کوچه‌ها، میدان و خیابان‌ها را به اداره بلدیّه محول نموده است و این مورد را از جمله وظایف مهم بلدیّه می‌داند، اما این قانون با توجه به شرایط اجتماعی، سیاسی و

اصفهان متولد شد. از زیر سایه استوره‌ها و افسانه‌های فلسفی یک شهر، همچون تازی ابریشمین بر فرش زینبی ایرانی درخشید؛ بالید و رشد کرد. از همان زمان که نامش را کاتب نامیدند و بعد «جی. کی. اسپهان» و پس از آن «اصفهان». اصفهان در طول اعصار مختلف رشد کرده، همچون کودکی شاداب بزرگ شده، به جوانی پویا و نارس تبدیل شد و به مدد زنده‌بودنش زندگی جاودانی یافت. اصفهان پایتخت ایران در عهد «زبیریان»، آل بویه، «سجوقیان» و «سغویان» شد و با ویژگی‌های خاص جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به عتبه نگینی در مرکز ایران زمین درخشید. گرفت، اما تداومش با ایجاد دو محور کلیدی «میدان امام» و «چهارباغ» و اتصال آن به بخش قدیمی شهر، «میدان عتیق»، تحولی شگرف در طراحی



عوارض شان به مصارف حقیقی خود رسیده جای شبهه نیست که مردم دیگر نمی‌توانستند تفرج و گردش زندگانی خود را فقط و فقط منحصر به چهارباغ قرار دهند، خیابان پهلوی که از اول تا آخر جنب رودخانه معروف به زاینده‌رود واقع گردیده است بهترین نقاط و بهترین محل تفرج عمومی که موقعیت طبیعی او را هیچ کجای ایران ندارد یکی از دوستان به نگارنده اظهار داشت که در ایام تعطیل به تخت فولاد می‌رفتند و برای این بود که محل تفرج و گردش نداشتند. اداره بلدیة این خیابان بانسکوه را احداث می‌کند دیگر کسی یک چنین خیابانی را از دست نمی‌دهد یا به تخت فولاد برود یا به نقاط دیگر و مردم جز عمران و آبادی و اسایش هیچ توقع دیگری ندارد. "مدین ترحیب با وجود آنکه تا سال ۱۳۲۰ که با اختصاص سهمیه نفت به بلدیة درآمدها و اعتبارات آن افزوده شد بودجه شهرداری تغییر خاصی نکرد، با این وجود بلدیة اصفهان تمامی تلاش خود را معطوف به زیباسازی و گسترش

نخستین ابزار قانونی برای حصول هدف و خدمات فوق قانون راجع به احداث و توسعه معابر و خیابان‌ها بود که در سال ۱۳۱۲ ه.ش به تصویب رسید

شهر اصفهان نموده بود. همزمان با این جریان‌ها بلدیة اصفهان برای توسعه شهر و احداث بیشتر خیابان‌ها مهندسی آلمانی به نام "کیمسگرن" را برای تهیه نقشه‌ای از شهر اصفهان و استخدام کرد نتیجه این امر احداث خیابان‌های دور شهر شامل: خیابان مدرس، خیابان فروغی، میدان جمهوری در شمال خیابان سروش و بزرگمهر در شرق به عرض ۲۰ متر بود و از آن پس بود که محله‌ها نیز کم کم از حالت کوجه به صورت خیابان درآمدند و شهر همچون قفقوس از میان تاریخ شهر اصفهان پروبال آراست. این اقدامات که زمینه‌ساز تغییر کلی سیمای شهر اصفهان بود به سرعت مورد توجه همگان قرار گرفت به گونه‌ای محله بلدیة در شماره اول خود در سال ۱۳۰۹ می‌نویسد: گذاره بلدیة جوان اصفهان در مدت قلیل خود توانسته است که در ساختمان و آبادی شهر اصفهان و احداث خیابان‌های جدید با کمال سرعت و موفقیت فوق‌العاده پیشرفت کند. گونه‌ای از عملیات اداره بلدیة به قرار زیر است: اول متعطره زیبای دروازه دولت که مهم‌ترین مناظر فعلی اصفهان است با طرز بسیار مرغوبی ساخته شده است و در اول چهارباغ و دروازه دولت یک قسمت گل‌کاری و چمن‌زار خرم تهیه شده است و اطراف آن نرده‌های ظریف وضع شده است دوم تمییز و اصلاح خیابان چهارباغ که به وضع بسیار منظم عبور و مرور وسائل نقلیه صورت می‌گیرد. در وسط چهارباغ که سابقاً اتومبیل‌رو بود عملاً پیاده‌رو و محل تفرج عمومی شده است و از دو چهارباغ خیابان برای حرکت وسائل نقلیه ساخته شده است که همیشه به طرف راست حرکت نمایند و به همین جهت درشکه و اتومبیل مزاحم یکدیگر نیستند، به علاوه دو پیاده‌رو دیگر هم در جنب دیوارهای چهارباغ به حد کافی دارند و درخت‌های قدیمی محفوظ مانده است و به طوری دقت شده است که در اطراف خیابان‌های اتومبیل‌رو و همچنین پیاده‌روها درخت‌ها محفوظ مانده و هر جا درخت کاری نقصان داشته از طرف بلدیة فرس

اقتصادی زمان خود نتوانست کارکردهای خود را، آن طور که باید نشان دهد، در حقیقت این وظیفه در میان لایحه مشکلات بلدیة نوپا و جوان مسکوت باقی ماند و تا سال ۱۳۰۶ ه.ش به جز دو خیابان چهارباغ هزار جریب و چهارباغ عباسی و کوجه‌های غریبی که برای رفت‌وآمد شهر بودند، خیابان دیگری وجود نداشت. با تصویب قانون جدید بلدیة در سال ۱۳۰۹ ه.ش نقطه عطف جدید و دوره حیات شهرداری‌ها در ایران آغاز شد اما مهمترین تحول و تغییر در اهداف سیستم مدیریت شهری را باید در توجه به عمران شهری و بهبود کیفیت کالبدی شهرها دانست که به هدف قبلی یعنی تأمین خدمات شهری

عمومی افزوده شد. تا سال ۱۳۱۲ ه.ش به علت ضعف حالی شهرداری‌ها، نبودن قانون و مقررات لازم برای اجرای طرح‌های عمرانی و... توجه زیادی به این امر معطوف نشد، اما به تدریج فعالیت شهرداری‌ها به امور شهرسازی، اصلاح وضع شهرها و احداث توسعه

معابر نیز کشیده شد و خدمات شهری برای تنظیف و تأمین نیروی برق در شهرها و روشنایی معابر به ایجاد پارک‌ها و تفرجگاه‌های عمومی نیز تمیم داده شد. نخستین ابزار قانونی برای حصول هدف و خدمات فوق قانون راجع به احداث و توسعه معابر و خیابان‌ها بود که در سال ۱۳۱۲ ه.ش به تصویب رسید. این در واقع نخستین قانون شهرسازی ایران محسوب می‌شد.

در سال ۱۳۲۰ ه.ش قانون مذکور تحت عنوان قانون توسعه معابر مورد تجدید نظر قرار گرفته اما به لحاظ بروز جنگ نتیجه عملی مترتب نشد و تا چند سال اصلاحات متوقف ماند. این قوانین اولیه بیشتر حاوی مقرراتی در مورد احداث و توسعه معابر، احداث تأسیسات عمومی در شهرها و پرداخت ضمانت به صاحبان املاک تصرف شده برای اجرای این گونه طرح‌ها بود. بر همین اساس در این قوانین توجه زیادی به مسائل فنی از قبیل منعطف‌بندی شهر و ضوابط ساختمان‌سازی معطوف نشده است. جالب توجه است که بیشتر مواد این قانون به استناد ماده ۱۱ آن به قوت باقی است.

شهرداری اصفهان نیز هماهنگ و هم‌اوا با این سیاست با وجود بودجه اندک مالی، شروع به احداث و تسطیح خیابان‌ها نمود به طوری مثال در سال ۱۳۱۰ ه.ش شهرداری اصفهان به ریاست آقای میرزا حسین جلالی، با گسترش و توسعه شهری که نیاز ضروری جامعه شهری بود، اقدام به احداث خیابانی موسوم به "پهلوی" نمود. ماهنامه آنجمن بلدیة در فروردین‌ماه ۱۳۱۰ ه.ش در این زمینه می‌نویسد: خیابان پهلوی که از پل می‌وسه پل تا پل ماربان امتداد خواهد یافت، شروع به احداث آن و همه روزه از طرف بلدیة یک عده زیادی مشغول تسطیح آن می‌باشند. رئیس محترم بلدیة آقای شکرآ... خان شیرانی را برای تصدی و اجرای عملیات معین نمودند. انتخاب آقای شیرانی موجب اطمینان است و مردم می‌دانند



اعتبار قسمت شرقی شهر اصفهان بسیار مفید است و احداث این خیابان محله احمدآباد، یزدآباد، کهران و سایر محلات مجاور را به میدان نقش جهان نزدیک می‌کند و وسایل نقلیه هم به آسانی و بدون خطر تا آن حدود حرکت می‌کنند؛ هفتم خیابان جوشاه که از چهارباغ اصفهان متصل می‌شود به خیابان طهران و وضعیت فعلی آن تا آن درجه که تسطیح شده است جالب توجه است و فعلاً آن خیابان با نام سعدی نامیده می‌شود. با آماده شدن نقشه شهر اصفهان، برنامه‌های کلی و آبی بلدیّه نیز مشخص و تعیین می‌شود، به گونه‌ای که طی اعلانی کلی به همه بی مالکان خانه‌ها، زمین‌ها و مستغلات خیابان‌های پهلوی و کمال اسماعیل اخطار داده می‌شود که بدون تحصیل جواز رسمی خیابان چهارباغ پهلوی، کمال‌الدین اسماعیل و حافظ را بدون دستور از بلدیّه اقدام به تأسیس دیوارکشی نماید و تنها انجام این امر را موقوف به نقشه بلدیّه می‌داند؛ البته با وجود همه این تغییرات

خیابان‌های اصفهان تا سال ۱۳۱۷ هـ.ش هنوز اسفالت نشده بود. در این دوره رفتارهای شهرداری که در حدود ۳۰ تا ۵۰ نفر بودند برای نظافت شهر هر روز صبح زود با مشک خیابان‌ها را آبیاشی می‌کردند سرانجام در سال ۱۳۲۰ هـ.ش با افزایش درآمد شهرداری همزمان همه خیابان‌ها اسفالت شدند و شهر دوباره متولد شد.^۱

لمسحار شده است. خر کنار این مغلبه این ماهنامه شرحی طولانی در زمینه احداث خیابان‌های جدیدالتأسیس و تفصیل زیر می‌نمایند: «سیوم احداث خیابان جدید از پل حاجی کاظم تا زاینده‌رود؛ چهارم احداث خیابان جدید از راه دروازه طهران که اول از مسجد لیمان است تا زاینده‌رود که فعلاً موسوم است به خیابان شاهپور که جهت عبور کامیون‌ها و اتومبیل‌ها و مال‌التجاره اهل شهر بهترین خیابان‌هاست و فعلاً مرتعی که در حوالی نو طرف خیابان مزبور ملک و خانه دارند هر یک شروع به ساختمان نموده‌اند و دیگر بعد از این کامیون‌ها و مسافری که ناچار بودند از شمال شهر به جنوب بیایند از خیابان شاهپور مستقیماً عبور می‌کنند و زحمت خودشان و مردم را از این می‌روند پنجم خیابان جدیداً احداث از سی‌وسه پل تا پل‌های خواجه که فعلاً موسوم به خیابان کمال‌الدین اسماعیل شده است. فواید این خیابان‌ها برای شهر و مردم محسوس از

یک طرف نزدیک شدن محلات دور دست به یکدیگر و نزدیک شدن پل سی‌وسه پل به پل خواجه و محفوظ ماندن که از آثار قدیمه و یادگاری‌های با عظمت است و دو چهارباغ هم که چهارباغ نو و کهنه می‌باشد به یکدیگر اتصال و ارتباط دارند ششم احداث خیابان بیگنلی که سابقاً موسوم به محله بیگنلی بوده از میدان شاه تا محله احمدآباد به عرض ۲۲ ذرع و به طول ۱۶۰۰ ذرع که برای

در سال ۱۳۳۵ هـ.ش با افزایش درآمد شهرداری همزمان همه خیابان‌ها اسفالت شدند و شهر دوباره متولد شد



۱ - کاشانی، علامه معینی رسومی، هیئت انکلیت‌سجری وکالتی‌های و نظارت خاندانیه شهرداری‌ها تشکلات سازمان شهرداری‌های کشور، ص ۳۳
 ۲ - شهری، کوالفید، کرده امور شهرداری‌ها، ص ۱۱۴-۱۱۵
 ۳ - کتاب مطالعات برنامه‌ریزی شهرداری اصفهان و سازمان‌های وابسته، ص ۱۲۰



ساختمان شهرداری اصفهان چگونه ساخته شد

داستان یک عمارت ۵۰ ساله

• دیبا هاشمی فشارکی
کارشناس ارشد مدیریت

به راستی آیا تا به حال یا خود فکر کرده‌اید که ساختمان عمارت شهرداری که عابرون از کنارش می‌گذرند و یا برای رفع مشکلات خود قدم در آن می‌گذارند، چگونه ساخته و پرداخته شده است؟

پس از ایجاد قانون بلدیة و تصویب آن در مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۲۵ ق و پس از آن ایجاد انجمن بلدیة، اداره بلدیة نیز با وظیفه ارائه خدمات و رفاه شهری شروع به کار کرد. در آن زمان به خاطر گسترده نبودن وظایف بلدیة، نیز به مکانی مستقل برای انجام امور جاری احساس نمی‌شد و اداره بلدیة برای حل این مشکل به اجاره مکان‌های مختلف اکتفا می‌کرد. تا این سال، نخستین مکانی که برای اداره امور شهر در نظر گرفته شده بود، محلی به نام عمارت 'باغ کاج' بود. این محل که در مقابل عمارت 'چهلستون' قرار داشت، چندین سال مورد استفاده بلدیة قرار گرفته، اما در سال ۱۳۶۳ هـ. ش با رشد و گسترش شهر و تنوع وظایف شهرداری، بلدیة به باغ بزرگی در 'محله چرخاب' فعلی به نام 'باغ ستاره' منتقل شد اما اندکی بعد به دلایل مختلفه مکان دیگری در 'میدان انقلاب' نزدیک به 'سینما چهارباغ' کنونی که متعلق به 'امین الشریعه اشرافی' یکی از بزرگترین سرمایه‌داران اصفهان برای اداره امور شهرداری اجاره شد و از عمارت چهلستون نیز برای دیدارهای رسمی استفاده می‌کردند اما با صدور نامه‌ای از سوی وزیر کشور وقت آقای سیاح در تاریخ ۱۳۱۴/۲/۷، ش مبنی بر تبدیل

عمارت و بناهای هر شهری، نشانگر نوع نگرش و برداشت مردم آن شهر و دیار از زندگی است. روزگاری انسان‌ها روح نگران و سرگردان خود را پس دیوارهای سنگین غارها پنهان می‌داشتند و زمانی دیگر، جستجوگر و پرتلاطم به اکتشاف دنیاها می‌پرداختند و مسکن و مأوایشان نیز همانند وجود بی‌قرارشان در چارها و استراحتگاه‌های متحرک خلاصه می‌شد. اما با آرام شدن توفان زندگی بشری، انسان‌ها نیز تصمیم گرفتند در آن جایی که به آنها رفاہ، پیشرفت و آرامش را هدیه می‌دهد ریشه بنهند و نخستین پیامد این تصمیم، شهرهایی بودند که زیر بناهایشان مهدی برای تمدن شد. حکم این تغییرات، مکان‌ها، بناها و آثار تاریخی بود که از دل این تمدن سر برآوردند و هر کدام تاریخ مجسمی از گذشته مردم آن دیار شدند. بعضی از این بناها در نهان رویی پر رمز و راز خود روح لطیف و آرمان‌گرای نگاه مردم آن دیار را به نمایش می‌گذارند و زمانی برقرار پنهانی و استواری بناها، صلابت روح و استقامت انسان‌ها لوح می‌گیرد. بنای عمارت شهرداری اصفهان، واقع در میدان دروازه دولت (میدان امام حسین)، از جمله بناهایی است که در گذر سستی‌ها و آسانی‌های روزگار، همچنان پوصلابت و پائیکوه، ضامن تمدن رفاه مردم است. در واقع عمارت شهرداری با آن دیوارهای سفید و درخشان و نوع معماری خاصش بعد از حدود ۵۰ سال زمان مردمی است که پشتکار و تلاش را سرلوحه زندگی خود قرار داده‌اند.



مناقصه پیمانکار در تاریخ ۱۳۱۶/۱۶/۱۳۱۹. ش در زمان آقای الهامی در روزنامه اطلاعات به چاپ رسید و پس از چندی آقای غلامعلی کریمی مدیر شرکت بیمان اهواز و با نظارت مهندس اسپات شروع به کار کرد. در این قرار ذکر شده بود که در صورت کشف آثار باستانی حق صورجلسه آن با شهرداری است. اما ساخت عمارت شهرداری که براساس پیش‌بینی وزارت کشور قرار بود، تا در آذر ماه ۱۳۲۱ به پایان برسد یا موانعی پیش‌بینی نشده روبرو شد که ساخت این عمارت را در ۱۵ سال به تعویق بیندازد.

وقتی متفقین وارد می‌شوند

دهه ۲۰ در کشور ما مقارن با ایامی است که متفقین وارد ایران شدند. در این برهه از زمان که ایران ملقب به پل پیروزی جنگ جهانی دوم شده بود. متفقین از تمامی امکانات و تجهیزات ایران برای پیروزی و جلوگیری از ورود ارتش آلمان به روسیه استفاده کردند و بدین ترتیب ایران با وجود اعلام بیطرفی میعادگاهی برای استراتژی بزرگان شد. اصفهان به عنوان یکی از مهمترین شهرهای ایران، از این اثرات و تبعات به نوبه خود محاطی حاصل از ورود متفقین، نلسامانی و نازامی‌های برآمده از ورود متفقین، نگرانی مردم و مسؤولان شهر از اوضاع ناپایدار مملکت و کمبود شدید بودجه باعث شد که مسأله‌ی مهم

در واقع نقشه عمارت باید به گونه‌ای طراحی می‌شد که هم از عهده نیازهای شهرداری برآید و هم با ساختار تاریخی شهر اصفهان هماهنگ و منسجم باشد

ساخت عمارت شهرداری به امری فرعی و بیرنگ در این برهه از زمان تبدیل شود. گروه ساخت عمارت شهرداری با وجود آنکه در طی سالهای بین ۱۳۱۹-۱۳۲۹. قی نزدیک بود با انتخاب شرکت‌هایی چون: "شرکت ساخت"، "شرکت بیمان اهواز" یا "شرکت مقاطعه‌کاری نامنه" و... گشوده شود، اما به خاطر مسائل یاد شده، پرونده عمارت شهرداری در میان حالتی از مشکلات در غبار فراموشی فرو رفت و در حالیکه براساس پیش‌بینی‌های وزارت کشور این بنا که می‌بایست تا سال ۱۳۲۱. قی به بهره‌برداری می‌رسید تا سال ۱۳۲۹ ش جز انجام کارهای مقدماتی هیچ پیشرفتی در آن حاصل نشد این اوضاع تا آنجا پیش رفت که در سال ۱۳۲۲. ش انجمن شهر با در نظر گرفتن اوضاع سخت حاکم بر جامعه و مسکوت عائلن پروژه ساخت عمارت شهرداری، تصمیم گرفتند، که کار ساختمان‌سازی و ایجاد عمارت شهرداری تعطیل، زمین عمارت فروخته شود و شهرداری برای کارهای اناری از ساختمان ملکی خود که در ضلع شمالی "میدان نقش جهان" بود استفاده کند، اما پس از رایزنی‌های فراوان و درک ضرورت ساخت عمارت شهرداری و از طرفی بهبود اوضاع، یا تصویب شورای عالی، در سال ۱۳۲۵. قی قرار شد، اعتبارات این محل از وجه شرکت توربین که به بانک ملی سپرده شود و این اعتبار که ۴۰۰ هزار ریال بود تامین شود. این اعتبارات به طور دقیق و دم نهایت صرفه‌جویی تحت نظر کفیل شهرداری صرف ساخت عمارت

چهلستون به باغ موزه، لزوم مکانی مستقل برای شهرداری بیش از پیش احساس شد تا اینکه با اعلام وزارت کشور، مجوز ساخت عمارت شهرداری صادر شد. محل اعتبارات خرید زمین عمارت را عواید اضافی سالانه شهرداری که بالغ بر ۱۰۰ هزار ریال می‌شد، تعیین کردند با جدی شدن امر ساخت عمارت شهرداری، موضوع خرید زمین و ویژگی‌های مکانی این محل مطرح و بررسی شد؛ عنای از جمله شهردار اصفهان معتقد بودند که مکان شهرداری باید در محلی نزدیک میدان دروازه دولت باشد ایشان برای این امر دو دلیل را بیان می‌داشتند:

- ۱- بنا ساخت عمارت شهر در محل دروازه دولت این مکان مشرف بر چهلستون و یا متصل به آن می‌شود؛
- ۲- مکان یادشده در مرکز شهر قرار می‌گیرد و دسترسی به آن آسان می‌شود.

اما گروهی دیگر از جمله مهندس بزرگزاد، رئیس اداره دارایی اصفهان، معتقد بودند که این سازه با سبک جدید خود در کنار دیگر بناهای قدیمی تضاد و زیبایی را به وجود می‌آورد. این پیشنهاد با مخالفت گروه اول روبرو شد که اظهار می‌داشتند: ساخت این بنا در میدان نقش جهان جلوه آثار موجود را از بین می‌برد و ممکن است اثرات جبران‌ناپذیری بر بناهای تاریخی اصفهان وارد آورد. سرانجام زمینی در میدان دروازه دولت که احتمالاً کاروانسرا بوده است برای ساخت عمارت شهرداری پیش‌بینی شد.

طراحی و نقشه

با انتخاب و خرید زمین برای شهرداری، مهمترین مسأله‌ای که مطرح شد طراحی نقشه این عمارت بود. در واقع نقشه عمارت باید به گونه‌ای طراحی می‌شد که هم از عهده نیازهای شهرداری برآید و هم با ساختار تاریخی شهر اصفهان هماهنگ و منسجم باشد. به این خاطر پس از مشورت‌های بسیار، طراحی نقشه عمارت بر عهده مهندس "نیکلا مارکف ایتالیایی" قرار گرفت و پس از پیگیری‌های لازم وزارت کشور و شهرداری سرانجام در سال ۱۳۱۹. ش نقشه مقدماتی عمارت شهرداری تهیه برای آقای الهامی، شهردار وقت اصفهان، ارسال شد. پس از چندی پروفسور "نرسیسیان" که تازه از ایتالیا به اصفهان آمده بود، تکمیل نقشه و اجرای آن را به عهده گرفت. این نقشه با تأیید نظر مهندسان ناظر وزارت کشور از جمله آقایان "میکله"، "مهندس ایرج مشیری" و "مهندس علمی صبور" در سال ۱۳۱۹. ش به سنگ صغوی تکمیل شد؛ البته ناگفته نماند که در سال ۱۳۲۳. ش برای رفع پاره‌ای کاستی‌ها، شهردار اصفهان، آقای دولت‌آبادی، پروفسور "آندره گدار" را برای بازدید از عمارت شهرداری به اصفهان دعوت کرد با تأمین بخشی از اعتبار زمین در سال ۱۳۱۹ تا سال ۱۳۲۱. ش پروژه ساخت عمارت شهرداری آرام آرام آغاز شد و نخستین آنگهی

شود و به دلیل همین کمبود بودجه، مهندس گنجسین، مهندس ناظر شهرداری، نقشه ساختمان شهرداری را تعدیل کرد. از جمله این تغییرات:

۱- از ساختمان قسمت وسط حیاط که سالن و ۱۰ اتاق زیر آن بود صرفنظر شد و ساختمان سالن در ضلع شمالی بنا ساخته شود؛ به طوری که ۱۰ اتاق ساختمان وسط و شش اتاق از ضلع شمالی که جمعاً بالغ بر ۱۶ اتاق بود حذف شود؛ در نتیجه ساختمان دارای ۲۴ اتاق و یک سالن می‌شود و با وجود آن همه حوادث محطوف به سال ۱۳۳۹، ش شد.

گذشت زمان توسعه شهرها و اجتماعات، بالطبع وظایف و مسؤولیت‌های بلدیّه نیز افزایش یافت و سرانجام

در سال ۱۳۱۵ در میان متولیان کمبود

مواد غذایی، نالارسی، ورود عتقین به کشور نگرانی مردم و مسؤولان شهر از اوضاع ناپایدار مملکت و کمبود شدید بودجه باعث شد که مسأله مهم ساخت عمارت شهرداری به امری فرعی و بی‌رنگ تبدیل شود. اما نبض آغاز

فعالیت کار از سوم بهمن ماه ۱۳۳۹، ش در زمان تصدی شهرداری، آقای دکتر صاحب قلم دوباره تپیدن گرفت. عزم راسخ آنان به پایان دادن طلسم ساختمان شهرداری باعث شد که انجمن شهر نیز با وام ۴۰۰ هزار ریالی ساخت عمارت موافقت کند. به این ترتیب شرکت پیمانکاری "فاطمی آرسو" با نظارت "مهندس اسپات" که سابقه احداث چندین دبیرستان و یک موزه را در کف حمایت خود داشت شروع به کار کردند و

ساخت عمارت به قدری خوبی پیش می‌رفت و با اتمام زیرزمین و طبقه نخست شهرداری، شهردار، آقای مدنی‌پور و کارشنانش به آنجا نقل مکان کردند و به صورت موقت سکنی گزینند. سرانجام در سال ۱۳۳۶، ش در زمان تصدی "سربیب مختلری" نصب پلاک برنزی شهرداری به منزله اختتامیه‌ای که در آخرین صفحه پروژه عمارت شهرداری ثبت شد. از آن سال تاکنون همگان شاهد بنایی هستند با آجرهایی سفید رنگ که در ترکیب با سنگهای جنایی رنگ آن تضاد زیبایی به آن می‌بخشد. ستون‌های استوار که ۵۰ سال است بار مسؤولیت شهر را دوش گرفته و برج بلند ساعتش که سالیان سال است، ساعات گذر عمر را به عابران با ملودی خود گوشزد می‌کند.

اگر اندکی از بالا به مکان نگاه کنیم

گویی در میان ازدحام دود ماشین‌ها و

رفت و آمد انسان‌ها، بنای درخشانی را

می‌بینی که همچنان به مردم شهر

لبخند می‌زند. اگر در توره توره وجود این

بنا دقیق شوی چشم‌ها نگاه‌ها و روح

نگران تمامی انسان‌هایی را خواهی دید

که به فکر تأمین رفاه آنی جامعه بوده‌اند و این بنای بزرگ

تمامی این تاریخچه را برای همیشه درون خود نگاه خواهد

داشت و منتظر افرادی است که بعدها سرگذشت یک شهر را

از دل آن بیرون بیاورند. شاید این بار وقتی از میدان دروازه

دولت عبور کنیم، با دیدی کنجکاوتر و موشکافانه‌تر به عمارتی

که در وسط این میدان نظاره‌گر مردم این شهر است نگاه

کنیم

این بنای بزرگ تمامی این تاریخچه را برای همیشه درون خود نگاه خواهد داشت و منتظر افرادی است که بعدها سرگذشت یک شهر را از دل آن بیرون بیاورند





گنبد کاووس شهری با طراحی نوین

ارائه افشار

سال ۱۳۱۷ میلان مرکزی شهر گنبد شکل گرفت که هسته مرکزی و قدیمی شهر را به وجود می‌آورد. تا قبل از سال ۱۳۲۰ شهر کاملاً شکل گرفته بود. در این سال مساحت شهر به ۵۰ هکتار می‌رسید تا سال ۱۳۳۰ که رشته شهر بیش‌تر به سمت غرب متمایل بود پس از سال‌ها توسعه شهر از جهت‌های دیگر آغاز می‌شود.

سال ۱۳۳۷

در سال ۱۳۳۷ شهر گنبد به مرکز شهرستان تبدیل شد که این امر در رشد جمعیت شهری و به طبع آن توسعه شهر تأثیر بسزایی داشت.

سال‌های ۱۳۳۹-۱۳۴۰

در این سال کوی کارمندان پلاک بنا شد و همزمان با آن دومین و جدیدترین پمپ بنزین شهر در میدان ۱۷ شهرپور شکل می‌گیرد. با تأسیس این پمپ بنزین جدید که در قسمت جنوبی شهر بود گنبد کاووس شکلی امروزی به خود گرفت. در همین سال بود که تعاضاتی از ادارات دولتی همچون فرهنگه شهرداری، آمار و ثبت احوال، باغ کشاورزی (فلاحت) برای آسان‌تر شدن امور شهروندان در این شهر به وجود آمدند.

ورود صنعت به گنبد کاووس

با تأسیس کارخانه دولتی پنبه در سال ۱۳۲۰ صنعت نیز وارد این شهر شد که اکنون نیز بقایای آن در کارخانه قدیمی در کنار خیابان طالقانی دیده می‌شود. ۱۶ سال پس از احداث این کارخانه و رونق آن کارخانه خصوصی دیگری به نام «چین» در رابطه با صنعت پنبه تأسیس شد. یک سال بعد در سال ۱۳۳۸ کارخانه شمل در خیابان گرگان و کارخانه «بیگزارد» در همین صنعت شروع به کار کرده‌اند.

مالکیت ارضی و شبکه خیابان‌های عریض

از آنجایی که تا مورخ ۱۳۱۶ مالکیت اراضی شهر جزء املاک روضاخانی بود و عدم وجود ملکیت خصوصی در این دوره تا خیابان‌های عریض با طراحی شطرنجی که بیش‌ترین سطح از شبکه‌بندی خیابان را اشغال می‌کند طراحی و احداث گردید.

تأسیس بلدیة

بنابر شواهد و مدارک موجود در سال ۱۳۱۳ ه.ش در این شهر بلدیة شکل گرفت که انجم امور شهری، همچون تنظیم و روشنایی شهر را عهده‌دار بود. سپس در سال ۱۳۱۶ ه.ش بلدیة گنبد کاووس به طور رسمی تأسیس شد. تاکنون در این شهرداری ۳۴ نفر در سمت شهردار به فعالیت پرداخته‌اند که به اسامی برخی از شهرداران گنبد کاووس به ترتیب زیر اشاره می‌کنیم:

شهرستان گنبد کاووس بزرگترین شهر استان گلستان به شمار می‌آید و کم‌تر از یک صد سال از عمر آن می‌گذرد، اما مهم‌ترین مسیر تجاری دنیای قدیم به نام «راه ابریشم» از حوالی گنبد کاووس می‌گذرد که از طریق «بسطام» به داخل فلات ایران راه می‌یافته است. شهر باستانی «جوجوان» نیز در سه کیلومتری شهر گنبد کاووس قرار دارد این شهر که از شهرهای مهم دوره ساسانیان آل زیار و سلجوقیان بود که بر روی ویرانه‌های شهری از دوران پارت‌ها، ساسانیان در مساحتی بالغ بر ۱۲۰۰ هکتار بنا شد. جوجوان نیز در سال ۶۲۰ ه.ق بر اثر حمله مغول و زلزله ویران، سپس از میان رفته.

تفکر شکل‌گیری شهری نوین

در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه بنا بر عهدنامه‌ای تحت عنوان کمسیون مشترک دو دولت ایران و روس، پادگان روس‌ها در کنار بنای تاریخی مسیل قابوس بن وشمگیر بنا شد. به دنبال تأسیس این پادگان تفکر احداث شهری نوین با هدف ارائه خدمات به پادگان نظامی شکل گرفته از این رو نقشه شهری نوین را روس‌ها طراحی کردند. با این که هم‌اکنون نقشه‌ی این شهر موجود نیست ولی الگوی این شهر به شکل مستطیلی با شبکه شطرنجی و منظم بود که چهار راه‌های متعددی را تشکیل می‌داد و خیابان امام خمینی فعلی محور بلندترین مستطیل بود که خیابان میهن بر آن عمود می‌شد.

سال ۱۳۱۳

در سال ۱۳۱۳ جمعیت گنبد کاووس ۴۰۰ خانوار بود. در این سال بافت شهر خیابان‌های شرقی و غربی «کرکشان» (وحدت کنونی) «سید چم‌چه» (شریعت کنونی) خیابان شمالی و جنوبی «پهلوی» (امام خمینی کنونی) و خیابان حافظ را دربرمی‌گرفت.

محدوده شهر گنبد کاووس را چنین خیابان تعیین می‌کردند: بدین ترتیب که پای «کبه» میل حد شمالی شهر، خیابان «میهن» حد جنوبی شهر، خیابان «حافظ» حد شرقی شهر و خیابان «پهلوی» حد غربی شهر بود.

سال ۱۳۱۴

در سال ۱۳۱۴ خیابان‌های کرکشان (وحدت کنونی) خیابان سیلوش (ولی عصر کنونی) و شریعتی از خیابان‌های مهمی بودند که دسترسی آسان را فراهم می‌آوردند و موجب آبادانی شهر بودند.

سال‌های ۱۳۱۵-۱۳۳۰

در سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۶ خیابان سرابی و خیابان شازی از قدیمی‌ترین خیابان‌های شهر گنبد کاووس به شمار می‌آیند. در

فهرست اسامی شهرداران مشغول به خدمت در شهرداری گنبد از بدو تاسیس تاکنون

| نام و نام خانوادگی | مدرک تحصیلی | تاریخ ورود به خدمت | تاریخ خروج از خدمت | مدت خدمت |
|---------------------|-----------------------------------|-----------------------|-----------------------|-------------------|
| قائمی | - | ۱۳۲۵ | ۱۳۲۷ | ۲ سال |
| خواجه سیدی | - | ۱۳۲۹ | ۱۳۳۱ | ۲ سال |
| حاجی بحلانی | - | ۱۳۳۲ | - | ۱ سال |
| رحمت ا... فهیمی | دوم متوسطه | ۱۳۳۳ | - | ۲ سال |
| خاکی | - | ۱۳۳۵ | - | ۱ سال |
| بیگلر لور | - | ۱۳۳۶ | - | کمتر از یک سال |
| برومند | - | ۱۳۳۸ | - | ۲ سال |
| عالمقی | - | ۱۳۴۰ | ۱۳۴۱ | ۲ سال |
| نحفی | - | ۱۳۴۱ | - | کمتر از یک سال |
| فرزادعلی سیدی | شش فدیوم | ۱۳۴۲ | - | کمتر از یک سال |
| حاجی پاشی | - | ۱۳۴۲ | - | کمتر از یک سال |
| عالی عنایتی | دیپلم | ۱۳۴۲ | - | کمتر از یک سال |
| سرهنگ منوچهر سعیدی | لیسانس | ۱۳۴۳ | - | ۱ سال |
| حسن شریعتی | دیپلم | ۱۳۴۴ | - | ۱ سال |
| هاشمیان | دکترا | ۱۳۴۵ | - | کمتر از یک سال |
| آروند | - | ۱۳۴۶ | - | ۱ سال |
| منوچهر بهزادی | فوق دیپلم | ۱۳۴۶ | - | ۱ سال ۲ ماه ۲ روز |
| هادی رضایی | لیسانس | ۱۳۵۱ | ۱۳۵۲ | ۱ سال |
| رضا اخبانی | لیسانس | ۱۳۵۵/۷/۱۱ | ۱۳۵۵/۸/۱۰ | کمتر از یک سال |
| عبدالحکیم مرجانی | فوق لیسانس کشاورزی | ۱۳۵۱/۸/۲۱ - ۱۳۴۸/۱/۱۶ | ۱۳۵۵/۸/۲۹ - ۱۳۵۱/۷/۳۰ | ۷ سال |
| عباس آنتین | لیسانس | ۵۶/۱۲/۲۰ | ۵۷/۴/۳۱ | کمتر از یک سال |
| حسین محسنی | لیسانس | ۵۷/۵/۲۱ | ۵۸/۱/۲۹ | کمتر از یک سال |
| غلامرضا نوعانی | لیسانس | ۵۸/۱۱/۲۷ | ۶۰/۲/۹ | ۱ سال |
| رحیمعلی پارسایی | لیسانس | ۶۰/۴/۴ | ۶۱/۸/۱۰ | کمتر از ۲ سال |
| حسین صادقلو | دیپلم | ۶۱/۱۱/۱۹ | ۶۵/۸/۱۹ | کمتر از ۴ سال |
| علامهعلی هزار جریبی | دیپلم | ۶۵/۸/۲۰ | ۷۰/۴/۲۰ | کمتر از ۵ سال |
| محمد خدا یوسفی | دیپلم | ۷۰/۲/۲۰ | ۷۲/۸/۹ | کمتر از ۲ سال |
| جنگی رئیس اردنی | فوق دیپلم | ۷۳/۲/۲۴ | ۷۴/۴/۲۶ | کمتر از ۲ سال |
| نعمت ا... احمدی | فوق دیپلم | ۷۴/۴/۲۷ | ۷۸/۳/۱۹ | کمتر از ۴ سال |
| آنا محمد نیازی | فوق لیسانس | ۷۸/۵/۱۶ | - | - |
| محمد خالیموفی | لیسانس | ۸۲/۵/۴ | - | - |
| سید منصور باقری | فوق دیپلم ساختمان و لیسانس مدیریت | ۸۶/۱/۱۱ | - | - |
| سید منصور باقری | فوق دیپلم ساختمان و لیسانس مدیریت | ۸۶/۲/۱۸ | - | - |



بنای شهرداری

تاریخ کهن معماری

بندرگز

کوچک دیگری در ۱۰ کیلومتری شرق بندرگز احداث گردید. بندرگز را هرچه به گذشته باز می‌گردیم شهری تجاری بوده است و اولین تجارت‌هایی که در این شهر شکل گرفت میان بندرگز و روسیه بود که وضع اقتصادی مردم شهر را نیز بهبود بخشید.

وجه تسمیه بندرگز

واژه بندرگز ترکیب دو جزء بندر و گز است که جزء اول آنرا به شهرهای ساحلی نسبت داده‌اند و جزء دوم آن به دلیل وجود درختان فراوان گز در این منطقه بوده است. کلمه بندرگز ناسال ۱۳۶۱ بندرگز نوشته می‌شد که در این سالها به بندرگز تبدیل شد.

بنای شهرداری

شهرداری بندرگز در سال ۱۳۰۵ در زمان پهلوی اول با اجراءگاهگل‌ماسه‌های دریایی، سیاهان و چوب در سه طبقه ساخته شد. هر یک از طبقه‌ها از طریق پله‌هایی که در ضلع شرقی قرار دارد به یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند و برای نورگیری طبیعی هر طبقه پنجره‌های بزرگ و متعددی در جهات غربی و شرقی بنا تعبیه شده که در نورپردازی هر طبقه نقش عمده‌ای را ایفا می‌کنند. دیوارهای داخلی بنا انبساط از کاه گل بود. این بنای سه طبقه شیروانی پنجره‌های خود را به سوی دیگر بناهای تاریخی شهر در ضلع جنوب شرقی بنای تاریخی راه آهن و از جمله در ضلع شمالی آن بنای هلال احمر می‌گشاید. ساختمان ۸۱ ساله بندرگز از آن جایی که این بنا زیر نظر شهرداری بندرگز فعالیت داشته میان اهالی بندرگز به نام ساختمان شهرداری لقب گرفته است.

بنای ایستاده بر شهر

مدتی پیش در این بنا تعمیراتی انجام شد این بار پنجره‌های آلومینیومی به جای پنجره‌های چوبی نشستند، چوب‌های کف طبقه اول ساختمان سنگی شدند و دیوارهای کاه گلی داخل بنا جایشان را به آندودی از گچ دادند اما چهار ستون این بنا گویای تاریخ ۸۱ ساله بر فراز و نشیب بنا هستند.

اسامی شهرداران بندرگز از سال ۱۳۵۳ تا کنون

- ۱- علیجان درویشی
- ۲- مسالنه ملاح
- ۳- رحیمی
- ۴- صادق درویشی
- ۵- محمد خواره
- ۶- حسین سهی
- ۷- سعید خانبور
- ۸- جانعلی نصیری
- ۹- اکبر کریمی
- ۱۰- حسین علیزاده
- ۱۱- موسی الرضا بخشی
- ۱۲- محمد حسن روشن
- ۱۳- کریم وزیری

بندرگز از توابع استان گلستان به شمار می‌آید. مردم منطقه از اقوام مازندرانی یا طبرستان قدیم از تا پوری‌ها از اقوام کهن آریایی بوده‌اند که از دیر باز در طبرستان سکنتی گزیدند.

پیشینه تجاری بندرگز

روس‌ها دهها سال بود که به اهمیت منطقه شمال و جنوب شرقی دریای خزر پی برده بودند و سال‌ها به پهانه داد و ستد قصد ورود نظامی به سواحل ایران را داشتند بالاخره در زمان محمد شاه و وزیرش سیرزا آقاسی با مخالفت‌های قزلباش جنوب شرقی دریای خزر در قسمت اسکون ساحل بندرگز به تاسیس تجارتخانه پرداختند اما این تجارتخانه توسط حاکم استرآباد انتخاب و به هزینه او ساخته شد و یک گارد محافظ ۸ نفره به نگهداری از انبار در آنجا مستقر گشت و یک بیمارستان هم به هزینه دولت ایران برای روسها در ساحل بندرگز برپا شده بود علاوه بر اینها بناهای فوق یک خانه محقر با یک کلیه (...) در اختیار فرمانده روسی قرار گرفت. یک پرچم و یک تیر دریایی (فاتوس) برای هدایت کشتی در بالای انبار تجارتخانه نیز نصب شده بود به علت عدم استقبال از طرح‌ها و برنامه‌های روسیه در بندرگز، این شهر مدت‌ها از وجود اسکله‌ای که از آن بتوان جهت تخلیه و بارگیری کالا استفاده کرد بی‌بهره بود. اشخاص مهم نیز برای ناخا و خارج شدن از کشتی‌ها به دوش افراد سوار می‌شدند. در کنار ساحل تنها چند کپر وجود داشت که آن هم برای بزرگان روس در فصل سرما نذارک شده بود. بعد از آتش‌سوزی اولین انبار ساخته شده (۱۸۹۵) انبار دو طبقه دیگری احداث شد. برای ساختن این عمارت زحمت زیادی کشیده شد. چرا که دولت ایران اجازه ساختن این برج و انبار را نمی‌داد مدت‌ها بین استرآباد و تهران نامه‌های رد و بدل گردید و این نامه نگاری‌ها ده برابر بیش از بهای ساختن خود برج خرج بد داشته بود. آتش‌سوزی انبار تجارتخانه بندرگز هر چه بوده باشد روس‌ها را برای مدت کوتاهی از ساحل بندرگز مزاری داد. مدتی بعد به دلیل سهولت درآمد و شد مسافران و حمل و نقل کالا یک اسکله چوبی در بندرگز ساخته می‌شود این اسکله که چند صد متر در دریا جلو می‌رفت یک متر عرض داشته ولی آنچنان مست بود که با یک طوفان سخت از میان می‌رفت ایرانی‌ها ابتدا با ساختن همین اسکله هم مخالفت می‌کردند ولی سرانجام این اسکله نیز ساخته شد و پس از گسترش یافتن روابط تجاری جنوب شرقی دریای خزر با روسیه از طریق بندرگز، بند

منبع: مقاله‌ی تطبیقی باقر لوزیان
مستند در شهرداری‌ها، گزارش
شرکت تعاون سازمان مدیریت و
برنامه‌ریزی کشور، ویرایش، ۱۳۸۱
تهران



تنظیف شهر نخستین اقدام بلدیہ سولدوز (نقدہ)

نقدہ (ولایت تاریخی سولدوز) در جنوب غربی دریاچه ارومیه واقع شده است. این شهرستان تابع استان آذربایجان غربی است. سابقه سکونت در این شهرستان به ۹ هزار سال پیش از میلاد بازمی‌گردد. «حاری ویت» باستان‌شناس آمریکایی در پژوهش‌هایش در تپه «حاجی فیروز» که در ۵ کیلومتری شهر نقدہ قرار گرفته است به نشانه‌هایی از سکونت انسان‌ها عصر «نوسنگی» دست یافت. تپه حسنلو از دیگر آثار باستانی به شمار می‌آید که در ۷ کیلومتری شمال شرقی نقدہ قرار دارد. این تپه یا شش هزار ساله با اشیاء به دست آمده نمادی از تاریخ بشریت خفته در کنار این شهر است. جام زرین معروف «حسنلو» یا نقش‌های اساطیری در سال ۱۳۳۷ به دست باستان‌شناسان دانشگاه پنسلوانیا از تپه حسنلو کشف شد. موجب شهرت بین‌المللی نقدہ از نظر فرهنگی و تاریخی شد. تاکتون سفالینه‌ها، مجسمه‌های چوبی، فلزی و سفالی (با اشکال انسان و حیوان) از این تپه کشف شده است که هم اکنون در موزه لوور پاریس نگهداری می‌شود.

شهرستان نقدہ در گذشته سولدوز نامیده می‌شد که یک لغت ترکی و به معنی دشت پرآب است؛ چرا که نام سولدوز به دلیل پرآب بودن منطقه بدان داده شده است که اکنون نیز با واقعیت‌های منطقه مطابقت دارد. سولدوز در طول تاریخ محل سکونت اقوام باستانی ایلات ترک زبان چون «چاپ‌قلی»، «مقدم» و افشار بوده است. در فرهنگ سنگلاخ نوشته میرزا مهدی خان استرآبادی، منشی نادرشاه افشار، چنین آمده است: «سولدوز نام قبیله‌ای از انزلی (ترک‌ها) است. بدین ترتیب سابقه نام‌گذاری منطقه به نام سولدوز تقریباً به ۸۰۰ سال پیش بازمی‌گردد.

نام نقدہ در استاد دوره قاجار از جمله سند واگذاری منطقه به ایل قارااباق توسط عباس میرزا نایب‌السلطنه قاجار «نوغادی» توجیه ده و «نقدای» ذکر شده است که این لفظ ترکی به معنی طیاره‌دوزی و زیباکاری روی پرده است.

- شهرداری نقدہ

شهرداری نقدہ را در سال ۱۳۳۰ شمسی همراه با تشریفات نصرت‌الملک ملکی، فرماندار وقت رضائیه (ارومیه)، شهرداری نقدہ را همراه با تشریفات در سال ۱۳۳۰ شمسی تأسیس کرد. در آن زمان این منطقه به نام بخش سولدوز تابع شهرستان رضائیه (ارومیه) بوده است که در سال ۱۳۴۲ شمسی تبدیل به شهرستان نقدہ گردید.

- نخستین شهردار نقدہ

شهرداری دارای بنا یا ساختمان قدیمی نیست؛ بلکه از همان سال‌های ابتدایی، فعالیتش را در یکی از بناهای قدیمی شهر آغاز کرد. احمد انتصاری، نخستین شهردار نقدہ یک سال و نیم به فعالیت پرداخت. اقدام او در این مدت خرید سه گاری آسی برای حمل زباله و انتقال آن به خارج از شهر و شن‌ریزی در کوچه‌ها محله‌ها و سنگ‌چینی بوده است.

شهرداری نقدہ در نخستین گام‌هایش برای رسیدگی به امور

| نام و نام خانوادگی | میانگین مدیریت |
|--------------------|----------------|
| احمد انتصاری | ۱/۵ سال |
| یوسف قهرمانپور | ۱ سال |
| عزیز صدیقی | ۶ ماه |
| اسماعیل زینالی | ۲ سال |
| تقی صادقی | ۱ سال |
| محمدحسین کمالیان | ۱/۵ سال |
| سیدامان‌اله موسوی | ۶ ماه |
| اسماعیل نادری | ۷ ماه |
| علی خلخالی | ۵ سال |
| حمزه‌علی سولدوزی | ۱ سال |
| عصمت مکی | ۸ ماه |
| عبدالحسین تکرمی | ۵ ماه |
| قربانعلی حقیقی | ۳ سال |
| ایرج فرزانه | ۹ ماه |
| عباس منافی | ۳ سال |
| یوسف مهران | ۳ سال |
| داوودی مسعودی | ۱ سال |
| علی پریرزاد | ۲/۵ سال |
| محمدعلی قهرمانی | ۸ ماه |
| اژدر عینی | ۱/۵ سال |
| محمد یوسفی | ۱/۴ ماه |
| جعفر حسن‌زاده | ۱ سال و ۱۰ ماه |
| پاشاد لایری | ۱/۵ سال |
| میرصالح قائمی | ۱۰ ماه |
| محسن حسن‌نژاد | ۲/۵ سال |
| حسین پخشایشی | ۵ سال و ۲ ماه |
| مختار فتحی‌پور | ۶ ماه |
| علی حیدرپور | ۸۶/۶/۱۸ تاکتون |



بلدیه‌ی مشهد، آغاز تنظیف و روشنایی شهر

در مرداد ماه ۱۳۳۶ موسسه دفتر فنی همکاری مهندسان مشاور برای هدایت درست فعالیت‌های عمرانی و فیزیکی شهر در یک دوره ۲۵ ساله اقدام به تهیه طرح شهر مشهد در دو مرحله کرد.

ساختمان بلدیه

بلدیه در ابتدا در کوچه مجاور اداره گمرک سابق تشکیل و آغاز به کار کرد که پس از گذشت مدتی ساختمان فعلی شهرداری را مهندسان آلمانی در چهار طبقه طراحی کردند که زمان احداث آن به بیش از سال ۱۳۲۰ شمسی بازمی‌گردد اما اجرای این ساختمان به دلیل بروز پاره‌ای از مشکلات با تاخیر چند ساله و با احداث تدریجی زیرزمین و طبقه همکف و اول آغاز شد. در سال ۱۳۳۲ (ه. ش) محل شهرداری مشهد به ساختمان کنونی منتقل شد و شهردار وقت مشهد عبدالوهاب اقبال سمت غربی ساختمان را در قبایل احداث طبقه‌های دوم و سوم به مدت پنج سال به اداره کشاورزی واگذار شد پس از گذشت ۲۰ سال نزدیک به سال ۱۳۵۲ طبقه‌های دوم و سوم شرقی را شرکت ساختمانی "مالون" و با نظارت مهندس استی احداث کرد ساختمان یاد شده تا سال ۱۳۳۸ دارای چهار هزار و ۶۴۶ مترمربع مساحت بود که شهرداری در سال‌های بعد با خرید منازل اطراف اقدام به توسعه بنا کرد. هم‌اکنون عرصه ساختمان شهرداری ۷۰/۵۹۱۵ مترمربع است و ساختمان شهرداری اسکلت فلزی با نمای سنگ است.

مشهد در زمان حاضر

مشهد کنونی با حدود ۳۷۰ کیلومترمربع وسعت افزون بر دو میلیون نفر جمعیت ساکن دارد و سالانه ۱۵ میلیون نفر زائر برای زیارت به این شهر سفر می‌کنند از این رو مشهد یکی از کلانشهرهای مذهبی جهان به شمار می‌رود. شهرداری مشهد در حال حاضر دارای ۱۲ منطقه و ۱۳ سازمان مرتبط است که مسؤلیت خدمات رسانی و رفاه شهروندان را بر عهده دارند.

مشهد شهری است با قدمتی ۱۲۰۰ ساله، نام پیشین آن "سناباد" بوده که از توابع شهر نوغان بوده است. نوغان نیز در سه قرن اول هجری مرکز ولایت توس بوده است که اکنون یکی از محله‌های قدیمی شهر مشهد به شمار می‌رود. در قرن چهارم تا هشتم مشهد و توس از شهرهای مهم خراسان بودند؛ با ویرانی اولیه توس توسط مغولان در آغاز سده هفتم (۶۱۷ ق) و ویرانی نهایی آن به دست تیمور (۷۹۱ ق) جمعیت باقیمانده آن به مشهد کوچ کردند. شاهرخ تیموری که در نیمه اول سده نهم دارالحکومه‌ای به نام "چهارباغ" در مشهد ساخت. در سده نهم این شهر موقتاً مرکز حکومت تیموریان شد و بعد از هرات و سمرقند مهم‌ترین شهر خراسان بزرگ شد.

احداث دروازه و خیابان در مشهد

طی سال‌های ۹۹۷-۱۰۰۶ مشهد از سلطه ازبک‌های شیبانی صدمه زیادی دید تا این که با استقرار دوباره شاه عباس بر اریکه قدرت مشهد رو به آبادانی گذاشتند. در این زمان بود که شاه عباس برای عبور آب چشمه گاسب از داخل شهر مشهد خیابان و نهری احداث کرد؛ همچنین دو دروازه بالا خیابان و پایین خیابان در این زمان ساخته شد تا آن زمان تنها در شهرهای هرات و قزوین خیابان احداث شده بود.

تاسیس بلدیه

پس از مشروطیت براساس قانون مصوب مجلس شورای ملی مشهد در سال ۱۳۹۷ صاحب بلدیه شد. نخستین شهردار مشهد سرتیپ کاشف‌الملک بود که از سال ۱۳۹۷ تا سال ۱۳۰۰ سمت شهردار مشهد را عهده‌دار بود. در این زمان بلدیه مشهد به تنظیف شهر می‌پرداخت و روشنایی شهر را تأمین می‌کرد. انتخابات قانونی انجمن شهر براساس قانون استقلال شهرداری‌ها در سال ۱۳۳۸ ش موجب شد تا شهرداری به طور مستقل و براساس مصوبات شهر به اقدامات اصلاحی بپردازد و

| نام شهرداران | زمان شروع | زمان پایان |
|-------------------------------|------------|----------------------|
| آقای سرتیپ کاشف الملک | ۱۳۹۷ | ۱۳۰۰ |
| آقای مشیر همایون | ۱۳۰۰/۳/۴ | ۱۳۰۰/۱/۳۰ |
| آقای میرزا احمد خان صلاحی | ۱۳۰۴/۷/۱۹ | ۱۳۰۴/۷/۵ |
| آقای علی اکبر خان سورشار | ۱۳۰۴/۷/۲۹ | ۱۳۰۵/۳/۲۷ |
| آقای مصطفی خان عون جزایری | ۱۳۰۵/۵/۱۶ | ۱۳۰۶/۱/۱۵ |
| آقای مصطفی خان دفتر | ۱۳۰۶/۱/۱۵ | ۱۳۰۶/۶/۴ |
| آقای بدیع اله خان نیلی | ۱۳۰۶/۶/۵ | ۱۳۰۶/۱۲/۶ |
| آقای میرزا عبدالله سبا | ۱۳۰۶/۱۲/۷ | ۱۳۰۷/۱/۸ |
| آقای میرزا رحیم خان فاطمی | ۱۳۰۷/۱/۹ | ۱۳۰۷/۲/۹ |
| آقای میرزا علیرضا صبا | ۱۳۰۷/۲/۹ | ۱۳۰۸/۶/۱۰ |
| آقای احمدخان خجسته | ۱۳۰۹/۱/۱ | ۱۳۰۹/۴/۲۰ |
| آقای محمد خان هادی | ۱۳۰۹/۴/۲۰ | ۱۳۱۱/۴/۱ |
| آقای دکتر موسی خان جوان | ۱۳۱۱/۴/۱ | ۱۳۱۲/۴/۳۰ |
| آقای میرزا تقی خان خواجه نوری | ۱۳۱۲/۶/۱ | ۱۳۱۲/۱۰/۲۱ |
| آقای موسی خان مهام | ۱۳۱۲/۱۰/۲۱ | ۱۳۱۲/۷/۲۰ |
| آقای دکتر ابوالقاسم شیخ | ۱۳۱۲/۹/۱ | ۱۳۱۴/۱۰/۲۰ |
| آقای حسین عماد ممتاز | ۱۳۱۴/۱۰/۳۰ | ۱۳۱۵/۳/۲۶ |
| آقای ابراهیم شریفی | ۱۳۱۵/۳/۲۶ | ۱۳۱۶/۱/۲۹ |
| آقای محمد علی روشن | ۱۳۱۶/۲/۲۵ | ۱۳۱۹/۸/۲۰ |
| آقای شاهوخ نیری | ۱۳۱۹/۸/۲۲ | ۱۳۲۰/۱۲/۱۰ |
| آقای نصرت اله خواجه نوری | ۱۳۲۰/۱۲/۱۰ | ۱۳۲۴/۸/۱۰ |
| آقای عبدالعظیم احمدی | ۱۳۲۴/۸/۱۰ | ۱۳۲۷/۵/۲۷ |
| آقای سعید مهدوی | ۱۳۲۴/۵/۲۸ | ۱۳۲۸/۶/۳۱ |
| آقای اسدالله قهرمان | ۱۳۲۸/۸/۱۷ | ۱۳۳۹/۱۰/۲۷ |
| آقای اسدی (قهرماندار مشهد) | ۱۳۳۹/۱۰/۲۷ | ۱۳۳۰/۱/۳۰ (سرپرست) |
| آقای عبدالوهاب اقبال | ۱۳۳۰/۱/۳۱ | ۱۳۳۲/۱۰/۱۹ |
| آقای عبدالوهاب اقبال | ۱۳۳۲/۱۱/۱۰ | ۱۳۳۳/۱۱/۱۷ |
| آقای اسدالله قهرمان | ۱۳۳۴/۱۱/۱۷ | ۱۳۳۵/۱۰/۵ |
| آقای محمود روحانی | ۱۳۳۵/۱۰/۱۸ | ۱۳۳۶/۵/۱۷ |
| آقای سرهنگ سید محمد جلالی | ۱۳۳۶/۶/۱۱ | ۱۳۳۸/۵/۱۰ |

| | | |
|----------------------|------------|-------------------------------|
| ۱۳۳۹/۹/۱۵ | ۱۳۳۸/۶/۶ | آقای علی اشرف پیرشکیور |
| ۱۳۳۹/۹/۱۵ | ۱۳۳۸/۶/۶ | آقای علی اشرف پیرشکیور |
| ۱۳۴۰/۱۱/۹ | ۱۳۳۹/۹/۲۸ | آقای رضا سجادی |
| ۱۳۴۲/۲/۸ | ۱۳۴۰/۱۱/۱۱ | آقای عیسی قائم مقام رضوی مشار |
| ۱۳۴۲/۷/۷ | ۱۳۴۲/۲/۸ | آقای حبیب الله ملک زاده اصلی |
| (سرپرست) ۱۳۴۳/۳/۱ | ۱۳۴۲/۵/۹ | آقای محمد شعبانزاده |
| ۱۳۴۵/۴/۳۰ | ۱۳۴۳/۳/۲ | آقای مهندس سید جواد شهرستانی |
| ۱۳۴۶/۳/۱۴ | ۱۳۴۵/۵/۱ | آقای سیف الله رزقی |
| ۱۳۵۰/۳/۶ | ۱۳۴۶/۴/۱۵ | آقای سرتیپ محمد بنی اعتماد |
| ۱۳۵۱/۶/۷ | ۱۳۵۰/۴/۶ | آقای دکتر امیر هوشنگ معتمدی |
| ۱۳۵۲/۸/۳ | ۱۳۵۱/۶/۱۱ | آقای مهندس مسعود مهدوی |
| ۱۳۵۲/۳/۱۴ | ۱۳۵۲/۸/۳ | آقای محمد رهبر |
| (سرپرست) ۱۳۵۴/۶/۱ | ۱۳۵۴/۳/۱۴ | آقای بهمن طاهریان |
| ۱۳۵۵/۷/۳۰ | ۱۳۵۴/۶/۱۶ | آقای رضا سجادی |
| ۱۳۵۶/۱/۱۹ | ۱۳۵۵/۸/۱۲ | آقای مهندس مسعود مهدوی |
| ۱۳۵۷/۴/۴ | ۱۳۵۶/۲/۱۸ | آقای مهندس سعید نجف پور |
| ۱۳۵۷/۱۲/۲۸ | ۱۳۵۷/۴/۸ | آقای یوسف چوبک |
| ۱۳۵۸/۹/۴ | ۱۳۵۷/۱۲/۲۸ | آقای مهندس جمشید منصوریان |
| ۱۳۵۹/۱۲/۴ | ۱۳۵۸/۹/۲۸ | آقای مهندس جواد حسینی مهر |
| ۱۳۶۰/۶/۲۲ | ۱۳۵۹/۱۲/۴ | آقای حسین فیضی |
| ۱۳۶۴/۱۲/۴ | ۱۳۶۰/۶/۲۴ | آقای اکبر صابری فر |
| ۱۳۶۶/۹/۲۲ | ۱۳۶۴/۱۲/۴ | آقای محمود حبیبی |
| ۱۳۶۸/۱۰/۱۲ | ۱۳۶۶/۹/۲۵ | آقای مهندس محمد عصاران دربان |
| ۱۳۷۱/۶/۱۴ | ۱۳۶۸/۱۰/۱۲ | آقای اکبر صابری فر |
| (سرپرست) ۱۳۷۷/۸/۱۳ | ۱۳۷۷/۶/۱۵ | آقای علیرضا هوشنگ نژاد |
| ۱۳۷۷/۶/۳۰ | ۱۳۷۷/۸/۱۲ | آقای مهندس عباس امیری پور |
| (سرپرست) ۱۳۷۷/۷/۲۰ | ۱۳۷۷/۶/۳۱ | آقای هادی قمصریان |
| ۱۳۷۸/۲/۱۴ | ۱۳۷۷/۷/۳۱ | آقای محمد زند وکیلی |
| (سرپرست) ۱۳۷۸/۲/۳۱ | ۱۳۷۸/۲/۱۴ | آقای هادی قمصریان |
| ۱۳۸۲/۳/۱ | ۱۳۷۸/۳/۱ | آقای احمد نوروزی |
| آگون | ۱۳۸۲/۳/۱ | آقای سید هاشم بنی هاشمی چهارم |



تصویب نامه‌ی تشکیلات اداری بلدیہ‌ی تهران

بررسی قانون بلدیہ در دوره‌ی نخست وزیری سید ضیاءالدین طباطبایی

• پژوهشگر: مریم بیژنی
کارشناس ارشد تاریخ

ضیاءالدین طباطبایی تحقق علمی یافت پس از روی کار آمدن سید ضیاءالدین طباطبایی تصویب نامه‌ی جدیدی برای اداره‌ی بلدیہ‌ی تهران به تصویب هیئت دولت رسید و بلدیہ تحت نظر دولت قرار گرفت. در این مقاله این تصویب نامه و پیامدهای آن بررسی خواهد شد.

همزمان با روی کار آمدن دولت سیدضیاءالدین طباطبایی، اداره بلدیہ به دلیل مسائل و مشکلاتی که گریبان گیرش بود، عملکرد چندان هم‌افزایی با قانون نداشت. با توجه به این موضوع و متن اعلامیه‌ی سیدضیاءالدین طباطبایی که در ابتدای متن آمد به نوعی دولت کودتا از ناآرامی اداره بلدیہ استفاده کرد و آن را تحت کنترل قرار داد. این کار با تنظیم تصویب نامه‌ی جدیدی برای تشکیلات اداری بلدیہ‌ی تهران عینی شد. این تصویب نامه با عنوان تصویب نامه‌ی تشکیلات اداری بلدیہ تهران، به اهتمام عوام قدیم و جدید بلدیہ در تاریخ سیم برج حمل (فروردین) تحلیقی ژیل ۱۳۰۰ در هیئت وزیران بنا بر پیشنهاد و تقاضای سیدضیاءالدین طباطبایی (رئیس الوزرا) در ۱۴ ماده به تصویب رسید. ویژگی کلی این تصویب نامه نقش دولت در اداره‌ی امور بلدیہ است. چنان که در ماده یک این نظامنامه آمده است: در ریاست عالیہ تشکیلات بلدیہ تهران تا

برای این مقصود بلدیہ‌ی معاصری با تشکیلات وسیع و مهمی تأسیس خواهد شد که پایتخت ایران منطقی شایسته‌ی کرسی یک دولت شاهنشاهی را داشته باشد و فلاکت های بی حد و حصر سکنه‌ی آن حائمه یابد. همین قلام نسبت به سایر بلاد ایران به عمل خواهد آمد؛ زیرا نباید محروم از نعمتی باشند که پایتختی از آن متمتع است.

قسمتی از اعلامیه‌ی رئیس الوزرا سید ضیاءالدین طباطبایی بعد از کودتای ۱۲۹۹، در زمینه‌ی رسیدگی به امور بلدیہ:

تصویب قانون بلدیہ در سال ۱۳۲۵ قمری / ۱۳۸۶ شمسی، از دستاوردهای مهم قانون مشروطه بود که راه را برای اداره‌ی شهر به وسیله‌ی منتخبان مردم باز کرد. هرچند این کار در مرحله‌ی عمل به دلیل مشکلات زیاد و چالش های سیاسی در جامعه‌ی ایران عصر مشروطیت مطابق با آرمان های قانونی آن پیش نرفته اما گامی مهم برای اداره‌ی شهر به شیوه‌ی نوین بود؛ البته افزون بر عوامل بالا، مشکلاتی مانند کمبود بودجه و دخالت نظرات شخصی در اداره‌ی بلدیہ از موانع پیشرفت در اداره بلدیہ بود که به اعتبار قانونی آن آسیب زد و راه را برای اعمال نظر قدرت از بالا و در سطح هیئت حاکمه هموار کرد. این مسأله با کودتای ۱۳۹۹ توسط سید

زمان خاتمه تشکیلات تحت نظر مستقیم ریاست وزرا خواهد بود. " پیرو همین ماده دولت امور بلدیة تهران را تحت نظر قرار داد و انتخاب اعضای انجمن بلدی از سوی مردم؛ چون در این تصویب نامه پیش بینی نشده بود به جای آن سیدضیاءالدین کمیسیونی برای اداره ی بلدیة تحت ریاست خودش تشکیل داد تا اصلاحات بلدیة را به انجام رساند. وابستگی بلدیة به دولت و تأیید قانونی آن از نظر اعتبار بلدیة نزد مردم کاسته و حاضر به همکاری با دولت نمیشوند؛ به همین دلیل در ماده ی ۴ استقلال بلدیة از تشکیلات سیاسی به رسمیت شناخته تشکیلات بلدیة کاملاً مستقل و باید یکلی خارج از محیط تشکیلات سیاسی باشد؛ و این به نوعی در تضاد با اقدامات دولت بوده به همین دلیل از دیدگاه علمه مردم بلدیة اداره ی دولتی بوده است.

در ماده ی ۲ این تصویب نامه تشکیلات ادارات بلدیة تهران و دوایر آن توضیح داده شده است که مطابق این ماده بلدیة ی تهران دارای این ادارات بوده است: ۱-اداره ی مرکزی ۲-اداره ی محاسبات ۳- اداره ی صحیه و معاونت عمومی ۴- اداره ساختمان مهندسی و تنظیف ۵- اداره ی امور خیریه ۶-اداره ی اوقاف. نکته ی مهم این ادارات تابعه گستردگی در مورد این ادارات تابعه گستردگی وظایف هر کدام از اینهاست چنانکه شرح وظایف تعدادی از این ادارات چنان تطابقی با اسم آنها ندارند احتمالاً چون میخواسته اند ادارات تابعه با توجه به گستردگی وظایف بلدیة زیاد نشود این کار را انجام داده اند.

وظایف عدهی ادارات تابعه بلدیة به این ترتیب است:

۱-اداره مرکزی: ثبت نامه های اداری رسیدگی به امور کارکنان تنظیم آرشيو (حسابگانی)، اداره بلدیة و دریافت عواید
 ۲-اداره ی محاسبات، نگاهداری اوراق بهادار و اعضای همه ی حوالجات و صدور قبضهها و رسیدگی به همهی محاسبات اداره ی بلدیة

۳-اداره ی صحیه و معاونت عمومی به نظارت بر کار دواخانه ها، اداره ی مریض خانه ها

[= بیمارستان + درمانگاه] بلدی، رسیدگی به بهداشت معابر، محله ها، حمام، قهوه خانه ها و...

۴-اداره ی ساختمان مهندسی و تنظیف، رسیدگی به ساخت خیابانها و کوچه های شهری، پاکیزگی شهر و اداره باغها و تفریحگاه های عمومی و نظارت بر وسایل نقلیه و قناتها

۵- اداره امور خیریه، تأسیس و اداره کردن دارالایتم [=پرورشگاه] و دارالمساکین [=نوانخانه] کارخانه جات بلدی، تهیه خانه های ارزان، جمع آوری نیازمندان، تهیه برنامه برای پیدا کردن کار برای بیکاران

۶- اداره اوقاف، نظارت و اداره کردن اوقاف عمومی و جلوگیری از اجتناک، تأسیس مغازه ها و دکان هایی برای در اختیار گذاشتن اوقاف به قبضت ارزان در اختیار مردم، اداره خیرخانه

[= نانوایی]، قصابخانه ها، تهیه احصایه [=امار] بلدی، اداره سجل احوال و اداره ی نشریات بلدی

در این تصویب نامه در ماده ی ۶ ناگید بر انتشار روزنامه ی بلدی برای در جریان قرار گرفتن مردم از امور بلدی شده است.

همچنین با توجه به کمبود بودجه بلدیة مواردی از این تصویب نامه به تعیین منابع مالی بلدیة اختصاص داده شده است. " سهمیه این تصویب نامه جدول مالیات های شهری را آورده است که با توجه به این جدول از وسایل نقلیه شهری، دروازه ها، محصولات باغ ها که در شهر به فروش میرسید، لبنیات، مالاتجاره [کالاها ی بازرگانی] مانند قند، برنج، احتیاف و... مالیات دریافت میشده است تصویب این تصویب نامه بیشتر در جهت بوده که به دولت برای اداره بلدیة کمک کند و از آوردن مواردی مانند نحوه ی تشکیل انجمن بلدیة و برگزاری انتخابات برای آن خودداری شده؛ زیرا با ماهیت دولت کودتا هماهنگ نبوده و موجب در دسر برای آن میشده است. در مدت کوتاه دولت سه ماهه سیدضیاءالدین طباطبایی چون هدف دولت از نظارت بر بلدیة بهبود در وضعیت شهر تهران بوده اقدامات مهمی در زمینه ی جمع آوری کودکان بی سرپرست، زیباسازی شهر، تأمین اوقاف و بهداشت و پاکیزگی شهر انجام داده اند. در واقع نخستین اقدامات جدی و علمی برای بهبود وضعیت شهر تهران بعد از پیروزی مشروطیت از این زمان آغاز شد. با وجود آنکه سیدضیاءالدین طباطبایی در مدت کوتاه دولت خود سعی کرد با اعمال قدرت از بالا وضعیت شهر تهران را بهبود بخشد اما ترقیاتی هایی از کار وی در میان مردم به دلیل استبدادی بودن دولت و دریافت مالیات های سنگین (به دلیل کمبود بودجه) شکل گرفت و این موضوع وجه مشترک در دولت های ایران در تاریخ این مرز و بوم بوده، معمولاً هر حکومت یا استبداد و اعمال قدرت از بالا خواسته اقدامات مفیدی انجام دهد یا نگرش منفی مردم نسبت به کارهای خود روبرو شده و نتوانسته اند بر همکنش و ارتباط خوبی را با مردم برقرار کنند. هر چند دولت سیدضیاء الدین طباطبایی اقدامات مفیدی برای بهبود وضعیت شهر تهران انجام داد اما تنظیم این تصویب نامه پایه ی نخستین دخالت رسمی دولت در امور بلدیة (شهرداری) را پس از پیروزی مشروطه فراهم کرد و به استقلال آن نقطه زد. سیدضیاءالدین طباطبایی در ۴ خرداد ۱۲۰۰ (پس از سه ماه زمیاسازی) به فرمان احمد شاه از مقامش برکنار شد.

نتیجه گیری

تنظیم تصویب نامه بلدیة ی تهران به وسیله دولت سیدضیاءالدین طباطبایی یانگر ناکار آمدی نظام سیاسی ایران پس از مشروطه است زیرا در طی یک نظام سیاسی که دارای همگرایی و وحدت رویه ی سیاسی نبود نهادها و ادارات قانونی مانند بلدیة بیشترین ضربه را دیدند و اداره ی بلدیة با دیدگاه اقتدارگرا و از بالا توسط سیدضیاءالدین طباطبایی محصول چنین نظامی است تجربه نظارت دولت کودتا بر امور بلدیة ی تهران به خوبی نشان می دهد دولت مسکن است به دور از نمایندگان مردم و مشارکت شهروندان و با استفاده از نخنگان اداری برنامه ریزی های خوبی برای امور شهری انجام دهد اما متولی خوبی برای اداره ی امور شهری نخواهد بود، زیرا حتی اگر با اقتدار و سلطه برنامه های مفیدی هم اجرا شود، وقتی که زمینه های پذیرش مشارکت مردمی را نداشته باشد موفقیت چندانی در پی نخواهد داشت و بدین ترتیب حضور و نقش شهروندان در اداره ی امور شهری کم رنگ میشود و درگ درستی از مشکلات دولت در ارتباط با برنامه ریزی های شهری به وجود نخواهد آمد.

پینوشت

- ۱- همین مسئله اقویان میرزا
- ۲- در این بخش آمده است نام از دولت
- ۳- کتب و یادداشت ها به کوشش
- ۴- سیدضیاء و روح افشار تهران
- ۵- سیدضیاءالدین، ۱۲۷۹، ص ۵۹۲
- ۶- سیدضیاءالدین، ص ۵۹۲
- ۷- سیدضیاءالدین، ص ۵۹۲
- ۸- سیدضیاءالدین، ص ۵۹۲
- ۹- سیدضیاءالدین، ص ۵۹۲
- ۱۰- سیدضیاءالدین، ص ۵۹۲



شماره
تاریخ

شهروند کوچولوی عزیز

به شهر ما خوش آمدی پوئر است از هم اکنون به فکر
شهر خودت باشی چون قرار است مدت مدیدی در آن
زندگی کنی ما تو را به مشارکت شما در ایجاد شهری زیبا
و پر نشاط نیاز داریم.

خدا رو
شکر (نقده)

Welcome

شهران اسامی شهر نقده
(شماره ۰۰۰۰۰۰۰۰)

● لیلا محمندی

شهروند کوچولوی عزیز

شهروند کوچولوی عزیز به شهر ما خوش آمدی بهتر است از هم اکنون به فکر شهر خودت باشی چون قرار است مدت مدیدی در آن زندگی کنی ما تو را به مشارکت شما در ایجاد شهری زیبا و پر نشاط نیاز داریم. یک کار زیبا خوشامد به شهروندان آینده ی شهر شهرداری نقده با کارتهایی ورود نورآذان شهر را به جمع شهروندان به زبانی دلنشین به آنان خوشامد می گوید: به تازگی که شهرونداندهی شهر نقده خواهد بود. این کار بینانند گذشته از طراحی زیبا و توشتهای پاکیزه، سودمندی هایی دارد که میتوان در پسايشتان دید:

۱) به این نوباره نشان خواهد داد که شهرداری نخستین نهادی است که با او به نام شهروند پیوند همیشگی بسته است.

۲) با دیدن و خواندن این کارت، نخستین پرسش ها دربارهی شهر، شهرداری، مشارکت و شهردار و شهردار شهری از ذهن کوچولوی آینده (نورآذان کنونی) چهره خواهد بست.

۳) این کارت بهترین پایه ی آماری برای شهرداری، درباره شهروندان خود خواهد بود که بیگمان نیاز به برنامه ریزی های آینده نگرانه ای دارد.

۴) این کارت نهاد هویت بخشی به شهروند، ارج نهادن به وجود او در شهر خواهد بود. نشان میدهد که مدیران شهری، این شهروند کوچک را هموند خود میشناسند و او را همواره در هر کار و اقدام شهری در نظر میگیرند و به او احترام میگذارند.

۵) این گام زیبا میتواند با بررسیهای بیشتر، در سراسر این سرزمین نهادینه شود.

ماهنامه شهرداری ها این حرکت زیبا را به شهرداری، شهردار و شورای نقده تسادباش میگوید.

تاریخ تولد

نمون به فکر

ریدی در آن

شهری زیبا

هیدر پور

شهردار نقده





• دکتر محسن تباری
استادیار و مدیر گروه جامعه‌شناسی دانشکده کاشان
• محمد کارکن نصرآبادی
کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و پژوهشی دانشکده کاشان

(با نگاهی به تاریخ شهرداری‌ها در ایران)

تیین جامعه‌شناختی مشارکت شهروندان در امور شهری

چکیده:

درآمد، حقوق و تکالیف ویژه و متمایز از دولت دارد. در این نوشتار به این موضوع پرداخته شده که مشارکت اجتماعی شهروندان در امور شهری از اصول بسیار مهم موفقیت شهرداری‌ها است که این امر مستلزم شرایط و ویژگی‌های خاصی است که باید فراهم گردد تا مشارکت تحقق یابد.

مقدمه

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد، سابقه مدنیت و شهروندی در ایران یکی از طولانی‌ترین سوابق شهروندی در جهان است و این بیانگر قدمت دانش و تجربه مدیریت شهری در سرزمین کهن ایران است. اما با وجود چنین سابقه درخشانی، مناسبانه تصور وضع موجود سیستم مدیریت شهری در ایران، تصویر مغشوش و نامتعادل بوده که با وجود تغییرات حاصل در مقتضیات زندگی امروزی، پیچیده شدن مسائل شهری و گسترش حیطه وظایف و مسئولیت شهرداری‌ها، هنوز هم قانون مصوب ۱۳۳۲ (با وجود اصلاحات و افاضات متعدد) به عنوان قانون اصلی در شهر وظایف شهرداری‌ها تلقی می‌گردد.

امروزه شهرداری در ایران به جای آن که سازمانی فرابخشی باشد همچنان که در کشورهای متمدن مرسوم است، تبدیل به سازمانی شده که یا از دست دادن تدریجی بخشی از وظایف و اختیارات خود، وظایف بدون متولی و یا

سابقه شهروندی در ایران، بسیار طولانی‌تر و فراتر از عمر ۱۰۰ ساله آن است. نگاه تاریخی نشان می‌دهد، ایران جزء کشورهایی است که بیشترین تعداد شهرها را در دوران پیش از اسلام و حتی پیش از تاریخ شهر سوخته داشت. از زمان هخامنشیان تا عصر ساسانیان، سپس در دوران اسلامی، در هر دوره زمانی شهرهایی مانند هگمتانه، سروستان، گیزخواست و حتی بسیار قدیمی‌تر از آن، "سیلک" که به عصر سفالینه‌ها باز می‌گردد، به وجود آمد. این سابقه تاریخی نشان می‌دهد که ایران در مدیریت شهری صاحب سبک است و حرفی برای گفتن دارد. شهرها بر اثر عوامل مختلف مذهبی، امنیتی، اقتصادی، سیاسی و اداری به وجود آمده و یا توسعه و گسترش یافته‌اند. شهر به عنوان یک پدیده انسانی، اقلیمی و اقتصادی، اجتماعی مطرح می‌شود که در پستو تاریخ در شرایط معینی متولد و در شرایط خاصی به زندگی خود ادامه می‌دهد، رشد می‌کند و تغییر می‌پذیرد.

شهرداری مؤسسه مستقل و عمومی است که برای اداره امور محلی از قبیل عمران، آبادی، بهداشت شهر، تأمین رفاه، آسایش اهالی شهر و نه عنوان زیستگاهی مطلوب برای شهروندان تأسیس شده است و مردم در اداره این امور مستقیماً شرکت و دخالت دارند. شهرداری دارای شخصیت حقوقی، استقلال مالی و اداری است و از خود اموال، بودجه،



متناسب با شرایط و اوضاع سیاسی، اجتماعی کشور و الزامات جدید در مدیریت شهری، مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفته لیکن اصلاح عمده در سال ۱۳۳۳ و اصلاحات جزئی در سالهای ۱۳۳۵، ۱۳۵۲، ۱۳۵۴، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹ صورت گرفت. روند تأسیس شهرداری‌ها در ایران همواره از تحولات سیاسی، اجتماعی تأثیر پذیرفته است. به‌طوری‌که می‌توان فاصله زمانی تصویب قانون بلدیہ (۱۲۸۶ ش) تا زمان حاضر را از لحاظ تأسیس شهرداری‌ها به شش دوره تقسیم کرد:

- ۱- دوره اول از سال ۱۲۸۶ تا ۱۳۰۴
 - ۲- دوره دوم از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰
 - ۳- دوره سوم از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲
 - ۴- دوره چهارم از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷
 - ۵- دوره پنجم از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۲
- دوره ششم از سال ۱۳۷۲ تا زمان حاضر

در اواخر قرن سوم (ه. ق) برای انجام و اداره امور شهری دایره احتسابیه یا دو شعبه احتساب و تنظیف تشکیل شد اما سازمان شهرداری با مفهوم امروزی از زمان تشکیل حکومت مشروطه (دوران قاجار) با تصویب قانون بلدیہ مصوب ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ ه. ق (۱۲۸۶ ش) یا به عرصه وجود نهاد. این قانون در ۵ فصل و ۱۰۸ ماده تنظیم و تصویب شده بود که در فصل چهارم، چگونگی سازمان بلدیہ، تقسیم کار، وظایف و حدود اختیارات اعضای انجمن و واحدهای سازمانی تابعه، نحوه اعمال نظارت و مداخله حاکم را در امور بلدیہ تعیین نموده بود و در ماده ۹۲ آن بر لزوم وجود شخصی به عنوان کلانتر

اسرزه شهرداری در ایران به جای آن که سازمانی فرابخشی باشد، همچنان که در کشورهای متقدم مرسوم است، تبدیل به سازمانی شده که با از دست دادن تدریجی بعضی از وظایف و اختیارات خود، وظایف بدون متولی و یا وظایفی را که اصطلاحاً بر زمین مانده‌اند را برعهده گرفته

(شهردار)، که اداره امور بلدیہ را به عهده بگیرد، اشاره شده است. با نسخ قانون مذکور در سال ۱۳۰۹ ه. ش قانون دیگری با ضوابط جدید و متناسب با افزایش اعتبارات و امکانات مالی شهرداری‌ها تصویب شد و وزارت کشور، سرپرستی ادارات بلدیہ را برعهده گرفت. در سال ۱۳۱۲ ه. ش وزارت کشور برای اینکه اصلاحات شهری به خوبی انجام شود و همه ی امور فنی و شهرسازی شهرها زیر نظر مهندسان کارآزموده و با برنامه درست انجام گیرد، با تقدیم لایحه‌ای به مجلس شورای ملی موجبات تشکیل اداره کل فنی را در وزارتخانه فراهم کرد و بعد از سال ۱۳۲۰ ه. ش اداره مزبور به اداره کل امور شهرداری‌ها تبدیل گردید، سپس براساس قانون ۱۳۲۸ (ه. ش) با اعطای اختیاراتی به انجمن شهر، از نظر سیاسی و اجتماعی تحولاتی در وضع شهرها به وجود آمد. به دنبال گسترش شهرها و افزایش جمعیت و به تبع آن تنوع نیازها و احتیاجهای شهروندان، وظایف و فعالیت شهرداری‌ها نیز تنوع و گسترش بیشتری یافت، به گونه‌ای که امروزه از شهرداری‌ها به عنوان بزرگترین و متنوع‌ترین سازمان خدماتی شهری نام می‌برند. شایان ذکر است نخستین شهرداری در ایران در سال ۱۲۸۶ (ه. ش) در تهران تأسیس گردیده و در

وظایفی را که اصطلاحاً بر زمین مانده‌اند را برعهده گرفته و توافقی را هم دربارهی محدودهی وظایف مذکور با سازمان‌های ذیربط دولتی حاصل نیامده است و از سوی دیگر روز به روز توقعات عمومی و حتی انتظارات مسؤولان دولتی از شهرداری رو به افزایش است که در جامعه منتهی، نهادهایی که موجودیت خود را از آرام و تمایلات مردم کسب می‌کنند. در حقیقت باید به نمایندگی از مردم، نقش مؤثری در اداره امور محلی ایفا نمایند و به واسطه وجود شورای شهر، مردمی و غیردولتی بودن مهمترین ویژگی شهرداری‌ها به شمار می‌رود. اما به دلایل فراوان سیستم مدیریت شهری و شهرداری‌ها در ایران تاکنون انتظارات به حق مردم را محقق نساخته است. از طرف دیگر یکی از مهم‌ترین شرایط توسعه شهری و پیشرفت در امور شهری، مشارکت شهروندان در امور شهری است. بنابراین در این نوشتار با بررسی و تبیین جامعه شناختی مجموعه عناصر مؤثر در مدیریت شهری به ویژه شهرداری سعی شده است تا به جایگاه اصلی مشارکت اجتماعی در مدیریت شهری پرداخته شود.

تاریخچه شهرداری در ایران:

پیشینه شهرنشینی در ایران به هزاره چهارم پیش از میلاد بازمی‌گردد. از چگونگی اداره عمومی شهرها در دوران پیش از اسلام آگاهی چندانی در دست نیست؛ در دوران اسلامی نیز تا زمان حکومت سلسله قاجاریه، مدیریت شهرها با «حتسب»، «کلانتر» و «داروغه» شناخته شده است. «حتسب» در اصطلاح اداری و اسلامی

به معنی رسیدگی به کار بازار، کوی و برزن، خرید و فروش، منع از تقلبات کسبه و اصناف و کارهایی مانند آن است که از لحاظ تشکیلات اداری جدید، قسمت‌هایی از وظایف شهرداری، شهریانی و داندستانی را در برمی‌گیرد. در سال ۱۲۵۸ شمسی پس از بازگشت ناصرالدین شاه از سفر اروپا، برای نخستین بار فکر ایجاد شهرداری در ایران رونق گرفت. ناصرالدین شاه که در سفر اروپا، تشکیلات شهرداری را مورد ملاحظه قرار داده بود، برای اصلاح امور داخلی کشور تصمیم گرفت تا سازمانی با همین نام تأسیس کند و رسیدگی به روشنایی، نظافت و امور ارزاق شهر را به آن واگذار نماید.

همزمان با تحولات سیاسی، اجتماعی که به سبب انقلاب مشروطه در ساختار نظام حکومت استبدادی به وقوع پیوست لزوم واگذاری امور مردم به خود آنان آشکار شد و ضرورت تشکیل نوعی نهاد محلی که با بافت فرهنگی، قومی و بومی هماهنگی داشته باشد و مرجع ارائه خدمات به مردم و رسیدگی به مشکلات محلی از طریق انتخابات محلی باشد، احساس گردید. از همین رو در سال ۱۲۸۶ شمسی قانونی تحت عنوان تشکیل بلدیہ در ۱۰۸ ماده از تصویب مجلس شورای ملی گذشت و به اجرا گذاشته شد. این قانون بعدها



مجموع تا پیش از انقلاب اسلامی تعداد ۲۵۳ شهرداری در کشور تأسیس شد که بیشترین تعداد شهرداری، در استان‌های اصفهان و مازندران (هر کدام ۳۶ شهرداری) و کمترین تعداد شهرداری در استان کهگیلویه و بویراحمد (۴ شهرداری) وجود داشت و در حال حاضر ۲۰۰ شهرداری در کشور فعال هستند.

وجه تسمیه شهرداری‌ها:

شهرداری از نظر لغوی از دو کلمه "شهر" و "داری" تشکیل گردیده که "داری" به معنی اداره و مدیریت و "شهر" پس از سال ۱۳۶۲ به جایی که دارای شهرداری باشد، اطلاق می‌گردد؛ بنابراین از نظر لغوی شهرداری را می‌توان سازمان اداره شهر دانست و در اصطلاح، شهرداری به واحدی گفته می‌شود که به منظور اداره امور محلی و ارائه خدمات عمومی مور نیاز شهروندان در یک مرکز جمعیتی یا ویژگی‌های شهری تشکیل می‌شود.

مشارکت شهروندان در امور مدیریت شهری (شهرداری‌ها):

نکته مهم قابل ذکر درباره‌ی عملکرد شهرداری‌ها این است که دلایلی وجود دارد که به عنوان عوامل ضعف و چالش شهرداری‌ها مطرح هستند که قبل از ورود به بحث مشارکت اجتماعی شهروندان در امور شهری فهرست وار به آن پرداخته می‌شود:

۱- نامشخص بودن جایگاه اصلی شهرداری‌ها به عنوان سازمانی مردمی و فرایختی در نظام مدیریت شهری، به دلیل وجود ابهامهایی در چگونگی تعامل، هماهنگی و ارتباط آن با سازمان‌ها و اداره‌های متعلق به نظام اداری مرکزی.

۲- عدم تطابق بین وظایف و مسؤولیت‌های متنوع شهرداری‌ها با مجموعه امکانات و اختیارات قانونی آنها.

۳- عدم تطابق بین ساختار سازمانی و شرح وظایف شهرداری‌ها با پدیده‌ها، مشکلات و مقتضیات زندگی مدرن امروزی.

۴- یکسان بودن شهر وظایف شهرداری‌ها در سراسر کشور بدون توجه به تنوع و تفاوت اساسی

بین مردم جوامع گوناگون شهری در ایران.

بنابراین مشارکت اجتماعی شهروندان در امور شهری می‌تواند بسیاری از مشکلات و چالش‌های شهرداری‌ها را در امر خدمت‌رسانی به

مردم و نیز توسعه شهری در بردارد. نظریه‌های مشارکت توضیح می‌دهد که چرا بعضی گرایش بیشتری به مشارکت دارند و بعضی میل کمتری دارند؟ در این رابطه دو نوع نظریه وجود دارد.

۱- نظریه‌هایی که از دیدگاه شناختی، و ریشه در اندیشه‌های ماکس وبر دارد. در این نظریه‌ها به سیستم اعتقادات، باورها،

گرایش‌ها و اندیشه‌های فرد تأکید می‌شود. فرضیه مهم این نظریه عبارتند از اینکه اگر مشارکت به عنوان یک کنش اجتماعی در نظر گرفته شود، این کنش برخاسته از وجوه فرهنگی هر جامعه است و تحت عناصر گوناگون موجود در سیستم فرهنگی جامعه است. بنابراین تصویر، پنداشت نوع عقیده و نظر فرد از مشارکت در میزان مشارکت فرد مؤثر است. در واقع هنگامی که میزان مشارکت فرد یا تمایل فرد برای مشارکت در جامعه کم است ریشه آن در سیستم دیدگاه‌های جامعه و فرد در ارتباط با فرهنگ باورها و تصویری که فرد به محیط پیرامون خود دارد، برمی‌گردد؛ یعنی یک نوع بی‌قدرتی و احساس بی‌قدرتی در فرد به وجود می‌آید که خود عامل مهم برای کاهش مشارکت افراد است. افرادی که احساس بی‌قدرتی می‌کنند، اعتماد به نفس خود را نیز از دست می‌دهند و احساس می‌کنند که حضور و عدم حضور آنها در فرآیندهای اجتماعی تاثیری ندارد؛ بنابراین در عرصه اجتماع کمتر فعالیت مشارکتی دارند.

۲- دسته دوم نظریات بر جنبه رفتاری تأکید دارند و به سود و زیان مشارکت می‌پردازند؛ یعنی پاداش‌ها و محازات‌هایی که در قبال انجام یک رفتار نصیب یک شخص می‌شود، تعیین‌کننده ادامه رفتار او و میزان مشارکت او است؛ به عبارت دیگر برای این افراد این امر مهم است که در قبال انجام دادن رفتار و یا مشارکت در جامعه چقدر آن‌ها را تنبیه می‌کند یا پاداش می‌دهد. بنابراین این نوع مشارکت‌ها در حیطه نظریات مبادله و روانشناسی اجتماعی جای می‌گیرند. مشارکت اجتماعی در کل عبارت است از: شرکت فعال و سازمان یافته افراد و گروه‌های اجتماعی در امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه است؛ به نحوی که:

۱- حداکثر قدرت جمعی از طریق بسیج همه امکانات و قوای جمع حاصل آید.

۲- این قدرت جمعی در راستای نیل به مصالح، علایق و منافع جامعه جهت‌گیری شود.

۳- از طریق مشارکت همه جانبه افراد و گروه‌های اجتماعی، پیوندها و انسجام اجتماعی استحکام یابد.

۴- امکان بلوغ و شکوفایی استعدادها و تکامل و توسعه فردی و اجتماعی فراهم آید.

سازمان شهرداری با مفهوم امروزی از زمان تشکیل حکومت مشروطه (دوران قاجار) با تصویب قانون بلدیه تصویب ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۲۵ هـ. ق. (۱۳۸۶ ش) پا به عرصه وجود نهاد

نتایج مثبت مشارکت مردمی:

اصولاً مشارکت شهروندان در اداره امور شهر نتایج مثبتی را به دنبال دارد که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: کاهش محدودیت‌ها و مشکلات مدیریت شهری به ویژه شهرداری‌هایی که با کمبود یا نبود نیروی متخصص و منابع مالی مواجه هستند؛ چرا که جلب مشارکت مردم باعث رفع بخشی از نیاز مدیریت شهری به منابع انسانی و مالی



مشارکت تقویتی^۳ معنای عاطفی و شناختی رفتار آنانکه به مشارکت می‌پردازند.

ب: تمایز بین انگیزه‌های مشارکت و رفتار مشارکت‌کنندگان.

ج: جنبه‌های رفتاری منظم که با این انگیزه‌ها پیوسته‌اند، هر چند که مشارکت‌کنندگان چندان شناختی از آن نداشته باشند. (توسلی، ۱۳۸۲: ۶۷)

مشارکت اجتماعی به ساده‌ترین و مستقیم‌ترین معنای آن شرکت فعالانه افراد در زندگی اجتماعی است. چنین معنایی روشن و بی‌واسطه‌ای می‌تواند این ابهام تناقض‌ناهی (= پارادوکسیکال) را به وجود آورد که در یک جامعه معین وقتی از زندگی اجتماعی سخن می‌گوییم مگر می‌توان تصور کرد که اکثریت یا بخش مهمی از اعضای آن جامعه در زندگی اجتماعی مشارکت فعال داشته باشند؟ ارزیابی واقع‌بینانه زندگی اجتماعی و جنبه‌های جامعه‌شناختی مشارکت اجتماعی^۴ «شهروندی» در جهان^۵ «پیشا مدرنیته» بازگویی آن است که وقوع چنین حالتی نامحتمل نیست.

(زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۳: ۱۰)

مشارکت اجتماعی سازمان یافته، فرآیندی آگاهانه، داوطلبانه، جمعی و مبتنی بر برنامه و اهداف مشخصی است که به عنوان فعالیتی اجتماعی اقتصادی در قالب انجمن‌ها، گروه‌ها و سازمان‌های محلی و غیردولتی است. بر این اساس مشارکت اجتماعی می‌تواند اشکال و درجات گوناگون مانند: همکاری، همیاری، همیستگی، انطباق، سازگاری، پذیرش، انقیاد، شیفتگی، ایفای نقش‌های اجتماعی و انجام وظایف که با این نقش‌ها ملازمت دارند، داشته باشد.

نتیجه‌گیری:

به طور کلی اهم مطالبی را که درباره‌ی مشارکت شهروندان در اداره امور شهر باید مورد لحاظ قرار داد عبارتند از: تصمیماتی که سیستم شهری (مدیریت شهری) می‌گیرد و بر حقوق شهروندان تأثیرگذار است. با توجه به موارد فوق برای تحقق حقوق شهروندان با لحاظ نیازهای آنان، باید مردم در برنامه‌ها و تصمیمات گرفته شده برای شهر خود مشارکت داشته باشند. مشارکت یعنی مشارکت در خدمتگزاری، برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت در همه‌ی برنامه‌های مورد نظر برای شهر، چرا که استفاده از مشارکت مردمی برابر است با رفع یا کاهش تنگناها و تعضلات مدیریت شهری. استفاده از مشارکت شهروندی باعث صرف انرژی، زمان هزینه و امکانات کمتر و انجام کارهای بیشتر در شهر می‌شود. مداخله شهروندان در اداره امور باعث آشنایی مستقیم آنان با مسائل شهر شده و این خود منجر به تصحیح نظر و تصور مردم از مدیریت شهری می‌شود. مشارکت شهروندی باعث ایجاد حس اعتماد شهروندان نسبت به مدیران می‌شود و متقابلاً مدیران شهری نیز باید با ایجاد رابطه مستقیم با مردم این حس را تقویت کنند.

می‌شود. صرفه‌جویی در هزینه‌ها و کاهش صرف انرژی بدین معنی که با استفاده از مشارکت شهروندان این امکان فراهم شود که با صرف انرژی، هزینه و امکانات کمتر اقدامات بسیاری را در شهر انجام داد. مشارکت شهروندان در اداره شهر باعث افزایش همکاری‌های اجتماعی و نیز افزایش حس تعلق آنان به شهر می‌شود. جلب مشارکت مردم منجر به ایجاد و یا تقویت پایه‌های جامعه مدنی می‌شود. مشارکت اجتماعی نیز یکی از مهمترین مباحث در مدیریت شهری است که همواره مورد نظر اندیشمندان مختلف علوم اجتماعی می‌باشد. مشارکت در بعد اجتماعی و سیاسی را شرکت در تصمیم‌گیری از راه سازمانها به انتخاب خود بیان نموده‌اند (الغنی، ۱۳۷۷: ۶۰).

به نظر کاتورتی مشارکت اجتماعی فرایند اجتماعی، عمومی، یکپارچه، چندگانه، چند بعدی و چند فرهنگی است که هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است. (کاتورتی، ۱۹۸۶: ۲۷) از طرف دیگر گرفت و بیراسفورد^۶ تحولاتی چون جنبش‌های جدید یازنگری در مورد نیازهای انسان، ظهور مجدد ایده شهروندی و فرانوگرایی را موجب توجه به ایده مشارکت دانسته‌اند. (گرفت و بیراسفورد، ۱۹۹۲: ۲۲).

از نظر آلن بیرو^۷ مشارکت کردن به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت کردن؛ بنابراین با آن همکاری داشتن است و به همین دلیل باید بین مشارکت به عنوان حالت یا وضع (شرکت کردن) و مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) تمیز قائل شد. مشارکت اجتماعی مفهومی است که به ویژه در جامعه‌شناسی کاربردی و گرایش‌های موجود در آن مورد استفاده قرار گرفته است (بیرو، ۱۳۷۰: ۲۵۷). به نظر یومال^۸ مشارکت در مفهوم گسترده‌اش برانگیختن حساسیت مردم و در نتیجه به معنی افزایش درک و توان آنان برای پاسخگویی به طرح‌های توسعه و نیز به معنای تشویق ابتکارات محلی است. لوکلی در تعریف مشارکت سه تعبیر را مطرح می‌کند که عبارتند از:

- ۱- مشارکت به عنوان سهم داشتن^۹ که معتقد است این تغییر در مورد پروژه‌های بهداشتی، جنگل‌داری، تامین آب و امور زیربنایی در جهان سوم صادق است.
- ۲- مشارکت به عنوان سازمان^{۱۰} که در این تعبیر سازمان به عنوان ابزار و سازوکار اصلی مشارکت مطرح گردیده و بر تشکیل تعاونی‌ها، موسسات کشاورزی و غیره تأکید دارد.
- ۳- مشارکت به عنوان توانمندسازی^{۱۱} که در این تفسیر بر برخوردار شدن مشارکت‌کنندگان از مهارت، دانش‌ها، قابلیت‌های توسعه‌ای و توان تصمیم‌گیری تأکید دارد (ازکیا، غفاری ۱۳۸۳: ۲۹۱). از نظر «ایرنت-کی» مرتن^{۱۲} تحلیل کارکردهای نهان و آشکار، به ویژه در سطح ساخت‌ها باید شامل مباحث زیر باشد:

الف: وضع و شرایط مشارکت‌کنندگان در ساخت اجتماعی؛

منابع:
- ژان، مسکن، علامه نظری (۱۳۳۲) توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران تهران: نسبی
- لغنی، ایر (۱۳۳۹) بحران علم روستایی اجتماعی می‌تواند آن را از بیرون براند، نشر نوین، قم
- قنصله روستا و توسعه شماره یک، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷
- پروان (۱۳۶۰) فرهنگ علوم اجتماعی - ترجمه مقر سلویتی تهران: نشر گنج
- توسلی، علامه (۱۳۸۲) مشارکت اجتماعی در ارتباط جامعه اوجک- تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- زاهدی مازندرانی، محمد علی (۱۳۸۳) توسعه و برنامه‌ریزی تهران: انتشارات مازندران
- سایت شهرداری گلش: www.hamunicipality.com
- سایت سازمان شهرداریها و دهستانهای کشور

- Croft n. Bredford (1992). "The Politics of Participation" Journal of Critical Social Policy, Issue 35, pp. 1-25
- Goober, H. (1986). "Popular Participation in Development", in participation in Development.

پی‌نوشت

- Paris, UNESCO
1- Max Weber
2- Social Action
3- Umalele
4- Contribution
5- Organization
6- Empowerment
7- Differential participation



سازمان شهرها و حکومت‌های محلی متحد UCLG

ترجمه: مجید زینلی

سازمان شهرها و حکومت‌های محلی متحد حاصل ادغام سه سازمان مختلف هستند: فدراسیون جهانی شهرهای متحد، اتحادیه بین‌المللی حکومت‌های محلی و انجمن بین‌المللی کلانشهرها هستند.

اتحادیه بین‌المللی حکومت‌های محلی (ایولا)

ایولا، قدیمی‌ترین اتحادیه بین‌المللی در زمینه حکومت‌های محلی است که دارای اعضای در بیش از ۱۰۰ کشور دو نقاط مختلف دنیا است. ایولا نقش فعالی در زمینه ارتقاء تمرکززدایی و اداره امور حکومت‌های محلی به دست مردم داشته و تلاش‌های زیادی برای تصویب منشور جهانی حکومت‌های محلی خودمختار^۱ ایفا نموده است. زمینه اصلی فعالیت‌های این اتحادیه شامل تقویت حکومت‌های محلی و ارتقاء نقش زنان در تصمیم‌سازی حکومت‌های محلی^۲ همچنین در زمینه‌های توسعه پایدار و شهرنشینی است.

فدراسیون جهانی شهرهای متحد

در طول ۴۵ سال فعالیت این سازمان توانسته است شبکه منسجمی از ۱۱۰۰ شهر در بیش از ۸۰ کشور به وجود بیاورد. این سازمان بین‌المللی از دموکراسی محلی و همکاری و همبستگی شهرها حمایت می‌کند و توانسته است شبکه‌های موضوعی و برنامه‌هایی در موضوعات مرتبط با شهرها مانند محیط زیست، مدیریت شهری و شمول اجتماعی^۳ به وجود بیاورد. این سازمان همچنین حامی برنامه‌هایی در زمینه همکاری‌های غیر متمرکز و فعالیت‌های بین‌المللی و پروژه‌هایی برای شبکه‌های اعضای خود بوده است.

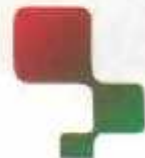
انجمن بین‌المللی کلانشهرها (متروپلیس)

متروپلیس یک انجمن بین‌المللی شامل ۸۱ شهر با بیش از

سازمان بین‌المللی حکومت‌های محلی، سازمان جدیدی با عنوان "سازمان شهرها و حکومت‌های محلی متحد" است که مقر آن در پاریس فرانسه است. این سازمان سه سازمان بزرگ بین‌المللی به وجود آمده است. این سازمان جدید که دارای عضوایی در بیش از ۱۰۰ کشور دنیا است به عنوان نماینده هم سازمان‌ها و هم شهرها توانسته است انجمن‌های حکومت‌های محلی را که اکثریت اعضای ایولا بودند را دور هم گرد آورد.

در سال ۱۹۹۶ اندیشه شکل‌گیری یک سازمان جهانی جدید برای حکومت‌های محلی، در کنفرانس کشورهای عضو سازمان ملل متحد با عنوان زیستگاه‌های انسانی در استانبول شکل گرفت. در کنفرانس مزبور بر اهمیت تمرکززدایی و تقویت حکومت‌های محلی تأکید شده بود بنابراین در نشست جهانی شهرها و حکومت‌های محلی در استانبول، شرکت‌کنندگان سازمان‌های بین‌المللی مربوطه را به تقویت هماهنگی و ایجاد بستر مناسب برای شکل‌گیری یک سازمان بین‌المللی متحد و یکپارچه فراخواندند. از آن زمان به بعد سازمان‌های اتحادیه بین‌المللی حکومت‌های محلی^۴ و فدراسیون جهانی شهرهای متحد^۵ تلاش‌های خود را برای ایجاد "سازمان شهرها و حکومت‌های محلی متحد" آغاز کردند. در ماه مه سال ۲۰۰۱، کنگره اعلام این دو سازمان در ریودنویورک برزیل برگزار شد و به طور رسمی تصمیم به اتحاد این دو سازمان گرفته شد. کنگره نایس سازمان شهرها و حکومت‌های محلی متحد، دوم تا پنجم ماه مه سال ۲۰۰۴ در پاریس شکل گرفت که در آن بیش از ۳۰۰۰ شهردار و نمایندگان محلی حضور داشتند. موضوع این کنگره "شهرها، حکومت‌های محلی، آینده برای توسعه" بود که طی آن در سه مجمع عمومی و ۱۵ کارگاه تخصصی بحث‌هایی درباره موضوعاتی کلیدی مانند دیپلماسی شهرها، شهرهای با چند فرهنگ متفاوت، نقش زنان در حکومت‌های محلی، امور مالی حکومت‌های محلی و استراتژی‌هایی برای مبارزه با آلودگی برگزار گردید.

United Cities and Local Governments
Cités et Gouvernements Locaux Unis
Ciudades y Gobiernos Locales Unidos





کلارنس آنتونی، شهردار ساوت بی، فلوریدا، آمریکا
 نایب رئیس:
 آفریقا: آیس محسن، شهردار تونس، کشور تونس
 آسیا-اقیانوسیه: چن هائوسو، رئیس CPAFFC، چین
 اروپا: والتر ولترون، شهردار رم، ایتالیا
 اوراسیا: متشین ایلسور، شهردار کازان، روسیه
 خاور میانه و غرب آسیا: کادیر توپباس، شهردار استانبول، ترکیه
 آمریکای لاتین: جانی آریبا، شهردار سن خوزه، کاستاریکا
 آمریکای شمالی: جرارد ترمیلی، شهردار مونترئال
 بخش کلان‌شهرها: ژان بل هوشون، رئیس انجمن
 بین‌المللی کلان‌شهرها (متروپلیس)

برنامه‌ها و فعالیت‌ها

سازمان شهرها و حکومت‌های محلی متحد، خود را متعهد به حمایت از حکومت‌های محلی دموکراتیک مستقل می‌داند. تغییرات فراوان قرن بیست و یکم، مسوولیت‌های فراوانی برای حکومت‌های محلی ایجاد کرده است و نیاز به توسعه ظرفیت‌ها و انتقال خدمات پیشرفته را به وجود آورده است. سازمان شهرهای متحد و حکومت‌های محلی سلسله‌ای از فعالیت‌ها را برای تقویت حکومت‌های محلی دنبال می‌کند. این سازمان، همکاری‌های بین‌المللی بین شهرها را پشتیبانی می‌نماید و برنامه‌ها و شبکه‌هایی برای ایجاد ظرفیت در حکومت‌های محلی و انجمن‌های ملی مربوط به آن‌ها به وجود آورده است. این انجمن‌ها نقش اساسی در حمایت از حکومت‌های محلی و تبادل تجربیات ارزنده بین آن‌ها خواهد داشت. سازمان شهرها و حکومت‌های محلی متحد به دنبال ارتقاء همکاری بین این انجمن‌ها و حمایت و ایجاد انجمن‌های ملی جدید در کشورهای است که فاقد این گونه ساختارها هستند.

از اهداف دیگر این سازمان می‌توان به ارتقاء سطح آموزش و تبادل اطلاعات بین حکومت‌های محلی و همکاری شهر به شهر و حمایت از شبکه منطقه‌ای شهرها اشاره کرد. پایگاه ایجاد ظرفیت و نهادسازی (CIB) که این سازمان ایجاد کرده است، جایگاهی برای تبادل تجربیات بین متخصصان و توسعه و تقویت ظرفیت دولت‌های محلی و پیوستگی آن‌هاست. یکی دیگر از زمینه‌های اصلی فعالیت UCLG، ارتقاء نقش زنان در تصمیم سازی محلی است. به تازگی این سازمان برنامه‌ای جهانی را در دست اجرا دارد که هدف آن گردآوری اطلاعات در مورد مشارکت زنان در دولت‌های محلی در سراسر دنیا است.

عضویت در این سازمان

سازمان‌هایی که علاقمند به عضویت در سازمان شهرهای متحد و حکومت‌های محلی هستند می‌توانند به یکی از عنوان‌های زیر عضو گردند: * شهرهای مستقل، حکومت‌های محلی و انجمن‌های ملی حکومت‌های محلی می‌توانند با عنوان حکومت‌های محلی عضو این سازمان شوند. * سازمان‌های بین‌المللی حکومت‌های محلی که نماینده‌ی دسته‌بندی خاصی از

یک میلیون نفر جمعیت است. از سال ۱۹۸۴ تا کنون این انجمن به دنبال تبادل تجربیات در زمینه‌هایی مانند: برنامه ریزی شهری، توسعه اقتصادی، محیط زیست و حمل و نقل به منظور توسعه راه حل‌هایی برای چالش‌های مشترک شهرهای بزرگ بوده است.

ساختار اداری UCLG

سازمان شهرها و حکومت‌های محلی متحد دارای ساختار اداری دموکراتیک و فراگیری است که بخش‌های زیر را شامل می‌شود: * مجمع عمومی که شامل تمامی اعضای سازمان است. * شورای جهانی که ۳۱۸ نماینده از حکومت‌های محلی را در برمی‌گیرد. * هیأت اجرایی که ۱۱۲ نماینده حکومت‌های محلی از میان اعضای شورای جهانی را شامل می‌شود. شورای جهانی و هیأت اجرایی شامل افرادی است که در هر منطقه جهانی و با در نظر گرفتن تعادل جغرافیایی بین نقاط مختلف دنیا انتخاب می‌گردند. شورای جهانی و هیأت اجرایی دو بخش اصلی اجرایی این سازمان جهانی است و ترکیب اعضای این دو بخش منعکس کننده پیشینه جغرافیایی، موسساتی و سیاسی اعضای سازمان است.

اعضای سازمان

سازمان شهرها و حکومت‌های محلی متحد در بیش از ۱۲۷ کشور در نقاط مختلف دنیا دارای اعضای شامل شهرهای کوچک و بزرگ و موسسات ملی، به نمایندگی از حکومت‌های محلی است. این اعضا بیش از نیمی از جمعیت کره زمین را در مناطق هفت گانه زیر در برمی‌گیرد:

- * آفریقا: ۲۶ کشور؛
- * آسیا-اقیانوسیه: ۱۶ کشور؛
- * اوراسیا: ۱۱ کشور؛
- * اروپا: ۲۳ کشور؛
- * خاور میانه و آسیای غربی: ۸ کشور؛
- * آمریکای لاتین: ۷ کشور؛
- * آمریکای شمالی: ۵ کشور.

تقریباً تمامی انجمن‌های حکومت‌های محلی در سراسر دنیا، عضو UCLG هستند. اروپا دارای بیشترین انجمن حکومت‌های محلی است. در واقع این انجمن‌های ملی و شهرهای عضو، حدود ۸۰ درصد جمعیت اروپا را پوشش می‌دهند. حدود ۱۰۰۰ شهر در ۹۵ کشور مختلف دنیا به طور مستقیم عضو UCLG هستند. کشورهای فرانسه، ایتالیا، مراکش و سنگال دارای بیشترین شهر عضو UCLG هستند.

رئیس:

پرتوآلد دلاتو، شهردار پاریس، فرانسه
 اسمانگالیسو مخانوشوا، از اعضای شورای شهر تشوانه (پرتوریا)، آفریقای جنوبی
 پاکو مونگایو، شهردار کیتو، اکوادور



حکومت‌های محلی هستند و یا اهدافشان در راستای بخش‌ها و موارد خاص استه می‌توانند تحت عنوان سازمان‌های بین‌المللی به عضویت درآیند.* عضویت وابسته مختص سازمان‌هایی است که هر چند خود، حکومت محلی به شمار نمی‌روند اما فعالیت‌های آن‌ها بیشتر درگیر یا در راستای حکومت‌های محلی است. تمام این نوع عضویت‌ها به طور سالانه حق عضویت می‌پردازند. برای دولت‌های محلی که عضو شده‌اند، میزان حق عضویت بسته به تعداد ساکنان زیر مجموعه خود و شرایط توسعه‌ی اقتصادی کشور متبوع خواهند بود.

۴. **دیپلماسی شهری و انسجام بین‌المللی**
 * پررنگ کردن نقش حضور دولت‌های محلی در پیوستگی تمدن‌های سازمان ملل* راه‌اندازی پایگاه اطلاعاتی مشترک با سازمان ملل برای حمایت از ساز و کارهای همسنگی شهرها برای کمک به آسیب‌دیدگان از بلایای طبیعی* سازماندهی کنفرانس جهانی ترک مناقشه و شرکت در کمیته اصلی همسنگی شهرها برای صلح

ب) افزایش سطح حمایت از حکومت‌های محلی دموکراتیکه موثر و نوآور در سه زمینه زیر:

مهم‌ترین فعالیت‌های UCLG در سال ۲۰۰۷

* کنفرانس اروپا-عرب، دبی، ۱۸ تا ۱۹ مارس
 * نشست شورای سکونتگاه‌های سازمان ملل، ناپروبی، ۱۶ تا ۲۰ آوریل* کمیسیون توسعه پایدار سازمان ملل متحد، نیویورک، ۲۰ آوریل تا ۱۱ مه* نشست جهانی فرهنگ‌ها، مونترتر، ۲۰ سپتامبر تا ۸ دسامبر

اولویت‌های سازمان در سال ۲۰۰۷

الف) افزایش نقش و تاثیرات UCLG در حکومت‌های جهانی در چهار زمینه زیر:

۱. تحکیم روابط UCLG و سازمان ملل متحد

* تلاش برای احراز نقش ناظر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد* ایجاد روابط قوی با سازمان‌های وابسته به سازمان ملل در تمام زمینه‌ها* برپایی نشست دولت‌های محلی اروپا-آمریکای لاتین* تقویت نقش دولت‌های محلی در سند جدید همکاری و توسعه اتحادیه اروپا* تثبیت نقش UCLG در برنامه‌های توسعه جهانی* ارتقاء مشارکت فعال شهرها و حکومت‌های محلی در دستیابی به اهداف توسعه‌ای جهان* ارتقاء استراتژی‌های توسعه شهرها* حمایت از سهم حکومت‌های محلی در سیاست‌های توسعه پایدار در زمینه‌های انرژی، توسعه صنعتی و تغییرات اقلیمی* ایجاد همکاری‌های استراتژیک با سازمان UNAIIDS و AMICAALLA

۱. **افزایش و ارتقاء ظرفیت‌ها**
 * بررسی درآمدهای تولیدی شهرها و توانایی آن‌ها برای تأمین منابع مالی زیر ساخت‌ها* حمایت از طرح بانک جهانی شهرها
 * توسعه همکاری‌ها با بانک جهانی* بسیج منابع بین‌المللی و حمایت از تعاونی‌های بین‌المللی غیر متمرکز* حمایت از توسعه سازمان‌های نماینده حکومت‌های محلی* ارتقاء سطح تبادل تجربیات بین دولت‌های محلی و مؤسسات آن‌ها

۲. **حمایت از شبکه‌های نمایندگان منتخب محلی و شهری برای:**

* برگزاری نشست شهرداران مدیرانته* بسیج امکانات برای برنامه مشترک بین‌المللی تسلی حقوق* ارتقاء سطح شعول اجتماعی در چارچوب نشست جهانی دولت‌های محلی* تبادل اطلاعات و آموزش‌ها درباره مدیریت محلی منابع آب

۳. **تثبیت موقعیت سازمان UCLG به عنوان منبع اصلی اطلاعات و اخبار مربوط به حکومت‌های محلی**

۳. ارتقاء تمرکززدایی

* انتشار* اولین گزارش UCLG درباره تمرکززدایی و

<http://www.cities-localgovernments.org>
 منبع:

- 1- United Cities and Local Governments (UCLG)
- 2- International Union of Local Authorities (IULA)
- 3- World Federation of United Cities (FMCU-UTO)
- 4- World Charter of Local Self-Government
- 5- social inclusion
- 6- Capacity and Institutions Building (CIB) Platform

۷- برنامه مشترک سازمان ملل متحد برای مبارزه با ایدز

- 8- The Alliance of Mayors and Municipal Leaders on HIV/AIDS in Africa



سپیده دمان در پایتخت ایران

برگربان: عمار داوودی
چوای پروژن

روزگار هستند که مقالاتی را درباره‌ی اوضاع سیاسی ایران به انگلیسی گردانیده اند. مقالاتی که بی هیچ تمحی دیدگاه‌های نویسندگان‌شان را در بردارد. روشن است که خواندن و بررسی آرای متفاوت و ضد و نقیص درباره‌ی اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی بویژه ما را به زمینه‌هایی رهنمون می‌شود تا بدانیم چگونه انجمن‌های شهر و محله تشکیل شد و چگونه مقلعات نوشتن و تصویب نخستین قانون مناری و چهره بست. این نوشتگان و آرای گونه‌گون، رگه‌هایی از واقعیت را با خود دارد که از مجموع آنها می‌توان جورچینی از شرایط واقعی سیاسی و در بن آن وضعیت اجتماعات شهری ایران را دریافت. آنان از انقلاب و وضعیت دربار و گروه‌های سیاسی نوشته‌اند و می‌دانیم که این انقلاب در بستر شهرهای آن روزی شکوفید، شهرهایی که تا آن روزگار، تنها روستاهای بزرگ بودند بی هیچ سامان امروزی. بردن به درگیری‌های سیاسی و اجتماعی آن روزگار یعنی کالبدن بستر آن‌ها که شهرها باشند زیرا انقلاب مشروطیت یک انقلاب شهری تمام عیار بود. پس می‌توان از این انقلاب و بررسی آن نقی به سوی تاریخ شهرهای ایران زد. مقاله حاضر، نگاشته‌ی یکی از افسران بلند پایه‌ی قاجاری است که به هر روی نگاشته‌های خود را به برون مرزها کشانیده تا مگر بتواند دیدگاه‌های شخصی خود را از تریاری که در آن زندگی می‌کند به برون درز دهد و این برای یک افسر درباری، در خدمت پادشاه گونه‌ای خودکشی شمرده می‌شود. بویژه آن که نگاهش به روشن اندیشان روحانیان و انقلاب‌گرایان نیز یکسره منعی است. شاید اختفای نام نویسنده به همین دلیل باشد، زیرا در آن روزگار انقلابیان آغاز انارشیست به راحتی می‌توانستند او را از میان بردارند. سواری که در عکس آمده باید همان افسر بلند پایه باشد. این مقاله در تاریخ ۱۰ فوریه سال ۱۹۰۷ به انگلیسی گردانیده و چاپ شده است بی نام مترجم.



هر آن هستیم که به سراغ نوشتگانی برویم که در سرزمین‌های شور درباره‌ی رخدادهای شهری ایران نگاشته شده است تا مگر از این گذر گوشه‌هایی از تاریخ شهرهای ایران و اجتماع شهری را برون افکن شویم. هر چند اگر واقع بینانه بنگریم شمار چنین نوشتگان نباید زیاد باشد و اگر هم بوده دسترسی به آنان آنهم از راه دور و از پس یکصد سال، اگر ناممکن نباشد دست کم بسیار دشوار خواهد بود. اما به تلاش و یافتن استادی از این دست می‌آزود. انگیزه برای چنین جستجویی؛ دیدن بازتاب رخداد‌های شهری ایران در یکصد سال پیش نزد بیگانگان است. بیگانگانی که شاید بخاطر منافع خود در سرزمین ما نگاه‌های دیگری نسبت این حوادث داشته و به گونه‌ای دیگر مسائل را بازتابانیده‌اند. کشورهای همچون انگلستان، امپراتوری روسیه، فرانسه و آلمان منافع گوناگونی در این سرزمین داشتند و از همین راه تفسیرهای آنان نیز دیگر گونه بود. انگلستان و روسیه در سال‌های پایانی فرمانروایی دودمان قاجاری، بیشترین دخالت را در ایران داشتند، چنان‌که در ۱۹۰۷، به تقسیم آشکار ایران میان این دو دولت انجامید. گذشته از این روزنامه‌ها و نشریات در کشوری چون ایالات متحده، در یکصد سال پیش که خود را کشوری مهاجرپذیر از سراسر جهان می‌دانست، سیاست پذیرش همه‌اندیشه‌ها و آزادی بیان را پیشه‌ی خود کرده بود. روزنامه‌های واشینگتن پست و نیویورک تایمز دو روزنامه از آن



با بر کندن محمد علی میرزا بر تخت (کلووس) پادشاهی سرزمین ایران زمزمه‌های ناخوشایند به گوش می‌رسد به نشانه‌ی از آنکه این سرزمین با درگیری‌های دست به گریبان خواهد شد و انقلابی روی خواهد داد بر پاور خرافه پرست مردم که مظفرالدین شاه یعنی پدر شاه کنونی آخرین پادشاهی دودمان قاجاری است که بر تخت پادشاهی نکیه خواهد زد این شرایط یعنی پیدا شدن چند دستگی و نفلق در ایران سبب شد که دار و دسته‌های مخالف هر یک در اندیشه‌ی گرفتن سهمی از قدرت باشند. ظلم و ستم همه لایه‌های اجتماعی را از پای در آورده بود از روحانیان گرفته تا ریاکاران و درزان حتی کسانی که خودشان را از تمام رخدادها بر کتار دستند نیز قربانی جریانات پیش آمده شدند. تا این که این اوضاع به هم ریخته با آمدن محمد علی میرزا نا اندازهای سروسامان یافته و اینجا برای سروسامان دادن به اوضاع نیاز به پیشی آگاهی و بردباری و مهربانی دارند و اگر شاه بخواند از بخوابی که هم برای خودش و هم کشورش را اثر بر گرفته بیرون بیاورد باید از چهره‌های محبوب استفاده کند. روبرو شدن با خزانه خالی و صلح بی‌حاصل و بی‌ارزش و همچنین افراد ظاهر اصلاحی که به خیال قدرت و غارت هستند از یک طرف و همچنین احاطه شدن با دستمپدهای هر روزی اروپاییان برای تسلط هر چه بیشتر بر حکومت محمد علی میرزا از سوی دیگر، پادشاه را از دست مردمی که خودشان را بیرون بیامیزد یا به نوعی دیندار میدانستند به شدت عاصی و سراسیمه کرده است. افتادن تاج و تخت پادشاهی و میراث خشارانشا و داریوش به دست افراد ناتوان و نالایق و ضعیف وضعیت رفت بار غمناک‌تری را بوجود آورده و باعث تزلزل کین شاه شده است.

اما فرمانروای جدید فرد نیرومند و پاک دانی است در ضمنی که روشنفکر و روشن ضمیر است و هم از لحاظ نیروی بلندی قدرت لازم را دارا می‌باشد تنها کسی است که در این موقعیت خطرناک سزاوار فرمانروایی است. هم خود اگرچه پدرش مظفرالدین شاه مردی درستکار و مهربان بود ولی به سوابقش با تردید باید نگریست چرا که ذات او گول زدن و فریفتن بود. او محصولی را درو می‌کند که پدرش را پدرش کشت است البته نباید قدرت و بلهوشی دشمنانش را نادیده گرفت زیرا میلی برای فرماندهی کارها نداشت و به پاور برخی افراد قربانی عیاشی و از و صلح شد.



نویسنده مقاله سوار بر اسب دیده می‌شود

میشوند و این قسمت روحانیان هستند این شرایط غیر علوی محصول تعارض بین سنت و مدرنیته یا همان جامعه مدنی است. این تعارض به دست عوامل حکومت یا همان لویای امور به وجود آمده و نیازمند دست توانمند و پر قدرتی است که این دورا (منصب و مدرنیته) در کنار هم نگهدارد.

از آشفتگی و اتفاقات که به دست حزبهای مخالف پدید آمده می‌توان این تصور منطقی را داشت که پیگر حکومت چنان سست و کم توان شده که نه راحتی می‌توان در او نفوذ کرد به همانگونه که در زمان مظفرالدین شاه می‌شود رخنه نمود.

با این که روحانیان نسبت به قبل سازمان و نظم بهتری پیدا کردند و به قدرت اول کشور تبدیل شده‌اند ولی غارت و چپاول مردم کمتر نشده است. تغییرات بی در پی در حکومت رخ میداد هر دو جناح افرادی بی‌ملاحظه خرقاقتی، بی‌منطق، خریص و متمصب را در بر میدگرد که از هیچ کاری برای تحریک توده مردم سلاه لوح برای دستبندی به اهدافشان فروگذار نمیدکردند.

مظفرالدین شاه پدر محمد علی میرزا این تخت و تاج را در نتیجه کشته شدن پدر تصاحب کرده بود. ناصرالدین شاه که خود را برای جشن سالگرد تاج گذاری خود آماده می‌کرد هنگام زیارت قبر همسر محبوبش جیران خانوم در نزدیکی حرم مطهر شاه عبدالعظیم (ع) توسط میرزا محمدرضا (کرمانی) هدف گلوله قرار گرفت و کین پادشاهی به پسرش مظفرالدین رسید.

شاهزاده مظفرالدین شاه که بر اساس قانون سنتی حاکم ایالت آذربایجان و ولعهد به شمار می‌رفت در تبریز به تخت نشسته بود. پس از به سلطنت رسیدن او مقامات و درباریان خود را که با شخصیت آرام و سلاه و آشنایی داشتند همراه خود به تهران آورد بنابراین زمان زیادی نگذشت که همه مردم ایران متوجه شدند در مسائل امنیت استبدادی گرفتار شده‌اند که توسط فردی با چنان شخصیت ملایم و حتی ضعیف اداره می‌شد که بسان موم در داستان توپله‌دگران قرار داشت.

از میان کسانی که با مظفرالدین شاه از تبریز به تهران آمدند میدتوان به افراد زیر اشاره کرد:

حکیم الملک که بسیار مورد علاقه شاه بود، امیربهار جنگه شخصی بی ملاحظه و عاصی و لرامفرما که شاهزاده‌های جاه طلب و زیرک اما خیانت پیشه بود. این سه نفر با زیرکی به غارت و ستم بر مردم می‌پرداختند اما هم‌بندی این ستمکاری را با مهارت و زیرکی به گردن شاه می‌فشانند، به گولهای که شاه هیچ گمان بدی به آنها نمیداشت.

جای تعجب نیست که همه به زودی متوجه ضعف شاه شدند. در این میان اندکی از قدرت روحانیان کاسته شده بود و آنها نمیتوانستند از نفوذ خود استفاده کنند. بنابراین به زودی رقابتی بین درباریان و قدرتمندان مذهبی درباری برای سود بردن از موقعیتها برای تسلط و نفوذ بر شاه آغاز شد. این کشمکش منجر به تصویب قوانین جدیدی به سود هر یک گردید که در تقابل با یکدیگر قرار داشت و این امر پیچیدگی اوضاع را بدتر میدکرد.

فقر و وضعیت بد اقتصادی کشور در زمان ناصرالدینشاه زبردستان او را ولار به رفتار محتاطانه و مقتصدانه کرده بود. با این حال شاه هم



بزرگان دربار به او پیشنهاد کردند برای مذاوا به اروپا سفر کنند اولین سفر او در سال ۱۳۱۸ ق/ ۱۹۰۰ م. ۱۲۹۷ خ. به چندین کشور اروپایی صورت گرفت که به منقش شاه بسیار خوش آمد در سال ۱۲۸۱/ ۱۹۰۲ خ. شاه مجبور شد بار دیگر برای مذاوا به فرنگ سفر کند و این کار مجبور شد بار دیگر از روسیه وام بگیرد...

با به صدقات رسیدن عینالدوله (پسرعموی شاه) قدرت در اختیار او قرار گرفت او توانست با گرفتن وام از روسیه موجبات سفر شاه را به اروپا در سال ۱۹۰۴ م. فراهم کند این اقدامات او را بسیار مورد توجه شاه قرار داد اما مخالفت او با تفسیری که مردم خواهان آن بودند شاه را وادار به برکناری او نمود این کار (برکناری عینالدوله) زمینه ایجاد قانون اساسی و مجلس که مردم با هدایت روحانیت و اعتصاب خواهان آن بودند را فراهم آورد.

بیشک شکلگیری این شورشها و مخالفتها علیه او موجب تسریع بیماری شاه شد به طوری که هفته پزشک و متخصص خلقی در حال مراقبت از او بودند اما او در روز ۸ ژانویه سال ۱۹۰۸ م. در گذشت و جای خود را به محمدعلینمیرزا داد. در این زمان مجلس تحت نفوذ روحانیون و بازرگان و شاهزادگان قرار داشت که هر کدام از آنها به دنبال دستیابی به اهداف خود از طریق مجلس و بالا بردن سهم خود در حکومت بودند مردم عامی نیز که بیدسولا و ناگاه بودند و از اتفاقاتی که در مجلس میدافتاد خبر نداشتند خالی بودن خزانه و بیکیفیتی سپاهیان شاه جدید را با مشکلات فراروایی برای مقابله با نیروهای آشوبگر و سرکوب مخالفان مواجه کرد که به نظر می‌رسید حداقل به ده میلیون دلار نیاز باشد. شاه نیز اعتبار کافی برای گرفتن وامهای خارجی و یا داخلی نداشت. با آگاهی که من از ایران و شرایط آن دارم احساس میدکنم قانون اساسی و مجلس برای این کشور موثر نخواهد بود تا زمانی که مردم ایران خود را از دست تعصبات خشک مذهبی رها ساخته و راه و روشهای اروپایی برای حل مشکلات اقتصادی و سایر مسائل خود در پیش بگیرند تا زمانی که علت ورشکستگی خود را بررسی کرده و خود را از شر ریاکاران ثروتمند که از آنها بهره‌دگشی میدکنند رها سازند؛ تا زمانی که درهای خود را بر روی تمدن غرب باز کنند که برای آنها راهنماهن و توسعه منابع معنی را بهدندنال خواهد داشت تا زمانی که ارتش خود را سازماندهی کنند تا بتوانند از مرزهای آن‌ها در برابر ترکهای متجاوز دفاع کنند پس از این تغییرات اساسی ایران میتواند به بهبود شرایط خود امیدوار بوده و به قانون اساسی خود ببالد تا آن زمان شرایط کنونی در کشور با وجود تضادهای شدید و تلاش برای ناکام گناتستن یکدیگر در ایران هستند و مردمی که تحت ظلم و ستم هستند- ادامه خواهد یافت.

از پذیرش فقر موجود فقره می‌رفت بهمنطور مثال هنگامی که سفیران خارجی به ملاقات دربار می‌رفتند ناصرالدینشاه اینگونه وانمود میکرد که خزانه پادشاهی مملو از ثروت است...

بااینحال هنگامی که مظفرالدین شاه به سلطنت رسید اوضاع چنان وخیم بود که او مجبور شد برخی از تختهای طلای مشهور و موروثی خود را بفروشد و بسیاری از زیورات تلویخی دربار را ثوب کند تا بتواند هزینههای روزمره دربار را تأمین نماید. با این وجود تصویری که ناصرالدینشاه ایجاد کرده بود چنان قوی بود که این نشانههای فقر دربار به عنوان پواهیوسی مظفرالدینشاه در نظر گرفته شد و نیاز دربار به پول مستحرامیز به نظر می‌رسید. توده مردم نیز که تحت ظلم و ستم چپاول فرمازروایان قرار گرفته بودند فقر دربار را باور نداشتند اما تصورشان این بود که شاه با حسرت تمام اموال آن‌ها را در خزانه خود تشر می‌کند و روزیکهروز بر ثروت خود می‌افزاید. بنابراین جای تعجب نیست که با روی کار آمدن مظفرالدینشاه مشکلات فراروایی دستگیر او شد. اولین صدراعظم او یعنی امینالسلاطین قزلباشی زود هنگام توجه درباریان شد که از صدقات برکنار و تبعید شد و پس از او امینالدوله چیکترین شد.

امینالدوله که فردی تحصیل کرده و سیاستمداری طرفدار انگلیس و مردی قدرتمند و متمول بود توانست به دراحتی بر اوضاع مسلط شود از اولین اقدامات او سپردن بسیاری امور داخلی به کارشناسان اروپایی و پیشنهاداتی برای اصلاح ساختار اقتصادی نظامی و آموزشی بود.

اما این اصلاحات آن چیزی نبود که به طبع درباریان عزتتکر خوش بیاید و ناگهان آن‌ها را ترس از این که کسی مانع عزتتگری و چپولاشان شود فرا گرفت. بنابراین دست به کار شدند تا با تیسسه چینی شاه را تحت تأثیر قرار دهند اما در اوایل تا اندازهدنی در این کار ناموفق بودند. بنابراین شروع به تحریک مردم با حملهپردن به نمادها و نظیرات اروپایی که ایجاد شده بود نمودند. آنها این ذهنیت را ایجاد کردند که دخالت بیگگان در امور مملکت و یا اداره امور به روش اروپایی در تضاد با مبانی قرآن میدباشد. با این حال امینالدوله توانست طی مذاکراتی با انگلیسها و در ازای دادن حق اداره گمرکات از آنها وام بگیرد. اما این موفقیت او موجب سقوط او را فراهم کرد. ماموران مخفی و عمال روسی در ایران که از نفوذ انگلیس در ایران ناراضی بودند دست به کار شده و او را مانند همتای پیشین، عزل و به تبعید فرستادند.

تفسیر صدراعظم و دست و دلپیزیهای شاه توانست درباریان را راضی کند. صدراعظم جدید که دستنشدلعه و عامل روسیه بود توانست وام جدیدی از روسیه و در برابر اعطای اداره امور گمرکات دریافت کند. این امر باز هم موجب نارضایتی مردم و روحانیت بود اما موجبات رضایت شاه را فراهم میدکرت، زیرا ۱۲ میلیون دلار عاید او می‌شد. متعصبین مذهبی که نتوانسته بودند به اهداف خود دست دینند اروپاییان صاحب‌فن و همچنین ازمنیایی که طی سالیان دراز به شاه خدمت میدکرتند را اخراج یا از کار بردکنار میدکرتند و در انجام این کار نیز موفق بودند. سپس تلاش خود را برای بدستآوردن سهمی از آن دوازده میلیون آغاز کردند.

در این هنگام بود که شاه در اثر بیماری بسیار ناتوان شده بود و

The New-York Times
Published: February 10, 1907
Copyright © The New York Times



نظام ارزیابی عمل کرد شهرداری های جهان

علیرضا جعفری

کارشناس ارشد برنامه ریزی و مدیریت شهری

تلخیصی از آن ارائه می شود

۱- اوکلند (زلاندنو)

اوکلند شهری با مساحت ۵۹۲/۶ هکتار با جمعیت ۲۸۶۱۰۰ نفر تا سال ۲۰۰۰ است. مدیریت شهر، (شهرداری و شورای شهر)، برای استقرار مدیریت کارآمد اقدام به تدوین و اجرای یک سیاست راهبردی منسجم، یکپارچه و دوازدهگانه کرده که این طرح برگرفته از دو منبع بزرگ اوکلند یعنی محیط طبیعی و جمعیت متنوع بوده است. این سیاست با هدف ارتقاء و استفاده بهینه از دو منبع یاد شده بوده است. طی سه سال اجرای این سیاست از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۱، در گزارشی، مهم ترین دستاوردهای مدیریت شهر شامل جلب همکاری و حمایت دولت مرکزی در احداث تونل و خطوط ریلی، احداث شبکه حمل و نقل منطقه‌ای اوکلند، تأسیس موسسه هنری، تدوین برنامه‌های هنری قسوتوال‌ها، تدوین سیاست‌های ناظر بر شعارهای تبلیغاتی، کاهش دستمزدها و تعرفه‌های تجاری و حمایت از شبکه اطلاع‌رسانی و ترغیب رقابت در اوکلند بوده است. طرح راهبردی مدیریت شهر اوکلند مبتنی بر «مؤکراسی از راه مشارکت، برابری و اتحاد» است و تصمیمات این شهر باید براساس این اصول صورت گیرد و ارزش‌های حاکم بر این اصول شامل محیط زیست پایدار، تنوع فرهنگی، رفاه عمومی و دسترسی به امکانات و ارتباطات خواهد بود. با توجه به اصول و ارزش‌های حاکم بر مدیریت شهر، ساختار عملیاتی و وظایف آن‌ها در زمینه‌های هنری، فرهنگ و ارتباطات توسعه شهر، اداره شهر، زیرساخت‌های زیست محیطی، زیرساخت محله‌ها، حمل و نقل و فعالیت‌های ستادی شهر است که هر یک از این وظایف دارای زیربخش‌های متعدد بوده و نوع عملیات‌ها نیز همانند با این زیربخش‌ها تعریف می‌شود.

ارزیابی از راه مطالعات تطبیقی، یکی از ابزارهای اصلی و اساسی مدیریت ساماندهی است. این ارزیابی منجر به هدایت درست مدیران اجرایی برای توسعه نگرش‌ها و میدان دید، تحقق اهداف، تدوین سیاست‌های راهبردی و گسترش خدمات خواهد بود و در این مسیر، آنچه مطلوبیت اجرایی - مدیریتی را محقق خواهد کرد، همانا رعایت برنامه زمانی پیش‌بینی شده بر پایه حفظ کیفیت و هزینه متعارف است. انجام مطالعات تطبیقی درباره‌ی مدیریت شهری و دریافت معنی از طریق ارزیابی رویه‌های عمل‌کردی متعلق به جوامع و کشورهای مختلف و تحلیل آن‌ها بر پایه انجام مطالعات تطبیقی از جمله الگوهای ارزیابی مدیریت شهری است. در این بررسی کوشش می‌شود تا با متجلی کردن بزرگ‌تاب رویه نسبت به هر موضوع مشخص، نوع تعامل بین عناصر مدیریتی و برنامه‌ریزی با موضوع مورد نظر، تحلیل و جالب کارآمدی و مزیت آن مشخص شوند. نیازها و انتظارات شهری میان جوامع مختلف از مشترکات بسیاری برخوردار است به عبارتی، مدیریت شهری، به یک دسته از نیازهای مشترک اجتماعی - انسانی پاسخ می‌دهد و در این باره آن چه که واجد اهمیت است وجود این نکته است که در هر جامعه و فرهنگی، به صورت خاصی به آن نیاز پاسخ داده می‌شود. بدون شک اتخاذ رویه‌ای که به موجب آن، بهترین، رستخیز و مفیدترین نوع تعامل با نیازها اکتشاف شوند، رفتاری جالب خواهد بود که با شناخت تجربه‌های موفق دیگران و بومی‌سازی آن بر پایه نوع فرهنگ، بتوان با صرف کم‌ترین هزینه، بالاترین کارآمدی را به دست آورد. در گزارشی که مرکز مطالعه و برنامه‌ریزی شهر تهران درباره‌ی مطالعه تطبیقی نظام ارزیابی عمل‌کرد در شهرداری‌ها منتشر کرد، شهرداری‌های چند کلانشهر جهان مورد مطالعه قرار گرفت که



۲- تورنتو (کانادا)

تعداد خدمات و واحدهای زیرمجموعه مدیریت شهری تورنتو، با جمعیت ۴۳۰ هزار نفر در ۱۳ بخش، شامل موارد زیر است: پلیس و ارتباطات، آتش‌نشانی و خدمات ایمنی، امداد و نجات، توسعه اقتصادی و اجتماعی، کتابخانه‌ها، ورزشگاه‌ها، پارک‌ها، امور فرهنگی - هنری، خدمات درمانی و اورژانس، امور آب و فاضلاب، محیط زیست، فروشگاه‌ها و مراکز خرید و چاپخانه‌ها، ارزیابی عمل‌کرد شهرداری تورنتو توسط وزارت خانه‌های مختلف و بنا به درخواست وزارت امور شهری و مسکن انجام می‌گیرد. براساس این طرح، عوامل و شاخص‌های ارزیابی در هر سال با سال قبل مقایسه و امکان ارزیابی عمل‌کرد و اقدامات اجرایی شهرداری میسر می‌شود. یکی از اصول برنامه ارزیابی عمل‌کرد شهرداری تورنتو این بوده که ارزیابی عمل‌کرد به صورت تخصصی انجام گیرد که مسؤلیت ارزیابی هر یک از این عمل‌کردها برعهده وزارت خانه تخصصی خواهد بود.

به طور کلی ارزیابی عمل‌کرد شهرداری تورنتو در بخش‌های عمومی، خدمات آتش‌نشانی، پلیس، ساخت راه‌ها، حمل و نقل، فاضلاب، آب و پسماند جامعه شاخص اصلی این ارزیابی، رضایت‌مندی شهروندان، خدمات ارائه شده، هزینه، منابع و بهره‌وری پایدار است.

۳- ولینگتون (زاندنو)

سیستم ارزیابی عمل‌کرد این شهر بر پایه ارزیابی عینی از فعالیت‌های هر واحد تعریف شده است؛ برای این منظور جدولی متشکل از شاخص‌ها و درجه رضایت انتخاب شده که در آن حداکثر درجه رضایت شهروندان از عمل‌کرد ۹۵ درصد ارزیابی شده است. این فعالیت‌ها بین سال‌های ۹۶ تا ۹۷ و درجه رضایت‌مندی در سال‌های ۹۷ تا ۹۸ صورت گرفته است. این نوع ارزیابی با تداوم در سال‌های بعد به همین شیوه انجام می‌گیرد. ارزیابی عمل‌کرد در شهر ولینگتون از راه "نظرسنجی" از شهروندان و توسط شورای شهر صورت می‌گیرد و حوزه‌های فعالیت و گروه‌بندی آن، شبیه شهر اوکلند، دیگر شهر زلاندنو است. این گروه‌بندی‌ها عبارت‌اند از: مدیریت ارتقاء گردشگری، توسعه تجاری، ارتقاء روینداها، مسکن، اورژانس، جاده‌ها، ترافیک، خدمات پارک اتومبیل (پارکینگ)، جشنواره‌ها و گردهمایی‌ها، موزه‌ها، نمایشگاه‌ها، پارک‌ها، باغ‌های گیاهشناسی، تالارها، مراکز تفریحی، کتابخانه‌ها، استخرها، محیط زیست، جمع‌آوری زباله، بازیافت و دفع زباله، نظافت، سرویس‌های بهداشتی، تأمین آب، سیستم سیلاب و فاضلاب، شرکت کرایه اتومبیل و...

۴- هلنسکی (فنلاند)

براساس سه عامل ارزش افزوده ناخالصی، فراوانی اشتغال و میزان جمعیت شهر هلنسکی پس از دوپلین، مکان دوم رشد و توسعه را در اروپا به خود اختصاص داده است. این رشد و توسعه به لطف ۲ عامل "بهبود و بازیابی وضعیت اقتصادی شهر" و

"موفقیت ویژه و گسترش سریع در بخش فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات" بوده است. در این میان ساختار اقتصادی شهر به عامل دوم بستگی دارد که در صورت وقوع حادثه‌های اقتصاد شهر را یا بحران روبرو خواهد کرد. شاخص اصلی ارزیابی، توسعه شهر و ارتقا و توسعه پایدار است که ابعاد آن شامل شرایط اکولوژیکی، اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی و ارتقاء قابلیت‌ها و توانایی شهر خواهد بود. شاخص‌های توسعه پایدار شامل ۲۵ شاخص اصلی است که در سال ۱۹۹۹ تکمیل شده است. این شاخص‌ها در زیر مجموعه ۵ شاخص اصلی جمع می‌شود:

۱- پایداری جهانی: ۲- عوامل اقتصادی؛ ۳- رضایت شهروندان و میزان خدمات برای آنان؛ ۴- وضعیت زیست‌محیطی؛ فشارها و چالش‌های موجود در برابر آن؛ ۵- مشارکت و مسؤلیت هر یک از این ۵ شاخص اصلی دارای زیرمجموعه مطالعاتی است و از مشابهت موضوعی ویژه‌ای برخوردار است که برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

- پایداری جهانی شامل: ۱- رد پای اکولوژیکی؛ ۲- آلاینده‌های گاز گلخانه‌ای.

- وضعیت زیست‌محیطی شامل: ۱- کیفیت هوا؛ ۲- تأثیر آلودگی هوا بر طبیعت؛ ۳- مصرف آب؛ ۴- مصرف انرژی؛ ۵- تولید زباله و بازیافت؛ ۶- ترافیک؛ ۷- توزیع؛ ۸- تنوع زیستی؛ ۹- شیمیایی سازی محیط زیست.

عوامل اجتماعی و فرهنگی اقتصادی شامل: ۱- جمعیت‌شناسی؛ ۲- میزان تحصیلات؛ ۳- فعالیت‌های اقتصادی؛ ۴- تمهیداتی که متوجه کودکان و نوجوانان است؛ ۵- بهداشت؛ ۶- شرایط مسکن.

- رضایت شهروندان شامل: ۱- رضایت و امنیت شهروندان؛ ۲- اقتصاد شهرداری و خدمات.

- مشارکت و مسؤلیت شامل:

۱- رفتار زیست‌محیطی؛

۲- خودکفایی؛ ۳- مشارکت.

۵- نیویورک (آمریکا):

روش ارزیابی عمل‌کرد شهرداری نیویورک، بررسی و ارزیابی شاخص‌های اجتماعی و مقایسه آن با سال‌های قبل است. این شاخص‌ها برای ارزیابی و مقایسه این ارزیابی در سال‌های مختلف به شرح زیر خواهد بود:

۱- جمعیت که در آن میزان جمعیت، نژادها، قومیت‌ها و ساختار جمعیت مورد بررسی قرار گرفته است.

۲- اقتصاد و اشتغال، در این شاخص میزان اشتغال و تأثیر آن بر اقتصاد شهر و شهروندان بررسی شده است.





- برنامه‌ریزی و توسعه شهری: ۱- حل مشکلات فیزیکی شهروندان: ۲- معماری مناسب: ۳- تعامل مناسب بین مدیریت و شهروندان: ۴- دیدگاه کلی نگر گویا: ۵- تقسیم اراضی: ۶- مشارکت بخش خصوصی: ۷- مشارکت سازمان‌های جامعه مدنی.

- مدیریت اداری - مالی: ۱- شکوفایی اقتصادی: ۲- پاسخگویی به نیازهای شهری: ۳- مدیریت آینده‌نگر: ۴- سازماندهی کارآمد، قوی و جامع: ۵- منابع پایدار درآمد شهری: ۶- کاهش دیون‌سالاری اداری.

- حمل و نقل: ۱- حمل و نقل مناسب (ایمن، سریع، کارآمد): ۲- کاهش سفرهای شهری: ۳- مسیر تردد راحت آسان، با آرامش، ارزان، زیبا، بدون آلودگی هوا (هوا - صوتی) - ارتباطات و اطلاع‌رسانی فناوری اطلاعات: ۱- اطلاع‌رسانی دقیق و فراگیر: ۲- خوانا بودن شهر: ۲- فناوری دوستدار محیط: ۴- هوشمندی نظام شهری و اجزای آن: ۵- مشارکت مردمی از طریق رسانه‌ها، NGOها و

تصمیم‌گیری: ۶- دسترسی به اینترنت: ۷- کارت اعتباری. - امور فرهنگی و اجتماعی: ۱- امنیت و آرامش: ۲- امکانات بهداشتی، اورژانس و آموزشی: ۳- فرهنگ و عدالت: ۴- سلامت روانی: ۵- ایجاد فرصت‌های برابر برای همه‌ی شهروندان: ۶- کیفیت زندگی: ۷- توزیع عادلانه منابع: ۸- خودباوری شهروندان.

- خدمات شهری و محیط زیست: ۱- محیط زیست مناسب: ۲- خدمات پایه شهری: ۳- کاهش آلودگی‌های هوا و صوتی.

این تقسیم‌بندی می‌تواند خود، تعریف‌کننده وضعیت یک شهر باشد که در صورت برخورداری از سیستم مدیریت کارآمد شهری، دستیابی به یک شهر یا عملکرد خوب، دور از دسترس نخواهد بود.

۲- امنیت عمومی، در این شاخص میزان جرم و جنایت، جرایم مالی و خشونت‌آمیز، آتش‌سوزی و... مورد بررسی قرار گرفته است.

۴- بهداشتیته میزان زاد و ولد، مرگ و میر برحسب میزان بهره‌مندی از بهداشتیته، همچنین نژاد و بیماری‌های متعدد و... بررسی شده است.

۵- آموزش و پرورش و فرهنگ میزان سود و تحصیلات عمومی، مراکز فرهنگی و بهره‌مندی از آن‌ها ارزیابی می‌شود.

۶- فقر خدمات اجتماعی، میزان کمک‌های عمومی، دریافت‌کنندگان یارانه غذا، خدمات پزشکی، کمک‌های اولیه و... ملاک ارزیابی هستند.

۷- تهیه مسکن و زیربنای تعداد ساختمان‌های خالی و بازسازی شده، تهیه مسکن برای اقشار متفانی و دارای فقر اجتماعی

۸- محیط زیست اصلاح کیفیت هوا و بررسی مطلوبیت و غیرمطلوبیت آن و علل به وجودآورنده این شرایط، زیست شهری و محیط پیرامون.

در هر حال آن چه در بررسی‌ها و ارزیابی‌های صورت گرفته در عمل کرد شهرداری نیویورک از اهمیت بسزایی برخوردار است توجه به نیازها و خواسته‌های شهروندان است. در مجموع باید گفت آنچه از مجموع مطالعات در زمینه نظام ارزیابی عمل کرد شهرداری‌ها در سطح کلان شهرهای جهان حاصل می‌شود، میزان ارائه خدمات و سطح تأمین نیازمندی‌های شهروندان است و معیار رزسایتمندی از زندگی شهری الگوی ثابتی در ارزیابی عمل کرد به شمار می‌آید.

شهر با عمل کرد خوب چیست؟

برای پاسخ به این سوال می‌توان عمل‌کردهای اصلی شهرداری را در ۶ محور اساسی تقسیم و معیارهای عمل کرد خوب را به شرح زیر تعریف کرد:



... باز هم به سراغ روزنامه اطلاعات ۸۰ سال پیش رفته‌ایم تا استان ۱۳۰۷ خورشیدی تا گلری داشته باشیم در روند زندگی نزدیک به یک سده ی پیش پدرانمان در شهرهای قدیمی ایران . رویدادهایی که بلبله نوپای آن روز را به تکاپو واداشت و زندگی شهرنشینان آن زمان رنگ و بوی تازه‌ای به خود گرفت. بسیاری از آن رخدادها اینک برای ما شگفت می‌نماید. گویی که قرن‌ها از آن روزگار گذشته است .



اخباری کوتاه از آغازهای سده

● خلیفه گرشاسبی

طرف امیر محمد ابراهیم خان شده و مقدار یکمصد خروار گندم از خبازخانه‌ها تقسیم [گرفته]، بقیه هم به مرور می‌رسد. دکان خبازی باز و نان تقداً به قدر کفایت بخت می‌شود. هرگاه دویست خروار دیگر هم از خارج برسد تا خرمن نسبتاً نان شهر تأمین خواهد شد.

۹ اردیبهشت ۱۳۰۷ شماره ۴۷۷

سیرجان، کباب ملخ

سیرجان: چند روز است ملخ زیاد به سیرجان آمده و عبور می‌نماید و تاکنون صدمه به محصول نرسانده‌اند. اغلب از اهالی ملخ‌ها را گرفته کباب نموده می‌خورند. نان هم خیلی کمیاب و گران و مردم به گرسنگی گرفتارند. در صورتیکه گندم و جنس زیاد در انبارها موجود است همه روزه به قیمت نان افزوده می‌شود.

۲۸ مرداد ۱۳۰۷ شماره ۵۵۸

تأسیس خیابان جدید همدان

از همدان اطلاع می‌دهند: قریب یک سال است مأمورین بلدیة همدان بعد از تصویب و صدور اجازه احداث یک خیابان بزرگ در شهر همدان مشغول نقشه‌کشی و نصب بیرق‌های قرمز بالای بام خانه‌ها می‌باشند و در پلو امر نقشه خیابان را بدین ترتیب مشخص نمودند که ابتدا خیابان از حدود قلعه کهنه شروع و تا دروازه شاهورین ممتد گردد. از قلعه کهنه تا جلوی بلدیة بعرض ۲۴ ذرع و از بلدیة تا دروازه شاهورین بعرض ۱۲ ذرع خیابان را بسازند. ولی پس از چندی معلوم نشد به چه علت نقشه تغییر کرده و بیرق‌های قرمز از بام‌های سابق کنده شده روی بام خانه‌های دیگر قرار گرفت. باز به فاصله دو روز نقشه تغییر کرده بیرق‌ها به بام‌های دیگر نصب گردید و اینک تأسیس خیابانی در نظر گرفته‌اند که به هیچ وجه متناسب با وضعیت شهر همدان نیست .

۳۱ تیر ۱۳۰۷ شماره ۵۲۱

بلدیة بندر لنگه و تب حصبه

بلدیة بندر لنگه فقط آسمی باقی دارد، نه بودجه و نه عمل و اهالی از آنجائی که منتظر اقدام بلدیة شهر هستند به کلی دست از تغذیه کشیده و در کوچه‌ها کنفالت و بزباله ریخته شده و مدت ۱۵ روز است که هوا به شدت گرم و تب حصبه شهر شیوع پیدا کرده که خیلی خطرناک است، و چون دکتر محل عمده‌ی شغلشان سیاسی است امروزه کم توجه به امراض می‌کنند مخصوصاً جان فمرائیکه که نه قدرت رفتن یک مسافت بیملی به دواخانه دارند و نه استطاعت دادن حق القدم هر دفعه ۵ روبیعه توجه رئیس صحیة خیلی لازم است.

۳۱ خرداد ۱۳۰۷ شماره ۵۱۹

چراغ برق پهلوی

بر طبق تلگراف واسله کارخانه چراغ برق پهلوی که متعلق به شرکت زرتشتیان است. از شب چهارشنبه (دیروز) چراغهای شهر را روشن کرده و به بلدیة نیز برای روشنایی شهر چراغ داده است.

۹ اردیبهشت ۱۳۰۷ شماره ۴۷۷

بیرجند: اشخاص بی بضاعت و تهیه نان

بیرجند: چون وضعیت ارزاق سخت و برای اشخاص بی بضاعت تهیه نان اشکال داشت عجتاً اقداماتی از





۲۳ فروردین ۱۳۰۷ شماره ۴۶۴

آب طهران

برای آذینداد آب طهران و وارد کردن آب خارج شهر به طهران از چندی قبل از اداره‌ی بلدییه داخل عملیات شده و به طوریکه اطلاع می‌دهند عملیات حفر مجرا قریباً خاتمه یافته و تا اوایل ماه اردیبهشت آب خارج شهر به طهران خواهد شد. نتیجه: (شماره ۴۸۱ ۵ اردیبهشت ۱۳۰۷) در نتیجه اقدامات اداره بلدییه حفر مجرای آب کرج تا نزدیکی شهر رسیده و در طرف این هفته آب رودخانه مذکور از خیابان پهلوی وارد شهر خواهد بود.

۲۲ فروردین ۱۳۰۷ شماره ۴۶۳

بودجه بلدییه خرم دره

قبل از ظهر امروز کمیسوی مرکب از آقایان مدیر کل وزارت داخله - نمایندگان زنجان - میرزا احمد خان رئیس اداره مرکز نماینده مالیه و نماینده اداره صحیه در وزارت داخله تشکیل و پس از تبادل افکار بودجه سالیانه بلدییه خرم دره را در حدود ۱۷۰۰ تومان تنظیم و تهیه نموده اند برای ساختمان محل مسلخ، غسالخانه و چراغ معابر نیز از محل صرفه جویی بلدییه آنجا مبلغی اختصاص داده شده است. یک نفر طبیب هم برای بلدییه آنجا تعیین شده است که به محل اعزام گردد.



۶ شهریور ۱۳۰۷ شماره ۵۶۶

زلزله های موحش

شوشتر: از ساعت یک به غروب چهارم شهریور الی نصف شب ۶ شهریور تکان های زمین سخت بود و تا سه ساعت ظهر روز بعد ادامه داشت. چند نفر زیر آوار مانده تلف شدند. عدهای هم مجروح گردیده اند. در این مدت ادامه زلزله تقریباً ۳۳ مرتبه زمین تکان سخت خورده. بناهای چندی خراب گردید. تمام مردم از وحشت و ترس با عجله تمام از نصف شب شروع به خارج شدن از شهر نموده و در بیابانها منزل کردند. فعلاً احدی در شهر نیست. یک دستگاه چادر قوری برای اداره تلگراف در خارج از شهر لازم است که زیست در شهر غیر ممکن خطر جانی دارد. مأمورین دولتی نیز از شهر خارج و در چادر زندگی می نمایند. اعضا و اجزا تلگرافخانه در چادری خارج شهر اقامت کرده اند. برای حفظ اموال مردم از طرف مأمورین پلیس مراقبتهای لازمه به عمل می آید. خسارات وارده هنوز مشخص نیست و عده تلفات نیز معین نگردیده و چون زمین ساکت شده طبقات مردم مشغول مراجعت به شهر می باشند. رئیس صحیه دزفول و رئیس بلدییه ناسری [=آهواز] دو بعد از نصف شب وارد دکتر پورعند رئیس صحیه ناصری هم



امروز صبح وارد و مشغول بازدید خرابی‌ها و معالجه مجروحین می‌باشند (این زمینلرزه ها تا ۱۲ شهریور آن سال ادامه داشت)

۲۲ شهریور ۱۳۰۷ شماره ۵۷۹ حریق قم

دیشب در حدود چهار ساعت از شب گذشته دوآخانه نمون آتش گرفته و کلیه لوازمات که در دوآخانه بوده سوخته است. برای کشف علت آذریهی نظمییه مشغول اقدامات است.

۲۸ تیر ۱۳۰۷ شماره ۵۲۸

برای تأسیس مریشخانه

چون بلدییه بار فروش تصمیم گرفته است در سبزه میدان آن شهر مریشخانه تأسیس و دائر نماید. بوسیله وزارت داخله به وزارت مالیه مراجعه و تقاضا کرده بودند که قطعه زمین لازمه در سبزه میدان به بلدییه شهر واگذار شود. وزارت مالیه باین قضیه موافقت و اشعار داشته است در صورتیکه بلدییه قبل پرداخت حق الارض اراضی را برطبق محل بنماید شروع به ساختمان مریشخانه ممکن است.

۲۰ تیر ۱۳۰۷ شماره ۵۲۱

توسعه خیابان ناصریه

بر حسب تصمیم اداره بلدییه به وسعت خیابان ناصریه به مقدار چهار نوع از قسمت درب اندرون الی مطلب شیر و خورشید اضافه خواهد شد. از روز گذشته شروع به توسعه خیابان و انهدام دکاتین نموده اند.

۱۳ تیر ۱۳۰۷ شماره ۵۲۵

دو هزار و چهارصد تومان بودجه بلدییه دزدآب [=زاهدان]

قبل از ظهر امروز کمیسوی مرکب از نماینده سستان نمایندگان وزارت مالیه و داخله و نماینده صحیه کل مملکتی در اداره مرکز وزارت داخله تشکیل و بودجه بلدییه دزدآب را در حدود دو هزار و چهارصد تومان تنظیم و راپرت آن به مقام وزارت تقدیم شده است.

۳۱ مرداد ۱۳۰۷ شماره ۵۶۱

تلفات زلزله

سبزوار: دیشب چهار ساعت از شب زلزله خفیفی در سبزوار شد ولی به حمدالله خرابی به هم نرسید. نیشابور: دیشب ساعت



۲۵ فروردین ۱۳۰۷ شماره ۴۶۵

قزوین: ساختن دکاکین جدید

دو سه روز است ملاکین خیابان رشت با کمال خوشوقتی و جدیت به دستور بلدیہ مشغول ساختن دکاکین جدید هستند همچون بی‌طعمی و بی‌غرضی دکتر احیامالدوله شیخ بر عموم اهالی مکتشف است که نقطه نظر ایشان اصلاح و ترمیم خرابی‌های این شهر تاریخی است. دل‌وطلبانه هر روزه پیشنهاد عام‌المنفعه از طرف اهالی به ایشان داده می‌شود. همچو گمان می‌رود به زودی منظرة هولتاک شهر قزوین که هر مسافری را که عبور و مرور می‌کند مهموم و مغموم می‌ساخت که عنقریب یکی از شهرهای زیبا و تفریح‌گاہ عمومی به شمار خواهد آمد.



۲۰ خرداد ۱۳۰۷ شماره ۵۰۹

نصب ساعت بلدیہ

ساعت بلدیہ طهران که در حدود ۱۵۰۰ تومان خریداری و وارد شده و تقدیم بلدیہ طهران گردیده بود در این دو روزه در سر درب نصب و امروز ساختمان آن خاتمه یافت. به طوریکه اطلاع می‌دهند صفای رنگ ساعت مذکور تا یک کیلومتر خواهد رفت.

۱ اردیبهشت ۱۳۰۷ شماره ۴۷۷

یکصد و هفتاد دانه تخم سن: یک شاهی

اصفهان: چند ساعت باران کثلی بارید سن در کوه‌ها زیاد است و تا دیروز اداره مالیه چهل و دو خروار خریداری نموده است از قرار اطلاع سن در برگ‌های حاصل تخم گذارده و هر سنی از ۸ الی ۱۷ دانه تخم می‌گذارد از طرف عالیہ دستور داده شده است برگ‌هایی که تخم سن در آن هست رعایا جمع نموده بیابورند هر ده برگی که صدالی صد و هفتاد دانه تخم دارد یک شاهی خریداری می‌شود دیروز مقدار زیادی آورده‌اند.

۱۷ شهریور ۱۳۰۷ شماره ۵۷۴

افتتاح بانک ملی

۵ ساعت به ظهر مانده امروز بانک ملی ایران رسماً مفتوح گردید بدو رئیس بانک کلیه اعضا را در اتاق خود پذیرفته و شرح مفصلی راجع به تعیین وظایف آن‌ها و اهمیت امور بانک درستی و صمیمیتی که باید آن‌ها در کارهای خود داشته باشند اظهار و سپس کلیه اعضا به کارهای مرجوعه خود مشغول گردیدند. برای اخذ تصمیمات لازمه راجع به معاملات نیز از طرف وزارت مالیه دعوتی از هیئت نظار به عمل آمده است که در ساعت چهار و نیم به‌عناظر ظهر در بانک ملی حضور بهم رسانند.

۱۱ به‌عناظر ظهر زلزله شدیدی شده اغلب منازل را ترک داده و کلیه تریقه‌های دیوارها را خراب و تقریباً ده نفر در شهر تلفات داده هنوز از اطراف شهر و دهات زابرت صحیح نرسیده است شیروان: دیشب ساعت چهار از شب زلزله سختی شد ولی به حمدالله خرابی و صدمه وارد نشده بواسطه اختلاف هوا آب و نوبه خیلی شیوع دارد در میان گاوها ناخوشی افتاده است.

۸ اردیبهشت ۱۳۰۷ شماره ۴۷۶

تشکیلات سجن احوال و احصایه

در نتیجه مطالعاتی که برای تشکیل جدید سجن احوال و احصایه مملکتی بعمل آمده است امور سجن و احصایه مملکت به هفت ناحیه متقسم و رؤسای آن بر طبق ابلاغ صادره به شرح و ترتیب ذیل تعیین گردیده‌اند ناحیه ۱: طهران: (شهرهای عراق، قم، شاهرود و قزوین و اطراف جز آن محسوب گردیده است) تحت کفالت آقای موسعد مظفر رئیس اداره تفتیش احصایه ناحیه ۲: شمال: (عبارت از گیلان و مازندران و استرآباد و توابع است) به ریاست آقای دبیر علایی ناحیه ۳: شرق: به ریاست میرزا عیسی خان احتشامی ناحیه ۴: آذربایجان: به ریاست آقای میرزا عیسی خان ممتازی ناحیه ۵: غرب: به ریاست آقای شاهزاده کامران ناحیه ۶: جنوب: به ریاست آقای میرزا احمدخان دیوسالار ناحیه ۷: جنوب شرقی: (اصفهان کرمان و یزد و توابع است) به ریاست آقای میرزا عبد اللهخان اسفندیاری

۷ خرداد ۱۳۰۷ شماره ۵۰۰

ساختمان بلدیہ بندر پهلو

انجمن بلدیہ بندر پهلو که چندی است مشغول تهیه لوازم ساختمان بلدیہ جدید آن جا بود اخیراً شروع به ساختمان کرده است به طوری که اطلاع یافتیم درمحل بلدیہ یک سالون نمایش باشکوهی که از هر حیث جالب توجه می‌باشد ساخته خواهد شود.

۲۲ اردیبهشت ۱۳۰۷ شماره ۴۸۶

شیراز: انتخاب بلدی

لنڈ ری انتخابات بلدی تا امروز غروب در اداره بلدیہ خاتمه یافت و از فردا در مسجد وکیل قرائت خواهد شد آقای خوالقتر هم وارد شده‌اند.



زمین به تبریز هشدار داد

مصطفی رستمخانی

زلزله در تبریز

ساعت ۵۲:۲۱ شنبه شبه دهم آذر ۸۶ زلزله ای به قدرت ۳/۹ ریشتر شهر تبریز را تکان داد. ۲۵ دقیقه بعد زلزله دوم به قدرت ۴/۶ باعث شد تا مردم هراسان و وحشت زده، مانند در سرمای زیر صفر را بر گرمای داخل خانه های ناامن خود ترجیح دهند و وقوع چهار

زلزله در طول ۲۴ ساعت و مشکلات ناشی از آن بار دیگری دفاعی شهر را در برابر حوادث طبیعی بر مدیران، مسئولان و شهروندان گوش زد کند. متأسفانه هراز چند گاهی در گوشه و کنار کشورمان حوادثی رخ می دهد که باعث به وجود آمدن خسارات جانی و مالی جبران ناپذیری می شود. خساراتی مانند: سیل، آتش

سوزی و... از همه مهم تر و مخرب تر زلزله که تاکنون دانشمندان نتوانسته اند پیش بینی یا پیش گویی دقیقی از آن داشته باشند. تنها راه چاره این است که بدانیم چه راهکاری به هنگام وقوع زلزله میزان خسارت را کاهش می دهد. زلزله شهر تبریز هشدار بسیار جدی برای ساکنان شهر و به ویژه مسئولان به حساب می آید که برای جلوگیری از خسارات احتمالی زلزله های بعدی تصمیماتی اصولی اتخاذ کنند. نباید آسوده نشست و بعد از وقوع زلزله به فکر کمک رسانی بود. هر چند برخی از اداره ها و سازمان های دولتی مانند هلال احمر و آموزش و

پرورش هراز چندگاهی تمرینات و مانورهایی برای آموزش دانش آموزان برگزار می کنند که چندان هم در کاهش تلفات احتمالی بی تأثیر نیستند.

شهرداری تبریز با اعلام آماده باش کامل به تمامی نیروهای تحت امر بلافاصله در نقاط حساس شهر متمرکز شد و خدمات رسانی در سطح های مختلف را

آغاز کرد. آماده سازی و تجهیز پناه گاه های موجود شهر و گلخانه ها (با توجه به پروتکت هوا)، از اقدامات اولیه حوزه خدمات شهری شهرداری تبریز بوده.

تبریز شهری زلزله خیز است و تاریخ گواهی بر این امر است. دیر یا زود احتمال وقوع زلزله دیگری وجود دارد. تقریباً ۶۰٪ مردم تبریز در محله هایی با بافت های قدیمی

تقریباً ۶۰ درصد مردم تبریز در محوطه هایی با بافت های قدیمی فرسوده و کوچه های باریک زندگی می کنند که امداد رسانی به آن ها بسیار مشکل است

و فرسوده و کوچه های باریک زندگی می کنند که امداد رسانی به آن ها بسیار مشکل است.

تقریباً ۶۰ درصد مردم تبریز در محوطه هایی با بافت های قدیمی فرسوده و کوچه های باریک زندگی میکنند

امداد رسانی به آن ها بسیار مشکل است. بهترین کاری که تمامی ارگان ها و مراکز ذی ربط می توانند بکنند، هماهنگی با رسانه های عمومی است تا به مردم آموزش و آگاهی کافی و کامل بدهند. شهرداری شورای شهر علاوه بر آگاهی بخشی و اطلاع رسانی می بایستی طی یک برنامه میان مدت نوسازی و

پیرایند ۱: زمین لرزه های تبریز در گذر تاریخ

| سال میلادی | ال قمری (ماه) | خندهای زمین لرزه |
|-------------------|---------------------------------------|---|
| ۸۵۸ م | ۲۴۴ ق | |
| ۱۰۲۲ م (۴ تومبر) | ۴۳۳ ق (شامگاه پنجشنبه ۱۷ ربیع الثانی) | ۴۰ هزار کشته. قطران تبریزی شاعر، این فاجعه را در قصیده‌ای سروده است. پس‌لرزه‌ها همه خانه‌ها و ساختمان‌های شکسته را فرو ریخت. |
| ۱۲۷۳ (۱۸ ژانویه) | ۶۷۲ | شهر در ۲۴ ساعت ۱۸ بار لرزید. |
| ۱۲۰۴ (۲ تومبر) | ۷۰۴ (۷ ربیع الثانی) | مینلزهای در سراسر آذربایجان، سواب نیز به شدت آسیب دید. |
| ۱۵۵۰ | ۹۵۷ | لاتلزهای (زمین‌لرزه‌های بزرگ) در کوهستان. پس‌لرزه‌ها ۶ روز ادامه داشت. کشته‌های بسیار، دهخوارقان (آذر شهر) یکسره ویران شد. تمام بناهای تاریخی از جمله شام‌غازان در ۵ کیلومتری شهر ویران شد. ۱۲۰۰ تن کشته شدند. شمال باختر شهر آسیب دید. |
| ۱۶۳۱ (۵ فوریه) | ۱۰۵۱ (شامگاه پنجشنبه) | |
| ۱۶۵۰ | ۱۰۶۱ | سیمب قرلووان |
| ۱۶۵۷ | ۱۰۶۸ | ویرانی به بار آمد. |
| ۱۶۶۴ | ۱۰۷۵ | ویران شدن ساختمان‌ها |
| ۱۷۲۱ | ۱۱۳۳ (جمادی الثانی) | ۴۰ هزار کشته ۳/۴ خانه‌ها ویران شده، شکستگی گسله‌ای به درازای ۵۰ کیلومتر داشت. |
| ۱۷۸۰ (۸ ژانویه) | ۱۱۹۴ (اول محرم) | |
| ۱۸۰۶ | ۱۲۲۱ | هر با ۳۰۰ روستا یکسره ویران شده. شماع ویرانی ۱۲۰ کیلومتر همه ساختمان‌های تاریخی یکسره فرو ریختند. گسلش ۶۰ کیلومتری از پای کوه سرخاب (عینعلی) رخ داد. پس از این فاجعه شیوه‌های ساخت و ساز عوض شد. |
| ۱۸۱۹ | ۱۲۳۵ | |
| ۱۸۳۴ | ۱۲۵۰ | |
| ۱۸۵۳ (۲۳ سپتامبر) | ۱۲۷۱ | اینکف کنسول روسیه در ایران گزارش این زمین‌لرزه را به فرهنگستان علوم سن پترزبورگ داده است. |
| ۱۸۵۶ | ۱۲۷۳ | |
| ۱۸۷۶ | ۱۲۹۴ | |



بهسازی باعث های فرسوده را در محورهای قدیمی و حاشی های آغاز کنند. بررسی تاریخ زلزله های مخرب تبریز و دیگر شهرها بایستی ما را وادارد که در انتظار معجزه نباشیم و هم چون برخی سوزمین های دیگر با زلزله زدگی کنیم و این را پدیده ی طبیعی بدانیم و همواره آماده باشیم.

صدا و سیمای مرکز آذربایجان شرقی، مسؤولان استان و ستاد بحران شهر، مردم را به آرامش دعوت کردند و به آنها اطمینان می دادند که هرگز پس لرزه ها به شدت زلزله نخواهد بود، اما با این حال بسیاری

از مردم و حتی مدرسه ها و اداره ها در حالتی از شوک، ترس و انتظار موهوم به سر می برند زلزله به خوبی نشان داده بود که تبریز در برابر حوادث غیرمترقبه بدون دفاع بوده و اقدامات و تدابیر موقت و لحظه ای برای شهروندان آرامشی نخواهد داشت. تبریز شب های سختی را سپری کرد. وقوع ۹ زمین لرزه از ابتدای سال ۸۶ بیانگر ضرورت آمادگی هر چه بیشتر است و باید همواره توجه ویژه ای به این منطقه داشت. به گفته ی معاون پژوهشی

پژوهشگاه بین المللی زلزله شناسی، این زلزله ها در مجموع با بزرگی کم و متوسط بوده و با توجه به زلزله های تاریخی تبریز توجه جدی به زلزله خیزی این منطقه ضروری است. وقوع زمین لرزه ها باعث قطع برق و تلفن ثابت در بخش عمده های از مرکز استان آذربایجان شرقی شد و برقراری مکالمه با تلفن های همراه نیز تقریباً غیرممکن بود؛ از سوی دیگر به علت مسدود شدن بخشی از بلوار ۲۲ بهمن تبریز شایعه شد که تونل مترو تبریز ریزش کرده، اما فرماندار تبریز در این باره گفت: به دلیل حفاری تونل های مترو در منتهی الیه بلوار ۲۹ بهمن تبریز زمین ها و خیابان های اطراف دچار لغزش شدند و بخشی از خیابان روبروی دانشگاه تبریز شکاف برداشت و برای جلوگیری از خطرات احتمالی به ویژه برای خودروهای سنگین بخشی از بلوار ۲۹ بهمن مسدود شد، اما همزمانی انسداد این معبر با وقوع زمین لرزه شایعه ریزش تونل مترو پراکنده شد که نادرست است. به گفته معاون عمرانی استانداری و رئیس ستاد حوادث غیرمترقبه استان ۳۴ کارگروه در زمینه مقابله با حوادث احتمالی استان تشکیل شد و مسؤولان

کارگروه ها آمادگی کامل برای اسداد رسانی و انجام وظایف محوله دادند. با توجه به قطع برق مردم در هوای سرد روزهای آخر پاییز تبریز ساعاتی پس از زلزله در خیابان ها، پارک ها و کوچه ها گذرانند و پس از بازگشت به منزل نیز دلهره و اضطراب همراه آنان بود. عده ای نیز شب را داخل اتومبیل ها گذرانند و سوال مهمی که به اذهان خطور کرد: آیا اگر این زلزله ها ادامه داشت مدیریت بحران و شهرداری آمادگی اسکان موقت شهروندان در هوای سرد پاییز را داشتند یا...؟

آموزش و پرورش مدارس نوبت صبح (ابتدایی و راهنمایی) تعطیل اعلام کرد. کانون هر دو زمین لرزه شهر خواجه در ۲۵ کیلومتری شمال روستای کندرود، ۵ کیلومتری شمال شرقی تبریز؛ اعلام شد؛ با وجود این که بیشتر مردم تا صبح و در سرمای زیر صفر زمستانی در خیابان سرگردان و نگران بودند، تصمیم سازی و اطلاع رسانی درباره بازگشت مردم به خانه ها و یا ماندن بیرون منازل مسکونی در میان مسؤولان محلی با

وقوع این زلزله ها درست در زمانی اتفاق افتاد که یک هفته قبل شهرداری تبریز نشستنی با حضور نمایندگان یک شرکت سونبسی و دفتر ملل متحد درباره ی تعامل مشترک برای مقابله و پیشگیری از تلفات بلاهای طبیعی در محل باغ صبا تشکیل داده بود

تردیدهایی روبرو بود. نگرانی مردم تبریز از پس لرزه ها از آن جهت بیشتر بود. در ماه های اخیر در برخی محافل سخنی از فرارسیدن موعد وقوع زلزله های خطرناک دوران گذشته در یک دوره ۲۰۰ ساله به میان آمده است. وقوع این زلزله ها درست در زمانی اتفاق افتاد، یک هفته قبل شهرداری تبریز نشستنی با حضور نمایندگان یک شرکت سونبسی و دفتر ملل متحد درباره ی تعامل مشترک برای مقابله و پیشگیری از تلفات بلاهای طبیعی در محل باغ صبا تشکیل داده بود و در آن برای چندمین بار نامقاوم بودن بسیاری از بناهای تبریز به ویژه در حاشیه و بافت فرسوده شهر مورد تأکید قرار گرفت. نکته ی قابل توجه در ارتباط با زمین لرزه های اخیر ضعف اطلاع رسانی، راهنمایی و دعوت به آرامش در چند ساعت اولیه وقوع زمین لرزه ها محسوس بود؛ تا این که در بعدازظهر روز یکشنبه در حضور استاندار در صدا و سیما و گفت و گوی مستقیم این کاستی تا حدودی برطرف شد. تبریز به دلیل قرار گرفتن بر روی گسل زلزله از دوره های گذشته زلزله های شدیدی را تجربه کرده است.



گنجینه شهرداری نخستینی دیگر برای تبریز

● محققان رستخانی



وجود موزه در یک شهر نشان از توجه ویژه مردم ومسؤولان آن مکان نسبت به گذشته تاریخی خود دارد. شهروندان با دیدن آثار جمع آوری شده در مکانی بنام گنجینه (موزه) به نیاکان واجداد خود فخر کرده با آزاد مردان آشنا شد. ظلم و ستم و بیعدالتی حاکمان وقت را در تصاویر و اسناد ارائه شده مشاهده می کنند. با انواع هنرهای اصیل و قدیمی گذشتگان ارتباط معنوی برقرار کرده و تا مدت ها در ذهن خود خاطره های خوش ثبت می نمایند. حضور در مکان های فرهنگی و هنری از جمله گنجینه ی پیشرفت و توسعه در هر موضوعی را طی سال های متعددی تصویر کرده و لذتی دائمی در مخاطب ایجاد می نماید. موزه تاریخ گویای امور حوزه ی مربوط به خود هستند و ما را با فقر رنجها و... زندگی مردمان قدیم مرتبط کرده و شرایط مناسب زمان ما را نمایان می سازند. موزه ها عبرت آموزند و تاریخ گویا و مجسم پیش روی ما. در یکصدمین سال تأسیس شهرداری های کشور و در پی اقدامات و مراسم مختلف شهرداری تبریز در خصوص بزرگداشت یکصدمین سال شهرداریها، شهرداری تبریز در اقدام ارزشمندی موزه شهرداری تبریز را افتتاح کرد. تأکید تبریزی ها به عنوان شهر اولین ها این بار محل ساختمان قدیمی و زیبای شهرداری در قالب تأسیس موزه شهرداری تجلی یافته و بر آمار اولین شهر اولین ها افزود. این موزه در مساحتی قریب به ۸۰۰ متر مربع و با هزینه های معادل یک میلیارد و یکصد میلیون ریال راه اندازی شده است. در نخستین موزه شهرداری کشور در طبقه زیرزمین عمارت ساعت تبریز (محل فعلی شهرداری) اشیاء آثار و اسناد قدیمی مربوط به بلذبه (شهرداری) در معرض بازدید شهروندان قرار گرفته است. در این موزه هدایای مقامات و شخصیت های خارجی به شهرداری کسب خطی و آثار هنری استاد هریس (خوشنویس) اسناد اداری مالی جام های قهرمانی باشگاه شهرداری تبریز چینی آلات و اقلام مصرفی معرفی شهرداری در گذشته در خصوص تبریز تجهیزات امکانات و شهر مربوط به شهر اولینی ها با همکاری شهرداری تبریز و شهروندان خوش ذوق جمع آوری و عرضه شده است. مهندس علیرضا نوین شهردار تبریز در مراسم افتتاح موزه با بیان اینکه این امر گامی در جهت هویت و تحلیل از مضامیر و گذشتگان است گفت: تا یکسال آینده با اختصاص کل عمارت ساختمان شهرداری (برج ساعت) به این امر بزرگترین موزه شهرداری کشور در تبریز ایجاد خواهد شد. در موزه شهرداری تبریز اسامی و اعضای برخی از

شهروندان تبریز از سال ۱۲۸۶ تا ۱۳۸۶ دیده میشود و در کنار آن اسناد و مدارک قابل (تصاویر، سکه، نشان، نامه...) گرد آوری شده است که بازدید از آن برای علاقه مندان و پژوهشگران سودمند و جالب خواهد بود و نشان از آرج نهادن مردم این دیار (خط) به سابقه و نیاکان خود می باشد.

شهرداری تبریز در اطلاعیه ای از شهروندان این کلانشهر در خواست کرد برای غنای موزه شهرداری، هر گونه آثار تاریخی خود را برای نمایش و آشنا سازی سایرین با تاریخ و فرهنگ درخشان تبریز در اختیار این موزه قرار دهند. آثار اهدائی با نام خود آنان در موزه نگهداری خواهد شد. در این اطلاعیه آمده است: با توجه به نوبت بودن موزه شهرداری تبریز، گردآوری اسناد ارزشمند تاریخ معاصر این شهر اعم از اشیای قدیمی، عکس، سند گرد آوری و آماده سازی اقلام موجود از جمله خودروهای قدیمی، تجهیزات... و موارد مشابه. یقیناً بر غنی مجموعه زیبای گنجینه شهرداری ها و ساختمان دیدنی آن* خواهد افزود.

اقدام ارزشمند شهرداری تبریز در تأسیس این موزه و طرح های گسترش آن الگویی مناسب برای دیگر شهرداریها است و قطعاً موزه های مختلف شهرداری ها در بیان مدیریت یکصد ساله شهرداری ها بر شهر سندی گویا و روشن خواهد بود. بازدید این موزه ها تپوهی از مطالب ناگفته حوزه مدیریت شهری حداقل یکصد ساله را خواهد آموخت. ظاهراً تبریزی ها این بار عملاً و بدون تکیه بر اسناد، اولین بودن خود را اثبات کرده اند.

پاوشد
*عمارت ساختمان شهرداری تبریز
خود نمونه ای دیدنی از معماری است که
بررسی دقیق آن ساعتها زمان می
خواهد. در شماره ۸۰ ماهنامه علاقه
ای از تاریخچه و مشخصات این عمارت
ذکر شده است.

• آزاده افشار

اراک

به مناسبت یکصدمین سالگرد تأسیس شهرداری‌ها پایانه مسافری غدیر در شهر اراک در مدت زمان ۱۰۰ روز احداث و به بهره‌برداری رسید. این پایان به منظور ایجاد محیطی امن و آسایش هر چه بیشتر مسافران شهری برای انجام سفرهای بدون شهری احداث شد. پایانه موقت غدیر در فضای ۱۰ هزار متر مکعب در میان بسیج احداث شده است و احداث پایانه دائمی نیز در دستور کار شهرداری قرار گرفته است.

اصفهان

شهردار اصفهان به منظور متحول کردن چهره این شهر با سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در طرح‌های عمرانی، گردشگری، فرهنگی، تفریحی در اصفهان تفاهم نامه امضا می‌کند. چنانکه هم اکنون تفاهم نامه چند پروژه بزرگ مشارکتی همچون ساخت بزرگترین شهرسازی با یک شرکت چینی منعقد شده است که مقرر شده با استفاده از آخرین تکنولوژی روز این پروژه به بهره‌برداری برسد. از دیگر طرح‌های بزرگ، انعقاد قرارداد احداث یک مرکز تجاری عظیم و سیتی‌سنتر در جنوب شهر اصفهان است. این مرکز خرید که بزرگترین مرکز خرید اصفهان خواهد شد، با اعتباری بالغ بر هزار میلیارد ریال توسط سرمایه‌گذاران خارجی در حال احداث است. احداث هتل چهل طبقه سفید نیز از دیگر پروژه‌های مشارکتی با سرمایه‌گذاری خارجی می‌باشد که زمین برای ساخت این هتل از سوی شهرداری اصفهان در اختیار سرمایه‌گذار قرار می‌گیرد.

اهواز

شهرداری اهواز سیستم ارسال و دریافت پیام کوتاه را با هدف ایجاد ارتباط میان شهرداری و شهروندان در کوتاه‌ترین زمان ممکن راه‌اندازی کرد. این سیستم با شماره ۳۰۰۰۶۶۱ قادر است در مدت زمان یک دقیقه بالغ بر ۱۰۰۰۰ پیام کوتاه دریافت و ارسال کند. این سیستم علاوه بر اخذ نظرات و پیشنهادات شهروندان می‌تواند عملکرد شهرداری را در مناسبت‌های مختلف انعکاس دهد.

بندرعباس

شهرداری بندرعباس شهروندانی را که اقدام به ساخت، نوسازی و خرید واحدهای مسکونی در محدوده بافت فرسوده شهری می‌کنند از پرداخت ۵۰ درصد عوارض صدور پروانه ساختمانی معاف می‌کند. گفتنی است محله‌های داماهی، سرریگ، اوزپناه، طالبند، نظرآباد، نخل ناخدا، بازار و کوی ۲۲ بهمن در جزء محدوده بافت شهر بندرعباس به شمار می‌آیند.

تهران

معاونت آموزش و اطلاع‌رسانی مرکز سامانه مدیریت شهری ۱۲۷ شهرداری تهران، ساخت مجموعه انیمیشن ۱۳۷ را به صورت موزیکال در دست تهیه دارد. این انیمیشن با هدف تماس شهروندان با سامانه ۱۳۷ برای رفع معضلات و مشکلات شهری در دست ساخت است. بهرام عطیسی، کارگردان انیمیشن ۱۳۷ قصد دارد این مجموعه را به صورت کاملاً موزیکال و با حال و هوای خاصی که توان جذب مخاطب را داشته باشد تولید کند. این مجموعه برنامه پس از اتمام همزمان از طریق تلویزیون و رادیو پخش خواهد شد.

ساری

اولین و بزرگترین تلویزیون شهری مازندران در پارک قائم ساری نصب و راه‌اندازی شد. به گفته شهردار ساری نصب این پروژه در راستای آموزش همگانی در مباحث شهری با هزینه‌ای بالغ بر ۲۵ میلیون تومان انجام شده است.

قم

طرح جمع‌آوری خودروهای فرسوده به منظور پاکیزگی شهر و رفع مزاحمت خودروهای مجهول‌المالک برای شهروندان از نیمه اول سال ۸۶ در قم آغاز و بیش از ۱۵۰ دستگاه خودروی فرسوده بوسیله عوامل شهرداری از معابر عمومی جمع‌آوری شده است. در این طرح که با همکاری دادستانی قم اجرا می‌شود تاکنون بیش از ۲۰۰ دستگاه خودروی فرسوده نیز با شناسایی و مشارکت مالکان آن به مکان‌های مناسبی انتقال داده شده است.

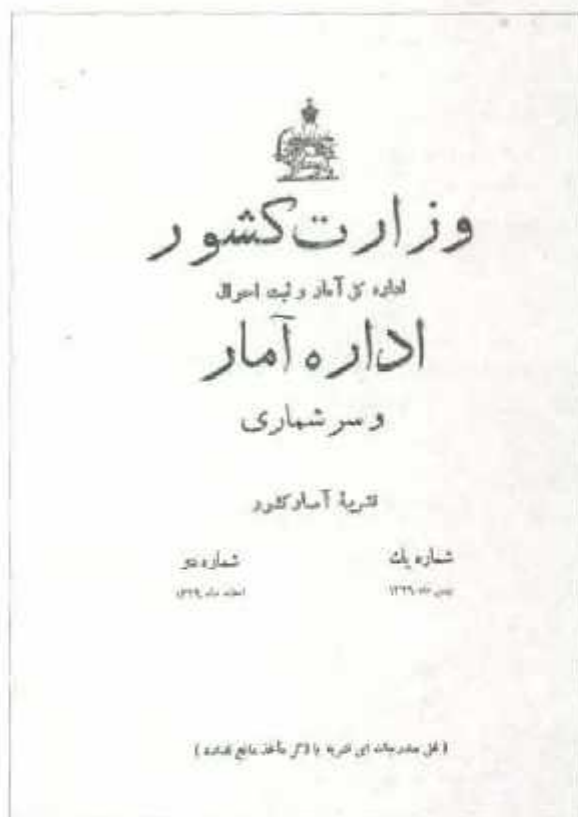
گنبد کاووس

گلکاری زمستانه در تمامی فضاهای سبز گنبد کاووس با تعداد بیش از ۲ میلیون بوته نشاء گلپای فصلی بنفشه، همیشه بهار، مینا و... آغاز شد. انجام این کار هزینه‌ای بالغ بر ۸۰ میلیون ریال در بردارد. هدف از انجام این کار زیبایی بخشیدن به منظر شهری و گسترش فضای سبز است.

یزد

سازمان بازیافت و تبدیل مواد زائد شهر یزد به منظور تفکیک زباله از مبدأ ایستگاه‌های سيار جهت جمع‌آوری پسماندهای خشک در کل شهر تعبیه کرده است. این سازمان در نظر دارد تا با انجام یکسری اقدامات فرهنگی در سال آبی استاندارد ۹۰۰۳ ISO را از آن خود کند. ناگفته نماند که کارخانه کمپوست این شهر نیز در راستای همین سیاست‌ها تاکنون ۸۵ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است.

از اداره ی احصاییه ی بلدییه تا مرکز آمار ایران



پیش درآمد:

در مقاله ی احصاییه ی بلدی نخستین آمارهای شهری (ماهنامه ی شهرداریها شماره ی ۷۷) به موضوع گشایش نیافته ی تاریخچه ی آمارهای شهری پرداخته شد. در آن شماره نخستین کوشش ها در زمینه ی گردآوری آمارهای شهری که در آغاز بیشتر نیمه آگاهانه بودند تا نخستین تلاش آگاهانه در زمینه ی توجه به مفهوم کمی شهر و گردآوری آمارهای شهری از سوی شهرداری مورد بررسی گذرا قرار گرفتند. تلاشی آگاهانه و تا اندازه ای مستقل از سوی شهرداری آن زمان که شاید در بین تمامی نهادهای دولتی یا مردمی آن روزگار پیشگام همه باشد و دستاورد این تلاش انتشار نخستین سالنامه ی آماری کشور بود که این سالنامه اصولاً دغدغه ی مسائل شهری داشت. این مقاصد بر آن است تا در حد امکان وقایعی را که بر سر چگونگی گردآوری آمارهای شهری آمد با نیم نگاهی به نهاد شهرداری مورد گشایش و بازبینی قرار دهد. بررسی کنونی از نخستین سنگ بنای تمرکز نظام آماری در کشور در ۱۳۰۳ش آغاز می شود و به سال ۱۳۴۴ش یعنی زمانی که در غیاب واقعی برنامه ریزی محلی نظام برنامه ریزی متمرکز و نظام آماری متمرکز به

هم می پیوندند پایان مییابند. در این میان بر پایه ی جنس رویدادها و مقاطع مهم که رویدادهای پس از خود را تعیین کرده اند و برای روشنگر شدن بررسی تقسیم بندی زمانی منبسط گرفت که این دوره ی جنوداً چهل ساله را به سه زیر دوره تقسیم می کند. در هر زیر دوره مهمترین رویدادهای مرتبط با آمارهای شهری شرح داده شده و در پایان بر مبنای این رویدادها جمع بندی چکیده های به عنوان تصویری کلی از آن زیر دوره آمده است.

دوره ی نخست: (۱۳۰۳-۱۳۱۲ش)

آغاز بحث آمار در ایران با ثبت هویت افراد پیوسته است. به همین دلیل نخستین نهاد مسئول گردآوری آمار در ایران اداره ی سجل احوال (ثبت احوال) در وزارت داخله (کشور) به عنوان مهمترین وزارتخانه ی تدبیر کننده ی امور داخل مملکت بود. اما از آنجا که وزارت کشور در تمام نقاط ایران بازویی اجرایی داشت در ابتدا نظمی و سپس شهرداری ها را که دارای وظایف گسترده تر و قدرت بیشتری بودند به عنوان بازوی اجرایی خود در این امر برگزید. بر همین اساس بود که جنس از ثبت هویت افراد که بعدها با شدت بیشتری به منظور اجرای قانون نظام وظیفه و ایجاد



ارزش منظم پیگیری شد اساساً نخستین آمارهای گردآوری شده تا مدت ها چاره‌های جز شهری بودن نداشتند.

با این وجود که بلدیة ی (شهرداری) تهران در ابتدای سده خود دست به کار سرشماری شد و آمارهایی را جمع آوری کرد و حتی اولین نهادی بود که هویت نظام آماری خود را با انتشار سالنامه ی آماری در ۱۳۰۴ اعلام نمود اما کمی پیش از آن در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۰۳ش آغاز نادیده انگاری این هویت مستقل رقم خورد. در این تاریخ مصوبه ای ۶ ماده ای به پیشنهاد وزارت کشور از تصویب هیئت وزیران گذشت که براساس آن مقرر شده بود تمامی آمارهای ممکنگی در وزارت کشور متمرکز داده شود (ماده

ی ۱) همچنین هر وزارتخانه موافق بود برابر دستوری که از سوی وزارت کشور صادر میشود اطلاعات و آمارهای به وزارت کشور برسد. ماده ی ۳۶ و ماده ی دوم نیز اصلی ترین مقولات آماری کشور که ۲۰ مورد را شامل می شد و بسیاری از آنها شهری بود به اختصار تشریح می کرد. از مهمترین مواد آن ماده ی چهارم بود که شورایی دائمی را مرکب از نمایندگان وزارتخانه ها مشخص می نمود که مکان آن وزارت کشور و وظیفه اش مشخصاً به ماده ی

سوم و تسهیل در اجرای آن مربوط می شد. ماده ی پنجم نیز وزارت کشور را مسئول تهیه ی نظامنامه ها و دستورالعمل های لازمی برای اجرای مواد یک تا چهار کرد و ماده ی ششم زمان آغاز اجرای این مصوبه را اول فروردین ۱۳۰۴ش اعلام نموده بود (احصائیه و سجل احوال کل مملکت ۱۳۱۲: ۳-۵). بر این اساس از نظر تاریخی مصوبه ی بالا نخستین سنگ بنای نظام آماری متمرکز در کشور است.

با وجود اینکه در این مصوبه نامی از شهرداری ها به چشم نمی خورد اما نخستین نهادی که دست به این کار زد و حاصل آن نیز نخستین سالنامه ی آماری کشور است خود شهرداری بود (جلالی ۱۳۸۵). علت اصلی همانگونه که رفت در نمایندگی ای بود که شهرداری ها برای ثبت احوال در نقاط مختلف پذیرفته بودند و بیرو آن با گشایش بحث آمار بی آنکه نامی از آنها در مصوبه مذکور باشد خود را ملزم به ارائه ی آمار به وزارت کشور دیدند. در واقع از همان آغاز شهرداری ها پذیرای امری شدند که بر اساس قوانین هیچ گونه مسئولیتی در برابر آن نداشتند و این کار تنها مبتنی بر اعلانی غیر رسمی در جدا شدن دایره ی سجل احوال از تشکیلات تنظیمیه و واگذار شدن آن به بلدیة بود که در تاریخ ۱۱ ثور ۱۳۰۰ش صورت گرفت (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۶: ۱۵۸).

در هر حال به دنبال این مصوبه در ۱۳۰۴ش اداره‌های در وزارت کشور یا نام احصائیه و سجل احوال تشکیل شد که وظایف آن را می توان به دو بخش تقسیم کرد: نخست ثبت هویت افراد و دوم تمرکز آمارهای ممکنگی. از آن جا که ثبت

هویت افراد برای اجرای کامل قانون نظام وظیفه دارای اهمیت بیشتری بود این نظام متمرکز از ابتدا بیشتر به بخش اول وظایف خود یعنی ثبت هویت افراد می پرداخت و بدین ترتیب نظامنامه ای که تهیه ی آن برای شورای دائمی نمایندگان وزارتخانه در مصوبه ی ۱۳۰۳ش مورد تاکید قرار گرفته بود تا هشت سال بعد یعنی ۱۳۱۲ش تنظیم شد و در نتیجه تنها نهاد اصلی گردآورنده ی آمار همان شهرداری بود.

اتفاق مهم دیگر تصویب قانون ثبت اسناد و املاک بود. با وجود نقش مهمی که شهرداری می نواست در ثبت سنها و املاک شهرویان داشته باشد در این قانون کار ثبت به تمامی در گستره ی اختیارات وزارت عدلیه (دادگستری) قرار گرفت. پس از ثبت هویت افراد ثبت حقوق و مایملک آنها دومین گام اساسی در تنظیم امور کشور به صورت مدرن آن بود گرچه موضوع ثبت اسناد و املاک پیش از دوره ی پهلوی اول (۱۳۰۴-۱۳۲۲ش) و در عهد ناصرالدینشاه نیز مطرح گشت اما از آن جا که مخالفت با آن در بسیاری نقاط به ویژه از جانب قشر روحانیون که اساساً نظام حقوقی و قضایی کشور را در اختیار داشتند بالا گرفت فرمان ابطال آن از

سوی شاه صادر شد (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۶: ۱۷۰). با وجود این ضرورت این کار چهل سال دوام آورد تا با روی کار آمدن دولت نوگرا در ۲۱ فروردین ۱۳۰۲ش به صورت قانون ثبت اسناد و املاک مورد تصویب مجلس شورای ملی رسید. در این قانون هدف از ثبت اسناد و املاک شرح داده شد و به موجب آن اداره ی ثبت اسناد و املاک برای رسیدن به این اهداف زیر نظر وزارت عدلیه تشکیل شد. با این وجود ضعف اساسی این قانون آن بود که ثبت اسناد و املاک را به جز در مواردی خاص اختیاری دانسته بود. همین مسئله در تاریخ ۲۱ بهمن ۱۳۰۶ش به تصویب قانون ثبت عمومی املاک و مرور زمان در مجلس اختصاصی که در آن ثبت تمامی اموال غیر منقول الزامی گشت و برای تاخیر در تقاضای ثبت افزایش حقالثبت در نظر گرفته شد (شهری ۱۳۸۴: ۴). قانون نام برده پیش از آن شش بار مورد اصلاح قرار گرفت تا در نهایت در ۲۶ اسفند ۱۳۱۰ش قانون ثبت اسناد و املاک از تصویب مجلس گذشت و تمامی موارد قبل از آن نسخ شد. این قانون تاکنون تنها در بعضی مواد اصلاحاتی را پذیرفته است (همان). با نگرش دقیق به وقایع روزانه ی دوره ی زمانی میان ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۰ مشخص می گردد که عمل ثبت املاک با وجود اصلاحات فراوان قوانین مربوط به آن در شهرها جریان داشته و شاهد آن ناحیه بندی شهر تهران در ۲۲ بهمن ۱۳۰۷ش برای تسریع در کار ثبت املاک و یا اعلان های موجود در روزنامه ی اطلاعات بویژه در سال ۱۳۰۹ش می باشد که نمره ی پلاک ثبتی املاک به همراه نام مالک در آن چاپ میشد (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۶: ۱۷۲). آرشویو روزنامه ی اطلاعات

در واقع از همان آغاز شهرداری ها پذیرای امری شدند که بر اساس قوانین هیچ گونه مسئولیتی در برابر آن نداشتند و این کار تنها مبتنی بر اعلانی غیر رسمی در جدا شدن دایره ی سجل احوال از تشکیلات تنظیمیه و واگذار شدن آن به بلدیة بود

برای مشخص شدن اهمیت این قانون می باید در وهله ی نخست به چند رخداد مهم اشاره شود. نخست تصویب قانون جدید بلدیة در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۰۹ش بود بر اساس ماده ی ۲۹ نظامنامه ی مربوط به آن که در تاریخ ۶ خرداد همان سال به تصویب مجلس رسید برای نخستین بار تهیه ی احصائیه های مربوط به امور بلدی جز وظایف بلدی ها قرار گرفت و بدین ترتیب این نخستین قانون در مورد شهرداری هاست که تهیه ی آمار را از وظایف شهرداری ها می داند. با توجه به این که بلدیة ها پیش از آن عملاً وارد بحث جمع آوری آمار شده بودند اضافه شدن این وظیفه به وظایف بلدیة دور از انتظار نبود. دوم واگذاری اختیار وصول مالیات مستقلات به عنوان یکی از منابع مهم درآمدی بر عهده ها در آبان ماه ۱۳۰۹ش (هشتمی از ۱۳۴۵:۹) و سرانجام تخریب دیوارهای شهر تهران و افزوده شدن یکباره بر وسعت شهر و میزان ساکنان آن. تمام موارد بالا به صورتی پیوسته بلدیة ی تهران را ناگزیر ساخت برای نامین امور مالی خود که وابسته به جمعیت ساکن بود و رسیدگی به وضع سلامت شهروندان و مایحتاج روزانه ی آنها در سال ۱۳۱۱ش بار دیگر دست به سرشماری جدیدی بیازد (بلدیة طهران ۱۳۱۲: ۲۶).

در سرشماری سال ۱۳۱۱ برای نخستین بار با استفاده از پلاک های ثبت املاک اقدام به سرشماری از نفوس و مسکن شد. این سرشماری یا سرشماری ۱۳۰۱ش که آن نیز توسط شهرداری انجام شده بود بر همین مبنا در شیوهی انجام و نوع اطلاعات تفاوت داشت. در این سرشماری از افرادی که به مدت یک ماه آموزش دیده بودند استفاده شد و ماموران سرشمار از سه نوع برکھی اطلاعات فردی، خانواری و ائینه بهره گرفتند که گرچه هزینه و زمان کار را بالا برد اما اطلاعاتی به مراتب دقیقتر را فراهم آورد. در خصوص نوع اطلاعات نیز در سرشماری جدید اطلاعات اشتغال برای تمامی افراد ساکن برداشت شد نه تنها برای روسای خانوار و سرشماران برای نخستین بار اطلاعات کاربری تمامی املاک و زمین ها در سطح شهر گردآورند. علاوه بر آن احتمالاً برای نخستین بار در این سرشماری امکان سنجش شاخص های نهر در اثنی و تعدلات اثنی در اختیار خانوار فراهم شد (همان: ۲۶-۲۸). گرچه در اینجا نیز همچون نخستین سرشماری علمی که توسط نجمالملک در دوره ی ناصرالدینشاه انجام شد تهیه ی آمار بعد از عمل تغییر کالبدی شهر بود (و در هر دو مورد تخریب دیوارهای شهر و تدارک کالبدی نو) اما تفاوت اساسی این اقدام در نقش مستقل بلدیة به قصد سنجش پیامدهای این عمل و همچنین استفاده از این آمار بویژه در زمینه ی مدیریت مالی شهرداری و مدیریت مایحتاج شهر می باشد. مواردی که به صراحت در بیان اهداف انجام سرشماری ذکر شده است (همان). بدون داشتن کاربری املاک و دانستن مالک آن وضع عوارض و دریافت آن امکان پذیر نبود و داشتن کاربری املاک، خود وابسته به مشخص بودن حدود املاک بود.

این دوره ی نه ساله را باید تنها دوره های دانست که نظام آسازی



در مقیاس شهری کنترل می شود و به صورتی مستقیم و هماهنگ اطلاعات خود را در اختیار مدیریت شهر برای هماهنگ ساختن خود با شرایط جدید قرار می دهد هرچند که مدیریت شهر در ایجاد این شرایط تابع اقتضای یک جانبه و از بالا به پایین بوده باشد. با این وجود همان گونه که در ادامه تهیه کنندگان گزارش توضیح میدهند که اطلاعات مربوط به نفوس می تواند در مواردی چون آموزش و سوادآموزی و یا نامین اختیاجات روزانه ی شهروندان مورد استفاده ی ادارات دولتی قرار گیرد (همان: ۲۶). رویکرد دوگانه ی شهرداری را به مسئله ی مدیریت شهر نشان می دهد که از سویی این اقدام را برای انجام وظایف خویش لازم می بیند و از سویی دیگر به طور ضمنی شراکت دیگران (ادارات دولتی) در مدیریت شهر را می پذیرد.

دوره ی دوم: (۱۳۱۲-۱۳۲۰)

تکمیل و گسترش تشکیلات ثبت احوال منجر به آن شد تا سرانجام نظامنامه ی شورای پیشینی شده در مصوبه ی ۱۳۰۳ش در تاریخ پنجم تیرماه ۱۳۱۲ش با عنوان نظامنامه ی شورای عالی احصائیه تنظیم گردد که در گام نخست بر حسب ماده ی نخست آن، نمایندگان وزارتخانه ها و ادارات مستقل دولتی برابر حکم وزارت کشور به عضویت شورای احصائیه درآمدند و شروع به گردآوری اطلاعات آماری می نمودند (احصائیه و سجل احوال کل مملکت، ۱۳۱۳: ۵-۶). گام دوم این اداره تشکیل کلاسی اختصاصی برای ماموران آن اداره بود تا مقدمات آمار را به صورت علمی به ایشان بیاموزد (مجموعی اردکانی، ۱۳۷۶: ۱۶۰). گام سوم که پیرو این نظامنامه انجام



فروردین ۱۳۱۶ش، می باشد (توفیق، ۱۳۸۵: ۲۲). این شورا بسیار شبیه به شورای اقتصاد کنونی کشور بود با این تفاوت که چون سازمان مستقل برنامه ریزی در کشور وجود نداشت خود شورا وظیفه ی تهیه ی نقشه (در گذشته به جای واژه ی برنامه از واژه ی نقشه استفاده میشد) را نیز برعهده داشت (همان).

پس از ۲ اردیبهشت سال ۱۳۱۶ که جلسه ی نخست شورا برگزار شد و در آن بر ضرورت نیاز به برنامه ریزی در کشور تأکید شد، شورا چندین جلسه ی دیگر از جمله جلسه ای نیز با حضور رضاشاه تشکیل داد و در نهایت در ۶ مهرماه همان سال تصمیم به تشکیل کمیسیون دائمی گرفته شد تا برنامه ای را برای افزایش ظرفیت تولیدی کشور تهیه کند.

حاصل کار تهیه ی چند برنامه از جمله برنامه ی هفت ساله ی کشاورزی برای کشور بود که هیچ یک به جایی نرسید و کمیسیون نیز در ۱۱ مهر ۱۳۱۷ آخرین جلسهی خود را تشکیل داد و پس از آن نیز دیگر به صورت رسمی خبری از شورای اقتصاد نشد (همان: ۲۲-۲۵). و بدین ترتیب اولین جرقه ی برنامه ریزی در کشور زده شد هر چند که بهتر است با توجه به رویدادهای پس از شهریور ۱۳۲۰ش آنها چیزی بیش از یک رخداد خاموش شده بدانیم. از علل مهم به تعویق افتادن این فکر به ساله ای پس از شهریور ۱۳۲۰ می توان کارشکنی هایی را دانست که از سوی عده ای، بخصوص محمود بدر، کفیل وزارت دارایی، صورت گرفت.

به طوری که این مخالفت ها که از بی اعتقادی به پاکیزگی برنامه ریزی و اصولاً امکان آینده نگری بلندمدت در ایران نشأت می گرفت، حتی در اوایل دوره ی بعدی نیز تا چند سال مانع از تشکیل شورای اقتصادی شد (افخمی، ۱۳۸۱: ۱۹-۲۱).

جدای از شکست موقت برنامه ریزی در ایران سرانجام در خرداد ۱۳۱۸ش تصمیم بر آن شد تا به سرشماری نفوس کل کشور اقدام شود و در آن تاریخ نخستین قانون سرشماری به تصویب مجلس شورای ملی رسید که در آن صریحاً وظیفه ی این کار بر عهده ی وزارت کشور و اداره ی کل آمار و ثبت احوال قرار داده شده بود. این اداره نیز پس از انجام نخستین سرشماری علمی، به صورت آزمایشی در کاشان، اقدام به سرشماری از چند شهر درجه ی اول کشور نمود، که در نهایت با ورود متفقین و نیمه تمام ماندن این سرشماری تعداد آن ها به ۳۵ شهر رسید (اداره ی کل آمار و ثبت احوال، ۱۳۲۹: ۲ و ۱۹).

این دوره را که در آن تصمیم گیری درباره ی طرح های زیربنایی و سرمایه گذاری صنعتی، از آن جمله ایجاد خط سراسری راه آهن و تأسیس کارخانه های نساجی، سیمان،

گرفت تهیه ی اولین راهنمای علمی و عملی آمار و نحوی گرد آوردن آن در ایران از سوی ادارهی احصائیه و سجل احوال وزارت داخله (کشور) تحت عنوان (دستور احصاء، مبادی احصائیه، اشکال احصائی، قواعد سرشماری، مسئله جمعیت، و تحولات نفوس و غیره) در همان سال بود که برای آشنا ساختن دیگر ادارات و هماهنگی ساختن اقدامات آن ها تهیه شد. این دستورالعمل چهار قسمت داشت که سه بخش اول آن حالت آموزشی داشته و در بخش چهارم تحت نام احصائیه های مختلف وزارتخانه ها و ادارات مستقل انواع مقولات آماری برای جمع آوری در قالب فصل هایی مشخص گشته بود. فصل بیست و سوم از این راهنما که در بخش چهارم قرار می گرفت احصائیه شهرها نام داشت و در آن تنها به تأکید و الزام این بستند شده بود که (هریک از شهرهای بزرگ در هر سال نشریه (ای) راجع به موالید و متوفیات یا ذکر علل قوت توزیع نماید) (احصائیه و سجل احوال کل مملکت: ۱۳۱۳: ۱۸۰-۱۸۱). یکا از علل اصلی ای که، در سند نامبرده، بیش از این بر روی شهرداری ها در گردآوری آمار حساب نشد آن بود که این شهرها نمایندگی اداره ی احصائیه و ثبت احوال را در حوزه ی اداری خویش بر عهده داشتند و بنابراین آمار متولدین و فوت شدگان هر سال توسط خود آنها تهیه می شد و سایر مقولات آماری احتمالاً به دلیل ضعف شهرداری ها در گردآوری و ثبت آن به صورت سالانه چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

به دنبال این کارها، با زایش نهادهای مختلف دولتی که وظایف اداری کشور را بین خود تقسیم مینمودند و هریک به تنهایی نیز بخش های جدیدی را در درون خود برای انجام وظایف به وجود آوردند سالنامه های آماری مربوط به آنها نیز آغاز به انتشار کرد و هریک از آن ها بدین گونه هویت آماری که در واقع هویت خویش را اعلام کردند، به عنوان مثال می توان به سالنامه ی وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در سال های ۱۳۱۲ و ۱۳۱۴ ش و یا سالنامه ی آمار بازرگانی خارجی ایران متعلق به اداره ی گمرک ایران در همین سال ها اشاره کرد (رقیع زاده، ۱۳۷۱: ۹۲). از سهمترین اتفاقات این سال ها تهیه ی، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی، یکی از نخستین شاخصهای اقتصادی در ارتباط با شهر توسط اداره ی آمار و بررسی های اقتصادی و مالی بانک ملی در ۱۳۱۵ ش می باشد.

(آهویی، ۱۳۷۶: ۸؛ محبوی اردکانی، ۱۳۷۶: ۱۲۲).
رخداد مهم دیگری در این سال، باز هم در زمینه ی اقتصاد، تصویب تأسیس شورای اقتصادی به منظور طرح نقشه های اقتصادی و ارائه ی طریق در اجرای آنها به پیشنهاد اداره ی کل تجارت توسط هیات وزیران، در ۱۱



ی ۹ اساسنامه ی آن تهیه ی برنامه ی اقتصادی به منظورهای مختلف به عنوان وظیفه ی اصلی شورا آمده بود (بانک ملی به نقل از توفیق ۱۳۸۵: ۲۵). در دولت جدید نیز بهم نخست وزیر و هم رئیس مایه با چنین تفکری که از سوی ابوالحسن ایتناج (معروف به معمار برنامه ریزی متمرکز در ایران) از سالها قبل پیگیری می شد، موافقت داشتند. بار دیگر در ۱۰ فروردین ۱۳۲۵ شورای عالی اقتصاد تشکیل جلسه داد و نخست وزیر در طی سخنرانی خود مقرر کرد که شورای عالی بر مبنای دو اصل دست به طرح و پیشنهاد نقشه ها (برنامه های) اساسی بزند: ۱- بالا بردن واحد سطح زندگی چه از لحاظ فراهم آوردن وسایل ازدیاد و چه ازدیاد مصرف: ۲- تعدیل در توزیع ثروت تولیدی (بانک ملی به نقل از توفیق ۱۳۸۵: ۲۵-۲۶، نکته ی قابل توجه مطرح شدن شهرهای کشور به عنوان یکی از رتوس برنامه ها توسط نخست وزیر بود. در این باره او ضمن بیان وضع نامناسب شهرها از نظر سطح خدمات رسانی و امکانات زیروبنایی شهری تهیه ی برنامه ای پنج سائله برای رسیدگی به این امور را پیشنهاد نمود که از آن تحت عنوان " نقشه ی پنجساله ی شهرسازی " نام برده شده است (همان). این نطق را باید نخستین پیش درآمد نگرش بخشی به شهرها و برنامه ریزی متمرکز برای آن ها در غیاب هرگونه برنامه ریزی محلی دانست که در برنامه های بعدی تحت عنوان بخش عمران شهری مطرح شد. باوجود این نگرش تمرکزگرا در ادامه او به تنظیم دوباره ی قانون شهرداری ها اشاره میکند به طوری که استقلال کامل ایشان تامین شود و این استقلال امکان استقراض بلندمدت ایشان از بازارهای مالی دنیا و پرداخت آن از طریق عواید محلی را فراهم کند (همان). در کل می توان این نگرش را در قالب برنامه ریزی کلان و از بالا و تامین هزینه های برنامه به صورت محلی بیان کرد.

در فروردین ۱۳۲۵ ش هیأت وزیران طی تصویبنامه ای، هیاتی را به نام هیأت تهیه ی نقشه ی اصلاحی و عمرانی کشور ایجاد کرد که از نظر سازمانی تابع وزارت طراحی بود. گزارش این هیأت را باید نخستین پیش نویس لایحه ای دانست که دو سال بعد در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۷ ش زیر عنوان برنامه هفت ساله ی عمرانی کشور تقدیم مجلس شد و کار این هیأت از دید خودشان نخستین اقدام در پایه گذاری برنامه در ایران بود (توفیق، ۱۳۸۵: ۳۷-۲۸). اما جدا از

اینکه این سال از نظر پیدایش اولیه نظام برنامه ریزی و تهیه ی برنامه در ایران دارای اهمیت است از نگاهی دیگر یعنی نظام آاری نیز قابل اعتنا است بنان دلیل که در تصویب نامه ی هیئت وزیران کلیه ی وزارتخانه ها، ادارات، بنگاه های دولتی، بانک ها و شرکت ها موظف شدند اطلاعات در خواستی این هیأت را فراهم کنند، همچنین زمانی که هیأت عالی برنامه در

دخالت و قند توسط وزارتخانه ها و سازمان های دولتی و در نهایت شخص شاه انجام می شد می بایست پیشتر آمد پیدایش تفکر بخشی در کشور دانست. سالهایی که نبود نظام سراسری برنامه ریزی در کشور این بخشیدن و تفکیک نسبتاً سریع وظایف را تقویت می کرد تفکیکی که دیوالساری را در کشور به شدت گسترش داد و از انکا به نهادها و درآمدهای محلی، که با پیدایش درآمد نفت تقویت میشد می گاست، مسئله ای که به شدت شهرداری ها را در این دوران تحت تاثیر قرار داد. دوره ای که نهادهای محلی محو و نهادهای بخشی قدرتمند می شدند (نگاه کنید به صرافی، ۱۳۷۷: ۷۱، الفخمی، همان). به همین ترتیب نخستین دغدغه همانگونه که در دوران بعد هم دیده می شود، غلبه بر از هم گسیختگی این نهادهای بخشی بود که در دو جبهه ی نظام آماری و نظام برنامه ریزی می توان آن را پی گرفت. نبرد در برابر این گسیختگی نتوانست در این زیر دوره به نتیجه برسد و شاید بهتر باشد این هشت سال را دوران ناکامی برای هر دو نظام در حال یگیری بدانیم.

دوره ی سوم: (۱۳۲۰-۱۳۴۴)

نیمه ی نخست این دوره زمانی است که نظام برنامه ریزی متمرکز کشور با تلاش های فراوان سرانجام پس از ناکامی های سال های قبل ایجاد می شود، اما آن چه که این دوره را از دو دوره ی پیشین متفاوت می سازد شرایط نوینی است که در سراسر جهان پس از جنگ جهانی دوم جهانی به صورت تقسیم اردوگاه های شرق و غرب بوجود آمد. خرابی های فراوان ناشی از جنگ و نیاز به ترمیم آن، همچنین ترس از درگیری در جنگی دیگر، که با پیدایش دو ابر قدرت ایالت متحده و شوروی خطر آن تقویت می شد، منجر به شکل گیری سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵م (۱۳۲۴ ش) گردید. در این زمان برای جبران خرابی ها و جلوگیری از گسترش نفوذ نظام کمونیستی به کشورهای توسعه نیافته برنامه ریزی دولتی خطمشی بسیاری از کشورهای غربی بود. در نتیجه علاوه بر موافقت نیرو های تحصیل کرده ی داخلی با برنامه ریزی متمرکز، جریان خارجی به ویژه فراهم سازی امکانات مالی و نیروی انسانی توسط بانک ترمیم و توسعه (بعدها بانک جهانی) برای کشورهای توسعه نیافته ای که قصد برنامه ریزی داشتند اما از کمبود جدی امکانات رنج می بردند، نیرویی مهم در راستای تحقق

تکمیل و گسترش تشکیلات ثبت احوال منجر به آن شد تا سرانجام نظامنامه ی شورای پیشینی شده در مصوبه ی ۱۳۰۳ش در تاریخ پنجم تیرماه ۱۳۱۲ش با عنوان نظامنامه ی شورای عالی احصائیه تنظیم گردد

این هدف و از میان رفتن مخالفت ها بود. همین نیرو تقریباً همزمان با حمایت خارجی از تفکر برنامه ریزی بر لزوم آمارگیری های سراسری و منظم و انجام سرشماری در سطح این کشورها تأکید می کرد. نخستین بار پس از شهریور ۱۳۲۰ ش در ۲۳ مرداد ۱۳۲۳ ش بار دیگر شورای عالی اقتصادی تشکیل جلسه داد در این زمان تعداد اعضای شورا افزایش یافته بود و همچنین در ماده



۱۹ مرداد ۱۳۲۵ مسئول مطالعه و اصلاح و تغییر برنامه ها شد در مادهی ششم وظایف و اختیارات آن هیأت کلیه ی دستگاه های دولتی ملزم گشتند هرگونه اطلاعاتی که از طرف هیأت خواسته میشود در اسرع وقت... در دسترس هیأت بگذارند و در ماهی هشتم، اداره ی کل آمار وزارت دارایی از حیث انجام وظیفه تابع هیأت عالی برنامه شد (همان) که در واقع موارد یاد شده را باید نخستین پیوند نظام برنامه ریزی و نظام آماری متمرکز در کشور برشمرد که با وجود بدیل با سابقه ی آن در وزارت کشور با عنوان اداره ی کل آمار و ثبت احوال می تواند تأکیدی باشد بر وجود آگاهی در خصوص لزوم پیوند و هماهنگی همه جانبه ی این دو نظام در غالب یک نهاد، در آن هنگام.

این برنامه بخشی از تأمین هزینه ها را متوجه منابع خارجی و به ویژه وام از بانک جهانی ساخته بود و از آنجا که مبلغ وام بسیار بالا بود شرکت مشاور مورین نودسن مسئول اظهار نظر در خصوص طرح ها و برنامه ها شده بود. پس از دریافت گزارش از شرکت مورین نودسن در ۱۱ آبان ۱۳۲۶ دکتر حسن مشرف نفیسی (عضو علی البدل هیأت مدیره ی بانک جهانی) مأموریت یافت تا در مورد آن اظهار نظر کند و با توجه به آن برنامه ی نهایی را تهیه کند. این گزارش در ۱۰ آذر ۱۳۲۶ آماده شد (همان: ۳۵).

در این گزارش از لحاظ نوع خرج و چگونگی استهلاک وجوه نیز عملیات برنامه به سه دسته تقسیم شده بود که در دسته ی نخست به عنوان وجوهی که به مصرف تأسیسات دولتی و کارهای عام المنفعه می رسد و در مواردی که نام می برد یکی از آن ها مصرف وجوه برای آمار بود (همان: ۳۷). بدین ترتیب برنامه ی اول نخستین برنامه اول نخستین برنامه ی سراسری است که به مسئله ی آمار توجه نشان می دهد.

بخش نهایی برنامه ناظر بر اصلاحات سازمانی، حقوقی، مالی و نهادی لازم برای تحقق برنامه است. در بخش نخست به بحث ایجاد سازمان مستقلی

که تابع تحولات سیاسی نباشد برای ابتکار و سرپرستی و نظارت در برنامه، به دور از هر نوع عمل اجرایی مستقیم... تا جنبه ی یک وزارتخانه یا یک دستگاه فوق وزارتخانه ها یا دولت مستقلی در داخل دولت پیدا نکند اشاره می کند به گونه ای که باید بیشتر مداخله ی آن جنبه ی مطالعه و شور و نقشه کشی و تدوین مقررات و راهنمایی و هماهنگ کردن عملیات دستگاه های اجرایی و نظارت در اجرا و پرداخت هزینه باشد (همان: ۳۹). در بخش دوم نیز اشاره ی کامل تری به مسئله ی لزوم اصلاح سازمان های محلی کشور پیشنهاد می دهد از سطح شهر تا بخش و شهرستان، تا بتواند عملاً بخشی از وظایف دولت را برعهده گرفته و برای پرداخت هزینه های خود به وضع عوارض محلی و دریافت آن تکیه کند (همان: ۴۰) و

براین اساس بار دیگر بر نوعی نظام برنامه ریزی متمرکز از بالا و پرداخت از پایین تأکید میشود که معتقد به نوعی تمرکز زدایی اداری است و تصمیم گیری در خصوص مسائل محلی را به سطوح محلی محول میکند. با این حال و با توجه به شرایط کشور در آن زمان همچون ضعف نیروی انسانی متخصص برای امر برنامه ریزی این وظیفه را در درون سازمانی بطور از جهت گیری های سیاسی متمرکز می کند. سرانجام در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۷ لایحه ی قانون برنامه ی هفت ساله ی عمرانی کشور تقدیم مجلس شورای ملی شد و پس از اصلاح متن آن توسط کمیسیون مخصوص در ۴ شهریور همان سال به مجلس تسلیم شد در این گزارش ترکیب سازمان برنامه همان بود که مشرف نفیسی پیشنهاد نموده بود به طوری که عملیات اجرایی بر دوش این سازمان می افتد. در ۵ مهر ۱۳۲۷ اداره ی دفتر کل برنامه برای تهیه ی برنامه ی تفصیلی تأسیس شد. این اداره بعدها سازمان موقت برنامه نامیده شد (همان: ۳۳-۳۴).

با وجود شکل گیری سازمان برنامه و نظام برنامه ریزی در کشور اما هنوز این نظام نوپا و مهم تر از آن موقت بود بدین معنا که تا پیش از تصویب قانون برنامه و بودجه در سال ۱۳۵۱ سازمان موقت برنامه های عمرانی بود و با تصویب قانون برنامه های عمرانی ماهیت قانونی پیدا میکرد. از سویی دیگر استقلال آن از تمام وزارتخانه منجر به آن شد که نظام موقت آماری که پیش از این در جریان اولین پیش نویس لایحه توسط هیأت تهیه ی نقشه ی اصلاحی و عمرانی کشور در اداره ی آمار وزارت دارایی ایجاد شده بود دیگر قانونی نباشد. بنابراین بار دیگر کشور تنها دارای یک نظام آماری متمرکز یعنی همانی که تحت عنوان اداره ی کل آمار و ثبت احوال زیر نظر وزارت کشور قرار داشت. از مهمترین کارهای این نظام می توان به انتشار نخستین شماره ی ماهنامه ی سراسری در اول بهمن ۱۳۲۹ اشاره کرد (اداره ی کل آمار و ثبت احوال: ۱۳۲۹). در این ماهنامه به غیر از آمار شاخص هزینه ی زندگی در ایران شاخص بهای عمده فروشی در تهران بر پایه ی متوسط قیمت ها در سال ۱۳۱۵ و آمار تحولات جمعیت در کل کشور باقی موارد شامل آمارهای شهری نیستند و این موارد را باید نخستین آمارهای شهری قابل جمع آوری به صورت سراسری در کشور و در مقاطع ماهانه دانست. در این زمان محاسبه ی جمعیت کشور به صورت تخمینی و براساس میزان مولید و متوفیات انجام میگرفت. شماره های بعدی این ماهنامه نیز تنها شامل اقلامی بود که به صورت منظم در زمینه ی آمارهای شهری گردآوری و منتشر می شدند.

جدا از نیروهای خارجی موثر بر پیدایش نظام برنامه ریزی، بدنبال پیشنهاد اصل چهار ترومن تحت عنوان کمک به مناطق عقب افتاده ی جهان در سال ۱۹۴۹م (۱۳۲۸ش) به کنگره ی

سرانجام در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۷ لایحه ی قانون برنامه ی هفت ساله ی عمرانی کشور تقدیم مجلس شورای ملی شد و پس از اصلاح متن آن توسط کمیسیون مخصوص در ۴ شهریور همان سال به مجلس تسلیم شد



کشور اعم از فعالیت های مالی-اداری-استخدامی و خدمات فنی و اجتماعی انجام شده توسط آنها مربوط می شد و به طور کلی به دستاورد و عملکرد مدیریت شهری می پرداخت (همان: ۳۰). به هر روی این حرکت در تقویت نظام های برنامه ریزی و مدیریت محلی و همکاری های بین این نهادهای محلی حرکتی رو به جلو شمرده میشود. آن هم در سالهای توجه بیش از پیش به برنامه ریزی و مدیریت کلان کشوری.

در همین سال برای نخستین بار در کشور توسط اداره ی آمار عمومی وزارت کشور سرشماری نفوس در سراسر کشور انجام شد و استخراج و انتشار اطلاعات آن تا ۱۳۳۰ ش. یعنی تقریباً تا انتهای برنامه ی دوم عمرانی کشور که در سال ۱۳۳۲ تصویب شده بود، به درازا کشید (سازمان برنامه، بی تا: ۱۰۹). با انجام این سرشماری نیاز به استفاده از اطلاعات مربوط به وقایع چهار گانه کم شد، در نتیجه دو بازوی جمع آوری آمار یعنی "اداره ی آمار عمومی" و "تیت احوال" از یک دیگر جدا شدند و وظایفشان از هم تفکیک شد (محبوبی اردکانی، ۱۶۱: ۱۳۷۶). در ۱۳۳۸ آمارگیری نمونه ای کشاورزی در ۱۸۲۴ روستای کشور آغاز گشت و نتایج آن در سال ۱۳۴۱ منتشر شد (سازمان برنامه، بی تا: ۱۰۹). این آمارگیری بر

اساس توصیه های سازمان ملل در زمینه ی سرشماری کشاورزی جهانی در ۱۹۶۰ م انجام گرفت (رفیع زاده ۸۸: ۱۳۷۱). در همین سال (۱۳۳۸) بر اساس نتایج به دست آمده از ترکیب به دست آمده هزینه ی ۲۳۳۷ خانوار نمونه در ۳۲ شهر کشور شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی در ایران اصلاح شد (آهویی، ۸: ۱۳۷۶). و در ۷ خرداد سال بعد یعنی ۱۳۳۹ به موجب تصویب قانون بانکی و پولی کشور بانک مرکزی تاسیس و عهده دار بخشی از وظایف غیر تجاری بانک ملی شد (مصاحب و همکاران، ۳۸۴: ۱۳۴۵). از جمله این وظایف تهیه ی آمارهای نمونه ای مربوط به هزینه و درآمد خانوارهای شهری و شاخص بهای کالاها و خدمات بود. این نهاد دولتی پس از مدتی به یکی از مهم ترین نهادهای تهیه ی آمارهای شهری در کشور تبدیل شد. به دنبال آن در ابتدای دهه ی ۱۳۴۰ آمارگیری در زمینه ی بودجه ی خانوارها در دو بخش شهری و روستایی صورت گرفت که بخش شهری آن توسط بانک مرکزی و قسمت روستایی آن به وسیله ی اداره ی آمار عمومی انجام شد (سازمان برنامه، بی تا: ۱۰۹) در ۱۳۴۱ کار سرشماری صنعتی در ۱۸۴ شهر و ۱۸۲۴ روستا در سراسر کشور توسط اداره ی آمار عمومی آغاز شد و انتشار نتایج آن در ۱۳۴۴ میسر گشت (همان).

همانگونه که مشاهده می شود به غیر از سرشماری سال ۱۳۳۵ در خصوص اکثر آمار گیری های دیگر انتشار نتایج تا پس از آغاز برنامه ی عمرانی سوم، در ۱۳۳۱ ش. به درازا کشید در نتیجه نتایج آن در تنوین برنامه چندان قابل استفاده نبود. این ناهماهنگی اساساً به دلیل فاصله ای بود که میان دو نظام شکل

یافته ی برنامه ریزی و آمار در کشور وجود داشت. بر این پایه نیاز بود تا در نهایت نظام آمار در جایی قرار گیرد که بتوان تعلق دارد و می تواند هدف حقیقی خود یعنی حمایت از برنامه ریزی را محقق سازد. در نتیجه سازمان برنامه در جریان تنوین برنامه ی سوم یکی از فصول خود را (فصل ۱۳) به آمار اختصاص داد و هدف اصلی برنامه ی سوم را در این بخش "توسعه ی آمار و بهبود کیفیت آمارهای موجود" معرفی نمود (سازمان برنامه ۱۶۰: ۱۳۴۱). از آن جا که رویکرد غالب توسعه و برنامه ریزی برای آن رویکرد رشد اقتصادی بود قراهم نبودن آمارهای اقتصادی مناسب برای تنوین اهداف برنامه از مشکلات اساسی در عدم موفقیت برنامه های اقتصادی دانسته می شد. جدایی دو نظام و عدم ارتباط و هماهنگی میان آن دو در زمینه ی اولویت ها و جمع آوری آمارهای پراکنده و گوناگون در بسیاری از سازمان ها و ادارات دولتی باعث شد که سازمان برنامه به فکر "تجدید نظر در سازمان آمار ی کشور" بیفتد یعنی از یک سو "تمرکز فعالیت مربوط به آمارهای اساسی در یک مرکز خاص" و از طرف دیگر "متحلیس کردن سازمان های آمار ی دستگاه های اجرایی" (سازمان برنامه ۲۹۹: ۱۳۳۷) در بخشی از فصل آمار

این ناهماهنگی اساسی به دلیل فاصله ای بود که میان دو نظام شکل یافته ی برنامه ریزی و آمار در کشور وجود داشت

برنامه ی سوم آمده است که (شکی نیست) "که برنامه های آمار ی مستلزم مطالعات مداوم می باشد و برنامه ریزی در این زمینه به طور کلی بایستی با برنامه های دیگر هماهنگ باشد" (سازمان برنامه ۱۶۳: ۱۳۴۱) در این بخش همانگونه که مشاهده می شود به لزوم برقراری پیوند و ایجاد هماهنگی میان برنامه های پیشنهادی که توسط سازمان تهیه می شد و برنامه های آمار ی که در آن زمان بدون در نظر گرفتن اولویت های برنامه ریزی برای کشور، توسط نهادهای مختلف جمع آوری و در اداره ی آمار عمومی وزارت کشور تمرکز می یافت اشاره شده و در ادامه مسئولیت این کار را به عهده ی "قسمت آمار سازمان برنامه" (همان) قرار گرفته و برای آن وظایفی تعیین شده که در بسیاری موارد متداخل با وظایف اداره ی آمار عمومی است. در ۱۳۴۲ با تغییر دوباره ی تشکیلات سازمان برنامه این قسمت با عنوان "دفتر آمار" به منظور "نظارت بر طرح های آمار ی و نیز تمرکز آمار و اطلاعات مورد نیاز برنامه" در سازمان برنامه شکل گرفت (نواب پور ۲۹۱: ۱۳۷۸) اما چنان به درازا نکشید که در ۱۷ خرداد ۱۳۴۴ قانون مرکز ایران به تصویب مجلسین رسید و بر مبنای ماده ی (۱) آن "اداره ی آمار عمومی از وزارت کشور منتزع و به نام مرکز آمار ایران وابسته به سازمان برنامه شد (سازمان برنامه الف، بی تا: ۱۰۹) با تصویب این قانون پس از نزدیک به دو دهه سرانجام نظام برنامه ریزی و آمار ی متصل و هماهنگ شدند.

زیر دوره ی سوم در مقایسه با زیر دوره های پیشین از اهمیت های بالایی برخوردار است. در این سال ها ارتباط عملی و نزدیکی با مفاهیم و نظام های برنامه ریزی و مدیریت جهانی بر

- منابع:
- خصلتیه و سجل احوال کل محاکات (۱۳۱۲) - دستور آمار - طهران
 - (طهران) : چاپخانه ی فردین و برادر
 - اداره ی کل آمار و تیت احوال (۱۳۳۹)
 - مقدمه شماره ی دو - اسفند ماه
 - طهران : وزارت کشور
 - انجمنی، علمبرضا، (۱۳۳۱) توسعه
 - در ایران، ۱۳۲۰-۱۳۲۷، خاطرات هاشم
 - فرمانفرمایان، حسنمحمد حسینی،
 - منچهر گوهری، تهران: کام نو
 - آهویی، عل، (۱۳۳۶)، تحلیل بر
 - شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی
 - در مناطق شهری ایران طی سال های
 - ۱۳۱۵-۱۳۳۵، تهران: بانک مرکزی
 - جمهوری اسلامی ایران
 - بلقیه ی طهران، (۱۳۳۲) - نویسن
 - ساقچه ی انصافی بلقیه ی طهران
 - (طهران) : بی جا
 - جویفی، فیروز (۱۳۸۵)، برنامه ریزی
 - در ایران و چشم انداز آینده ی آن، تهران
 - : مؤسسه ی عالی آموزش و پژوهش
 - مدیریت و برنامه ریزی
 - جلالی، دین، (۱۳۸۵) "اصولیه
 - بلقیه ی نخستین آمارهای شهری"
 - ماهنامه ی شهرداری ها، شماره ی ۷۷
 - رفیع پور، علمبرضا، (۱۳۷۱) "انتقال
 - رسانی - مسئله ی آمار ی کشور" در
 - مجموعه مقالات نخستین کنفرانس
 - آمار، تهران: مرکز آمار ایران
 - موزانه ی اطلاعات، (۱۳۰۹)
 - تقاضایه ی بلقیه ها - شماره ی ۷
 - خرداد
 - سازمان برنامه و بودجه، (۱۳۳۱)
 - گزارش مقدمه ای برنامه ی سوم عمرانی
 - طهران: بی جا
 - سازمان برنامه و بودجه، (۱۳۳۷)
 - برنامه ی چهارم عمرانی
 - طهران: بی جا



قرار گردید و کشور ناگزیر در هر دو زمینه ی آمار و همچنین برنامه ریزی و مدیریت تحت تاثیر دو نیروی داخلی و خارجی قرار گرفت که در نهایت امور را تا پیوند نهایی و به ناگزیر این دو نظام به پیش راند و پیرو آن قوانین تعیین کننده ی فراوانی از تصویب گذشت از دید نقش شهرداری ها در گردآوری آمارهای شهری و برنامه ریزی شهری یا ، بهتر است گفته شود ، نظام آمارگیری و برنامه ریزی محلی می توان این دوره را دو بخش کرد . نخست دوره ی آزادی های نسبی در کشور که مابین ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ را شامل می شود و دوم در سال های پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش . چنین بخش بندی همچنین با دو گونه اندیشه ی برنامه ریزی کلان که در کشور وجود داشت و نگرش آن ها به مدیریت محلی نیز هماهنگ است . قوانین مصوب شهر داری در

عمل آماده می دید . در همان دوران نیز قانون شهرداری های ۱۳۳۴ به تصویب رسید ، قانونی که از استقلال سیاسی شهرداری ها کاست و حوزه ی فدرتشان را محدود نمود این همه در شرایطی رخ داد که با تفکیک حوزه ی قدرت میان نهادهای بخشی فزاینده و شکل گیری نظام برنامه ریزی متمرکز برای متحد ساختن فضای برنامه ریزی و مدیریت ، وظایف گوناگونی برای این نهاد عمومی و محلی از جمله ، بار دیگر ، در زمینه ی جمع آوری آمارهای مرتبط با شهر در نظر گرفته شد اما آنچه مدیریت محلی در این میانه نصیب برد جز وظایف به جا مانده و یا انبوهی وظایف متداخل با بخش های چیزی دیگر نبود .

نتیجه گیری

تصویر پیوسته ای که اینک می توان با کنار هم گذاشتن نتایج هر سه زیر دوره از نحوه ی ارتباط مدیریت شهری ، برنامه ریزی شهری و نظام گردآوری آمارهای شهری ارائه داد ، نشان می دهد که این سه عنصر در آغاز با توجه به شرایط زمانی یعنی ، در دهه ی نخست سده ی خورشیدی به صورتی پیوسته و هماهنگ کار می کردند و این هماهنگی و پیوستگی تجربیات سازنده ای در خود داشت با این حال هماهنگی که نگاهی به سراسر این چهل سال نشان می دهد عملکرد نظام های آماری چه در سطح محلی و چه در سطح ملی وابسته به هماهنگی دو عنصر دیگر یعنی مدیریت و برنامه ریزی است . به بیان دیگر تا هنگامی که مدیریت احساس نیاز به برنامه ریزی نداشته باشد نظام آماری به کاری نخواهد آمد و این مسئله ای است که در دوران بی اعتقادی به برنامه ریزی در سطح کلان یعنی در دهه ی دوم این سده (زیر دوره ی دوم) کاملاً آشکار است . بی اعتنایی به برنامه ریزی در سطح ملی ، گرچه توجه افراطی به آن هم خود به نادیده گرفتن مدیریت و برنامه ریزی محلی انجامید ، منجر به این شد تا سازمان ها و ادارات بخشی در طول دوره ی دوم رشد خود را آغاز کنند و قلمرو نظام آماری را بین خویش تقسیم نمایند همین دوران سر منشأ بسیاری از مشکلات شهرداری ها در انجام وظایفشان شد زیرا از دید این نظام بخشی قلمروی فضایی به نام شهر بی معنی بود (نگاه کنید به قانون ضوابط و تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۱۶ ش) . در دوره ی سوم با وجود جریان های مخالف با تمرکز گرایی در برنامه ریزی مدیریت آشننگی در امور (

دوره ی نخست (قانون ۱۳۲۸) اختیارات وسیعی نسبت به قانون ۱۳۰۹ به انجمن های شهر داد (هاشمی ۱۳۴۴) . از سوی دیگر در بازگشت به گزارش مشرف نقیسی در برنامه ی عمرانی نخست و نظرات او می توان رگه های گرایش به عدم تمرکز و تفویض اختیار به قدرت های محلی را در زمینه ی قانون گذاری و تأمین مالی مشاهده نمود . اما با ملی شدن نفت در ۱۳۳۹ ، قطع درآمدهای نفتی ، اجرا نشدن کلن طرح های برنامه ی نخست در نتیجه ی تأمین نشدن منابع مالی و در نهایت کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ باز دیگر اندیشه ی تمرکز افراطی تمامی امور از جمله برنامه ریزی و مدیریت مستقل شده و دیدگاه رایج آن زمان درباره ی مفهوم توسعه ، با عنوان توسعه مساوی یا رشد اقتصادی شکل می گیرد . رویکردی که با رجوع به سخنان لیاو الحسن اینهاج که در جریان برنامه ی دوم به مدیریت سازمان برنامه منسوب شد بیش از پیش به یاور او توسعه ی اقتصادی راه حل تمام مشکلات اجتماعی ایران خواهد بود و سر منشایی است برای تمام دگرگونی های مثبت سیاسی و اجتماعی در کشور ، چراکه به همراه رشد اقتصادی سطح زندگی مردم ارتقا می یابد و ... فساد ، فقان کاری ، حسادت ها و ... از ذهن و منش مردم زدوده (می شود ...) (فرمانفرمایان به نقل از توفیق ، ۳۰ : ۱۳۸۵) . او به دلیل فا کار آمدی و فساد دستگاه های اداری و

به بیان دیگر تا هنگامی که مدیریت احساس نیاز به برنامه ریزی نداشته باشد نظام آماری به کاری نخواهد آمد

اجرای ایران آن ها را سدی در راه اجرای راه اجرای برنامه و دست یابی به رشد اقتصادی می دانست در نتیجه در روزگار او سازمان برنامه از اختیارات گسترده ای در اجرای برنامه ها برخوردار بود و تبدیل به همان چیزی شد که مخالف یا پیشنهادهای گزارش مشرف نقیس بود .

گرچه نمی بایست این نگرش را به معنای عدم توجه به چگونگی توزیع ثروت و در آمد در سطح جامعه دانست اما ، در همان حال ، از دید برنامه ریزان آن دوران ابتدا می بایست به رشد دست یافت تا چیزی برای توزیع بعاند ؛ در نتیجه خود به خود توزیع در درجه ی دوم اهمیت قرار می گرفت (همان) . به هر روی جنا از میزان هم سویی سیاست مملران و برنامه ریزان در آن سال ها ، این ، نگرش بود که در آن وضعیت سیاسی خاص شرایط را برای

سازمان برنامه و بودجه . (بی تا)
سازمان های آماری . تهران ، بی جا .
- شفیه حسینی (۱۳۸۱) . آشنایی با
انجمن های شهرداری های ایران
(۱۳۲۰-۱۳۳۰) . تهران : سازمان
شهرداری های کشور .
- شهری ، غلامرضا (۱۳۸۴) . حقوق
تحت اسف و املاک - تهران : انتشارات
جهاد دانشگاهی و خانه علامه طباطبائی .
- سولگی ، مظفر (۱۳۷۷) . مبانی
برنامه ریزی توسعه ی منطقه ای
تهران : سازمان برنامه و بودجه مرکز
مطالعات اقتصادی - اجتماعی و تکنولوژی .
- سحرچیان اردکانی حسین (۱۳۷۴) .
تاریخ تأسیس مؤسسات محلی جدید در
ایران (جلد سوم) . تهران : دانشگاه
تهران .
- مصباحی بلالعیسی و همکاران .
(۱۳۴۵) . تاریخنامه های قلمی (جلد
اول) . تهران : انتشارات فرهنگیان .
- نیلاب پور ، حمیدرضا (۱۳۷۸) . نظام
برنامه ریزی و نظام آماری در ایران : در
مجموعه مقالات همایش پنجاه سال
برنامه ریزی توسعه در ایران (جلد دوم) .
تهران : انتشارات دانشگاه علامه
طباطبائی .
- وحیدی ، عبدالقادر (۱۳۳۵) .
تاریخچه تدوین اساس و رشد شهرداری
در ایران در سالنامه ی شهرداری های
تهران : انجمن آماری شهرداری های
تهران .

● جواد پروین

م تفاوت موجودات زنده، در تقابل با محیط زیست انجام می دهند. گونه‌های موجودات زنده برای استفاده از محیط زیست در رقابت با هم‌نوعان خود و با گونه‌های دیگر می‌باشند که این امر موجب زوال، رشد و یا پایداری جمعیت گونه‌های مختلف خواهد شد. با بررسی قلمروهای بزرگتر، الگوهای متفاوت توزیع گونه‌های مختلف زیستی مشخص می‌گردد. بر اساس دیدگاه بوم‌شناسان، یک قلمرو ممکن است به شیوه‌های مختلف به وسیله جانداران متفاوت مورد استفاده قرار بگیرد. این الگوها در طول زمان، طی فرایندهای پیچیده سازگاری و رقابت تغییر می‌یابند. به عقیده بوم‌شناسان شهری، مراحل رشد شهرها نیز روند مشابهی دارد. به جای مطالعه گونه‌های مختلف زیستی، در اینجا تمرکز بر روی طبقه‌بندی‌های اجتماعی افرادی است که در مواردی مانند قومیت، طبقه اجتماعی و نژاد با هم تفاوت دارند. با گسترش شهرها، نیاز به ایجاد کارخانجات و سایر بنگاه‌های تجاری در نزدیکی راه‌های ارتباطی مانند رودخانه‌ها و خطوط راه آهن به وجود می‌آید. این امر موجب هجوم کارگران و بنگاه‌های خانمانی برای ساخت و ساز و اسکان در این نواحی می‌گردد. با سازگار شدن گروه‌هایی از کارگران در این نواحی، محله یا منطقه‌ای با طبقه اجتماعی و هویت قومی متمایز شکل می‌گیرد. این منطقه به گونه‌ای انتخاب می‌گردد که به جاهایی که فرصت‌های شغلی در آن وجود دارد نزدیکتر باشد. با مهاجرت افراد جدید به شهرها و یا در اثر تعطیلی، تغییر مکان و تغییر نوع فعالیت بنگاه‌های تجاری، ممکن است الگوی اسکان این نواحی نیز طی فرایندی که به جانشینی اکولوژیکی^۱ معروف است تغییر کند. پیشگامان بوم‌شناسی شهری، شاخصه‌های فرهنگی و ساختاری را به عنوان عوامل فرعی و گاه بی‌ارتباط با توسعه شهری در نظر می‌گرفتند. این دیدگاه باعث از دست دادن جایگاه این علم بین علوم وابسته به جامعه‌شناسی گردید. اما نظریه‌ها و مطالعات اخیر که در آنها وابستگی به اشکال اکولوژیکی ملایم تر است، موجب احیای این علم شده است که به طور شاخص می‌توان به کارهای اموس هاولی^۲ اشاره کرد.

برای مطالعه بیشتر:

Hawley, Amos H. *Urban Society: an ecological approach*. 2nd ed. New York: Wiley

جهانی‌سازی Globalization

جهانی‌سازی فرایندی است که در آن زندگی اجتماعی، جوامع، از روابط سیاسی و تجاری گرفته تا موسیقی، وضع ظاهر و رسانه‌های ارتباط جمعی، به وسیله عوامل بین‌المللی تحت تاثیر قرار می‌گیرند. به احتمال زیاد قوی‌ترین شکل جهانی‌سازی در اقتصاد متطور می‌شود که در آن برنامه‌ریزی و کنترل از یک سطح محدود، مانند فعالیت یک کارخانه در سطح محلی یا ملی، به سطوح گسترده‌تر بین‌المللی گسترش می‌یابد. در آن صورت تمام مناطق دنیا می‌تواند منبعی برای نیروی کار، مواد خام و بازار فروش به‌شمار رود. به طور مثال هنگامی که یک بنگاه در سطح محلی اداره می‌شود، مدیریت اموری مانند کارگران، دسترسی به مواد خام و سایر کالاها، حمل و نقل و فروش محصول نهایی، تنها در همان چارچوب محلی صورت می‌گیرد. اما در یک اقتصاد جهانی، بنگاه‌های فراملی به طور هم‌زمان دارای فعالیت در کشورهای مختلف می‌باشند و بسته به شرایط محلی آن کشورها، از متبیرهای مختلف استفاده می‌نمایند.

اهمیت جهانی‌سازی نه به خاطر گسترش و پیچیدگی روابط اقتصادی، بلکه بیان جهت است که تمرکز بر روی قدرت اقتصادی بیشتر شده و موجب تضعیف جایگاه کارگران در نظام سرمایه‌داری صنعتی خواهد شد. به طور مثال، اگر کارگران در جوامع صنعتی مرفه‌تر مانند انگلستان و ایالات متحده برای بهبود شرایط دستمزد خود دست به اعتصاب بزنند، یک بنگاه فراملی می‌تواند عرضه فعالیت خود را به کشورهای دیگر که کارگران در آنها کم‌توقع‌ترین تغییر دهد.

برای مطالعه بیشتر:

Worsely, Peter. 1984. *The Three Worlds: Culture and World Development*, London: Weidenfeld and Nicolson

بوم‌شناسی شهری Urban Ecology

بوم‌شناسی شهری، روشی برای بررسی چگونگی گسترش شهرهاست که توسط تعدادی از جامعه‌شناسان دانشگاهی شیکاگو بنیانگذاری شده است. ایده این جامعه‌شناسان، بررسی شهرها به همان روشی است که بوم‌شناسان بر روی گونه‌های

منبع:

Allan G Johnson,
"Blackwell Dictionary of
Sociology", 2nd ed
Blackwell Publishing,
2000

پی‌نوشت:

- 1- Transnational Corporations
- 2- Industrial Capitalism
- 3- Adaptation
- 4- Competition
- 5- Ecological Succession
- 6- Hawley Amos H.

پایگاه رسمی شهرداری خوی

فرزاد طره

www.khoycity.ir



روپ شهر بود. منبع درآمد شهرداری عمدتاً عوارض بوده است. شهرداری بر اموری همچون آب، برق، نان، گوشت، بهداشت شهر نیز نظارت داشته است. شهرداری خوی از قدیم زیر نظر انجمن شهر فعالیت می کرد. هم اینک شهرداری خوی با دارا بودن نزدیک به ۳۰۰ نفر پرسنل کارمند و کارگر رسمی و قراردادی به عنوان یکی از شهرداری های فعال به شمار می رود. در صفحه اصلی این پایگاه اخبار و اطلاعیه های مهم مربوط به شهر و شهرداری خوی درج شده است. پیوندهای اصلی این پایگاه به شرح زیر است: شورای اسلامی خوی، شهرداری خوی، پروژه های شهرداری، گردشگری و تفریح در خوی، خدمات در شهر و لینک های سفید هر کدام از این پیوندها دارای زیر مجموعه های گوناگون هستند که با کلیک بر روی آن ها می توان به اطلاعات مهم دست یافت. کاربران برای اخذ اطلاعات ویژه از شهرداری باید به عضویت این پایگاه درآیند و شناسه کاربری و کلمه عبور دریافت کنند. آن گاه با ورود مشخصات خود در پایگاه می توانند وارد بخش ویژه آن شوند. این پایگاه دارای اطلاعات مربوط به اوقات شرعی، تاریخی شمسی، قمری و میلادی، میزان دمای شهر و اخبار آب و هوا نیز است. در بخش نظر سنجی این پایگاه معمولاً یک سوال چند گزینه ای مطرح می شود که کاربران می توانند نظر خود را درباره آن سوال از طریق این پایگاه ارسال کنند.

شهر خوی با پیشینه ی تاریخی طولانی، موقعیت طبیعی و جغرافیایی کم نظیر، ریشه های فرهنگی عمیق، قابلیت های اقتصادی فراوان و جمعیتی روز افزون، در حال حاضر دارای کالبدی در خور ویژگی های مهم است. طی سالیان طولانی، مهم ترین مرکز فعالیت و تجارت در سطح فرا منطقه ای بوده و با داشتن بازاری فعال و زنده و در حال رشد از شهرهای مهم شمال استان به شمار رفته و شهرهای ماکو، شوها، سیه چشمه، قره ضیاءالدین، بلدشته، سلماس، و بخش های مجاور را از لحاظ خدماتی، درمانی، ورزشی و آذاری تحت پوشش قرار می دهد.

شهرداری خوی در سال ۱۳۷۰ هجری شمسی به دست استاد علی اکبر توانا در محل ساختمان قدیم شهرداری تأسیس گردید. ملک شهرداری فعلی به صورت مشاعی (مشترک بین ملک مسجد و شهرداری) در اختیار شهرداری فعلی است. به شهردار قدیم رئیس بلدیة شهر می گفتند: شهرداری در آن زمان ۵ الی ۶ نفر کارگر روز مزد داشت و این کارگران سیور بودند و کوجه ها را آب پاشی می کردند و جاروب می کردند. کوجه های شهر اکثراً خاکی بودند. در سال ۱۳۱۳ خیابان های اصلی شهر احداث شد. در سال ۱۳۱۶ تنها در چند محل از شهر آسفالت وجود داشت. سال ۱۳۳۰ سر آغاز آسفالت خیابان های شهر بوده است. وظایف شهرداری در بدو تشکیل بیشتر نظافت و رفت و



گامی در پیمایش اندیشه های شهری

• عباس خاللی

بر پیشانی بسیاری از شهرهای نه چندان کهن ما نیز نشسته است. بن گمان فرها تروایی آب و هوایی خشن بر این سرزمین، سازه های ناپایدار، فرودستی مردمان و اقتصاد ناشکوفه، راه های دور و دراز و رخدادهای تاریخی ویرانگر، باویژه اندیشه هایی چون روی برافتن از این جهان ایستا بودن زندگی و رکود اندیشگی را رواج می داده و هر گونه پویندگی و نوآوری را در فضاهای همگانی و پروگرامی نماهای شهری را سرکوب و فسرده می ساخته است.

اینک بر اکتونیان است که آن پهنه های بسیار تهی مانده ی پیشینه ها در فرهنگ شهری و تمدنی

ایران زمین را بر کنند و این ناشدنی است مگر به دست کوشندگانی که در عرصه های گوناگون؛ همچون شهرسازی، معماری، تاریخ، جغیام شناسی، باستان شناسی و... گام زده باشند. نخستین گام ها به پایدردی فره یختگانی که دل در این راه سپرده اند برداشته شده و کتاب شرح جریان های فکری و معماری و شهرسازی، یکی از نخستین هایی است که در پیش رو داریم؛ نخستین کار تألیفی از نشر «دکتر پژوهش های فرهنگی» و چهارمین کتاب در شهر شناسی. آن سه دیگر یعنی: جرایم شهری، مشارکت کودکان و نوجوانان از پذیرش صوری تا شهروند واقعی و شهرنشینی در اسلام، ترجمه اند و مربوط به سرزمین ها دیگر. کتاب به شناساندن معماری و شهرسازان همروزگار ما پرداخته به آثاری که حرفی نو زده اند و یا اصولی خاص را مطرح کرده اند. به هر روی حتی اگر آن چنان که پندیاورندگان وعده کرده اند جلدی دیگر با نام تحلیل آثار معماری و شهرسازی ساخته شده در دوران معاصر نیز متواتر نشود، باز هم گزری ستودنی است. کتاب با زبانی

نام کتاب: شرح جریان های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر [با تأکید بر دوره ی زمانی ۱۳۵۷-۱۳۸۲] / نویسنده: محسن حبیبی / همکاران: زهرا اهزی (و دیگران) / ناشر: دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران / چاپ نخست: ۱۳۵۸ / شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه در ۳۸۲ صفحه / بها: ۳۳۰۰ تومان

شاید تنگ مایه ترین و ناتواست ترین بخش فرهنگ ایران زمین، پیشینه ی شهرهای این مرز و بوم و معماری آنها باشد. ساخت و سازه های به جامانده ی نه چندان کم شمار می نوانند زبانی به سخن بکشایند، اما این برداشت های گسسته و گمراهه های اندک و ناچیز، آن چیزی نیست که می بایست از سازندگان شهرها و از زبان خود آنان یا همروزگاران شان بر برگ هایی از تاریخ پیشین ما می نشست تا بدنبال چگونه شهرها را می ساخته ایم و شهرهایی که تنها نامی از آنان مانده چگونه شهری بوده اند. به راستی اگر نگاشته های جغرافیدانان و سفرنامه نویسان از سده های نخستین اسلامی یا فرنگی که از روزگار صفویان یا به سرزمین ما نهادند و با کم و کاستی هایی، شهرهای دیله را بر کتاب های خود نقش کردند نمی بود، از پس پرده های سکوت تاریخ دور و دراز خود چه می توانستیم دریابیم؟ چندانکه بسیاری از شهرهای کهن که هنوز برپا و سرزنده اند هیچ از پیشینه و گذشته شان نمی دانیم که چگونه ساخته شدند و ساخت و ساز در آنان چگونه بوده است؛ مگر آثاری که بتالی از آن به فرمان امیری ساخته شده و از بخت خوش، نامی از سازنده ی بنا در جایی به یادگار مانده و یا سینه به سینه تا به امروز رسیده است. واقعا ترشیز = [کاشمر] و پسا = [اسسا] چگونه شهری بوده، چه کسانی آن را پایه ریزی کردند؟ از کالد شهرهایی چون مرند، گلپایگان، جیرفت و شوشتر چه می دانیم؟ این بی پیشینگی



نو و با پیشگفتماری از پدیدآورندگان آغاز می‌شود که در آن شیوهی کار خود را برای نگارش کتاب در ده گام شرح داده‌اند و در گام دهم سه جریان فکری مسافت بر معماری و شهرسازی در دو دهه‌ی کنونی را گزیده ریخته و ۳۳ شهرساز و معمار برگزیده در کتاب را در آن جای داده‌اند. در بخش بعدی پدیدآورندگان پیش‌برده‌ای برای کتاب نگاشته‌اند که در آن خودجوشی در تحولات در زمینه‌ی شهر و شهرسازی را پیش کشیده‌اند و آن را نمود نوآوری [= مدرنیته] دانسته‌اند، سپس با نگاهی گونا به دوره‌های تاریخی، معماری و شهرسازی ایران معاصر، آن را به چهار دوره‌ی مشخص: ناصری، رضاشاهی، محمدرضاشاهی و دوره‌ی پس از انقلاب تقسیم کرده‌اند. پس آنگاه تعاریفی چند از واژگانی به دست داده‌اند که در سراسر کتاب پیانی به کار رفته‌اند مانند: نوآوری [= مدرنیته]، نوگرایی [= مدرن بودن]، نوآوری [= مدرنیسم]، نوپردازی [= مدرنیسمیون] و نوپرداز [= مدرنیسمیونیت].

پدیدآورندگان کتاب را در چهار پرده و پرده‌ای پسین به تمایز درآورده‌اند که هر یک چندین "صحنه" را دربرمی‌گیرد: پرده‌ی نخست روزگار ناصری، سال‌های ۱۲۵۶-۱۲۷۵ خورشیدی که به آن اولین پژواک نوآوری در معماری و شهرسازی ایران (سبک تهران) نام داده‌اند که دو صحنه‌ی معماری و شهرسازی را در بر گرفته است.

پرده‌ی دوم، روزگار رضاشاهی، میان سال‌های ۱۳۱۰-۱۳۲۰ که نام اولین پژواک نوآوری (مدرنیسم) و دومین پژواک نوآوری (مدرنیته) [الگوی تهران] نام گرفته و دو صحنه‌ی پیشگفته در پرده‌ی نخست را تکرار کرده است.

پرده‌ی سوم، روزگار محمدرضا شاهی، سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ خورشیدی که نوپردازی [= مدرنیسمیون] یکسویه از بالا به پایین خوانده شده و در صحنه‌ی معماری به نوپردازان، نوست‌گرایان و حالت‌گرایان پرداخته و در صحنه‌ی دوم جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر را تصویر کرده است.

پرده‌ی چهارم که روزگار پس از انقلاب [۱۳۶۰-۱۳۸۰ خورشیدی] را در برمی‌گیرد نوپردازی [= مدرنیسمیون] دو سویه را در فرآیند فرهنگ‌گرایی Culturalism، نوآوری Modernism و قرا نوآوری Post-Modernism بازگو کرده است. پس از پرده‌ی پسین، بخش "جنگ" آغاز می‌شود که بیشترین گنج کتاب [صفحه ۷۶ تا ۱۲۸] را در خود جای داده و شهرسازان و معماران ۳۲ گانه را در فرآیند پیش‌گفته نشانده است. این فصل از درازمدت‌ترین و پرکشش‌ترین بخش‌های کتاب شمرده می‌شود؛ زیرا پدیدآورندگان به سراغ کسانی رفته‌اند که هنوز کار می‌کنند و پرتلاشانند. به جز درگفتگان "هادی میرمیران"، "باقر آیت‌الله زاده‌ی" و "منوچهر مزینی"، ۲۹ تن دیگر همچنان بر صحنه شهرسازی و معماری ایران می‌درخشند که در میان آنان دو بانوی شهرساز و معمار نیز دیده می‌شوند: "سربین قبیله" و "زهرا ترانه‌ی" یلدا. در میان این برگزیدگان ایرج اعتصام، پیشکسوت معماران


و شهرسازان، زاده‌ی ۱۳۰۹ خورشیدی که دانشنامه‌ی دکتری خود را در ۱۳۳۹ از دانشگاه فنورانس ایتالیا گرفته و جوان‌ترین آنها زهرا ترانه‌ی یلدا، زاده‌ی ۱۳۳۳ که وی نیز از ایتالیا دکتری معماری و از پاریس دکتری شهرسازی گرفته است. این چنگ پربار در واقع فرهنگ شهرسازان کنونی ایران است. این فرهنگ، شهرسازان را بر پایه‌ی نگرش به فرهنگ‌گرایان یا زیربخش‌های اصول‌گرایان، "سنت‌گرایان" و "تاریخ‌گرایان" تقسیم کرده است. برای نمونه "محمدرضا حلثی" را در میان سنت‌گرایان جای داده و "حسین سلطان‌زاده" در میان تاریخ‌گرایان دیده می‌شود. پدیدآورندگان برای هر یک از برگزیدگان در یک پیرایند [کادر] زادمان و دانشپایه‌ی وی و دانشکده‌ی را که در آن درس می‌گویند آورده‌اند. در بخش بعدی "دیدگاه" او را برگرفته از نگاشته‌های اوست آورده و در بخشی دیگر "نظریه‌های" شهرسازانه آن کس را پیش نهاده‌اند و در پایان گزیده‌ای از کارهای نوشتاری هر فرد را آورده‌اند تا شناختی بیشتر از کارهای نوشتاری و آثار او به دست دهند. در فرگرد دوم از فرهنگ، برگزیدگان به "نوگرایان" یا چهار زیربخش "بوم‌گرایان" که ایرج اعتصام، "غلامرضا پاسیان حضرت" و "منصور فلاسکی" در میان آنها دیده می‌شوند. "ساختارگرایان" که "سهراب مشهودی" در پای آن نشسته و "نوپردازان" که در میان آن‌ها احمد سعیدنیا، منوچهر مزینی و هادی میرمیران در این رده جای گرفته‌اند و حالت‌گرایان که نام "داراب دیبا" را در میان خود دارند. در سومین تقسیم "قرا نوآوران" دو زیربخش "قرا نوآوران واقع‌گرا" و "نوست‌گرایان" را آورده‌اند که در پای اولی نام "محمد بهشتی" و در دومی "حسین بحریشی" و "محمود توسلی" ایستاده‌اند. گفتنی است که در واپسین بخش، کتابشناسی تکراری از نام مقاله‌ها و کتاب‌های ۳۳ تن برگزیدگان شهرسازی و معماری آمده است. بی‌آنکه سامانه‌های دیگر به جز آنکه در پایان پلله‌های مربوط به هر یک بوده داده باشند. علت این کار دانسته نیست. پدیدآورندگان برای نگاشتن این اثر از ۱۷ کتاب و مقاله سود جستند که ۹ منبع آن از دکتر محسن جیبی نویسنده‌ی اصلی اثر است. می‌ماند دوگانگی در برابر نهاده‌ی پاره‌ای از واژگان، مانند واژه‌ی Modernists یا نوشتار انگلیسی که برابر "نوآوران" برایش داده شده [صفحه ۱۱] و همین واژه با نوشتار فرانسوی Modernistes که برابر نهاده‌ی نوگرایان برایش نوشته‌اند و سرانجام جلدی نه چندان درخور برای کتابی ماندنی که می‌توانست از "طراحی" بهتری به‌ویژه در خط نوشتار و تابلوی نقاشی برخوردار باشد. صحافی سست و بد کتاب که امروزه دامنگیر بسیاری از کتاب‌ها شده، این باور را دیکته می‌کند که کتاب کالایی مصرفی است نه یک بنای ماندگار فرهنگی. در پایان دست مریزادی برای شاگردانی وفادار که به یاری استاد شناخته‌اند تا کاری نو را با زبانی تازه و دلنشین بنیاد نهند. شهردارها این کتاب را مرجع تازه می‌دانند و خواندن آن را به همه‌ی شهروندان توصیه می‌نمایند. امید آنکه در چپ‌ی دیگر، تصویری کوچک از برگزیدگان یا زندگینامه‌ی گسترده‌تر بر آن افزوده شود.



and 4 and in chapter 5 the employment situations of municipality employees have been explained. But despite other countries, municipalities in Iran were governmental institutes. the mayors were elected by the government and all of municipality members were governmental employees. At the beginning, the municipalities were under the control of ministry of interior. These approaches were continued until the establishment of Islamic Rural and Urban Councils, 20 years after Islamic revolution. But nowadays, the municipalities are not independent

local government and lack of unique urban management is one of the main obstacles for them. Therefore it requires basis and time to understand and continue the right way.

One hundred years of background is an invaluable experience to achieve the objectives. But the development is not sufficient for 100 years which may be contributed to political cultural and economical changes. The rate of development should be increased by defining the fundamentals and compensate for the laziness to approach the utopia sooner.



gradually. The first official institutes for governing cities dates back to several decades before Mashrooteh during Ghajariyeh era. The first of them was Ehtesabiyeh organization consisted of two branches of Ehtesab and Tanzif. The main responsibility of this institute was organizing the merchants, managing general needs of city, supervising the citizens and controlling them to obey the regulation. In Ehtesabiyeh, the rules were announced from governors to sheriffs as the managers of Ehtesabiyeh and by that the cities were governed. The municipal officers were the assistants and executive arms of sheriffs to govern the city. Because there were no absolute law to govern the city and to determine the duty and rights of the citizens, the governors and their executives decided on such affairs based on their personal minds. The municipalities' activities on its modern approaches date back to the years after Mashrooteh.

The National Consultive Assembly ratified the Baladiye law in 1286. This law was based on municipality law of countries like Belgium and France and was announced to corresponding organizations two years later and was implemented partly in some cities. Reviewing the negotiations made by National Consultive

Assembly at those times indicates that they aimed mainly at "providing people with livelihood and cleaning the pass roads" which shows their care and consideration on urban affairs. Commercial, military and strategical importance was one of the other reasons for establishment of municipalities in Iran.

In the first period, from 1286 to 1304 with the down of Pahlavi monarchy, 16 municipalities established in Iran in the Baladiye law, municipalities were considered and independent institution. To achieve this, requires the independent city councils which were not formed in Iran yet. None of local authority or government desired the establishment of local councils by the direct vote of public. The second chapter of Baladiye law describes how to form the city councils and how to elect the members and shows their duties. The Baladiye law of 1286, includes 5 chapters: In the first chapter called general rules, the goals, duties and responsibility of the mayor were described. The second chapter paid attention to how to constitute the city councils, elect members and their responsibilities. The strategies, responsibilities and members, authority and duties and controlling and supervising of subsidiaries are described in chapter 3



That unique law was prescribed for all the cities in Iran and the legal executives were guarantee for its implementation. The results of their action can be easily seen. Some improper performance has caused long term problems to their cities.

It is recommended to call the celebration of 100th anniversary a cultural festival for urban identity to be proud of what we have established and compensate for the weak points by modern knowledge and give appropriate patterns for new cities.

If we try to write down and document those activities, my be 100 years later, at the beginning of 200th anniversary, we have many resources to review the background to step forward by certain. Documentation of what have been done is a reference to future.

3


The city belongs to all the people and it should provide them their needs completely. All the aspects of life should be visualized in the city. Achieving utopia and a model city by a perfect law and honest executives is not just a dream. The religious ideal city can be approached by endeavor and honesty in function. Reviewing what has occurred in cities and creating strategies and mixing them with the art, results in

insolubility of social movements and will be an excellent pattern for the future generation.

A clean, green, active, cultural, tradition-oriented and modern city will be achieved by emphasizing on solving environmental problems and by enriching its culture and preservation of religious and historical identity considering its long-time background and by enlightening its strength and removing weak points.

The emphasize of religion on social movement will introduce the religious spiritual in frame work of city and appropriate space. History can teach us many concepts and our excellent background can be the best command for a better future respecting the 100th anniversary of municipalities is a pretext to respect the good and valuable activities done by the pioneers and to continue their path and registering those activities in any possible way (like books, museums, documents, etc.). This can be an attempt to say the managers where we are trying to reach.

Constitutional revolution (Mashrooteh) was the emblem of public will to participate in appointment of their destiny. The effects of Mashrooteh in every affairs, like management have been revealed



year as of us. Kuala Lumpur municipality has been created after World War II.

Now those who are concerned about the urban affairs and think about the future of cities have to consider the first activities done by pioneers to act in write ways.

2

Khordad 1386 was the hundredth anniversary of establishment of "Baladiye" (municipality) law. In 20 Rabi-ol-sani 1325, 12th of Khordad 1286, the National Consultive Assembly approved the municipality law and by that, the municipalities established in Iran. That was a new approach to urban management in Iran. The first paragraph of "Baladiye law" starts with: "The main goal of "Baladiye law" is to support the citizen's interest and supplying their needs"

in the hundredth anniversary of approbation of this law, by respecting one hundred year of municipalities' activity, we aim at retrieving lost identity and take a glance at our ancient civilization to survey it thoroughly. Urbanization in Iran has more than one hundred years background. The historical evidences show that we are among countries with the most number of cities during an era before the advent of Islam.

Even the "burnt city" belongs to pre-history era and during Hakhamaneshian, Sasanid and Islamic period, some cities like Hekmatane, Sarvestan, Izadkhast and even older cities like Sialk had been established. There are some relics and some sense of life visible in those ancient places. Those backgrounds are proofs that we have our own style in urban management although the Baladiye law was established 100 years ago, we have much more historical background than that. The main goal of the municipality's law as attested by history was "complying the needs" of citizens. These needs are illustrated in the next paragraph which shows "Baladiye" scrutinizing; cleaning the pass ways, distributing water and electricity, preventing beggars, drawing special maps, encountering incidents like fire accident, insuring buildings, Propagating information and assisting in establishing libraries, museums, maintenance and repairing mosques, schools and old monuments, creating bazaars and soup kitchen are some of Baladiye responsibilities.

These responsibilities constitute the identity of the city. This identity is valuable for all the citizens and municipalities as the most popular institutes accepted the variety of those duties.

selling wine.

2- Tanzifiye: was responsible for cleaning pathways, allies and squares of cities. This innovation can be the Souvenirs of Naser-al-din Shah to the Europe in 1873, 1878, 1889. The Europe at that time was involved by revolutions and European leaders were seeking for peace and comfort. The Iranian king also was looking for clean and brisk cities like Paris, Vienna and London; but he never realized that the foundation of Iranian cities was basically vulnerable.

We can imagine the Tehran at that time from the books like "Old Tehran" by Ja'far Shahri which shows how dirty and untidy was Tehran at those periods. Shahri wrote that " ...Jabba Khane street... was dirty and full of mist in summers and full of mud and slush in winters. The street was a place for the gathering of salesmen, vendors, workers and cart driver and a place for cleaning and feeding horses. That was one of dirtiest places in Tehran. (Shahri, p.63) The writings of shahri about Iranian cities at the end of Ghajariye, resembles a fable for people nowadays. "The trench was a place for settlement of waggish, prostitutes, gypsies, immigrants and homeless people. There were lots of bandits and vagrants in those areas..." In another image given by Shahri: "...the water was provided by some

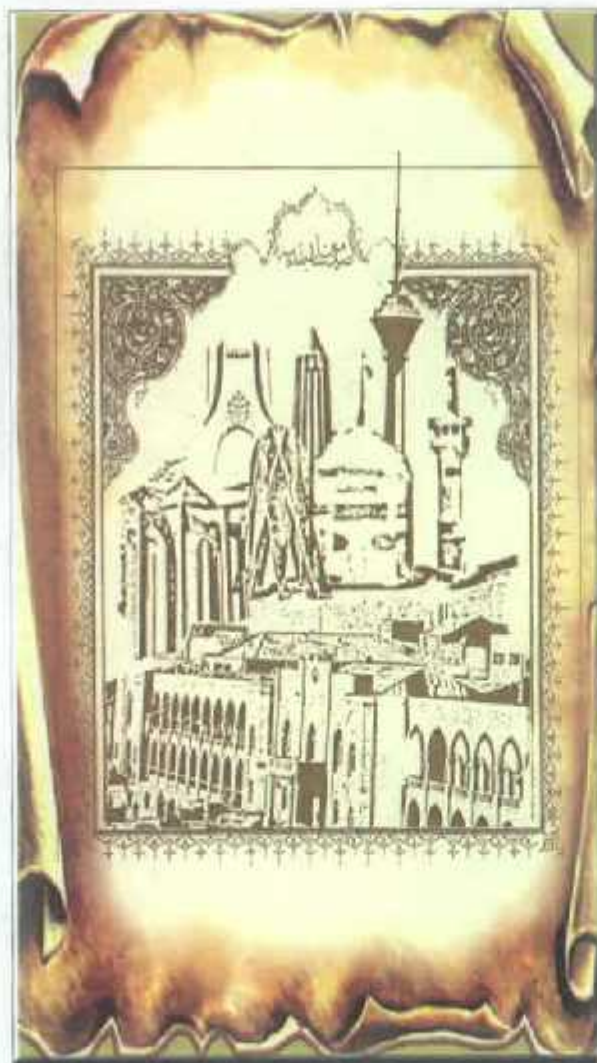
spring flowing through channels which also carries the sewage and only those who were near the spring-head had access to clean water. In any journey of the king to the Europe he had compared Tehran to the European capitals like Vienna or Paris. Creating "Lalezar Street" was an example of those madbrained decisions. There were some trees at both sides with flowers and fences around. They were trying to create a copy of Champs Elyseés Street..."

By one hundred years of background we mean the approbation of the written law which was the basis of an organization which has improved and propagated during years. The birth of this law dates back to the "Mashrute" period. After endorsement of "Mashrute" law by Mozaffar-ol-din Shah and reinforcement of local and state organizations, they could govern big cities like Tehran, Isfahan, Tabriz and Rasht. The year after, the members of the first period of parliament, has assigned a law called "Baladiye law" in 12 of Khordad 1286.

This incident has happened in European countries many years before. For example London was governed by mayors and city councils in Richard I era (1189-1199). This means 820 years of background. But Japanese "union of municipalities" was founded approximately in the

At the Beginning of one Century of History

Translated by: Javad Porvazn



1
Considering the fact that Mohammad Hasan Khan Sani-ol-Dole known as Etemad-ol-Saltane was the first Iranian mayor, we can claim that the history of Iranian municipality has more than hundred years of background.

Etemad-ol-Saltane was assigned by Naser-al-din Shah for directing a governmental institute called "Tanzifiye and Ehtesabiye". Those institutes can be called a foundation for modern municipalities.

1- Ehtesabiye: This word date back to Aamavid and Abasid dynasties. They were the agents to prevent overcharging shortchanging and all illegal actions like winebibbery and

Contents

| | |
|--|-----|
| Notes | 4 |
| Special Report | |
| One Hundred Years of Achievement by Municipalities/ A. Jalali- D. Jalali | 5 |
| Idea and Research | |
| Urban Heat Islands; Warmer Cities/ Sd. M. Hashemi- S. Zanganeh | 14 |
| A Review on the Green Movement Ideas in relation with City/ H. Hatami Nejad- B. Omran zade | 18 |
| The Relation Between Human Settlement and Nature in Zagros/ A. Rastande- M. Jalili | 23 |
| Dialogue | |
| Continuous Steps During A century of Municipality/ A. Jalali | 28 |
| Municipalities' centenary | |
| A Unique Endeavour to Solve an Old Problem/ D. Jalali | 33 |
| Urban Law | |
| The Seeds of Baladiye Formation/ A. Sadeghi- F. Kazemi | 41 |
| From The Viewpoint of Mayor | |
| Bandar Abbas: A City-Harbour With Many Faces/ A. Sarace | 44 |
| The Old Mayors | |
| Mohmoud Sharif Homayoun/ V. jalali | 50 |
| An Architect: Woman; As a Mayor/ F. Roor Rokh | 54 |
| City and Design | |
| Istahan; Half of the World/ D. Hashemi | 57 |
| Instruction | |
| City of Dreams/ Mohammad Hadi dasoodi | 62 |
| The Souvenir | |
| Tehran in 117 Year ago/ Ahmad Amin | 64 |
| Point Of View | |
| The Existing Structure of City Planning and Its Effects on Urban Management/ Sd. M. Alamdari | 70 |
| Centenary Research | |
| The Anjuman Baladiye Newspaper; A Relief after Severity/ M.R. Ketabi | 74 |
| Report From Old Years | |
| The Report of A Protest/ M. Zamani | 77 |
| Istahan; From Plain Alleys to Paved Street/ M. R. Ketabi | 78 |
| The Story of an 50-year Old Building/ D. Hashemi | 81 |
| Gonbad Kuvoos/ Bandar Gaz/ Baladiye Naghada/ Mashhad Municipality/ A. Afshar | 84 |
| Councils and Participation | |
| The Approval of Administrative Structure of Tehran Baladiye/ M. Bizhani | 91 |
| The able of City | |
| A Beautiful Action; Welcoming The Future Citizens/ L. Mohammadi | 93 |
| Identifying Sociological Participation of Citizens in Urban Affairs/ M. Niazi- M. Karkonan | 94 |
| Word Experience | |
| United Cities and Local Governments/ M. Zainali | 98 |
| Darkness and Dawn in Persian Capital/ Ammar Davoodi, Javad Forvazn | 101 |
| World Cities and Municipalities | |
| The Assessment System of Municipalities' Performance/ A. Jafari | 104 |
| Brief News | |
| News from the Beginning of the Century/ H. Garshabi | 107 |
| News Report | |
| Earth Has Warned Tabriz, Shahrdary Treasure Museums in Tabriz/ M Rostamkhani | 110 |
| Cities At a Glance | |
| Arak, Isfahan, Ahwaz, Bandar Abbas, Tehran, ... / A. Afshar | 114 |
| City Statistics | |
| The History of City Statistics in Iran/ D. Jalali | 115 |
| Urban Terms | |
| Globalization, Urban Ecology/ J. Forvazn | 124 |
| Websites | |
| Khey Municipality/ Farzad Torfeh | 125 |
| New Publication | |
| An Step to survey Ideas on City/ A. Jalali | 126 |
| English Part /Javad Forvazn | 133 |

86

Shahrdariha

Monthly Journal of Information
Educational and Research on
Urban Management And Planning
No.86, February&March 2008

- One Hundred Years of Achievement by Municipalities
- A Review on the Green Movement Ideas in Relation with City
- A Unique Endeavour to Solve an Old Problem
- Bandar Abbas; A City-Harbour With Many Faces
- United Cities and Local Governments
- The Assessment System of Municipalities' Performance





وزارت کشور
Ministry of Interior



سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور
Urban & Rural Municipalities Organization

نمایشگاه بین‌المللی

حمل و نقل، خدمات شهری و دستاوردهای شهرداری‌ها

The Int'l Exhibition of
Transportation, Urban Services
and Country Wide Municipality's Achievements

سومین همایش ملی فضای سبز و منظر شهری

The 3rd Congress on Urban Landscape and Greenspace



به مناسبت گرامیداشت یکصدمین سال تاسیس شهرداری‌ها در ایران

برگزار کننده:

AVIN

INT'L CORPORATION

گروه بین‌المللی آوین

ستاد برگزاری نمایشگاه

تلفن ۲۲۰۲۰۲۴۸

دورنگار ۲۲۰۱۸۵۹۸

www.kiutex.com

روابط عمومی سازمان

شهرداری‌ها و دهیاری‌ها

تلفن ۶۳۹۰۲۱۹۲

www.imo.org.ir

KIUTEX 2008

مرکز نمایشگاه‌های بین‌المللی کیش

۲ تا ۵ اسفند ماه ۱۳۸۶

Kish International Exhibition Center

21 - 24 Feb. 2008



سازمان منطقه آزاد کیش
Kish Free Zone
Organization



مرکز توسعه تجارت کیش
Kish Trade
Promotion Center

www.kiutex.com